اطلاعات

چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۳ ـ ۱۸ محرم ۱۴۳۶ ـ ۱۲ نوامبر ۲۰۱۴ ـ سال هشتادونهم ـ شماره ۲۶۰۱۷ ـ ۱۶ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه ـ ۲۰۰ تومان

جهانگیری: اتکا به علم و فناوری اصلی ترین جهت گیری دولت است

* برای شرایط ادامه تحریم‌ها هم برنامه داریم
* وجود افراد رانت‌خوار و زمینخواری از دغدغه‌های مهم دولت در استان البرز است
* قطار اقتصادی کشور باید در مسیر صحیح خود به حرکت در آید

صفحه ۹

فواد معصوم: آیت‌الله العظمی سیستانی عراق را از بحران نجات داده‌اند

* نگاه مرجعیت سبب وحدت عراقی‌ها شده است
* موسسه «الاعتصام» وابسته به داعش کشته‌شدن البغدادی را تایید کرد
* «الیمنی»، یکی از معاونان سرکرده داعش در فلوجه به هلاکت رسید

صفحه ۱۶

برای مقابله با کم‌آبی

٤ میلیون هکتار اراضی کشاورزی به سیستم آبیاری نوین مجهز می‌شود

* معاون اقتصادی وزیر جهاد کشاورزی: طرح آبخیزداری و آبخوانداری ۱۱ میلیون هکتار اراضی کشور به زودی تقدیم دولت می‌شود
* نیاز سالانه کشور به گندم ۱۱ میلیون تن و تولید امسال ۱۰/۵ میلیون تن است
* ۱۰۰۰ میلیارد تومان میان ۷ بانک برای خرید تضمینی محصولات کشاورزی تقسیم شد و بزودی کل بدهی‌ها به کشاورزان پرداخت خواهد شد
* کار واگذاری صنایع تبدیلی و تکمیلی به بخش کشاورزی در حال انجام است
* برنج و شکر امسال وارد نخواهد شد
* یک میلیون هکتار زمین کشاورزی کشور با ۱۰ میلیارد دلار اعتبار ساماندهی می‌شود
* طهماسبی معاون زراعت و باغبانی وزارت جهاد کشاورزی: یک میلیون و ۹۰۰ هزار تن پرتقال امسال در کشور تولید شده و نیازی به واردات آن نیست

سرویس اقتصادی: وزارت جهاد کشاورزی توان اجرا و استقرار سیستم‌های نوین آبیاری (تحت فشار و کم فشار) در ٤ میلیون و ۱۰۰ هزار هکتار اراضی کشاورزی کشور طی ۱۰ سال آینده را در صورت تامین اعتبار مورد نیاز دارد.

به گزارش خبرنگار ما، دکتر بخشنده معاون اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت جهاد کشاورزی با اعلام این مطلب در جمع خبرنگاران، اعتبار مورد نیاز این طرح را ۱/۱ میلیارد دلار اعلام کرد و گفت:

بقیه در صفحه ٤

دیدار معاون اول رئیس جمهوری عراق با دکتر روحانی

رئیس جمهوری: تروریسم و توطئه کاهش قیمت نفت از مشکلات جدی منطقه است

صفحه ۲

رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم تکریم و معارفه رئیس سازمان صداوسیما:

باید با مردم، تعامل عقلانی داشته باشیم

* دکتر لاریجانی: اگر می‌خواهیم سبک زندگی توحیدی داشته باشیم، باید مبنای رفتار ما در اجتماع عقبه‌ای عقلانی داشته باشد
* تلاش‌های رسانه ملی باید با زبان نرم و ارتباط متین و مهربانانه صورت گیرد
* برنامه‌های مفرح رسانه ملی می‌تواند به پیشرفت جامعه کمک کند
* دکتر سرافراز: رسانه، باید اسلامی با رسالت جهانی باشد
* توسعه کمی و کیفی برای رسانه ملی لازم است
* ضرغامی: رهبری می‌دانستند که برای آزمون و خطا وقت نیست و باید کار را با سرعت شروع کرد

سرویس فرهنگی ـ هنری: رئیس مجلس شورای اسلامی در مراسم تکریم عزت‌الله ضرغامی و معارفه دکتر محمد سرافراز رییس سازمان صدا و سیما که دیروز با حضور مقامات لشکری و کشوری، مدیران صداو سیما، هنرمندان و اهالی رسانه در سالن همایش‌های بین‌المللی صدا و سیما برگزار شد، راه خروج از مشکلات اقتصادی را تعامل عقلانی با مردم دانست.

به گزارش خبرنگار ما، پس از قرائت حکم رهبر معظم انقلاب،

بقیه در صفحه ۳

نوبخت: ۲٤٦ طرح عمرانی تا پایان سال به بهره‌برداری می‌رسد

* پیش‌نویس بودجه سال ۹۴ دوم آذر تقدیم دولت می‌شود
* سازمان مدیریت در دوره جدید با رویکردی متفاوت و در عین حال چابک‌تر، فعال و نظاره‌گر طی چند هفته آینده پا به عرصه خواهد گذاشت
* بودجه سال آینده منقبض‌تر از بودجه امسال خواهد بود
* بانک‌ها ۱۱۳ هزار میلیارد تومان در بخش عمرانی تسهیلات داده‌اند

صفحه ٤

دکتر احمدی دانش آشتیانی به عنوان وزیر پیشنهادی علوم به مجلس معرفی شد

* عضو هیأت رئیسه مجلس اعلام کرد که جلسه رأی اعتماد به وزیر پیشنهادی علوم سه‌شنبه آینده برگزار می‌شود
* گزارش تحقیق و تفحص مجلس از واردات کالاهای اساسی به قوه قضائیه ارجاع شد
* واردکنندگان در ازای اعلام قیمت غیرواقعی، ارز بیشتری با نرخ مرجع دریافت و به واردات کالاهای دیگر یا فروش ارز در بازارهای آزاد اقدام کرده‌اند

صفحه ۲

محک
خوش بود گر محک تجربه آید به میان
ابوالقاسم قاسم‌زاده

از مسقط به ژنو!

بعد از چهار روز مذاکره ایران و آمریکا با حضور خانم اشتون نماینده سیاسی گروه ۱+۵ در مسقط مرکز کشور عمان، خبرنگاران از کشورهای جهان هیچ اطلاعی را نتوانستند مخابره کنند و تنها همه برداشت‌های خود را با جمله مذاکره پشت درهای بسته انجام گرفت و کاملا محرمانه بود، اطلاع دادند. هر دو طرف ایرانی و آمریکایی از عمیق بودن شکاف اختلاف باقی مانده بر سر چند مورد بسیار پیچیده و مهم اظهارنظر کردند که ادامه گفتگوها از مسقط به ژنو انتقال پیدا کرده است و هنوز امیدواری وجود دارد تا ۳ آذرماه آینده ـ روز پایانی دور مذاکرات ـ به توافق دست پیدا کنند. مسئولین رسمی ایران و آمریکا اعلام موافقت دو طرف در ۳ آذرماه را پیش‌بینی کرده‌اند، حتی اگر این توافق جامع نباشد و یا منجر به بیانیه نهایی و کامل نگردد. شواهد نشان می‌دهد که گفته‌های دو طرف مبنی بر اینکه در بیش از ۹۰ درصد از موارد اختلافی به توافق رسیده‌اند، واقعیت دارد، از جمله این شواهد اقبال وسیع کمپانی‌ها و شرکت‌های بزرگ صنعتی و تجاری کشورهای اروپایی است که نمی‌خواهند از قافله تجدید روابط با ایران عقب بمانند. در عمل نگاه این کمپانی‌ها و شرکت‌های اروپایی درباره ادامه تحریم‌ها و تناسب آن با پرونده انرژی هسته‌ای ایران، تغییر و تحول پیدا کرده است و بازاریابی مجدد در ایران محور عمده اقدام‌های آنها شده است.

در آمریکا نیز سیاست هر دو حزب حاکم (جمهوریخواهان و دمکراتها) به شکست مذاکرات نیست اما تا آنجا که می‌توانند می‌خواهند در همین مقطع درخواست‌های خود از جمهوری اسلامی ایران را تحقق بخشند. بر این اساس است که نمایندگان ایران در مذاکرات از «زیاده طلبی» آمریکایی‌ها یاد می‌کنند که موجب کُندی در پیشرفت دستیابی به توافق نهایی شده است و در مقابل مسئولین آمریکایی مدام این گزاره را تکرار می‌کنند که ایران باید تصمیم سخت و دشواری را برای رسیدن به توافق جامع اتخاذ کند.

وزیر خارجه جمهوری اسلامی ایران می‌گوید: ایران سقف تعامل و همکاری برای رسیدن به توافق جامع را ارائه و مطرح کرده است، اما آمریکا با طرح پیشنهادهای جدید در عمل در تحقق آن اخلال ایجاد می‌کند. وزیر خارجه آمریکا نیز از «گارانتی کامل و قاطع» برای حصول به توافق جامع نام می‌برد. در این میان هر دو طرف قبول دارند که بیش از ۹۰درصد موارد اختلافی از طریق مذاکرات کارشناسان دو طرف به نتیجه رسیده و مشکلات آن برطرف شده است. اگر این گفته‌ها را از گفتارهای صرفاً سیاسی جدا کنید، در ظاهر تا روز ۳ آذرماه در ژنو توافقی اعلام خواهد شد. پرسش این است آیا دور جدیدی از مذاکره بعد از تاریخ ۳ آذرماه تمدید و اعلام خواهد شد و یا این تاریخ، پایان کار خواهد بود؟ وزیر خارجه روسیه و وزراء خارجه انگلیس، فرانسه و آلمان از تمدید دور جدید خبر داده‌اند و ۳ آذر ماه به قول وزیر خارجه روسیه روز مقدسی نیست که نتوانیم ادامه کار دهیم. بسترکاری گفتگوها نشان می‌دهد که اولاً هر دو طرف تلاش دارند تا از شکست فاجعه‌بار اجتناب کنند.

ثانیاً بر کارنامه مذاکرات طولانی و دست‌یابی به موارد بسیاری از توافق خط بطلان نکشند. ایران و آمریکا در این موضع‌گیری مشترک‌اند که هنوز امکان و فرصت برای دستیابی به توافق نهایی تا ۳ آذرماه وجود دارد، لذا ضرورتی ندارد که امروز درباره تمدید زمانی آن اظهار نظر کرد.

از موارد دیگر که آمریکایی‌ها (کاخ سفید) در هر مصاحبه‌ای تکرار می‌کنند، حراست از منافع اسرائیل است که بعد از نشست مسقط سخنگوی کاخ سفید بار دیگر گفت: ما نتایج هر دور از گفتگوهای خود با ایران را به اطلاع دولت اسرائیل می‌رسانیم و به آنها اطمینان می‌دهیم که دستیابی به توافق نباید مغایر با منافع آنها در منطقه گردد! اینگونه موضع‌گیری دولت اوباما، دو نشانه دارد: اول قدرت لابی صهیونیست‌ها در واشنگتن، دوم، ضعف دولت اوباما در برابر رژیم صهیونیستی که همین روزها بعد از جنگ «غزه»، جنگ و کشتار را در کرانه باختری، قدس شریف علیه فلسطینیان به راه انداخته است. آمریکایی‌ها غافلند که با اینگونه رفتار سیاسی و موضع‌گیری‌های رسمی جایگاه انقلابی و نفوذ جمهوری اسلامی ایران را در جوامع عربی منطقه، بخصوص در فلسطین اشغالی و در میان اقشار مردم فلسطین تحکیم می‌بخشند و نفرت از آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه را تشدید می‌کنند.

در داخل آمریکا هر دو حزب حاکم (جمهوریخواهان و دمکرات‌ها) از افکار عمومی مردم آمریکا نگرانند که در صورت شکست مذاکرات با ایران، مردم آمریکا چنین شکستی را به معنی احتمال جنگ جدید در خاورمیانه ارزیابی می‌کنند، نمی‌خواهند به عنوان بسترساز و مسئول جنگ احتمالی شناخته شوند. جامعه امروز آمریکا از شروع هر جنگ جدیدی نفرت دارد و با آن مخالفت شدید ابراز می‌کند.

اکنون و هنوز مذاکرات ادامه دارد در حالی که ساختار طرح تحریم‌ها علیه ایران ترک برداشته است و در اروپا و آمریکا مردم از ادامه اخبار پرونده هسته‌ای و تحریم‌ها علیه ایران خسته شده‌اند. در آشفتگی و بحران خاورمیانه، از نگاه مردم در غرب (آمریکا و اروپا) ایران از بالاترین نسبت امنیت برخوردار است و مدام از آمادگی خود برای ایجاد خاورمیانه عاری از سلاح‌های کشتارجمعی و رسیدن به امنیت و صلح پایدار خبر می‌دهد. مجموعه این کنش‌ها و واکنش‌ها نشان می‌دهد که انتقال ادامه مذاکره از مسقط به ژنو و تلاش برای رسیدن به توافق (حتی حداقلی) هنوز امکان‌پذیر است.

عراقچی: هنوز نمی‌توانیم ادعای پیشرفت در مذاکرات را داشته باشیم

نهمین دور مذاکرات جامع هسته‌ای دیروز به ریاست محمدجواد ظریف وزیر امور خارجه ایران و کاترین اشتون هماهنگ کننده گروه ۱+۵ (آلمان، فرانسه، انگلستان، روسیه، چین و آمریکا) و نخستین بار در مسقط پایتخت عمان برگزارش شد.

تا آخرین لحظه پشت میز مذاکره خواهیم بود

عراقچی عضو ارشد تیم مذاکره کننده هسته‌ای کشورمان دوشنبه شب پس از پایان مذاکرات سه جانبه ظریف، کری و اشتون در محل مذاکرات ایران و ۱+۵ در هتل البوستان مسقط در جمع خبرنگاران ایرانی گفت: در صورت وجود اراده سیاسی واقعی در طرف مقابل و با توجه به راه‌حل هایی که مطرح شده و پیشنهادها و ایده‌هایی که بخصوص از طرف ایران ارائه شده، ظرفیت رسیدن به یک راه حل و توافق مورد قبول وجود دارد. وی افزود: ما تا آخرین لحظه پشت میز مذاکره خواهیم بود، به اعتقاد ما رسیدن به یک تفاهم تا قبل از ۲۴ نوامبر (۳ آذر) شدنی است و حداقل در خصوص کلان قضیه و موضوعات اصلی رسیدن به راه‌حل امکانپذیر است.

مذاکره کننده ارشد هسته‌ای ایران گفت: هنوز نمی‌توانیم ادعای پیشرفت در مذاکرات کنیم.

این عضو تیم مذاکره کننده هسته‌ای کشورمان گفت: همه طرف‌ها جدی هستند و ما تصمیم داریم هرچه قدر که نیاز باشد مذاکرات را تا سوم آذر ادامه دهیم.

وی همچنین با اشاره به برگزاری ملاقات‌های دو و سه جانبه میان هیات ایران و اعضای گروه ۱+۵ در روز سه‌شنبه افزود: ابتدا ملاقات دو جانبه با هیات روسیه و چین صورت گرفت و بعد از آن با کشورهای اروپایی جداگانه و سه جانبه گفتگو انجام شد. معاون وزیر خارجه کشورمان درباره مذاکرات دو روز گذشته سه جانبه میان وزیران خارجه ایران و آمریکا و کاترین اشتون، هماهنگ کننده ۱+۵ در مذاکرات گفت: مذاکرات از ابعاد و پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است و بعد از ساعت‌ها نمی‌توان گفت پیشرفت کرده‌ایم یا پس رفت داشته‌ایم. بلکه مذاکرات در همه ابعادش ادامه دارد و هر مساله با ابعاد سیاسی فنی ـ حقوقی است بررسی می‌شود.

عراقچی گفت: موضوع کلیدی چگونگی برداشته شدن تحریم‌ها بود که از چهار مسیر شورای امنیت، اتحادیه اروپا، کنگره آمریکا و دستورات اجرایی رییس جمهور آمریکا علیه ایران اعمال شده است. وی ادامه داد: هم‌چنین موضوع غنی‌سازی و ابعاد آن موضوع مذاکرات سه‌جانبه بود. این که غنی‌سازی در هر تاسیسات به چه شکل باشد و میزان ذخایر اورانیوم غنی شده به چه شکل. همچنین راکتور تحقیقاتی اراک و سایت فردو از دیگر مسایل مورد بحث بود که به طور فشرده بر روی آن‌ها گفتگو شد.

این عضو تیم مذاکره کننده هسته‌ای کشورمان در ادامه با تاکید بر این که هنوز هیچ توافقی صورت نگرفته است اظهار داشت: تفاوت این مذاکرات با چند دور مذاکرات قبل این است که در مذاکرات اخیر بر روی راه‌حل‌ها متمرکز هستیم. الان مشکلات مشخص است و برای هر موضوع راه‌حل‌ها در حال بررسی و مذاکره هستند. ما در هیچ موضوعی به راه‌حل قطعی نرسیده‌ایم. البته پیشنهاد و ایده‌هایی وجود دارد اما کماکان ایرادات و نگرانی‌ها نسبت به آن‌ها برای دو طرف وجود دارد.

معاون ظریف در پاسخ به این که اگر تا سوم آذر به نتیجه نرسید روند به چه شکل ادامه می‌یابد؟ گفت: همه موضوعات مورد بحث در مذاکرات به یکدیگر مرتبط هستند و این کار را سخت می‌کند. این که تا سوم آذر به نتیجه برسیم واقعا کار دشواری است و فرصت واقعا کم است ولی ما ناامید نیستیم، احتمالش هست که حداقل در کلان مساله و در موضوعات اساسی به یک تفاهم برسیم؛ احتمال این مساله وجود دارد و امیدواریم اما خوشبین نیستیم. عراقچی تنها نکته مثبت و قابل اعتنا در مذاکرات را جدیت همه طرف‌های مذاکره کننده دانست و افزود: ما برای رسیدن به توافق به تلاش خود ادامه می‌دهیم و اگر مقدور باشد و خیر و صلاح کشور باشد به آن می‌رسیم.

این دیپلمات برجسته کشورمان درباره اظهارات اخیر باراک اوباما و تاثیر آن بر مذاکرات تصریح کرد: در شرایط حساس خیلی نباید به فضاسازی‌های رسانه‌یی و سیاسی توجه کرد. مهم این است که ما شاهد جدیت هیات آمریکایی در مذاکرات و تمرکز آن‌ها برای رسیدن به راه‌حل هستیم. هر کشوری مواضع حقوقی و سیاسی خود را دارد و ما خیلی به این مواضع سیاسی اعتنا نداریم چرا که این اظهارات برای توجیه افکار عمومی داخلی خودشان و سیاست داخلی آن‌هاست.

مسأله تزریق گاز به سانتریفیوژهای IR-۵ حل شده است

دراین حال سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا گفت که کشورش مسأله تزریق گاز به سانتریفیوژهای مدل IR-۵ را با ایران در میان گذاشته و این مسأله حل شده است.

به گزارش ایسنا، بر اساس پایگاه خبری وزارت خارجه آمریکا، جن ساکی، در نشست خبری هفتگی خود در پاسخ به سئوالی در خصوص گزارش اخیر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی درباره ایران، گفت: من می‌دانم که مسأله شما درباره تزریق گاز به سانتریفیوژ مدل IR-۵ در ایران است. ما این مسأله را پس از انتشار گزارش آژانس با ایرانی‌ها در میان گذاشتیم که خیلی فوری حل شد.

سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا ادعا کرد: ایرانی‌ها به این فعالیت ادامه نخواهند داد.

به گزارش ایسنا، ادعای پذیرش تزریق گاز به سانتریفیوژ مدل IR-۵ از سوی ایران در حالی مطرح می‌شود که بر اساس توافق ژنو تحقیق و توسعه و آزمایش نسل‌های جدید سانتریفیوژ شامل تعلیق نشده است.

خبرگزاری کویت هم به نقل از یک مقام ناشناس عمانی گزارش داده است که وزیر خارجه آمریکا امروز برای جمع‌بندی مذاکرات ایران و گروه ۱+۵ به مسقط بازمی‌گردد.

مقام عمانی همچنین تصریح کرده است که مسقط تلاش زیادی می‌کند تا دیدگاه‌های طرفین در مذاکرات هسته‌ای را به یکدیگر نزدیک کند.

سخنگوی سازمان ملل هم با اشاره به دور جدید مذاکرات ایران و ۱+۵ در مسقط ابراز امیدواری کرد که موضوع هسته ای ایران از طریق گفتگو حل شود.

فرحان حق گفت: سازمان ملل مذاکرات ایران و گروه ۱+۵ را دنبال می‌کند.

ظریف: تا هفته آینده صبر کنید

محمدجواد ظریف، وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به پرسش خبرنگار عمانی درباره نتیجه مذاکرات سه جانبه هسته ای بین جمهوری اسلامی ایران، ایالات متحده آمریکا و هماهنگ کننده گروه ۱+۵، گفت: باید تا هفته آینده صبر کنید.

به گزارش ایرنا به نقل از روزنامه تایمز آو عمان، محمدجواد ظریف پیش از دیدار با معاون نخست وزیر عمان در مسقط پایتخت این کشور در پاسخ به سئوالی در خصوص پیشرفت مذاکرات هسته‌ای، گفت: شما باید تا هفته آینده صبر کنید.

معاون وزیر خارجه روسیه: نتایج به‌دست آمده بی‌سابقه است

معاون وزیر خارجه روسیه اعلام کرد: رسیدن به توافق امکان‌پذیر شده است و طرف‌های مذاکره کننده هیچ طرح دومی (طرح ب) به عنوان طرح جایگزین برای شکست احتمالی مذاکرات پیش از موعد نهایی ندارند.

به گزارش ایسنا، سرگئی ریابکوف، نماینده روسیه در گروه ۱+۵ در هتل البوستان مسقط در جمع خبرنگاران با بیان این که "طرف‌های مذاکره کننده در حال مسابقه با زمان هستند تا پیش از ۲۴ نوامبر به توافق نهایی برسند و در این رابطه قدم‌های بزرگی برداشته‌اند افزود: اکنون امکان قوی برای رسیدن به توافق نهایی وجود دارد. ما تاکنون نتایج مهمی به دست آورده‌ایم که سابقه نداشته است و این در واقع پیشرفت در حل پرونده هسته‌ای مورد مناقشه است.

او گفت: امکان توافق تا قبل از ۲۴ نوامبر وجود دارد گرچه ضمانتی برای آن موجود نیست.

ایران و روسیه قرارداد ۲ نیروگاه اتمی جدید امضا کردند

توافقنامه ساخت دو نیروگاه جدید اتمی در بوشهر دیروز میان رئیس سازمان انرژی اتمی ایران و رئیس روس اتم در مسکو امضا شد.

به گزارش مهر، بنابراین توافقنامه که در جریان سفر "علی اکبر صالحی" رئیس سازمان انرژی اتمی ایران به مسکو، به امضا رسیده است دو نیروگاه اتمی جدید در کنار نیروگاه بوشهر ساخته خواهد شد.

نکته مهم در این توافقنامه این است که امکان افزایش تعداد نیروگاه ها در این توافقنامه وجود دارد.

رئیس سازمان انرژی اتمی در بدو ورود به مسکو گفت: درمجموع ۵ نیروگاه اتمی در استان بوشهر احداث خواهد شد. رئیس سازمان انرژی اتمی همچنین با اشاره به همزمانی امضای این قرارداد ساخت نیروگاه هسته‌ای با گفتگوهایی که در مورد توافق هسته ای در مسقط در جریان است این امر را کاملاً تصادفی دانست و افزود: همچنین درباره ساز و کارهایی برای مبادله سوخت هسته ای با طرف روسی تبادل نظر می کنیم.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:
بیان واقعیت‌های زندگی اهل‌بیت(ع) برای انسان‌های آزاده جذاب است

حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسین انصاریان به همراه فرزندان خود و حجت الاسلام صابریان، مدیر مؤسسه دارالعرفان با آیت الله هاشمی رفسنجانی دیدار کردند.

آیت الله هاشمی رفسنجانی در این دیدار با تأکید بر تأثیر حضور جوانان در روضه خوانی ها، اظهارداشت: بیان واقعیت های زندگی اهل بیت(ع) برای هر انسان آزاده ای جذاب است. به گزارش روابط عمومی مجمع تشخیص مصلحت نظام، در این دیدار که در فضایی صمیمی برگزار شد، حجت الاسلام شیخ حسین انصاریان از وضع عزاداری های امسال و رویکرد جوانان سخن گفت. وی با یادآوری خاطرات زمان مبارزه و جلساتی که با سخنرانی های آیت‌الله هاشمی رفسنجانی در منزلشان برگزار می شد از نگارش دو اثر قرآنی، آن هم در سال های زندان تشکر کرد.

آیت‌الله هاشمی شاهرودی:
ملت و دولت عراق تسلیم خواست دشمنان نخواهند شد

نوری مالکی معاون رئیس‌جمهوری عراق صبح دیروز با آیت‌الله هاشمی شاهرودی رئیس هیأت عالی حل اختلاف و تنظیم روابط قوای سه‌گانه و نائب رئیس مجلس خبرگان رهبری، دیدار کرد.

به گزارش فارس، در این دیدار که در دفتر آیت‌الله هاشمی شاهرودی انجام شد، مالکی گزارشی از وضع سیاسی، امنیتی و نظامی در عراق ارائه و به چالش‌های مبارزه با گروه‌های تروریستی و تکفیری و همچنین توطئه‌های خارجی و منطقه‌ای که علیه دولت و ملت عراق در جریان است، اشاره کرد و با تشکر از موضعگیری‌های جمهوری اسلامی و آیت‌الله هاشمی شاهرودی اظهار امیدواری کرد که با وحدت و همدلی میان جریان‌های سیاسی و مردمی بتوان در مقابل توطئه‌ها ایستاد و از دستاوردهای حاصل شده محافظت و در مقابل زیاده‌خواهی‌ها مقاومت کرد.

آیت‌الله هاشمی شاهرودی هم ضمن تشکر از مواضع نوری مالکی در حمایت از دولت و همیاری و همکاری دولت جدید درعراق تاکید کرد که می‌بایست با تکیه بر خداوند و پیروی از راه امام خمینی (ره) و مرجع شهید سیدمحمدباقر صدر (ره) و شهدا و با جهاد و فداکاری و اتحاد زمینه پیروزی بر دشمنان اسلام و حفظ وحدت عراق را فراهم کرد.

وی افزود: ملت و دولت عراق هرگز تسلیم خواسته‌های دشمنان نخواهند شد و جریان‌های سیاسی هم می‌بایست با حکمت و درایت خود مانع از نفوذ بیگانگان و اجرای نقشه‌های شوم آنان شوند و به طور قطع پیروزی و عزت از آن مومنین مخلص و فداکار خواهد بود.

رئیس جمهوری: تروریسم و توطئه کاهش قیمت نفت از مشکلات جدی منطقه است

شیلی

لائوس

رئیس جمهوری دیروز بامعاون اول رئیس جمهوری عراق و سفیران جدیدلائوس و شیلی در تهران دیدارکرد.

دکترحسن روحانی در دیدار نوری المالکی معاون اول رئیس جمهوری عراق با برشمردن ظرفیت های فراوان تهران و بغداد برای توسعه همکاریها، اظهار داشت: امیدوارم با تداوم تلاش های سازنده برای گسترش روابط دو کشور، همکاری‌ها و روابط ایران و عراق، بیش از پیش نزدیک و گسترش یابد.

وی، عراق را کشور دوست و همسایه ایران دانست و گفت: خوشحالم که ملت بزرگ عراق در ماه‌های گذشته توانسته توفیقات چشمگیری در مقابله با تروریسم داشته باشد.

رئیس جمهوری با ابراز اطمینان از این که مردم و ارتش عراق به خوبی قادر به دفاع از کشورشان در برابر تروریست ها هستند و نیازی به حضور نظامی هیچ کشور دیگری ندارند، گفت: حفظ وحدت و تمامیت ارضی عراق برای جمهوری اسلامی ایران مهم است، چرا که این عراق واحد است که می تواند به تأمین ثبات در منطقه کمک کند.

رئیس شورای عالی امنیت ملی با اشاره به این که دشمنان همواره مشکلات بزرگی را در مسیر پیشرفت کشورهای منطقه ایجاد کرده‌اند، تصریح کرد: امروز از یک سو افراط گرایی، خشونت و تروریسم و از سوی دیگر توطئه کاهش قیمت نفت از جمله مشکلاتی است که برای ملت‌های منطقه ایجاد شده است و امیدوارم بتوانیم با کمک و همراهی یکدیگر از این مشکلات عبور کنیم.

دکتر روحانی با اشاره به این که امروز دموکراسی به معنای واقعی در عراق استقرار یافته و این بسیار مهم است، افزود: سعه صدر و تدبیر شما برای انتقال قدرت در عراق، بسیار جای تحسین دارد چراکه دشمنان منتظر بودند این فرایند انتقال قدرت، مشکلات فراوانی را در عراق به وجود آورد، اما تدبیر و حکمت شما و دولتتان، عراق را با سربلندی از این مرحله عبور داد.

رئیس جمهوری، وحدت شیعه و سنی و کرد و عرب را خوشحال کننده و برای آینده عراق ضروری برشمرد و اظهار داشت: از همان روزهای اولی که مردم عراق گرفتار مصیبت تروریسم شدند، برادران ایرانی را در مبارزه با تروریسم، در کنار خود یافتند و این همراهی امروز هم ادامه دارد و در آینده نیز تداوم خواهد داشت و بسیار خوشحالیم که با همه این مشکلات، دولت عراق با مشارکت و حضور همه اقوام و مذاهب تشکیل شده است.

دکتر روحانی تصریح کرد: ایران در مبارزه با تروریسم، در کنار ملت عراق است و کمک های خود را به هیچ شرطی مشروط نکرده و فقط برای این که مردم بزرگ عراق را برادران و همسایه‌های عزیز خود می داند که با آنها دارای یک پیشینه فرهنگی کهن مشترک است، کمک و همراهی با آنان را در این مسیر رسالت خود می داند.

رئیس جمهوری اظهار امیدواری کرد که همگان به زودی شاهد پاک شدن همه بخش‌ها و مرزهای عراق از جرثومه‌های فسادی باشند که عوامل قدرت‌های بزرگ بوده و هدفی جز تخریب، ایجاد اختلاف و خون‌ریزی ندارند.

نوری المالکی هم در این دیدار با بیان این که امروز با دو خطر، تلاش تروریست‌ها برای پاره پاره کردن منطقه و توطئه‌های خارجی علیه کشورهای منطقه مواجهیم، اظهار داشت: از بدو سقوط رژیم سابق در عراق و حضور نیروهای بیگانه، شاهد از هم گسیختگی امنیتی در عراق بودیم که در پرتو فرقه گرایی، ناامنی هایی را ایجاد کرده بود.

معاون اول رئیس جمهوری عراق ادامه داد: با کمک دوستانمان و اجرای طرح آشتی ملی در عراق توانستیم تا حدودی اوضاع را تحت کنترل درآوریم، ولی همانطور که تحولات منطقه می تواند در کشورهای همسایه تاثیرگذار باشد، گسترش ناامنی‌ها در مناطق همجوار به عراق سرایت کرد.

المالکی با توجه به وابستگی‌های فرقه‌ای به جا مانده در عراق، گفت: ما از تجربه ایران در کمک گرفتن از نیروهای داوطلب استفاده کردیم و توانستیم پیشروی‌های تروریست‌ها را متوقف کرده و امروز در حال بیرون راندن آنان از عراق هستیم، اما تا وقتی ناامنی‌ها در منطقه پایان نیابد، تأثیرات آن بر کشورها ادامه خواهد داشت.

گسترش روابط با آسه آن

دکتر روحانی پس از دریافت استوار نامه سفیر جدید آکرودیته لائوس درایران هم گفت: گسترش روابط سیاسی و اقتصادی با کشورهای عضو اتحادیه ملل جنوب شرق آسیا (آسه آن)، در برنامه های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار دارد. وی ابراز امیدواری کرد که شروع ماموریت سفیر جدیدلائوس در تهران سرآغازی برای توسعه روابط سیاسی و اقتصادی دو کشور باشد.

دکتر روحانی همچنین همکاری در مجامع بین‌المللی نظیر سازمان ملل را در جهت توسعه مناسبات ارزیابی کرد و گفت: رفت و آمد مسئولان عالی رتبه دو کشور می تواند منجر به ارتقای بیش از پیش همکاری ها شود. رئیس جمهوری با بیان این که باید شرایط برای فعالیت بیشتر بخش‌های خصوصی دو کشور در حوزه اقتصاد فراهم شود، گفت: لائوس جزو کشورهایی است که مردم آن سالیان دراز در برابر استعمار مبارزه کردند.

«سوتام ساکونیتون» سفیر جدید آکرودیته لائوس هم در این دیدار با بیان این که دولت و ملت لائوس اهمیت بسیار زیادی برای ایران و سابقه و تاریخچه روابط دو کشور قائل هستند، گفت: انقلاب اسلامی آیینه مبارزات و فعالیت های مردم لائوس علیه استعمار است و ما به تلاش های ایران در جهت استقلال خواهی احترام می گذاریم.

نقش مهم آمریکای لاتین در مسائل جهانی

رئیس جمهوری در دیدار سفیر جدید شیلی هم جایگاه و نقش کشورهای آمریکای لاتین را در مسائل جهانی بسیار مهم دانست و تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران همواره خواهان روابط مستحکم و خوب با کشورهای این منطقه از جمله شیلی است.

وی پس از دریافت استوار نامه سفیر جدید شیلی گفت: شرایط حاکم بر نظام بین المللی اقتضا می کند که کشورها برای توسعه همکاری های اقتصادی و حل مسائل امنیتی با یکدیگر همکاری کنند. رئیس جمهوری ادامه داد: ایران و شیلی به عنوان کشورهای در حال توسعه در خصوص مسائل جهانی اهداف مشترکی دارند و می توانند در مجامع بین المللی با رایزنی بیشتر، همکاری بهتری داشته باشند. دکتر روحانی با استقبال از تصمیم دولت شیلی برای تاسیس سفارت در تهران گفت: بدون تردید اراده سیاسی دولت های دو کشور در جهت توسعه روابط سیاسی، اقتصادی و علمی است و با توجه به حسن سابقه ای که ملت‌های دو کشور از یکدیگر دارند می توان شاهد حرکت رو به رشدی در این زمینه ها بود.

«کریستین باروس ملت» سفیر جدید اکرودیته شیلی در تهران هم در این دیدار با ابلاغ سلام گرم رئیس جمهوری کشورش به دکتر روحانی، عزم و اراده سانتیاگو برای گسترش روابط فی مابین را یادآور شد و گفت که در دوران مسئولیت جدیدش، تمام مساعی خود را برای ارتقای همکاری های دوجانبه به کار خواهد بست.

لاریجانی: تفاوت ستارخان با مدعیان روشنفکری در تبعیت از مرجعیت شیعه بود

رئیس مجلس شورای اسلامی در پیامی به نشست علمی تخصصی یکصدمین سالگرد درگذشت ستارخان سردار ملی ایران که دیروز درکتابخانه ملی برگزارشدنوشت: تفاوت ستارخان و مدعیان روشنفکری در بصیرتی دینی و تبعیت از مرجعیت شیعه بود که مدعیان روشنفکری عاری از آن بودند.

علی لاریجانی با اشاره به این که ستارخان یکی از هزاران جانباز و فداکار آذربایجان عزیز است که جان خود را در کف اخلاص نهاد تا مردم ایران این سرزمین کهن سال، لذت و نعمت عدالت را که جلوه ای از هویت ملی ایرانی است را دریابد افزود:

محققان و نخبگان باید به این امر مهم توجه داشته باشند که هم عصر ستارخان، مدعیانی روشنفکر بودند که برای ایران و ایرانی تنها راه ترقی را تبعیت و تقلید کورکورانه از غرب از فرق سر تانوک پا، تجویز می کردند، اما ستار برآمده از توده مردم فرودست خواهان اعتلای ایران و ایرانی زیر پرچم اسلام و امیرالمومنین علی علیه السلام بوده در جواب ژنرال کنسول دولت بیگانه با صلابت اظهار می دارد که آرزو دارد هفت دولت بزرگ آن روز زیر بیرق حضرت ابوالفضل(ع) و بیرق ایران باشد. وی ذلت تبعیت از بیگانه را از خود به دور می کند و بهای آن را هم می‌پردازد.

درادامه پیام چنین آمده است: تفاوت ستارخان و مدعیان روشنفکری در بصیرتی دینی و تبعیت از مرجعیت شیعه بود که مدعیان روشنفکری عاری از آن بودند. تاریخ حیات ستارخان، رفتار فردی وی نیست بلکه یک منش تاریخی از راد مردان ایرانی است که برای دفاع از دین که ناموس مردم ایران است، از همه چیز خود گذشته‌اند. تاریخ ایران رادمردان بزرگی از آذربایجان را سراغ دارد که بی ادعا در تثبیت و تحکیم هویت اصیل دینی این مرزوبوم گام برداشته اند.

رسمیت مذهب حقه اهل بیت علیهم السلام تکاپوی ایرانیان حقیقت جویی بود که گم گشته خود را در دامان قران مجید و خاندان گرامی پیامبر یافتند و این رسمیت تشیع در ایران وامدار تلاش شخصیت مجهول القدر فرزند خلف اردبیل، شاه اسماعیل صفوی است.

تاریخ انقلاب اسلامی و دوران مبارزه علیه سلطنت خودکامه و وابسته پهلوی و سالهای حماسه ودفاع مقدس هم گواه روشنی دیگر بر نقش و جایگاه دلیرمردان ایرانی آذربایجان است. که شرح و بسط آن فرصتی دیگر می طلبد. چگونه می توان از تاریخ انقلاب اسلامی سخن گفت ولی یادی از قیام شور انگیز مردم تبریز در بیست ونه بهمن سال پنجاه وشش در دفاع از حریم رهبری و مرجعیت حضرت امام(ره) یاد نکرد.

۲۰ هزار یتیم توسط ایرانیان خارج از کشور حمایت می شوند

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: معاون هماهنگی و امور بین الملل کمیته امداد از حمایت بیش از ۲۰ هزار یتیم توسط ایرانیان خارج از کشور خبر داد.

به گزارش خبرنگار ما، محمد محمدی فرد روز گذشته در نشست خبری همایش علمی «رفتارهای حمایتگرانه در عصر جهانی شدن» گفت: کمیته امداد امام خمینی (ره) به عنوان یک ماموریت اصلی راهکارهای مناسبی برای حضور ایرانیان خارج از کشور در برنامه های حمایتگرانه از محرومان داخل کشور فراهم کرده که از طریق سایت کمیته امداد و نمایندگی های این مرکز در کشورهای دیگر پذیرای حمایت های ایرانیان سراسر دنیا ست.

او با اشاره به برگزاری اولین همایش علمی «رفتارهای حمایتگرانه در عصر جهانی شدن» گفت: این همایش به همت مشترک کمیته امداد و مرکز ملی مطالعات جهانی شدن ۲۷ آبان در تهران برگزار می شود.

او ادامه داد: برگزاری این همایش با همفکری و هم اندیشی مرکز ملی مطالعات جهانی شدن به انجام رسید و یک کنکاش نظری و واکاوی پژوهشی و علمی پیرامون ساحت های مختلفی که می تواند تحت تاثیر فرآیند جهانی شدن باشند، است.

معاون هماهنگی امور بین الملل کمیته امداد با بیان این که یکی از اهداف این همایش ترویج نگرش انسانی به مسائل پیرامون جهانی شدن است، گفت: باید مولفه‌ها و آموزه های انسان دوستانه و آنچه را که جامعه بشریت در این پیچ تاریخی با آن روبرو ست، مورد دقت قرار داده و با اندیشه بومی و الگوهای اسلامی ایرانی بتوانیم پیشنهادهایی را به جامعه جهانی در عصر جهانی شدن داشته باشیم.

محمدی فرد با اشاره به استقبال خوب اندیشمندان ایرانی از این همایش گفت: بیش از ۱۵۰ نفر عضو این همایش هستند و ۶۹ عنوان مقاله به دست ما رسیده است که نشان می دهد با وجود جدید بودن موضوع، استقبال خوبی از آن شده است.

در ادامه این نشست، دکتر محمدرضا دهشیری، دبیر علمی همایش رفتارهای حمایتگرانه در عصر جهانی شدن گفت: این همایش با چهار محور اجتماعی ـ فرهنگی، دینی، سیاسی و اقتصادی برگزار می شود.

معاون رئیس جمهوری در حاشیه بازدید از غرفه روزنامه اطلاعات در نمایشگاه مطبوعات:
روزنامه‌ها به تحقق برنامه‌ها و سیاست‌های دولت کمک کنند

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: معاون رئیس جمهوری در امور زنان و خانواده نقش روزنامه‌ها را نقشی بی‌بدیل و تعیین کننده در ارتقای سطح آگاهی‌های زنان جامعه ذکر کرد.

شهیندخت مولاوردی روز گذشته در حاشیه بازدید از غرفه روزنامه اطلاعات در نمایشگاه مطبوعات، در پاسخ به پرسش خبرنگار ما درباره نقش روزنامه‌ها در ارتقای آگاهی زنان جامعه، افزود: با وجود این که به نظر می‌رسد رسانه‌های الکترونیکی در فضای مجازی دارند جای روزنامه‌ها را می گیرد ولی روزنامه‌ها مخاطبان خاص خود را دارند و می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در افزایش آگاهی و اطلاع‌رسانی به جامعه زنان داشته باشند.

وی با اشاره به شعار آزادی مسئولانه، گفت: روزنامه‌ها باید به تحقق برنامه‌ها و سیاست‌های دولت و انعکاس درست و واقعی آن به جامعه کمک کنند تا بذرهای امیدی که در دوره جدید کاشته شده است به ثمر برسد.

مولاوردی در پاسخ به این پرسش که معاونت زنان و خانواده ریاست جمهوری چه برنامه‌ای برای ارتقای سطح آگاهی زنان دارد، گفت: در حوزه زنان و خانواده آموزش محور اساسی است.

به گفته وی آموزش کلید توانمندسازی است یعنی می‌تواند به توانمندافزایی زنان منجر شود.

وی آموزش را از اولویت‌های این معاونت ذکر کرد و گفت: رسانه‌ها و مطبوعات هم جایگاه مهمی در این زمینه دارند.

معاون زنان و خانواده رئیس جمهوری درباره روزنامه اطلاعات، گفت: روزنامه اطلاعات با توجه به قدمت ۸۰ ساله خود توانسته مخاطبان خود را حفظ کند که ارزشمند است.

طرح افزایش ایمنی مترو اجرا می شود

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: دو تن از مدیران ارشد شهرداری تهران در حوزه حمل و نقل با حضور در شورای شهر تهران به ارائه توضیحاتی درباره مسائل مرتبط با مترو پرداختند.

به‌گزارش‌خبرنگارما، جعفرتشکری هاشمی معاون حمل ونقل ترافیک شهرداری تهران و هابیل درویش مدیرعامل شرکت مترودو نفر از مدیران شهری بودند که دریکصد و نهمین جلسه شورای شهر از عملکرد شهرداری در حوزه مترو دفاع و آخرین اقدامات انجام گرفته برای رفاه شهروندان را تشریح کردند.

توسعه کیفی مترو در کنار توجه به رشد کمی آن، معضل دست‌فروشی در واگن ها، رعایت ضوابط ایرانی ـ اسلامی در نماسازی ایستگاه‌های مترو و تسریع در جمع آوری کارگاه‌هایی که پروژه آنها تمام شده است، از جمله موضوعاتی بود که اعضای شورا در قالب تذکر، خواستار رسیدگی به آن شدند.

معاون حمل ونقل ترافیک شهرداری تهران در این جلسه به تذکرات اعضای شورای شهر پاسخ داد و گفت: در ایستگاه‌هایی که اصلاح ساختار امکان پذیر بوده است اقدامات لازم انجام شده و برای ۱۰۰ درصد این ایستگاه ها پله برقی خریداری شده است و اقدام به نصب این پله برقی ها انجام گرفته و تعداد ایستگاه هایی که هنوز پله برقی ندارند کمتر از انگشتان دست است.

تشکری هاشمی درباره موضوع خودکشی تاکید کرد: جامعه ما یک جامعه مسلمان است که در آن خودکشی حرام است و البته برخلاف سایر کشورها میزان اقدام به خودکشی در کشور ما و در ایستگاه های مترو بسیار کم است، در سال ۹۲، ۱۲ نفر و از ابتدای سال تا کنون ۶ نفر اقدام به خودکشی کرده اند که برخی منجر به فوت و برخی منجر به جرح شده است. وی افزود: مشکلات اشتغال، ازدواج، آسیب های اجتماعی و اعتیاد بعضا در موارد محدودی منجر به اقدام به خودکشی از سوی افراد می شود اما بسته شدن روی سکو ایستگاه های مترو پدیده خودکشی را حل نخواهد کرد بلکه این پدیده از مترو به نقطه دیگری می رود.

معاون حمل ونقل ترافیک شهرداری تهران درباره افزایش ایمنی در حوادث مختلف مترو گفت: در سال‌های اخیر موضوع مدیریت بحران و پدافند غیرعامل از موضوعات مورد توجه شهرداری تهران در ایستگاه‌های مترو بوده است. در این راستا معاونت حمل ونقل و ترافیک شهرداری تهران با یکی از برجسته ترین پژوهشگاه‌های بررسی بحران های طبیعی و انسان ساز قراردادی را به امضا رسانده است که در بخش مترو در این رابطه مطالعات دقیقی انجام گیرد که بخش نخست این پژوهش‌ها به پایان رسیده است و شهرداری تهران در حال پیاده سازی پیشنهادات پژوهشگاه مورد نظر در خصوص بحران های سیل، زلزله و بحران های انسان ساز است تا اقدامات لازم در این باره انجام گیرد. همچنین مرحله دوم این پژوهش ها در زمینه مطالعه در راستای تمهیدات لازم در ایستگاه های مترو در حال انجام است.

تشکری هاشمی درباره وضع نصب آسانسورها در ایستگاه ها گفت: اکنون ۸۰ دستگاه آسانسور در ایستگاه های مترو نصب شده است اما این تعداد آسانسور کافی نیست و بعداز اتمام موضوع پله های برقی حل موضوع آسانسورها در ایستگاه های مترو در اولویت قرار دارد.

معاون حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران درباره نرخ بلیط مترو تاکید کرد: بررسی های نرخ بلیط مترو تهران با سایر متروی های جهان نشان می دهد بلیط مترو تهران ارزان ترین بلیط مترو جهان است و این درحالی است که شهرداری تهران مصوبات شورا درباره ارایه تخفیفات را کاملا به اجرا رسانده است به طوری که کمترین تخفیف برای اقشار مختلف ۵۰ درصد است و این تخفیفات برای برخی به ۱۰۰ درصد هم می رسد. وی همچنین گفت: برابر مصوبه شورای شهر همه خریدها از طریق سازمان سرمایه گذاری یا اداره کل املاک و مستغلات انجام می شود.

وی همچنین درباره حضور یکی از اعضای شورا به عنوان ناظر در کمیسیون مناقصات گفت: تا کنون هیچ منعی برای حضور اعضای شورای شهر در کمسیون مناقصات وجود نداشته و ممانعتی به عمل نیامده است.

در ادامه جلسه مدیرعامل مترو با بیان این که امسال یکی از بهترین سال‌ها از نظر پرداخت اعتبارات مترو بوده است، افزود: ارزش پروژه‌های مترو در تهران ۱۳ هزار میلیارد تومان است که برای پیشبرد کار، حمایت دولت بویژه در بحث فاینانس را نیاز داریم.

درویش با بیان این که اکنون ۲۰ هزار نفر در پروژه‌های مختلف مترو مشغول به کار هستند، تصریح کرد: دولت دهم در آخرین روزهای کاری‌اش ۲۰۰ میلیارد تومان حواله به ما داد که پرداخت هم نشد و اکنون دوباره دولت ابراز تمایل کرده که این پروژه را انجام دهد. البته ما هم اصراری بر انجام کار نداریم اما از نظر فنی بهتر است توسعه جنوبی خط یک مترو هم توسط شرکت مترو انجام شود بنابراین از شورای شهر می خواهم درباره این موضوع تعیین تکلیف کند.

وی همچنین درباره تعمیر پله‌های برقی خراب، اظهار داشت: پیش تر در نگهداری و تعمیر پله‌های برقی مشکل داشتیم که برای رفع آن امسال در قراردادهای خرید از شرکت سازنده خواسته‌ایم برای پنج سال تعمیر و نگهداری پله‌ها را بر عهده بگیرد و دو پیمانکار خبره درگیر این کار هستند و ما امروز در تهران ایستگاهی نداریم که پله برقی نداشته باشد. درویش همچنین با تاکید بر این که اعتبارات دولتی و فاینانس برای پیشرفت کار مترو حیاتی است، افزود: امسال یکی از بهترین سال‌ها از نظر تخصیص اعتبارات مترو بوده است.

خبری از واریز میلیاردی نیست

بنا به این گزارش علاوه بر بحث بر سر مسائل مرتبط با مترو، موضوعات دیگری هم در جلسه دیروز شورا مطرح شد و چند فوریت درباره موضوعات مختلف به تصویب رسید.

یکی از این موضوعات که رئیس شورا وارد آن شد، ادعای واریز پول به حساب یکی از اعضا بود که در جلسات قبل از سوی یکی از اعضا عنوان شد.

مهندس مهدی چمران رئیس شورا در این باره گفت: حساب های جداگانه ای که برای دو ستاد زیر مجموعه شورا وجود دارد مربوط به ستادهاست نه شخص مسئولشان، این موضوع مصوبه شورا را هم دارد پس از دامن زدن مجدد به آن بپرهیزید. همچنین اعضای شورا به نامه فرمانداری درباره عمارت عین‌الدوله اعتراض کردند. محمد سالاری رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورا در این باره گفت: در مورد عمارت عین‌الدوله فرمانداری و معاون شهردار علیه شورا گفتمان قهرآمیزی داشتند و این در حالی است که معاون شهردار نمی تواند علیه شورا موضع گیری کند.

اعتراض به ساخت طبقات اضافه در پاساژ علاءالدین موضوع دیگری بود که در جلسه دیروز عنوان شد. ابوالفضل قناعتی عضو هیأت رئیسه شورای شهر تهران با اشاره به این موضوع گفت: ساخت هر گونه اضافه بنا در این پاساژ تخلف است و مسئولان باید پاسخگو جان مردم باشند. تصویب یک فوریت طرح «سیاست‌ها و رویکردهای بودجه سال ۹۴ شهرداری تهران» و ممنوعیت ورود موتوسیکلت به بازارهای مسقف محدوده خیابان ۱۵ خرداد از مصوبات دیروز شورا بود.

اخبار کوتاه

پیام تبریک آیت‌الله مسعودی خمینی به رئیس جدید صداوسیما

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: آیت‌الله علی اکبر مسعودی خمینی با صدور پیامی، انتصاب دکتر سرافراز را به عنوان رئیس جدید سازمان صداوسیما تبریک گفت.

متن پیام به شرح ذیل است:

جناب آقای دکتر سرافراز (دامت توفیقاته)

ریاست محترم سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران

سلام علیکم

انتصاب شایسته جنابعالی را به عنوان ریاست سازمان صداوسیمای جمهوری اسلامی ایران صمیمانه تبریک و تهنیت می‌گویم.

همانگونه که مستحضرید بی تردید رسانه ملی نقش موثری در عرصه‌های گوناگون فرهنگی، سیاسی و اجتماعی و نیز بر سرنوشت کشور و آحاد مردم دارد.

اعتلای فرهنگی، دین‌مداری، گسترش اخلاق، نهادینه کردن سبک زندگی اسلامی ـ ایرانی، ایجاد امید و نشاط فرهنگی و اجتماعی و دلبستگی هرچه بیشتر مردم به میهن و ارزش‌های اسلامی ـ انسانی از مسئولیت‌های سنگین رسانه ملی است که امید است با برنامه‌ریزی دقیق و بهره‌گیری از توان نخبگان فکری و دلسوزان دین و کشور زمینه تحقق آن و نیز ارتقاء آگاهی و بصیرت جامعه در مسیر اهداف انقلاب اسلامی را فراهم آورید.

اینجانب توفیقات روزافزون جنابعالی را در این مسئولیت خطیر در ظل توجهات حضرت ولی عصر (عج) و تحت زعامت مقام معظم رهبری از خداوند منان مسئلت می‌نمایم.

علی اکبر مسعودی خمینی

معارفه مدیرعامل جدید سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح

وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در حکمی، مهندس مصطفی اثباتی را به عنوان مدیرعامل جدید سازمان تأمین اجتماعی نیروهای مسلح منصوب کرد.

به گزارش ایسنا، در مراسم معارفه مهندس مصطفی اثباتی مدیرعامل جدید ساتا سردار دهقان وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در سخنانی با تقدیر و تشکر از زحمات و تلاش‌های سردار دقیقی مدیرعامل سابق ساتا، این سازمان را یک سازمان چند بعدی خواند که فراتر از فعالیت‌های ارزشمند و گسترده خدماتی و اقتصادی خود دارای ابعاد اجتماعی و فرهنگی در سطح جامعه است. وی گفت: این سازمان به جهت گستردگی، مستلزم مدیریتی خاص است که موضوع رضایتمندی جامعه هدف به عنوان یک شاخص و تعامل و ارتباط متقابل با آن‌ها از الزام های آن محسوب می‌شود.

وزیر دفاع تصریح کرد: فعالیت‌های صورت گرفته در ساتا در چند سال گذشته توانسته این سازمان را در بازار سرمایه به یک جایگاه ویژه اقتصادی و ارزشمند نائل گرداند به گونه‌ای که این سازمان هم اکنون به عنوان یک سازمان اطمینان بخش و فعال در عرصه اقتصاد ملی دارای نقش آفرینی ویژه است.

وی با اشاره به این که از ساتا انتظارات و خواسته‌هایی وجود دارد که توجه به سطح سلامت جامعه هدف و رفع نیازها و خواسته‌های آن‌ها در حوزه‌های درمانی و بیمه‌ای از اولویت‌های آن به شمار می رود، افزود: اکنون فعالیت‌های ارزشمند و مهمی برای رفع نیازهای جامعه هدف صورت گرفته اما این اقدام ها تا رسیدن به سطح مطلوب کافی نیست و با آن فاصله دارد.

رادار ۲۵۰۰ کیلومتری «سپهر» رونمایی و آزمایش شد

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: فاز نخست رادار برد بلند سپهر با حضور فرمانده قرارگاه پدافند هوایی خاتم الانبیا(ص) ارتش با موفقیت تست و ارزیابی شد.

به گزارش روابط عمومی این قرارگاه، فاز نخست رادار برد بلند سپهر در یک قطاع با حضور امیر فرزاد اسماعیلی فرمانده قرارگاه پدافند هوایی و امیر شهرام معاون اجرایی قرارگاه و جمعی از نخبگان، طراحان و مسئولان در مدار عملیاتی شبکه یکپارچه پدافند هوایی کشوربا موفقیت تست و ارزیابی شد.

امیر شهرام معاون اجرایی و سخنگوی قرارگاه پدافند هوایی در حاشیه این مراسم گفت: به لطف خداوند متعال و همت و تلاش جوانان متخصص در قرارگاه پدافند هوایی همانگونه که وعده شده بود رادار کیهانی سپهر با بردی بیش از ۲۵۰۰ کیلومتر به عنوان مکمل رادارهای مراقبتی و کنترلی حوزه کشف و به منظور اجرای اصل پدافند در عمق پس از انجام تست‌های موفقیت آمیز سر انجام در یک قطاع با موفقیت کامل ارزیابی شد و برای نخستین بار اطلاعات دریافتی آن برای بهره برداری در شبکه یکپارچه قرارگاه پدافند هوایی با موفقیت مورد استفاده قرار گرفت.

معاون اجرایی قرارگاه پدافند هوایی گفت: این رادار یک رادار برد بلند است که اهداف رادار گریز با سطح مقطع بسیار پایین را کشف می کند و قابلیت شناسایی تمامی اهداف در ارتفاع پست، ارتفاع متوسط و ارتفاع بالا را دارد و اهداف ریز پرنده، موشک‌های بالستیک و نیمه بالستیک و همچنین موشک‌های کروز به راحتی توسط این رادار کشف و شناسایی می‌شوند.

دکتر احمدی دانش آشتیانی به عنوان وزیر پیشنهادی علوم به مجلس معرفی شد

سرویس پارلمانی: گزارش تحقیق و تفحص از عملکرد وزارت صنعت، معدن و تجارت، درباره واردات کالاهای استراتژیک و نحوه توزیع آنها در سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ در جلسه علنی دیروز مجلس شورای اسلامی مطرح شد و متن آن برای رسیدگی در اختیار قوه قضائیه قرار گرفت.

به موجب این گزارش آمار گمرک جمهوری اسلامی، نشانگر آن است که ارزش دلاری واردات محصولات کشاورزی در سال‌های ۱۳۸۹، ۱۳۹۰ و ۱۳۹۱ به ترتیب معادل ۹ هزار و ۱۸۹، ۹ هزار و ۹۴۷ و ۱۴ هزار و ۲۲۳ میلیون دلار بوده است، در حالی که تناژ واردات این کالاها برای سال ۸۹ میزان ۱۴ هزار و ۹۰۵ تن بوده که ۲۲ هزار و ۲۴ هزار تن برای سال ۹۱ افزایش یافته است.

همچنین با وجود افزایش بی‌رویه واردات فرآورده‌های کشاورزی با استفاده از نرخ ارز مرجع در سال ۹۱ آمار شاخص قیمت مواد خوراکی در سال ۹۱ از شاخص کل قیمت‌ها بالاتر بوده است، به طوری که تورم در مواد غذایی بالاتر از دیگر بخش‌های سبدخانوار اعلام شده و نتیجه آن کاهش قدرت خرید خانوار بوده است. در بخش دیگر این گزارش آمده است.

برخی از مباشران در ازای میزان کل ارزی که بابت ثبت سفارش و واردات کالا دریافت کرده‌اند، کالای مربوط را وارد نکرده‌اند و در دیگر موارد وارد کنندگان در ازای اعلام قیمت غیرواقعی، ارز بیشتری با نرخ مرجع دریافت و به واردات کالاهای دیگر یا فروش ارز در بازار آزاد اقدام کرده‌اند.

گرچه کالاهای اساسی با ارز مرجع (یکهزار و ۲۲۶ تومان) توسط بخش‌های خصوصی و دولتی به حد کافی تأمین شد، ولی قیمت این کالاها افزایش یافت، یعنی یارانه تخصیص یافته، به جای آنکه نصیب مصرف‌کننده شود در اختیار تجار و واسطه‌ها قرار گرفته است.

همچنین واردات کالاهای اساسی و نهاده‌های استراتژیک در اختیار چند شرکت محدود و خاص قرار داشت که پیامدهای اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و سیاسی را در برداشت. اجرای فاز نخست قانون هدفمند کردن یارانه‌ها، یکی از دلایل اصلی جهش قیمت کالاهای اساسی بود و اختیارات قیمت ۹۰۰ تومانی بین آرد دولتی و آرد آزاد زمینه مناسبی را برای توزیع غیرقانونی و منفعت طلبی سود جویان به وجود آورد.

برخی واردکنندگان که از سوی معاونت بازرگانی داخلی وزارت صنعت، معدن و تجارت برای واردات کالاهای اساسی به بانک مرکزی معرفی شده بودند، توسط بانک‌های عامل مبلغ ۲۶ میلیون و ۹۲۰ هزار و ۳۱۸ یورو ارز مرجع به آنها پرداخت شده بود که از این تعداد ۵ شرکت هیچ وارداتی نداشتند، ۲ شرکت دیگر در مجموع از ۱۱ میلیون و ۹۶۳ هزار و ۳۳۵ یورو فقط ۱۰۳۵ هزار تن واردات داشتند و درخصوص ارز دریافتی تا دی ۱۳۹۲ هیچ وارداتی توسط آنان انجام نشد. همچنین ۹۱ شرکت وارد کننده از تسهیلات ارز مرجع برای واردات ۷۰۰ هزار تن گندم استفاده کردند، ولی تا انقضای مهلت قانونی اقدامی در این زمینه انجام ندادند. در مطالعه میدانی از استان خوزستان مشخص شد یک زن خانه‌دار که کارت بازرگانی در اختیار داشت با دریافت ۵ میلیون تومان، مجوز خود را در اختیار یکی از سوداگران برنج قرار داده بود. و آن شخص برنج وارداتی را با ارز مرجع و خارج از شبکه به قیمت آزاد فروخته بود.

معرفی وزیر پیشنهادی علوم به مجلس

در ادامه این جلسه اعلام شد که دکتر حسن روحانی، رئیس جمهوری، در نامه‌ای دکتر فخرالدین احمدی دانش آشتیانی را به عنوان وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فن‌آوری به مجلس معرفی کرده است.

براساس آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی: نمایندگان حداکثر در ۱۰ روز آینده باید نسبت به بررسی صلاحیت وزیر پیشنهادی اقدام کنند.

بقیه در صفحه ۴

وزیر ارشاد: رسانه های جهان اسلام وحدت آفرین شوند

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با دعوت از وزیران اطلاع رسانی کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی بر ضرورت نقش سازنده رسانه های جهان اسلام در وحدت، آرامش، توسعه و پیشرفت کشورهای اسلامی تاکید کرد.

به گزارش ایرنا، علی جنتی دیروز در جمع سفرای کشورهای اسلامی و سازمان های بین المللی مقیم تهران افزود: امیدواریم حضور موثر و گسترده ی وزرای اطلاع رسانی کشورهای اسلامی در تهران زمینه را برای همکاری گسترده این کشورها برای پوشش رسانه ای وقایع جهان اسلام و روشنگری افکار عمومی این کشورها را فراهم سازد.

اجلاس وزرای اطلاع رسانی کشورهای اسلامی دهم و یازدهم آذرماه امسال (دوم و سوم دسامبر) با هدف همگرایی رسانه ای برای برقراری صلح و آرامش در جهان اسلام در تهران برگزار می شود.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی افزود: اجلاس وزرای اطلاع رسانی کشورهای اسلامی در شرایطی در تهران برگزار می شود که منطقه خاورمیانه و جهان اسلام با چالش های فراوانی از جمله افزایش تروریسم، خشونت، درگیری های مذهبی و غیره روبه رو است که متاسفانه چهره اسلام را مخدوش کرده است. وی با یادآوری پیشنهاد رییس جمهوری در سخنرانی خود در مجمع عمومی سازمان ملل متحد مبنی بر تلاش برای ایجاد جهان عاری از خشونت و افراطی گری گفت: خوشبختانه این پیشنهاد با اجماع به تصویب کشورهای جهان رسید که می تواند مبنای مهمی برای تلاش هایمان در زمینه مقابله با افراطی گری باشد. جنتی خاطرنشان کرد: امروز ما شاهد گسترش خشونت در خاورمیانه و برخی از کشورهای شمال آفریقا هستیم که منجر به کشته شدن بسیاری از زنان و کودکان و آواره شدن آنها و از بین رفتن آثار تاریخی و میراث فرهنگی کشورهای اسلامی هستیم. عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی نقش رسانه های مکتوب و غیرمکتوب را در مقابله با افراط گرایی بسیار مهم برشمرد و گفت: رسانه ها نقش آگاهی بخشی نسبت به چالش ها و تهدیدهایی دارند که جهان اسلام امروز با آن روبه رو است.

وی ادامه داد: در انحصار گرفتن اطلاعات و بهره گیری از فضای مجازی توسط کشورهای غربی به سود خود و کمبود آگاهی در کشورهای در حال توسعه و همچنین کمبود آشنایی با تکنولوژی های نوین اطلاعاتی سبب شده افکار عمومی جهان رخدادهای جهان اسلام را آنگونه که رسانه های غربی نشان می دهند باور کنند نه آنگونه که هست.

وی اجلاس پیش روی وزرای اطلاع رسانی کشورهای اسلامی را عاملی برای افزایش تحکیم وحدت و ارایه تصویر مناسب از اسلام و کشورهای اسلامی عنوان کرد. در این نشست برخی از سفرا و دیپلمات های برجسته کشورهای اسلامی و همچنین نمایندگانی از سوی سازمان های بین المللی مقیم تهران حضور داشتند.

دکتر انتظامی برای ششمین بار نماینده مدیران مسئول در هیات نظارت بر مطبوعات شد

دکتر حسین انتظامی، مدیر مسئول هفته‌نامه فارغ‌التحصیلان، با کسب بالغ بر ۹۵ درصد آراء مدیران مسئول برای ششمین بار پیاپی به عنوان نماینده آنها در هیات نظارت بر مطبوعات انتخاب شد.

به گزارش مهر، بر اساس نتایج پانزدهمین دوره انتخابات مدیران مسئول در هیات نظارت بر مطبوعات که دیروز در تالار وحدت اعلام شد، حسین انتظامی، از مجموع ۳۱۹ رأی اخذ شده، با کسب ۳۰۵ رأی به عنوان پیروز انتخابات معرفی شد.

در این انتخابات همچنین شهلا آکوی محصل مدیر مسئول روشنای زندگی با دو رأی و مهدی حلاجیان مدیر مسئول ساحل دریا و عبدالحسین میری مدیر مسئول زاهدان امروز هر کدام با یک رأی در جایگاه های بعدی قرار گرفتند. همچنین ۱۰ رأی اخذ شده به صندوق مخدوش بود.

انتظامی هم اکنون معاون امور مطبوعاتی و اطلاع رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

رئیس مجلس: باید با مردم، تعامل عقلانی داشته باشیم

بقیه از صفحه اول

خطاب به دکتر محمد سرافراز به عنوان رئیس جدید سازمان صدا و سیما توسط حجت‌الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی رییس دفتر مقام معظم رهبری واعطای حکم رهبری، دکتر علی لاریجانی، رئیس مجلس شورای اسلامی در آغاز صحبت‌های خود، گفت: «من باز هم سخنران یکی از جلسات عجیب و غریب شدم. اگر بگویم صد حیف که آن رفت با آقایی که آمد چه کنیم؟ برعکسش را هم بگوییم که ماجرای دیگری است».

لاریجانی که خود نیز از مدیران پیشین صدا و سیما بوده است، در مراسم معارفه دکتر سرافراز، مدیر جدید این سازمان گفت: «همه شما کاملا واقف هستید که کار رادیو و تلویزیون بسیار پیچیده و هنرمندانه است. کار رادیو و تلویزیون در این مجموعه سیاسی، فرهنگی و هنری کار پیچیده‌ای است و زحمت زیادی دارد. مهندس ضرغامی در این دوره تلاش بسیاری کردند و چون روحیه متواضعی داشت، مشکلات را تحمل کرد». وی افزود: «هر عمل اجتماعی باید در درونش عقلانیت نهفته باشد تا بیشتر نفوذ کند. اگر رسانه ملی برنامه‌هایش از یک عقبه عقلانی برخوردار باشد، به ذهن مردم هم نفوذ پیدا می کند. نیکی ها از نظر وجودی همچون زیبایی ها هستند. آنکه عقل ندارد از دین تهی است. اگر می خواهیم سبک زندگی توحیدی داشته باشیم باید مبنای رفتار ما در اجتماع عقبه ای عقلانی داشته باشد. اگر بخواهیم به این موضوع توجه تام داشته باشیم باید نوع گفتگوهای ما به یک عقبه عقلانی قوی وابسته باشد. شرایط کشور ما از نظر اقتصادی شرایط خوبی نیست وجز اینکه تعامل عقلانی با مردم داشته باشیم، راه دیگری نداریم».

رئیس مجلس در ادامه گفت: «توسعه کمی سازمان صدا و سیما و توجه به مسائل مختلفی که باید در فراز و فرودها به آن دقت می شد هم رئیس سازمان و هم مدیران ایشان را ۲۴ ساعته درگیر می کند. ما در عصری هستیم که شرایط ارتباطی تغییر کرده است، پس نوع تعامل مردم با رسانه نیز باید تغییر کند و رادیو و تلویزیون باید در این باره خود را به روز کنند. همه باید کمک کنند تا دکتر سرافراز بتواند این بار را به منزل برساند».

دکتر علی لاریجانی در ادامه متذکر شد: «اگر می خواهیم در سطح جامعه سبک زندگی توحیدی داشته باشیم، باید تنوع در سطح آثاری که عرضه می شود وجود داشته باشد. اگر ما می خواهیم زندگی‌مان متفاوت از دیگران باشد باید جهت گیری ما به سوی خداوند باشد.»

وی در ادامه گفت: «ما با استخدام نیروهای زیاد در بخش های اجرایی نمی توانیم امکان پرش اقتصادی را در کشور داشته باشیم. شرایط کشور ما از نظر منطقه‌ای امن است اما وضع اقتصادی ما دچار مشکل است. ما اگر راهی غیر از کارآفرینی در کشور داشته باشیم و به سمت تولید نرویم به پیشرفت اقتصادی نمی‌رسیم. حتما باید به رادیو و تلویزیون کمک کرد اما این را هم بگوییم که اگر همه بخش‌های کشور خواستار بودجه بیشتر باشند پرش اقتصادی صورت نمی گیرد».

لاریجانی شیوه نظام جمهوری اسلامی در مساله هسته‌ای را عاقلانه دانست و گفت: غربی ها حرافی هایی می کنند که در رادیو و تلویزیون هم حجم زیادی از آن پخش می‌شود. طرف مقابل می خواهد بگوید ما زمینه فراهم کردیم و ایران نپذیرفت، اما این خلاف واقعیت است. نباید به حرف‌هایشان توجه کرد. اوباما هم حرف‌های قلدرمآبانه می‌زند، ولی باید گفت کسی که قلدر است نامه فدایت شوم نمی‌نویسد. آنها در مذاکرات به گونه‌ای حرف می‌زنند و در رسانه‌ها طور دیگری.

وی همچنین بیان کرد: تلاش‌های رسانه ملی باید با موعظه حسنه، زبان نرم و ارتباط متین و مهربانانه صورت گیرد. اینکه رسانه برنامه‌های مفرح داشته باشد به پیشرفت جامعه کمک می کند. آقای سرافراز در معاونت‌های گوناگون و بخش های فنی از جهات مختلف توانمندی دارد و من افتخار داشتم سال‌ها در خدمت آقایان ضرغامی و سرافراز باشم و می‌دانم این توانایی در آن‌ها وجود دارد. دقت نظر جزو خصوصیات او است اگرچه گاهی بیان سردی دارد. سرافراز دید استراتژیک خوبی نسبت به مسائل سیاسی دارد، همچنین درک و فهم خوبی از مسائل فرهنگی دارد. او از خانواده شهید است. باید از رهبری تشکر کرد که ایشان را از درون خانواده رادیو و تلویزیون انتخاب کرده‌اند. این اعتمادی است که به رادیو و تلویزیون وجود دارد. امیدوارم سرافراز با سابقه طولانی اش بتواند تحول در صدا و سیما را رقم بزند. اما بد نیست اخم‌هایش را باز کند و گاهی هم بخندند! برای ایشان آرزوی توفیق می کنم».

دکتر محمد سرافراز، رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران نیز در این مراسم گفت: «مولفه‌های قدرت در دنیا تغییر کرده و دیگر امروز بمب هسته‌ای و تکنولوژی برتر ابزار ابرقدرت‌ها نیستند. قدرت ارتباطات و پردازش اطلاعات است که حرف اول را می زند. ابرقدرت‌ها می خواهند از این قدرت نرم استفاده کنند تا تسلط تضعیف شده خود بر دنیا را باز گردانند. سهم رسانه در ساعات روزانه مردم افزایش پیدا کرده است. یعنی بیش از دو سوم وقت پیش از آن‌ها در دست رسانه‌هاست. حاکمیت ملی دولت‌ها در حال مخدوش‌شدن است. هدف از این کار این است که افکار و عقاید تک تک افراد زمین را بشناسند و سپس روی آن تغییر ایجاد کنند. یعنی به جای اینکه با بمب کشورها را نابود کنند، می خواهند افکار را از بین ببرند.».

دکتر سرافراز افزود: «اولین و مهم‌ترین کار این است که نخبگان جمع شوند و مسائل را بشناسند و درثانی راه برون‌رفت از این مسائل را دریابند. اگر این اتفاق نیافتد، ما در رسانه ملی همواره به معنای کلان آن در انفعال خواهیم بود. به نظر من راه حل‌ها به این شکل است که اول وزن و جایگاه رسانه ملی در سبد کالای مردم افزایش پیدا کند».

رئیس جدید سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در ادامه گفت: «این رسانه باید رسانه‌ای اسلامی شود با رسالت جهانی. نکته دیگر هم این است که رسانه با توجه به ماموریت گسترده خود هم باید چابک‌سازی شود و هم نیروی انسانی آن کارآمد. باید در تولیدات برون سپاری صورت بگیرد و رسانه تعاملی شود. توسعه کمی و کیفی برای رسانه ملی لازم است.»

دکتر سرافراز گفت: «نکته بعدی این است که کنداکتور یا همان جدول پخش برنامه‌ها امروزه در اختیار مخاطب یا کاربر است. ما دیگر نمی توانیم تعیین کنیم که چه کسی در چه ساعتی برنامه‌ای را ببیند. این وضعیتی است که در مورد رسانه وجود دارد. آمریکا در منطقه عراق و افغانستان را اشغال نظامی کرد. اما با تدابیری که در جمهوری اسلامی ایران اندیشیده شد، این اندیشه نظامی آنان شکست خورد. ترفند دیگر آن‌ها در مقابله با این مساله اتفاقات سال ۸۸ بود. در ادامه آن بیداری اسلامی در منطقه به وجود آمد و حکومت‌های استبدادی سرنگون شدند. دشمن در کشورهای آزاد شده جنگ داخلی و جنگ منطقه‌ای ایجاد کرد. اما مجددا یک مقاومت و بیداری جدیدی شکل گرفت. جریان سالم اهل سنت در دنیا با جریان تکفیری گروه‌های تروریستی به مقابله برخواستند. نکته دیگر این است که بیداری داخلی علیه استبداد تبدیل به یک بیداری جهانی می شود و ما باید نسبت به این نکات هوشیار باشیم.»

عزت‌الله ضرغامی، عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی و رئیس اسبق سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران در این مراسم گفت: «تقاضا می کنم کتاب «راوی صادق» که تازه بیرون آمده را تهیه کنید. این کتاب درباره عملکرد نیست، بلکه آموزشی است. افراد می توانند با مطالعه آن به ابعاد وسیع رسانه ملی پی ببرند. به گفته مقام معظم رهبری سازمان صدا و سیما سازمان فنی و هنری پیچیده‌ای است که افراد با آن آشنایی ندارند. درباره بحث افق رسانه باید بگوییم که این افق در طول این سال‌ها بحث‌های بسیاری را با توجه به نگاه رهبر معظم انقلاب ارائه کرد و معظم‌له نگاه خوبی به این بحث‌ها داشتند که نباید فراموش شوند. با همکاری دوستان در دانشگاه صدا و سیما این مسائل را به‌عنوان درس مطرح خواهیم کرد و در کنار نگاه کلاسیک به بحث‌های مربوط به ارتباطات و رسانه، این بحث‌های مبنایی که مورد نظر رهبری هستند در حوزه‌های مختلف مورد توجه قرار می گیرند».

رئیس سابق رسانه ملی افزود: صمیمانه از طرف خودم و همکاران عزیز از رهبر بزرگوار و معظم انقلاب به دلیل انتصاب شایسته‌ای که انجام دادند، سپاسگزاری می کنیم. تخصص و تعهد درباره سرافراز صدق می کند و کارشناس ارشد در حوزه رسانه است و به خانواده جهاد و شهادت تعلق دارد. با انتصاب سرافراز ما ماه‌ها جلو هستیم، اگر فرد جدیدی با همه بضاعت‌هایی که می توانست داشته باشد وارد سازمان می شد، تاخیر زیادی داشت. رهبری می دانستند برای آزمون و خطا وقت نیست و باید کار را با قدرت و سرعت شروع کرد. خوشبختانه سرافراز پیش از اینکه حکم بگیرد جلساتی را با بنده و دیگر دوستان داشت و تاخیر زمانی نداشت.

ضرغامی ادامه داد: از اظهار محبت موجود در حکم صادر شده از سوی مقام معظم رهبری نسبت به حقیر و شما همکاران که به رغم محدودیت‌ها تلاش درخور داشتید، تشکر می کنم. دوستان گفتند نمره به خودت چند می دهی گفتم نسبت به انتظارات رهبری و دانشگاه عمومی که امام (ره) فرمودند و نکاتی که در جلسات خصوصی آقا می گفتند، من واقعا نمره خوبی به خودم نمی دهم. خودم را خیلی نسبت به سطح توقعات پایین‌تر می دانم.

وی تاکید کرد: کار رسانه ملی با تکیه بر مردم و توسعه فنی افزایش پیدا کند. دولت باید کمک جدی کند. کف اعتبارات صدا و سیما برای فعالیت‌های عادی سازمان صرف می‌شود. کمیته مجلس ۳ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان بودجه را برای سازمان مشخص کرد و شورای نظارت هم این بودجه را تایید کرد اما فقط یک هزار و ۸۰۰ میلیارد تومان بودجه به سازمان داده می‌شود. اگر قرار است صدا و سیما جراحی‌های بزرگ داشته باشد، باید بدانیم که جراحی خرج دارد. البته جراحی‌ها در رسانه ملی وظیفه ما است».

دکتر حسن خجسته، معاون نظارت، ارزیابی و برنامه‌ریزی سازمان صدا و سیما نیز در این مراسم گفت: «بسط و نشر ایده‌هایی که همواره امام خمینی (ره) بر آنها تاکید داشتند، برعهده رسانه ملی است، چراکه مهم‌ترین رسانه رادیو و تلویزیون است. بنابراین رادیو و تلویزیون نقش مهمی دارند و به همین خاطر است که از اول انقلاب به عنوان یک رسانه مؤثر همیشه مورد تهاجم قرار گرفته بود. آقای ضرغامی خودش را وقف کرد و اگر مقام معظم رهبری تعابیر بزرگی از ایشان دارند، قطعا ایشان لایق آن هستند. آقای سرافراز پیشانی صدا و سیما در حوزه بین‌الملل بودند و پرورش یافته همین سازمان و کارشان را خوب بلد هستند. او از جمله افرادی بود که اولین کمک‌ها را با کشتی به غزه فرستاد».

وی افزود: «جا دارد بگویم در دوره آقای ضرغامی کارزار سنگینی حاکم بود و فشار فراوانی وارد شد. امیدوارم آقای ضرغامی از این پس در هرکجا که فعالیت دارد، سرافراز باشد و در مقابل آقای سرافراز روز به روز بر عزتش اضافه شود».

عکس از داود قهردار

دکتر سرافراز حکم ریاست سازمان صدا و سیما را از دست حجت الاسلام والمسلمین محمدی گلپایگانی دریافت کرد

موزه اطلاعات به نمایشگاه مطبوعات آمد

سرویس فرهنگی هنری: روزنامه اطلاعات در بیستمین نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات و خبرگزاری‌ها با بخشی از موزه خود که نشانگر گوشه‌هایی از تاریخ روزنامه‌نگاری در ایران است، میزبان علاقه‌مندان حوزه رسانه شد.

به گزارش خبرنگار ما، سیدعلی محمد هاشمی، مسئول غرفه روزنامه اطلاعات درباره آوردن این موزه به بیستمین نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات گفت: ما این موزه را حدود دوازده سال پیش و زمانی که این نمایشگاه در محل دائمی نمایشگاه‌های بین‌المللی تهران برگزار می‌شد، به نمایشگاه مطبوعات آوردیم که استقبال بسیار خوبی از آن شد و غرفه اطلاعات هم جایزه گرفت. برای امسال فکر کردیم که اگر بخواهیم سازه‌ای ایجاد کنیم، در نهایت اگر قرار باشد این غرفه جایزه‌ای بگیرد، آن جایزه باید به طراح سازه تعلق بگیرد و من اصلا ربط این سازه‌ها به مطبوعات را نمی‌فهمم. بنابراین فکر کردیم کاری کنیم که با ایام شهادت امام حسین (ع) هم مناسبت داشته باشد.

بنابراین خیمه‌ای از مطبوعات را برپا کردیم و با انتقال بخش کوچکی از موزه روزنامه اطلاعات به این خیمه، آن را برای علاقه‌مندان به نمایش گذاشتیم تا هم خاطرات گذشته را زنده کند و هم نسل جدید را با روند تولید نشریات در گذشته آشنا سازد.»

او در پاسخ به این سئوال که چه بخش‌هایی از موزه به این نمایشگاه منتقل شده است، گفت: «بخش‌هایی که مربوط به دریافت خبر، تولید خبر یا حروف‌چینی بودند و بین دهه ۳۰ تا ۶۰ مورد استفاده قرار می گرفتند در اینجا به نمایش درآمده‌اند. البته ما ماکت و صفحه سربی روزنامه «امام آمد» را هم در کنار هم نمایش دادیم که استقبال زیادی از آن شد و توجه بسیاری از عکاسان را جلب کرد.»

هاشمی در ارتباط با استقبال مردم از نمایشگاه مطبوعات گفت: «نمایشگاه تازه‌شروع شده و باید منتظر استقبال مردم بمانیم. زمانی که نمایشگاه مطبوعات را از نمایشگاه کتاب جدا کردند، این نمایشگاه دیگر مختص تهرانی ها شد و مخاطبین شهرستانی‌اش را از دست داد. ای کاش می شد فضای بزرگ‌تری برای نمایشگاه کتاب تهران در اختیار مسئولین قرار می گرفت تا بخشی از آن هم به نمایشگاه مطبوعات اختصاص پیدا می کرد.»

وی در پایان گفت: «در نمایشگاه امسال دوره‌های چاپ شده روزنامه‌های قدیمی و لوح‌های فشرده این روزنامه‌ها ارائه می شود که علاقه‌مندان می توانند در کنار محصولات روز این روزنامه از آن‌ها هم استفاده کنند علاوه بر این بخش اشتراک روزنامه اطلاعات در نمایشگاه مطبوعات هم فعال است و علاقه‌مندان می توانند یا از طریق نمایشگاه و یا از طریق سایت eshterak.ir اشتراک این روزنامه و نشریات آن را تهیه کنند.»

برگزاری اولین نشست هفتگی سخنگوی وزارت ارشاد

نخستین جلسه حسین نوش آبادی سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دیروز با حضور نمایندگان رسانه ها و مطبوعات برگزار شد.

به گزارش خبرنگار ما، در ابتدای این نشست، اعلام شد که از این پس هر هفته چنین جلسه ای با محوریت پرسش و پاسخ بین نمایندگان رسانه ها با نوش آبادی انجام خواهد شد و سخنگوی وزارت ارشاد گزارش مبسوطی از عملکرد وزرات خانه متبوعه خود، ارائه داد.

بنابر این گزارش، سخنگوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درباره دلیل لغو مجوز کنسرت‌های موسیقی در شهرستان‌ها و همچنین دلیل احیا نشدن ارکستر سمفونیک و ارکستر ملی ایران گفت: وزارت ارشاد از لغو مجوز کنسرت‌ها در بعضی شهرستان‌ها ناخرسند است و به‌نظر می‌رسد این اتفاقات به‌دلیل برخی ناهماهنگی‌ها بوجود آمده باشد و ما از این امر ناخرسندیم. به همین دلیل، به مدیران استانی وزارت ارشاد تأکید کرده‌ایم که پیش از صدور هر مجوزی برای کنسرت، هماهنگی‌های لازم را با بخش‌های مختلف انجام دهند.

سخنگوی وزارت ارشاد با تاکید بر اینکه مجوز ساخت «عصبانی نیستم» در دولت گذشته صادر شده بود، بیان کرد: ما بررسی خواهیم کرد که اگر تولید فیلم براساس فیلمنامه مصوب بوده باشد، خسارت فیلمساز را تامین خواهیم کرد اما در هر صورت اکران نشدن این فیلم براساس ملاحظات موجود است. گرچه اصلاحات مختلفی بر روی «عصبانی نیستم» انجام شده است اما عدم اکران آن در حال حاضر به معنای اکران نشدن همیشگی‌اش نیست و وزارت ارشاد تنها می گوید این فیلم از دستور اکران خارج شده است و اگر ملاحظات شکل بگیرد و با اصلاحات بیشتر نظر وزیر و سایر نهادها تامین شود، فیلم اکران خواهد شد.

جشنواره بین‌المللی فیلم رشد، جمعه آغاز می شود

چهل و چهارمین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم رشد با شعار «دانش آموز در آیینه هنر» از ۲۳ تا ۳۰ آبان برگزار می‌شود.

به گزارش خبرنگار ما، سعید بدیعی دبیر این جشنواره در گفتگو با خبرنگاران گفت: پس از فراخوان دبیرخانه جشنواره و ارسال ۳ هزار فراخوان به زبان فارسی به ده‌ها مؤسسه و مرکز تولید فیلم، چاپ در نشریات و مطبوعات و ارسال ۲ هزار آیین‌نامه و فرم فراخوان به زبان انگلیسی از طریق روابط عمومی جشنواره به مؤسسات فیلم‌سازی، جشنواره‌ها و افراد دست‌اندرکار تولید فیلم در سراسر جهان، هزار و ۱۹۷ فیلم از ۴۰ کشور به دبیرخانه رسید که ۲۱۷ فیلم از ۳۹ کشور و ۹۸۰ فیلم نیز متعلق به ایران است. بدیعی افزود: پس از پایان کار انتخاب فیلم ها، ۲۰۹ اثر به بخش مسابقه راه یافت. که از ۲۳ آبان این فیلم ها در سینما فلسطین، ۲۰ کانون فرهنگی - تربیتی، ۲۰۰ مرکز آموزشی در مناطق ۱۹ گانه تهران، ۱۷ پردیس دانشگاه فرهنگیان، ۲۰ مرکز نمایش فیلم در گیلان و مراکز نمایش فیلم در شهرهای جاسک، کنارک و چابهار نمایش داده می شوند.

دبیر چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی فیلم رشد تصریح کرد: فیلم‌های جشنواره در بخش های مستند علمی آموزشی، مستند، انیمیشن، فیلم‌های تربیتی داستانی بلند و گروه فیلم‌های تربیتی داستانی کوتاه به نمایش در می آیند و کار داوری آنها توسط چهار داور از ایران و ۱۸ داور خارجی انجام می گیرد.

بدیعی ادامه داد: در بخش داستانی بلند ۱۴ فیلم ایرانی و ۲ فیلم خارجی، در بخش مستند ۵۳ فیلم و در بخش پویانمایی ۶۷ فیلم در بخش مسابقه جشنواره حضور دارند.

وی اهداف برگزاری این جشنواره را شناسایی، انتخاب و معرفی فیلم‌های علمی آموزشی و تربیتی از سراسر جهان، بهره‌گیری از توانایی‌های صنعت سینما و تلویزیون در آموزش و پرورش و نقش مؤثر آن در پیشبرد فرایند یاددهی و یادگیری اعلام کرد.

سرشماری نفوس و مسکن سال ۹۵ الکترونیک انجام می شود

سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵کاملا الکترونیک و با سیستمی که برای سرشماری کشاورزی امسال به کار برده شد، انجام می شود.

دکترعادل آذر رئیس مرکز آمار ایران در نشست تخصصی نظام جامعه ثبت های آماری ایران که در این مرکز برگزار شد، با تاکید بر ضرورت استقرار کامل نظام جامع آمارهای ثبتی افزود: با تصویب این طرح در شورای عالی آمار قرار بر این است که عمده آن در سال ۱۳۹٤ اجرا شده و تا نیمه سال ۱۳۹۵ تکمیل شود.

وی اظهار داشت: ما معتقدیم که آمار کشور تنها محدود به مرکز آمار نیست و باید نظام حرفه ای آمار شکل گرفته و مرکز آمار هم جزیی از آن باشد.

رئیس مرکز آمار ایران با بیان اینکه کل ارکان نظام باید لزوم استقرار نظام جامع ثبت های آماری را جدی بگیرند، گفت: این در حالی است که در حال حاضر در فعالیت های اقتصادی و فرهنگی خلأ جدی و بزرگی در رابطه با آمار احساس می شود. اما نه آنکه آماری تولید نمی شود، بلکه یکسان نبوده و یکپارچه نشده است.

وی از این مرکز بعنوان آمپر اطلاعات ملی دولت یاد کرد و گفت: بنابراین اگر قرار است نظام اطلاع رسانی ما به طور ملی شکل بگیرد، باید تمام دستگاه ها همکاری کرده و خود را به این سیستم یکپارچه ملحق کنند. زیرا ما در مرکز آمار نمی توانیم به تنهایی در چنین اقدام بزرگی موفق شویم.

آذر یادآور شد: با استقرار کامل نظام جامع ثبت های آماری ایران دیگر دستگاه ها به طور پراکنده عمل نکرده و گسیختگی آماری و جزیره ای بودن آن از بین می رود.

وی همچنین در حاشیه نشست تخصصی نظام جامعه ثبت‌های آماری ایران در رابطه با آخرین آمار از رشد جمعیت کشور اظهارداشت: آخرین آمار رسمی مربوط به سرشماری سال ۱۳۹۰ است، اما ساعت شمارجمعیتی مرکز آمار تعداد جمعیت کشور را حدود ۷۸ میلیون نفر نشان می‌دهد.

رئیس مرکز آمار ایران با بیان این‌که عدد دقیقی از جمعیت کشور در دست نیست و باید منتظر نتیجه سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ باشیم، گفت: اما علائم موجود نشان می‌دهد که رشد جمعیت نسبت به نرخ ۱/۳درصدی سال ۱۳۹۰ بهبود یافته است.

نوبخت: ۲۴۶ طرح عمرانی تا پایان سال به بهره برداری می رسد

*سازمان مدیریت و برنامه ریزی در دوره جدید با رویکردی متفاوت و در عین حال چابک تر،فعال و نظارت گر طی چند هفته آینده پا به عرصه خواهد گذاشت.

*ستاد بودجه ۹٤ بعد از ابلاغ رئیس جمهوری فعال شده و امروز گزارش اولیه درباره این بودجه به دولت ارائه می شود. همچنین دوم آذر پیش نویس بودجه سال آینده به دولت تقدیم و در وقت قانونی لایحه آن به مجلس محترم ارائه خواهد شد.

این مطالب را محمد باقر نوبخت معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری در برنامه گفتگوی ویژه خبری شبکه دوم سیما اعلام کرد و با اشاره به اینکه رئیس جمهوری ۱۷ مهر امسال طی پیشنهادی با احیای مجدد سازمان مدیریت و برنامه ریزی موافقت کرد، یادآور شد: وقتی سازمان مدیریت و برنامه ریزی منحل شد دو امر برنامه ریزی و مدیریت به یک فرد سپرده شد و رئیس جمهوری تاکید داشت که مدیریت یکسانی در این دو بخش وجود داشته باشد.

وی توضیح داد: مجلس برای احیای این سازمان طرحی را تصویب کرد که این طرح از سوی شورای نگهبان مورد تصویب قرار نگرفت. چراکه مجلس نمی تواند در بخشی که اختیار آن برای ریاست جمهوری در نظر گرفته شده ،ورود کند.

معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری با اظهار اینکه قرار ما بر این نیست عینا به همان سازمان برگردیم، بلکه بنای ما ایجاد سازمان مدیریت و برنامه ریزی به صورت چابک، فعال و نظارت گر است، اظهار امیدواری کرد که سرانجام کار این سازمان ظرف چند هفته آینده به نتیجه برسد.

وی درباره تحویل بودجه ۹٤ در موعد مقرر به مجلس اظهار داشت: ستاد بودجه بعد از ابلاغ رئیس جمهوری فعال شده و امروز گزارش اولیه درباره بودجه به دولت ارائه می شود.نوبخت تاکید کرد: دوم آذر پیش نویس بودجه ۹٤ به دولت تقدیم و در وقت قانونی لایحه بودجه به مجلس محترم ارائه می شود.

نامبرده گفت:بودجه طبق تعریفی که در ماده یک محاسبات عمومی دارد، سندی عمومی از منابع و مصارف یکساله است. همچنین این منابع و مصارف در جهت اهدافی است که دولت آن را پیگیری می کند. وی یادآور شد: روزی که بودجه ۹۳ به مجلس ارائه می شد، رئیس جمهوری اهداف بودجه را اعلام کرد که شامل کاهش نرخ تورم بود و امروز که نیمی از سال می گذرد،شاهد نرخ ۱۹ درصد تورم هستیم.

نوبخت ادامه داد: آنچه رئیس جمهوری در کنار تورم مطرح کرد، خروج از رکود و رشد اقتصادی بود و همه منابع بودجه در این بخش صرف شد.

وی در ادامه توضیح داد: دولت ۱۳ هزار میلیارد تومان برای طرح های عمرانی سرمایه گذاری کرد. در واقع با بازگشت ۱۲ هزار میلیاردی که اسفند داده بودیم و در آن ایام جذب نشده بود، در مجموع دولت ۲۵ هزار میلیارد تومان در بخش عمرانی سرمایه گذاری کرد.معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری تاکید کرد: ۱۱۳ هزار میلیارد تومان بانک ها در این بخش تسهیلات دادند که این رقم نسبت به پارسال ٤۰ درصد افزایش یافت و حدود ٦۰ درصد منابع و تسهیلات مربوط به سرمایه در گردش بود.

وی اظهار داشت: این شرایط موجب شد ما ٤/٦ درصد رشد داشته باشیم و ٤۰۰ هزار فرصت شغلی بدست آوردیم و میزان سرمایه گذاری موجب شد در هدف دوم یعنی خروج از رکود اقتصادی موفق باشیم.

این مقام مسئول با بیان اینکه در لایحه رئیس جمهوری به مجلس در بودجه ۹۳ دو موضوع دیگر به عنوان هدف ذکر شده بود، گفت: یکی از این اهداف مسکن مهر بود که تلاش کردیم با کمک دولت به زیرساخت ها، این بخش را به سرانجام برسانیم. همچنین وام ۵۰ میلیون تومانی برای ساخت مسکن به منظور تحقق این هدف در نظر گرفته شد.

وی ادامه داد: در زمینه یارانه ها مبالغی که دولت قبل می پرداخت قطع نکردیم. البته اگر از ابتدا در این بخش وارد می شدیم، این گونه اقدام نمی کردیم و معتقدیم باید در زیر ساخت ها اصلاح انجام می شد که اینکار را انجام دادیم.

نوبخت تاکید کرد: علاوه بر پرداخت یارانه به خانوارها، دو وعده یارانه ویژه در قالب سبد غذایی به دهک های کم درآمد دادیم.وی با یادآوری اینکه دولت در یکسال اخیر درمان را ارزان کرد، یادآور شد: ۵۷۲۵ میلیارد تومان هم برای تولید اختصاص دادیم .اما قرار نیست بودجه و تسهیلات بدون برنامه ریزی به بخش تولید وارد شود ،بلکه معتقدیم دستگاه ها باید مشخص کنند در بخش های مختلف تولیدی تسهیلات ارزان قیمت چگونه و از چه مسیری هزینه شود.

معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری افزود: اعلام می کنم بیست و دوم هر ماه، یارانه ها پرداخت می شود و دولت تدبیر و امید علاوه بر پرداخت یارانه ها، به بخش تولید و مسکن هم یارانه اختصاص داده است.

وی همچنین تاکید کرد: با توجه به اینکه منابع ما کامل محقق نشده بود، اما مطالبات بخش های مختلف از جمله ایثارگران و پیمانکاران پرداخت شد.

سخنگوی دولت با اشاره به بودجه سال ۹۳ اظهار کرد: ۱۹۵ هزار میلیارد تومان بودجه برای سال ۹۳ پیش بینی کرده بودیم که نمایندگان مجلس بنا به دلایلی این رقم را به ۲۱۱ هزار میلیارد افزایش دادند.

وی تصریح کرد: مهم نیست منابع مورد نظر برای رسیدن به این بودجه محقق نشده ،بلکه مهم این است که بیش از آنچه بدست آوردیم، هزینه نکنیم و همین بودجه را به صورت بهینه مصرف کنیم.نوبخت گفت: امسال ما ۲٤٦ طرح بزرگ را تا اسفند افتتاح می کنیم و تمامی طرح های مصوبی که در دولت در هشت استانی که رئیس جمهوری به آنجا سفر کرده مورد بهره برداری قرار می دهیم.وی گفت: بودجه ما در دو بخش صرف می شود. نخست حقوق کارمندان و کارکنان دولت است و ما هیچوقت در این زمینه کاهش بودجه نداریم و سعی می کنیم کاهش بودجه را به کارمندان دولت تحمیل نکنیم. اما در دستگاه ها تلاش می کنیم صرفه جویی ها را داشته باشیم.

به گفته معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری، طبق انضباط مالی دولت، بودجه جاری و عمرانی در نیمه نخست سال ۹۳ پرداخت شده است.معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری یادآور شد: خوشبختانه براساس آخرین آمار خزانه، مبلغ ۱٤٦۰۰ میلیارد تومان از بدهی پیمانکاران پرداخت و در طرح های عمرانی سرمایه گذاری شده است.وی تاکید کرد: با توجه به اینکه درآمد نفتی ما با یک وقفه چند ماهه به حسابها واریز می شود، تا پایان سال با همین وضع قیمت نفت، بیش از سال های گذشته موفق می شویم به طرح های عمرانی پول دهیم و به همین تناسب، انتظار رشد اقتصادی از جامعه داریم.نامبرده اظهار کرد: متوسط فروش نفت در نیمه اول سال ۹۳ حدود ۱۰٤ دلار بود و این رقم همچنان به زیر ۱۰۰ دلار نرسیده است و پیش بینی می کنیم در نیمه دوم امسال هر بشکه ۸۲ دلار باشد که بدین ترتیب جمع متوسط این رقم ۹۳ دلار می شود.

وی تصریح کرد: با وجود این شرایط از بودجه بخشهای عمرانی کم نمی کنیم. اما مخارجی را که قبلا به ازای ۱۰۰ دلار پیش بینی کرده بودیم ،ادامه نمی دهیم. نوبخت گفت: اینکه باید هزینه هایمان بیشتر از سال ۹۲باشد، روشی سنتی برای بودجه ریزی است که البته باید سعی کنیم مخارج جاری را تقلیل دهیم، اما حقوق کارکنان دولت و اعتبارات را کم نمی کنیم.

وی با بیان اینکه اقتصاد مقاومتی امروز امری واقعی است، تصریح کرد: به موازات برنامه ششم، برنامه اقتصاد مقاومتی را به تصویب رساندیم و معتقدیم اقتصاد مقاومتی باید سیاست قالبی در برنامه های ما در توسعه کشور باشد.

معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری درباره کاهش منابع ارزی دولت در پی کاهش نفت یادآور شد: تلاش ما بر این است بدون تحول اساسی بودجه امسال را به پایان برسانیم و کاهش تورم و افزایش رشد اقتصادی را پیگیری کنیم. ضمن اینکه برای سال ۹٤ دو بودجه دیگر تهیه کردیم که بخشی از آن مربوط به شرایط عدم دستیابی به توافق در مذاکرات هسته ای است. همچنین در طرح دیگری از بودجه، شرایطی در نظر گرفته شده که چنانچه باده ها میلیارد دلار درآمد بیشتر مواجه شویم، چه کنیم.وی با اشاره به ترکیب مسوولان اقتصادی دولت توضیح داد: این ترکیب شامل افراد کهنه کاری می شود که برای آزمون و خطا نیامدند و تلاش ما این است که از روش های علمی و منطقی مسائل را پیگیری کنیم. زیرا غیر علمی و غیر منطقی نمی توان به نتیجه درستی رسید.نوبخت یادآور شد:اقتصاد شامل اختصاص بهینه منابع است و تدبیر ما در دولت، هزینه درست بودجه ها بر اساس برنامه ریزی و درایت خواهد بود.

وی افزود: دولت مصمم بود که پروژه های ناتمام بالای ۸۰ درصد را تمام کند و در این راه مجلس هم با دولت همکاری کرد. اگر قرار بود بودجه باقی مانده را به ۲۹۰۰ طرح باقی مانده اختصاص دهیم، فقط شاهد رشد درصد اندکی از این پروژه ها می بودیم .در صورتی که فقط صرف هزینه پروژه های عمرانی منجر به رشد اقتصادی نمی شود.

معاون برنامه ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری ادامه داد: برای تبیین بودجه سال ۹٤ رقمی را برای نفت پیش بینی می کنیم که قابل اطمینان باشد و اعداد حداقلی در بودجه تامین شود. هرچند بودجه سال آینده منقبض تر از بودجه امسال خواهد بود، اما سعی می کنیم از این بودجه به درستی استفاده کنیم.وی با بیان اینکه بیش از ۹۵ درصد منابع پیش بینی شده از طریق مالیات تحقق یافته ،افزود: پایه مالیاتی را گسترش دادیم و خیلی از کسانی که مالیات نمی دادند، در فضایی شفاف مجبورند مالیات بپردازند.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۷۷/۳۸ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۸۲/۰۱ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۷۸/۹۸ دلار
هر اونس (۳۱/۱گرم) طلا	۱۱۵۴/۵۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳گرم)	۸۹۹۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳گرم)	۸۹۹۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۴۵۶۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۶۳۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۶۶۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۹۱۷۲۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۱۸۷۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ بانکی)	۲۶۷۴/۴تومان
دلار آمریکا(نرخ آزاد)	۳۲۶۰تومان
یورو(نرخ بانکی)	۳۳۲۲/۹تومان
یورو(نرخ آزاد)	۴۰۷۰تومان
پوند انگلستان(نرخ بانکی)	۴۲۳۷تومان
پوند انگلستان(نرخ آزاد)	۵۱۶۵ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۷۲۸/۱تومان
درهم امارات (نرخ آزاد)	۸۹۱تومان

یارانه نقدی پردرآمدها بزودی حذف می شود

علی ربیعی وزیر تعاون،کار و رفاه اجتماعی خبر از حذف یارانه نقدی پردرآمدها در آینده نزدیک داد و گفت: یکی از مشکلاتی که در بخش یارانه‌های نقدی با آن روبرو هستیم، ضعف در شناسایی خانوارهاست که قرار شده بانک اطلاعاتی با همکاری دستگاه‌ها تشکیل شود و به طور حتم ظرف ماه‌های آتی درصد خطاها کاسته خواهد شد .در این صورت می‌توانیم تعداد دقیق نیازمندان و افرادی که باید به آنها یارانه تعلق گیرد، را شناسایی کنیم.

به گزارش تسنیم، وی که درحاشیه نخستین جلسه دبیرخانه شورای عالی رفاه در جمع خبرنگاران سخن می گفت،ادامه داد: در گذشته به دلیل فقدان بانک اطلاعات به تمامی مردم یارانه تعلق می گرفت، اما با تشکیل بانک اطلاعات این مشکل برطرف خواهد شد و تا پایان سال تصمیم گیری‌ها بر اساس شناسایی خانوارها انجام می گیرد. ضمن اینکه ما نمی خواهیم بی عدالتی با تصمیم‌گیری‌های مان همراه شود.

۴ میلیون هکتار اراضی کشاورزی به سیستم آبیاری نوین مجهز می‌شود

بقیه از صفحه اول

طرح جامع و فنی برای اجرای این کار را آماده کرده‌ایم.

وی همچنین اعلام کرد: طرح آبخیزداری و آبخوانداری ۱۱ میلیون هکتار اراضی در مدت ۳ سال هم آماده شده که بزودی تقدیم دولت می‌شود تا با توجه به قول‌های مساعد دولت و مجلس برای بهبود بخش آب، کل اراضی کشاورزی کشور مجهز به سیستم‌های نوین آبیاری شود.

بخشنده با اشاره به اینکه نیاز سالانه کشور به گندم در سال ۱۱ میلیون تن و تولید امسال ۱۰/۵ میلیون تن است، اظهار داشت: ۷ میلیون تن گندم امسال خریداری شده و اکنون ٤ میلیون تن کمبود داریم که برای جبران آن تلاش می‌کنیم تولید و خرید از کشاورزان را افزایش داده تا به موازات آن واردات این محصول را کاهش دهیم.

نامبرده با اشاره به آغاز کشت پاییزه در کشور، گفت: تمامی نهاده‌های مورد نیاز کشت پاییزه که اغلب گندم، جو و کلزا است، تهیه و به استان‌ها حمل شده و هیچ کمبودی در این زمینه وجود ندارد و تاکنون ۲/۵ میلیون هکتار از کشت گندم پاییزه امسال که بیش از یک سوم کشت سالانه است، انجام شده است.

بخشنده درباره کشت فراسرزمینی هم تصریح کرد: کشت فرا سرزمینی فقط توسط بخش خصوصی انجام می‌شود و دولت از آن پشتیبانی می‌کند. بنابراین آیین نامه کشت فرا سرزمینی آماده شده که به دولت ارائه می‌شود تا پشتیبانی لازم از آن انجام شود و کار به صورت قانونمند پیش برود.

وی در پاسخ به سؤال خبرنگار اطلاعات درباره بدهی وزارت جهاد کشاورزی به کشاورزان، تصریح کرد: عمده بدهی‌ها مربوط به خرید تضمینی گندم به کشاورزان است و به همین منظور ۱۰۰۰ میلیارد تومان میان ۷ بانک برای خرید تضمینی محصولات کشاورزی تقسیم و برخی بدهی‌ها پرداخت شده و به زودی کل بدهی‌ها پرداخت خواهد شد.

معاون وزیر جهاد کشاورزی با تاکید بر ناصحیح بودن ادعای اختصاص ۹۲ درصد آب کشور به بخش کشاورزی، این میزان را ۷۵ درصد دانست و گفت: آب بخش کشاورزی به هیچ وجه کم نخواهد شد و کسی هم حق کاهش آن را ندارد اما از همین مقدارآب قابل دسترس باید بهره‌وری بالا ببریم.

وی با اشاره به قانون اجرای تمرکز وظایف که تجارت محصولات کشاورزی در سطح کلان به صورت یکپارچه به بخش کشاورزی واگذار شده است، گفت: کار واگذاری صنایع تبدیلی و تکمیلی به بخش کشاورزی هم در حال انجام است.

بخشنده با اشاره به ذخیره‌سازی گندم، شکر، گوشت، برنج و سایر اقلام اساسی مورد نیاز کشور به میزان کافی، گفت: کمبودی در این زمینه وجود ندارد و برنج و شکر هم وارد نخواهد شد.

معاون امور اقتصادی و برنامه‌ریزی وزارت جهاد کشاورزی با اشاره به اجرای طرح ۵۵۰ هزار هکتاری کشاورزی در استان‌های ایلام و خوزستان با اعتبار ۱/۵ میلیارد دلار، افزود: علاوه بر این، طرح موسوم به آبهای مرزی در ۴۵۰ هزار هکتار اراضی ۱۲ استان در دولت تصویب شده و مقام معظم رهبری اجازه برداشت ۸ میلیارد دلار برای اجرای این طرح را از محل منابع صندوق توسعه ملی خارج از ردیف بودجه داده‌اند وی در ادامه گفت: طرح ساخت ٤٦ هزار هکتار شبکه آبیاری با اعتبار ۵۰۰ میلیون دلار هم در دشت زابل اجرا خواهد شد که در مجموع ۱۰ میلیارد دلار برای ساماندهی یک میلیون هکتار اراضی کشاورزی اختصاص می‌یابد.

وی اعلام کرد از مجموع ۸ میلیارد دلار اعتبار مربوط به طرح آب‌های مرزی ۱۲ استان قسط نخست به مبلغ ۲ میلیارد دلار امسال تخصیص داده شده و وزارت نیرو نخستین قسط خود را دریافت کرده و وزارت جهادکشاورزی هم به زودی دریافت خواهد کرد.

بخشنده طرح کشاورزی ۵۵۰ هزار هکتاری خوزستان و ایلام را به عنوان بزرگترین طرح آبی ـ خاکی تاریخ کشاورزی ایران برشمرد و گفت: مصوبه این طرح اسفند پارسال از سوی رئیس جمهوری ابلاغ شد و کار از ابتدای امسال کلید خورده است.

وی اعلام کرد: اکنون ٦۰ کارگاه فعال، ۵۰ پیمانکار و ۱۰۵ شرکت مشاور با ۱۸۳۰ دستگاه ماشین آلات سنگین و ٦۰۰۰نیروی متخصص در حال کار در منطقه هستند و امسال ۹۰ هزار هکتار زمین آماده و تحویل کشاورزان شده است و امیدواریم طرح در زمان مقرر به پایان برسد.

وی در پایان سخنانش با اشاره به جلسه اخیر وزارت جهاد کشاورزی، مدیران صنایع لبنی و دامداری‌ها با معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری درباره یارانه شیر گفت: در این جلسه مقرر شد ۲۲۵ میلیارد تومان (هر ماه ۷۵ میلیارد تومان) برای یارانه ۳ ماه نخست امسال دامداران اختصاص یابد که این مبلغ به حساب وزارت جهاد کشاورزی واریز شده که در کمیته‌ای چگونگی پرداخت آن به دامداران تعیین می‌شود.

وی گفت: ۱۵۰ میلیارد تومان یارانه شیر مدارس هم قطعی شده اما برای این کار ۳۰۰ میلیارد تومان نیاز است. بخشنده اعلام کرد: افزایش قیمت محصولات لبنی یا پرداخت مابه‌التفاوت نرخ شیر به صنایع لبنی به صورت یارانه بعداً بررسی خواهد شد.

در ادامه این نشست، طهماسبی معاون زراعت و باغبانی وزیر جهادکشاورزی هم اعلام کرد: امسال یک میلیون و ۹۰۰ هزار تن پرتقال در کشور تولید شده که از این میزان ۱/۵ میلیون تن به مصرف تازه خوری می‌رسد؛ بنابراین هیچ‌گونه کاهش تولیدی در این محصول نداریم و نیاز به واردات آن هم نیست بلکه می‌توانیم پرتقال ایران را صادر کنیم.

وی میزان تولید سیب امسال را حدود ۳ میلیون تن اعلام کرد و گفت: توان صادرات سیب و کیوی ایران وجود دارد.

وی درباره گرانی میوه در بازار اظهار داشت: باید سامانه تولید و توزیع از باغ تا سفره در کشور ایجاد تا قیمت میوه متعادل شود.

گشایش اعتبار برای تامین قطعات هواپیما امکان پذیر شد

وزیر راه و شهرسازی از رفع مشکل گشایش اعتبار برای تامین قطعات هواپیما خبر داد و گفت: برای ورود قطعات هواپیما می توان علاوه بر گشایش اعتبار، خط اعتباری باز کرد و بر همین اساس مبادله رسمی مالی میسر شد.

به گزارش ایرنا، عباس آخوندی در بازدید از نمایشگاه مطبوعات در پاسخ به پرسشی در خصوص صحت تخصیص دلارهای آزاد شده به نوسازی ناوگان هوایی در راستای مذاکرات ۱+۵اظهار داشت: تاکنون از دلارهای مذکور برای تامین قطعات هواپیما بهره گیری نشده، اما بحث مذاکرات امکان حمایت و مبادله مالی برای تامین قطعات هواپیما را فراهم کرده است.

وی با تاکید بر اینکه دلارهای آزاد شده متعلق به دولت است، تصریح کرد: بهره گیری از دلارهای مذکور با تامین ریال امکان پذیر است. زیرا دلارها متعلق به دولت است.

وزیر راه و شهرسازی درباره اقدامات انجام شده برای ایمنی در راه های کشور تصریح کرد: از هر ۱۰ کشته در جهان یک مورد آن مربوط به کشورهای در حال توسعه و ۹ نفر دیگر متعلق به کشورهای در حال توسعه است ضمن آنکه ۷۵ درصد کشته ها در ایران سواد زیر دیپلم دارند.

وی اظهار داشت: دولت در این راستا ۱٤ جلسه را برگزار کرده و در این چارچوب برای افزایش ایمنی خودروهای اسکانیا اقداماتی را انجام داده به طوری که از موسسه استاندارد خواسته بازرسی بین المللی را برای فرآیند تولید اسکانیا انجام دهد.

نامبرده اضافه کرد: علاوه بر این قرار است تمامی اسکانیاهای زیر بار به کارخانه برگشته و کنترل شود زیرا اسکانیا اعلام کرده بودکه برخی از مالکان تغییراتی بر روی آن انجام داده اند و خواستیم که همه را بررسی کنند و نظر کارخانه دراین خصوص دریافت شود.

وی ضمن بیان اینکه تا سال ۹٤ سفره پروژه‌های مسکن مهر جمع می‌شود، از انعقاد تفاهم‌نامه با ارمنستان برای احداث خط ریلی خبر داد.

به گزارش فارس ،آخوندی همچنین درباره تعیین تکلیف آزادراه تهران–شمال اظهار داشت: در این هفته به همراه رئیس بنیاد مستضعفان و مدیرعامل شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل بازدیدی از آزادراه تهران – شمال خواهیم داشت و روند پروژه را بررسی خواهیم کرد.

وی درباره صندوق پس‌انداز مسکن اظهار داشت: بانک مسکن پیشنهاد های خود را به شورای پول و اعتبار داده و در حال طی کردن مسیر تصویب است.

وزیر راه و شهرسازی درباره خط آهن ایران – ارمنستان بیان کرد: ارمنی ها به دنبال این هستند که خط آهنی از شمال تا جنوب داشته باشند و می خواهند مطمئن شوند که امکان اتصال خط آهن آنها به جلفا و ایران وجود دارد که ما در این باره آمادگی خود را برای همکاری اعلام کردیم.

وی از انعقاد تفاهم‌نامه با ارمنستان برای احداث این خط ریلی خبر داد و بیان کرد: طول این مسیر ریلی که مطالعات آن شروع شده، حدود ۳۸۰ کیلومتر است که ۸۰ کیلومتر آن در ایران و ۳۰۲ کیلومتر در ارمنستان است.

این وزیر کابینه در ادامه با حضور در غرفه ایسنا در نمایشگاه بین‌المللی مطبوعات درباره زمان پرداخت وام ۵۰ میلیونی ساخت در بافت فرسوده گفت: یارانه سود این طرح در دولت تصویب شده و اجرای مراحل دیگر آن در شورای پول و اعتبار در حال طی شدن است.

وی با بیان این‌که شورای پول و اعتبار باید مطمئن می‌شد که دولت یارانه سود را تضمین می‌کند، تصریح کرد: با مصوبه هیات وزیران مراحل باید در شورای پول و اعتبار پیش رود و بعد از آن بانک مرکزی، بانک‌های عامل را تعیین می‌کند.

آخوندی با بیان این‌که بیش از ۵٦هزار هکتار بافت فرسوده را شناسایی کرده‌ایم، تصریح کرد: این مساحت ۱۱ میلیون جمعیت شهری ایران یعنی بیش از ۲۵ درصد جمعیت را در خود جای داده است.

انتقاد بخش خصوصی از بلاتکلیفی بدهی های دولت در لایحه بودجه ۹٤

فعالان بخش خصوصی از اینکه سرفصل مشخصی دربودجه۹٤برای‌بدهی دولت تعیین نشده، اظهار گلایه کردند.

دکتریحیی آل اسحاق رئیس اتاق بازرگانی،صنایع،معادن و کشاورزی تهران که دیروز به نمایندگی از فعالان بخش خصوصی در چهل و هفتمین جلسه هیات نمایندگان اتاق بازرگانی تهران سخن می گفت، با اشاره به روند تدوین بودجه سال آینده و انتقاداتی که به آن وارد است، افزود: بدهکاری‌های دولت همچنان در حال افزایش است و در بودجه سرفصل مشخصی برای آن تعریف نشده که میزان این بدهی ها در جامعه و زندگی مردم نقش بسزایی دارد.

رئیس اتاق بازرگانی تهران همچنین پایین بودن بودجه عمرانی کشور در بودجه ۹٤ را از دیگر مواردی عنوان کرد که نیاز به بازنگری دارد و گفت: رقم مخصوص پروژه‌های عمرانی کشور بالا نیست و در نهایت در عملیات اجرا رقم قابل توجهی از آن اختصاص نمی یابد.

به گفته آل‌اسحاق، اگر قرار است اصل ٤٤ اجرا بشود، دولت باید به سمت خرید خدمت رفته و در کنار آن به سمت و سوی امور زیربنایی حرکت کند.

آل‌اسحاق ادامه داد: درآمد ما عمدتا درآمد نفتی است و وابستگی به نفت و بزرگی بدنه دولت مطلوب نیست.وی با تاکید بر اینکه دولت نباید رقیب بخش خصوصی باشد، افزود: برخی نگران کاهش قیمت نفت و تاثیر آن در کسری بودجه هستند، در حالی که اثر درآمدی نفت ۱۰۰ روز بعد در بودجه تاثیرگذار خواهد بود و به تعبیری تغییر نرخ نفت در کسری بودجه امسال موثر نیست.

وی با ارائه گزارشی از سفر اخیر خود به گرجستان برای بهبود روابط اقتصادی دو کشور افزود: زمین، آب، مقررات و امنیت سرمایه گذاری در این کشور نسبت به سایر کشورهای آسیای میانه در بهترین شکل خود وجود دارد. ضمن آنکه هیچگونه بروکراسی اداری و گمرکی برای فعالان اقتصادی در گرجستان معنا نداشته و ظرف کمتر از دو ساعت هرگونه درخواستی رسیدگی می‌شود.رئیس اتاق بازرگانی تهران حجم روابط تجاری ایران و گرجستان را ۱۷۵ میلیون دلار اعلام کرد و گفت که در صورت برطرف شدن مشکلات می تواند این رقم به ۳ تا ٤ میلیارد دلار برسد.

آل‌اسحاق گفت: گرجستانی‌ها به سرمایه گذاران ایرانی زمین و امکانات را با مالکیت ۱۰۰درصد واگذار می کنند و به راحتی مجوز سرمایه گذاری می دهند.

لایحه اصلاح قانون نظام مهندسی در دست تدوین است

سرویس اقتصادی: دولایحه اصلاحی قانون نظام مهندسی و نظام ساخت و ساز در وزارت راه و شهرسازی در دست تدوین است.

غلامرضا هوایی مدیرکل مقررات ملی ساختمان وزارت راه و شهرسازی دیروز در گفتگو با خبرنگاران اظهار داشت: ساخت و ساز قانون مدونی ندارد و هرکس می تواند با مراجعه به شهرداری درخواست ساخت و ساز کند؛ این روند، مطلوب نیست و باید تغییر کند تا افراد مسئول و دارای صلاحیت در این حرفه وارد شوند.

وی در بخش دیگری از سخنانش در مورد برگزاری آزمونهای ورودی برای متقاضیان اخذ پروانه اشتغال به کار مهندسین، کاردانهای فنی و معماران تجربی گفت: فردا و پس‌فردا(۲۲ و ۲۳ آبان) این آزمونها در ۱۸ رشته با حضور ۱٤۰ هزار داوطلب برگزار می‌شود.

هوایی اضافه کرد: ۸۳ درصد از شرکت‌کنندگان مرد و ۱۷ درصد زن هستند و نتایج آزمونهای تستی تا آخر دی و آزمون تشریحی معماری تا پایان بهمن اعلام می‌شود.مدیرکل مقررات ملی ساختمان با اشاره به اینکه استان تهران با ۲٤ هزار نفر بیشترین و خراسان جنوبی با ۹۱٦ نفر کمترین تعداد شرکت کننده را دارند، گفت: این آزمونها فعلاً سالی دوبار برگزار می‌شود و امسال تاکنون با احتساب آزمون خرداد، حدود ۳۰۰ هزار نفر شرکت کننده داشتیم. به تعبیری این بزرگترین کنکور یا آزمون حرفه‌ای کشور محسوب می‌شود و در هیچ گرایش دیگر مهندسی یا غیرمهندسی این تعداد متقاضی وجود ندارد.

وی اضافه کرد: کسانی که ۵۰ درصد نمره آزمون را کسب کنند، به دریافت پروانه اشتغال نائل می‌شوند و در واقع این آزمون حد نصابی است و ظرفیتی محسوب نمی‌شود.

مدیرکل مقررات ملی ساختمان یادآور شد: بین ۲۵ تا ۳۰درصد از افراد شرکت کننده در آزمونها قبول می‌شوند.

بخش خصوصی ایران و عراق بانک مشترک تاسیس می کنند

فعالان اقتصادی بخش خصوصی ایران و عراق با همکاری یکدیگر بانک مشترک ایجاد می کنند.

آقای محمدشریعتمداری معاون اجرایی رئیس جمهوری دیروز در نخستین اجلاس بین المللی تجارت ایران و عراق که در سالن همایش های برج میلاد برگزار شد، با بیان این مطلب اظهار امیدواری کرد تا بتوانیم حلقه‌های مفقوده روابط تجاری دو کشور را با ارائه راهکارهای مناسب حل کنیم.

وی روابط ایران و عراق را راهبردی و استراتژیک دانست و گفت: در عرصه‌های گوناگون از ابتدای تأسیس دولت اسلامی عراق روابط دو کشور روند رو به رشدی را طی کرد تا به حدی که از سال ۸۳ تا به امروز حجم مبادلات تجاری بین ایران و عراق بیش از ۲۰ برابر شده است و ظرفیت مبادلات تجاری تا سقف ۲۵ تا ۳۰ میلیون دلار وجود دارد.شریعتمداری برگزاری نمایشگاه‌های مشترک بین ایران و عراق را سبب شناخت بیشتر فعالان بخش خصوصی و مسئولان دو کشور برای مبادلات تجاری دانست و افزود: تبادل هیأت‌های تجاری و حضور تجار به ویژه در نمایشگاه‌های اختصاصی برای ما حائز اهمیت است.

وی با اعلام اینکه اکنون حجم مبادلات خارجی عراق ۱٦۰ میلیارد دلار است، افزود: ما در بخش های ساختمان، سد، راه، پل، نیروگاه و پالایشگاه صاحب سبک و تجربه هستیم و از این پتانسیل هنوز در عراق استفاده نکرده‌ایم تا حدی که اکنون رقمی حدود ۵/٤ تا ٦ میلیارد دلار فعالیت خدمات فنی مهندسی در عراق داریم که این موضوع به تنهایی می تواند بیش از این باشد.نامبرده پیشنهاد کرد: تا کمیته ویژه‌ای برای خدمات فنی مهندسی در اتاق بازرگانی مشترک ایران و عراق تشکیل شود، چرا که برخی از شرکت‌های ایرانی برای تأسیس شرکت‌های مشترک در عراق اعلام آمادگی کرده‌اند.

وی بحث روابط بانکی و بیمه‌ای را یکی از نقاط ضعف عنوان کرد که از گذشته منعکس شده است و باید این مسئله را از نظام موجود در بین‌الملل جدا کنیم که تأسیس بانک مشترک ایرانی عراقی می‌تواند راه حل خوبی برای آن باشد.

معاون اجرایی رئیس جمهوری خاطرنشان کرد: در این راستا احتیاجی به ورود دولت نیست و بخش خصوصی دو کشور می‌توانند موضوع را در اختیار بگیرند و این مسئله جایگزین روابط کارگزاری نه چندان مطلوب بشود.

وی خاطرنشان کرد: اکنون صندوق ضمانت صادرات برای پوشش بیمه‌ای صادراتی تا ۳۰۰ میلیون دلار را در نظر گرفته که فکر می‌کنیم این رقم باید افزایش یابد و تسهیلات بیشتری در نظر بگیرد.مذاکره برای قراردادهای همکاری تجارت آزاد خبر دیگری بود که معاون اجرایی رئیس جمهوری در جمع طرفین عراقی و ایرانی اعلام کرد و گفت: فکر می‌کنم برداشتن موانع تعرفه موجود بین دو کشور و رعایت ضوابط و استانداردها گام خوبی باشد و شاید زمینه پیوستن برخی کشورهای همسایه را هم فراهم کند، چرا که مسائل استراتژیک دو کشور حرکت به سوی روابط تجارت آزاد را ضروری می‌کند.

واکنش روسای برخی ازدانشگاه های بزرگ به منع استخدام هیات علمی مجرد

طرح جامع جمعیت و تعالی خانواده یکی از طرح‌هایی است که با هدف افزایش جمعیت و تحکیم بنیان خانواده در کمیسیون اجتماعی مجلس در دست بررسی است، که یکی از بندهای آن به منع استخدام اعضای هیئت علمی مجرد اشاره دارد.

ایسنا، در گفت‌وگو با شماری از روسای دانشگاه‌های کشور به نقد و بررسی این طرح پرداخته است.

سید ابوالحسن نایینی رئیس دانشگاه بین المللی قزوین در گفت‌وگو با ایسنا درباره طرح جذب اعضای هیات علمی متأهل گفت: استخدام اعضای هیات علمی براساس تخصص و توانایی افراد صورت می گیرد و تا امروز تنها ملاک ما برای ارزیابی درخواست‌کنندگان میزان توانایی علمی و تعهد آنها بوده است .

محمدرضا عصاری رئیس دانشگاه جندی شاپور هم با اشاره به اینکه این محدودیت منطقی نیست، اظهار کرد: بعضی از اعضای هیئت علمی جوان هستند و تا کنون شرایط ازدواج را نداشته‌اند. ولی ما باید به گونه‌ای فرصت را برای آنها فراهم کنیم تا آماده شوند.

دکتر آقامشهدی رئیس دانشگاه مازندران هم ضمن بیان اینکه با اعمال شرط تاهل برای جذب اعضای هیئت علمی مخالف هستم، گفت: ممکن است هدف این قانون تشویق افراد به ازدواج باشد اما ازدواج شرایط و زمینه‌ای خاصی دارد و ممکن است تا به حال امکان ازدواج و تشکیل زندگی برای خیلی از متقاضیان هیئت علمی فراهم نشده باشد.

دکتر واثقی رئیس دانشگاه نوشیروانی بابل هم در خصوص طرح شرط تأهل برای جذب اعضای هیئت علمی اعمال این شرط در مباحث علمی مثل هیئت علمی شدن را دور از ملاک‌های اصلی لازم در این امر دانست و افزود: اگر در مورد جذب اعضای هیئت علمی این شرط اعمال می‌شود باید برای جذب در مشاغل دیگر هم این کار انجام شود.

دکتر حمیدی رئیس دانشگاه اراک هم اعمال شروطی نظیر تاهل و تجرد برای جذب اعضای هیئت علمی را تعجب آور دانست و اظهار کرد: اعمال چنین شروطی درخصوص جذب اعضای هیئت علمی باعث تعجب و دور از ملاک های اصلی برای سنجش توانایی لازم برای ایفای این نقش است.

دکتر مظفر رئیس دانشگاه هنر اصفهان هم موضوع منع استخدام اعضای هیات علمی مجرد، را مغایر با روح قانون اساسی دانست و افزود: نمی‌توان حقوق اجتماعی افراد را به صرف مجرد بودن از آنها سلب کرد.

تشویقی برای افزایش جمعیت و ازدواج بسیار مفید است اما اعمال این بند فقط حقوق اجتماعی مردم را پایمال می‌کند.

دکتر علی برخورداری رئیس دانشگاه علم و صنعت هم اظهار داشت: من اصلا موافق چنین طرحی نیستم چراکه افراد معمولا زمانی که تحصیل می کنند کمتر شرایط ازدواج دارند و پس از فارغ‌التحصیلی و اخذ مدرک دکتری و پیدا کردن یک شغل با ثبات به ازدواج فکر خواهند کرد.

دکتر سیداحمد معتمدی رئیس دانشگاه صنعتی امیرکبیر هم با بیان این که جلوگیری از عضویت درهیأت علمی تا زمان ازدواج کار بسیارغلطی است افزود: در حال حاضر خانم‌هایی وجود دارند که می‌خواهند ازدواج کنند اما شرایطش فراهم نیست.

به نظر من طرح قابل قبولی نیست و نمی‌دانم استدلال برای مطرح کردن چنین طرحی چه بوده است.

وی درباره مشکلاتی که این طرح برای دانشگاه‌ها خواهد داشت گفت: نخبگانی که از کشور خارج شده‌اند اگر فضا فراهم نباشد به داخل نخواهند آمد واگر این اتفاق نیفتد این‌گونه نیست که ازدواج کنند بلکه به‌طور کلی وارد کشور نخواهند شد و زمانی که در خارج از کشور مشغول تحصیل شوند آوردنشان به کشور بسیار سخت تر خواهد شد.

علی خاکی صدیق رییس دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی هم ، با اشاره به مشکلات پیش آمده برای دانشگاه با اجرایی شدن این طرح افزود: قطعا اجرایی شدن این طرح مشکلاتی را برای دانشگاه‌ها به وجود خواهد آورد و ممکن است به خاطر این قانون انتخاب‌های بهتر از نظر علمی و کاری را از دست بدهیم.

ممکن است دانشجویی اکنون متاهل نباشند اما در آینده با عضویت در هیات علمی و ثبات در اشتغال خود متاهل شوند.

دکتر احمدی دانش آشتیانی به عنوان وزیر پیشنهادی علوم به مجلس معرفی شد

ادامه از صفحه ۲

نامه دکتر روحانی به رئیس مجلس

رئیس جمهوری روز سه‌شنبه در نامه‌ای به رئیس مجلس ، دکتر فخرالدین احمدی دانش آشتیانی را برای اخذ رای اعتماد به عنوان وزیر علوم، تحقیقات و فناوری معرفی کرد.

متن نامه حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی به رئیس مجلس شورای اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

جناب آقای دکتر علی لاریجانی

ریاست محترم مجلس شورای اسلامی

با سلام

احتراما، در اجرای اصل ۱۳۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، شرح حال و برنامه جناب آقای دکتر فخرالدین احمدی دانش آشتیانی، برای اخذ رای اعتماد جهت وزارت علوم، تحقیقات و فناوری به مجلس شورای اسلامی معرفی می گردد.

حسن روحانی

سوابق وزیر پیشنهادی علوم

سوابق دکتر احمدی دانش آشتیانی وزیر پیشنهادی علوم ، تحقیقات و فناوری به این شرح است:

مشخصات فردی:

نام: فخرالدین احمدی دانش آشتیانی،نام پدر: محمدحسین،تاریخ تولد: ۱۳۳٤،محل تولد: آشتیان

تحصیلات:

دیپلم متوسطه: از مدرسه علوی رشته ریاضی سال ۱۳۵۲

کارشناسی: از دانشگاه صنعتی امیرکبیر رشته مهندسی راه و ساختمان سال ۱۳۵۸

کارشناسی ارشد: از دانشگاه صنعتی امیرکبیر رشته سازه سال ۱۳۷۰

دکتری: از دانشگاه امپریال کالج انگلستان رشته مهندسی زلزله سال ۱۳۷۵

مشاغل اجرایی:

* دفتر فنی سپاه پاسداران از سال ۱۳۵۹ تا ۱۳٦٤ به عنوان مهندس محاسب و مسئول بخش سازه به صورت نیمه وقت و مأمور به وزارت آموزش و پرورش
* مدیر کل طرح‌های عمرانی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳٦٤ تا ۱۳٦۸
* معاون امور جنگ وزارت فرهنگ و آموزش عالی ازسال ۱۳٦٦ تا ۱۳٦۸
* همکاری با قرارگاه خاتم‌الانبیا در امور مهندسی رزمی جنگ
* مسئول ستاد پشتیبانی جنگ دانشگاه‌ها از سال ۱۳٦٦ تا ۱۳٦۸
* مسئول برقراری ارتباط اساتید دانشگاه با مسئولان دفاع مقدس برای حل مسایل پژوهشی جنگ
* مسئول اعزام دانشجویان طرح ٦ ماهه برای حضور در جبهه‌ها و به کارگیری آنها در حوزه‌های تخصصی جنگ با هماهنگی فرماندهان لشکرها و قرارگاه‌ها
* برگزارکننده دوره‌های «دانشگاه در جبهه» برای جبران عقب‌افتادگی آموزشی دانشجویانی که در جبهه حضور داشتند
* معاون امور عمرانی و دفاعی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳٦۸ تا ۱۳۷۲
* معاون اداری و پشتیبانی وزارت فرهنگ و آموزش عالی از سال ۱۳۷٦ تا ۱۳۸۰
* معاون طرح و توسعه وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و قائم مقام وزیر از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۲
* عضو شورای گسترش آموزش عالی از سال ۱۳۷٦ تا ۱۳۸۲
* عضو شورای اسلامی شدن دانشگاه در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری از سال۱۳۷٦ تا ۱۳۸۲
* عضو شورای تدوین برنامه پنج ساله چهارم علم و فناوری آموزش عالی در وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
* عضو شورای برنامه‌ریزی سازمان سنجش آموزش کشور از سال ۱۳۷٦ تا ۱۳۸۲
* رئیس مجتمع آموزشی مفید

مشاغل دانشگاهی:

* دانشیار دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی دانشکده مهندسی عمران
* عضو هیأت امنای دانشگاه‌های خواجه نصیرالدین طوسی و تربیت مدرس
* ریاست کمیسیون هیأت امنای دانشگاه‌های تربیت مدرس، هنر تهران، صنعتی اصفهان، اصفهان، هنر اصفهان، شهید چمران اهواز
* سرپرست دانشگاه ایلام همزمان با مسئولیت در وزارت به منظور ارتقای جایگاه دانشگاه بعد از جنگ
* مدیر گروه زلزله دانشکده مهندسی عمران دانشگاه خواجه نصیرالدین طوسی از سال ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۷
* عضو کمیته منتخب بررسی صلاحیت علمی اعضای هیأت علمی دانشکده مهندسی عمران از سال ۱۳۸۳ تاکنون

فعالیت‌ها و مطالعات پژوهشی :

* تدریس در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، انجام پروژه‌های مختلف،بیش از ٤۰ پایان‌نامه کارشناسی ارشد و دکتری، چاپ بیش از ٦۰ مقاله علمی – پژوهشی در مجلات داخلی و خارجی و کنفرانس های بین‌المللی و ...
* برنامه‌ریزی و مدیریت تأمین خوابگاه‌های دانشجویی سراسر کشور (اجرای بیش از یک میلیون متر مربع)
* برنامه‌ریزی و تأمین منابع ارزی و مدیریت طرح تأمین تجهیزات آزمایشگاهی مورد نیاز دانشگاه‌ها (٤۰۰ میلیون دلار اختصاص ارز که موجب نوسازی تجهیزات آزمایشگاه‌هاشد)
* برنامه‌ریزی و مدیریت رفع مشکل استیجاری ساختمان‌های وزارت علوم و مدیر پروژه ساخت ساختمان مرکزی وزارت علوم
* مجری پروژه مقاوم‌سازی پل های فلزی تهران (قرارداد دانشگاه با شهرداری تهران)و....

رهبری فرمودند از این واژه استفاده نکنید

در جلسه علنی دیروز مجلس، نامه رئیس جمهوری به علی لاریجانی برای معرفی «فخرالدین احمدی دانش آشتیانی» به عنوان وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فناوری برای اخذ رأی اعتماد قرائت شد.حین قرائت و اعلام وصول نامه معرفی وزیر پیشنهادی علوم توسط حسین سبحانی نیا عضو هیأت رئیسه مجلس، وکلای ملت با صدای بلند (دو دو) می گفتند که به معنای نظر منفی نسبت به معرفی دانش آشتیانی است .

پس از (دو دو) نمایندگان، محمدحسن ابوترابی فرد نایب رئیس اول مجلس که در غیاب لاریجانی ریاست صحن علنی را بر عهده داشت، خطاب به وکلای ملت گفت: مقام معظم رهبری توصیه کردند از این واژه (اشاره به دو دو) در صحن علنی استفاده نکنید.وی همچنین گفت: این واژه در خارج از مجلس معنایی ندارد.

جلسه رای اعتماد به چهارمین وزیر پیشنهادی علوم سه شنبه آینده

عضو هیات رئیسه مجلس شورای اسلامی گفت: جلسه رای اعتماد به «فخرالدین احمدی دانش آشتیانی» چهارمین وزیر پیشنهادی علوم، تحقیقات و فناوری سه شنبه آینده برگزار می شود.«محمد دهقان» در گفتگو با خبرنگار پارلمانی ایرنا اظهار داشت: براساس آیین نامه داخلی مجلس، وزیر پیشنهادی علوم تا زمان برگزاری جلسه رأی اعتماد فرصت دارد در کمیسیون های تخصصی مجلس حضور یابد و برنامه های خود را به نمایندگان ارائه کند.

سئوال از وزیر نیرو

سئوال ناصر موسوی لارگانی، نماینده فلاورجان، از حمید چیت چیان، وزیر نیرو، در مورد علت اجرا نشدن قانون تعیین تکلیف چاه‌های آب کشاورزی قدیمی و بدون پروانه، در این جلسه مطرح و پاسخ وزیر قانع کننده اعلام شد.

در پاسخ به این سؤال، وزیر نیرو، اظهار داشت: هزینه برقی کردن هر حلقه چاه ۲۰۰ میلیون تومان است که وزارت نیرو نمی تواند آن را تأمین کند. علاوه بر این، سازمان بازرسی کل کشور، در فروردین سال ۹۱ اعطای پروانه بهره‌برداری از چاه‌ها و دشت‌های ممنوع را برای همیشه ممنوع اعلام کرد که این هم دست وزارت‌خانه را بسته است.

وی افزود: البته، حق با سازمان بازرسی بود، زیرا در این دشت‌ها بیش از ظرفیت، آب برداشت می‌شود و صدور پروانه به چاه‌های دیگر، کار درستی نبوده است.

مدیریت منابع موجود آب

چیت‌چیان در ارتباط با اقدامات آن وزارتخانه برای مقابله با خشکسالی اعلام کرد: چاره این کار، مدیریت منابع موجود آب است. همین سدها اگر احداث نمی‌شد، در طول سالیان گذشته، امکان استفاده از آب‌های کشور در این منطقه نبود، بنابراین سدسازی از جمله بهترین تدبیر‌ها برای استفاده از منابع آب در زمان مورد نیاز بوده است.

علاوه بر این، طرح‌های متعددی برای انتقال آب به فلات مرکزی اجرا شده که در نتیجه آن، به ورودی آب به فلات مرکزی هزار و ٤۰۰ میلیون مترمکعب اضافه شده است که در مقایسه با حجم طبیعی آب رودخانه زاینده رود که ۸٤۵ میلیون مترمکعب است، نشانگر اهمیت طرح‌های در دست اجراست.

بارورسازی ابرها

وزیر نیرو سپس از اقدامات آن وزارتخانه برای بارورسازی ابرها در فلات مرکزی خبر داد و یادآور شد: با این اقدام میزان بارش‌ها در فلات مذکور بین ۵ تا ۱۰درصد افزایش می‌یابد.

همچنین پیش‌بینی شده است که از هزار و ۱٤۷ میلیون مترمکعب پساب استفاده مجدد به عمل آید که عملیات احداث تصفیه‌خانه برای ۸۰۸میلیون مترمکعب آن به پایان رسیده است.

چیت‌چیان سپس اقدامات وزارت نیرو برای مدیریت منابع آب را به این شرح برشمرد:

راه‌اندازی کشت گلخانه‌ای، اجرای سیستم آبیاری و زه‌کشی، برقی کردن چاه‌ها، جلوگیری از نصب انشعاب برق برای جلوگیری برداشت غیرمجاز آب، نصب ابزارهای اندازه‌گیری، تحویل حجمی آب، ذخیره‌سازی مؤثر و تحویل آب در زمان مناسب.

سئوال از وزیر اقتصاد و دارایی

در ادامه این جلسه، سؤال نادر قاضی‌پور، نماینده ارومیه، از علی طیب‌نیا، وزیر امور اقتصادی و دارایی، در خصوص علت خودداری بانک‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بیمه‌ها نسبت به سرمایه‌گذاری در امر تولید، مطرح و پاسخ وزیر قانع‌کننده اعلام شد.سؤال‌کننده همچنین در مورد علت رکود طرح‌های مشارکتی بانک‌ها،بی توجهی نظام‌بانکی به‌خواست‌های نمایندگان مجلس، عدم نظارت بانک مرکزی بر بازار پول و نظام بانکی، شیوع بورس بازی در بازار کالا، کنترل نشدن بازار توسط معاونت وزارت امور اقتصاد و دارایی، تخصیص بازار بورس به اشخاص حقوقی، علت نوسان‌های قیمت در برخی صنایع بورس و دلایل دخالت برخی مدیران میانی برای خرید یا فروش برخی سهام خاص توسط کارگزاران سؤال کرد.

وزیر امور اقتصادی و دارایی، در پاسخ به این موارد، یگانه راه خروج از رکود و دستیابی به رشد اقتصادی پایدار را برقراری ثبات و آرامش در بازارهای گوناگون از جمله بازار پول، کالا، سرمایه و ارز دانست و گفت: سیاست‌های پولی و مالی دولت با هدف برقراری ثبات در بازار و تأمین رشد اقتصادی پایدار تنظیم شده است.

وی افزود: در کنار بازار پولی و نظام بانکی، بازار سرمایه در جایگاه واقعی قرار نگرفته است، اگرچه در سال‌های اخیر حجم معاملات بازار سرمایه توسعه قابل ملاحظه‌ای یافته است.

طیب‌نیا سپس توضیح داد: در سیاست گذاری‌ها اصل بر این است که نظام بانکی به طور عمده تأمین‌کننده سرمایه در گردش بنگاه‌ها باشد، به طوری که تأمین مالی کوتاه مدت و میان‌مدت بانک‌های کوچک و متوسط به عهده نظام پولی و بانکی باشد و تأمین مالی بلند مدت برای بنگاه‌های بزرگ در اختیار بازار سرمایه گذاشته شود، از این رو انتظار می‌رود که بازار سرمایه نقش اساسی را در تأمین مالی فعالیت‌های اقتصادی ایفا کند.

وی اضافه کرد: داشتن بازار اولیه کارآمد و مؤثر در تأمین مالی، مستلزم وجود بازار پررونق ثانویه است، به طوری که در این بازار، دارایی مردم قدرت نقدشوندگی بالایی داشته باشد و سیاست‌های دولت هم در همین راستاست.

وزیر امور اقتصادی و دارایی، ایجاد توازن میان بازارهای پول، سرمایه، بیمه و تأمین مالی خارجی را جزو برنامه‌های دولت دانست و یادآور شد: متأسفانه این بازارها نقش مناسب خود را ایفا نمی‌کنند، در حالی که بازارهای سرمایه و تأمین مالی خارجی، باید ارتقا یابد و هر کدام نقش خود را به طور متوازن در نظام مالی ایفا کنند.

به روزرسانی نظام بانکی

طیب‌نیا آنگاه به روزرسانی نظام بانکی کشور را از جمله برنامه‌های آن وزارتخانه دانست و افزود: نظام بانکی کشور به روز نیست. نهاد اعتبارسنجی و رتبه‌بندی اعتبار یا نظریه جامع فقهی ـ حقوقی در رویه‌های بانکی وجود ندارد، به این دلیل نظریه‌ای که به طور کامل بازارهای مالی را زیر پوشش قرار دهد، تدوین نشده است.

وی سپس اعلام کرد: وزارت امور اقتصادی و دارایی، طرحی با هدف روزآمد کردن، متوازن‌سازی و یکپارچه‌سازی نظام مالی کشور را در دست اجرا دارد که در آن هدف‌های کمی برنامه عملیاتی به طور کامل پیش‌بینی شده است و پشتیبان مناسبی برای توسعه اقتصادی خواهد بود.

وزیر امور اقتصادی و دارایی سپس تأکید کرد: بانک‌ها واسطه وجوه هستند و نباید به طور مستقیم در سرمایه‌گذاری مشارکت کنند.

وی افزود: ٦۵درصد از مجموع تسهیلات بانک‌ها در سال ۹۳ به بخش‌های مسکن، ساختمان، کشاورزی و صنعت و معدن اختصاص یافته و اگر بخش خدمات، مانند حمل و نقل و بهداشت و درمان را هم به عنوان بخش تولید در نظر گیریم، عمده منابع بانک‌ها به فعالیت‌های تولیدی اختصاص یافته و ۹۷درصد از منابع نظام بانکی صرف اعطای تسهیلات شده است.

در پی این توضیحات، سئوال‌کننده پاسخ وزیر را قانع‌کننده اعلام کرد.

در این جلسه همچنین ۲۰۰ تن از نمایندگان در بیانیه‌ای با تبریک به مناسبت انتصاب دکتر محمد سرافراز به عنوان رئیس جدید صدا و سیما، از خدمات ده ساله عزت‌الله ضرغامی قدردانی کردند.

گشت و گذاری در بیستمین نمایشگاه مطبوعات

بیستمین تجربه، از حرف تا عمل

*** قرار بود این دوره از نمایشگاه مطبوعات که بعد از وقفه‌ای یک ساله برپا شده است، با شکل و شمایل و رویکردهایی متفاوت آغاز به کار کند، اما در گفتگو با غرفه داران و مردم، انتقادات گوناگونی مطرح می‌شود که نشان می‌دهد این نتیجه آن چنان که باید محقق نشده است**

*** به گفته معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد، نمایشگاه بیستم اختتامیه‌ای ندارد، در حالی که در دوره‌های پیشین با به وجود آمدن رقابت سالم بین رسانه‌ها، برترین‌ها در بخش‌های مختلف نمایشگاه اعلام می‌شدند و مورد تقدیر قرار می‌گرفتند**

*** مریم ناظران ـ مدیر اجرایی یکی از غرفه‌ها: امسال بسیاری از نشریات برای تزیین غرفه خیلی وقت و هزینه صرف نکرده‌اند اما مؤسسه اطلاعات مثل سال‌های گذشته، در غرفه‌اش کارهای جالبی انجام داده و تعدادی از وسایل موزه‌اش را به نمایش گذاشته است**

*** محمدرضا جعفری ـ مسؤول غرفه: نمایشگاه مطبوعات جایی است که رسانه متوجه انتقادات مخاطبانش می‌شود و می‌تواند به آنها پاسخ دهد**

کسانی که هنوز ورق زدن نشریات کاغذی را دوست دارند و هنوز ایستادن پای کیوسک‌های مطبوعاتی برای بررسی مجلات مورد علاقه و کشف نشریات جدید الانتشار برایشان شیرین است، خوب می‌دانند مواجهه با یک دنیا مجله و روزنامه زیر یک سقف چه لذتی دارد. برای این دسته از آدم‌ها، هر سال برپایی نمایشگاه مطبوعات، دنیا را رنگین‌تر می‌کند، همان طور که آبان ماه برگ درختان را.

نمایشگاه مطبوعات امسال، از ۱۷ تا ۲۳ آبان ماه در مصلای تهران برگزار می‌شود و ساعت بازدید آن از ۹ تا ۲۰ است.

آزادی مسؤولانه

شعار نمایشگاه مطبوعات امسال، «آزادی مسؤولانه» است. علی جنتی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، درباره مفهوم این شعار می‌گوید: آزادی مسؤولانه شعار هوشمندانه‌ای است که آزادی را در چارچوب قوانین و عرف رایج تعریف می‌کند. این شعار به معنای پرهیز از دروغ، تهمت، شایعه‌سازی، فرافکنی، بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی است.

وزیر ارشاد در ادامه خاطرنشان می‌کند: رسانه‌ها به عنوان افکار عمومی همواره خود را پرسشگر و دولت را پاسخگو می‌دانند ولی به این معنا نیست که خود نباید به هیچ‌کس پاسخ دهند. به این معنا نیست که رسانه‌ها می‌توانند هر خلافی مرتکب شوند و خود را در حد پیاده نظام هر جناحی تنزل بدهند و در عین حال خود را نماینده افکار عمومی بدانند.

حسین انتظامی، معاون مطبوعات و اطلاع‌رسانی وزارت ارشاد نیز در همین رابطه می‌گوید: آزادی مسؤولانه یک تم شناخته شده است. کسانی که با فعالیت رسانه‌ها مخالفند، می‌گویند این‌ها دنبال آن هستند که هر چه را که می‌خواهند بنویسند و مسؤول نباشند. من معتقدم رسانه‌ها باید اخلاق حرفه‌ای را رعایت کنند اما در مقابل این‌طور نیست که هر اتفاقی افتاد توی سر رسانه‌ها بزنیم و آن‌ها را مقصر جلوه دهیم.

عدم اطلاع رسانی صحیح

قرار بود این دوره از نمایشگاه مطبوعات که بعد از وقفه‌ای یک ساله برپا شده است، با شکل و شمایل و رویکردهایی متفاوت آغاز به کار کند، اما در گفتگو با غرفه داران و مردم، انتقادات گوناگونی مطرح می‌شود که نشان می‌دهد این نتیجه آن چنان که باید محقق نشده است.

آنچه در خبرگزاری‌ها در مورد نمایشگاه امسال می‌خوانیم با آنچه در مراجعه حضوری می‌بینیم، تفاوت‌هایی دارد. به عنوان مثال، یکی از بازدید کنندگان از عدم اطلاع رسانی صحیح نسبت به امکانات نمایشگاه شکایت دارد و می‌گوید: در خبرگزاری‌ها خوانده بودم که بازدیدکنندگان به محض ورود به سالن مصلی می‌توانند از اینترنت رایگان نمایشگاه بهره‌مند شوند اما اینجا خبری از اینترنت رایگان نیست. البته گوشی‌ام نشان می‌دهد که اینترنت فعال است اما در واقع نمی‌شود از آن استفاده کرد، چون کار نمی‌کند!

تفاوت‌های بیستمین نمایشگاه مطبوعات

به گفته مسؤولان بیستمین نمایشگاه مطبوعات، خصوصیات و ویژگی‌های بسیاری، این دوره را از سایر دوره‌های برگزاری متمایز می‌کند.

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های نمایشگاه امسال، حضور روابط عمومی نهادها و دستگاه‌های دولتی است. دیده شدن روابط عمومی دستگاه‌های مختلف و تأثیرشان در جریان اطلاع‌رسانی، از جمله اهدافی بود که باعث حضور آنها در نمایشگاه بیستم شد. این حضور کمک می‌کند تا مردم از نزدیک پیشنهادها و انتقادات خود را با مدیران سطوح مختلف دولت مطرح کنند.

اضافه شدن بخش ویژه‌ای با عنوان «صنایع، خدمات و تجهیزات مرتبط مطبوعاتی» اعم از چاپ، کاغذ، توزیع، فناوری شبکه و اطلاعات و مؤسسات بازرگانی و دست‌اندرکار در زمینه آگهی‌های رسانه‌ای، یکی دیگر از ویژگی‌های نمایشگاه بیستم مطبوعات است.

امسال رسانه‌ها از طریق سامانه مخصوصی که معاونت مطبوعاتی طراحی کرده بود، به صورت الکترونیک در نمایشگاه ثبت‌نام کردند. نکته دیگری که نخستین نمایشگاه مطبوعات در دولت یازدهم را متفاوت می‌کند، برگزاری این نمایشگاه توسط شورای هماهنگی تشکل‌های مدیریتی رسانه است. خصوصیتی که حسین انتظامی آن را مقدمه‌ای برای واگذاری نمایشگاه مطبوعات به صنف رسانه می‌داند. از سوی دیگر امسال تهیه خبرنامه هر روزه نمایشگاه را نه ارشاد، که هر روز یکی از روزنامه‌ها بر عهده دارد.

در واقع امسال معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد تلاش کرده است تا از تصدی‌گری دولت در برگزاری این نمایشگاه بکاهد. اگر چه قرار بود کارها بر عهده شورای تشکل‌های صنفی باشد اما به دلیل عدم آمادگی این تشکل، معاونت مطبوعاتی پذیرفت در بخشی از امور همکاری کند.

حضور نشریات غیر فارسی زبان که دارای مجوز هستند و بخش رسانه‌های خارجی که در تهران دفتر دارند، از دیگر خصوصیات نمایشگاه بیستم است.

امسال همچنین رسانه‌های دولتی یا آنها که متکی بر درآمدهای عمومی هستند باید تقریبا دو برابر رسانه‌های بخش خصوصی اجاره غرفه پرداخت کنند. این حرکت در راستای تقویت بخش خصوصی و سیاستی است که حسین انتظامی، معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از زمان تصدی خود در معاونت مطبوعاتی پی گرفته است؛ سیاستی که بر مبنای آن نشریات دولتی و عمومی، یارانه و رانت‌های کمتری نسبت به نشریات خصوصی به خود اختصاص می‌دهند.

البته تمامی تفاوت‌ها خوشایند به نظر نمی‌رسد، مثلا این که به گفته معاون مطبوعاتی وزیر ارشاد، نمایشگاه بیستم اختتامیه‌ای ندارد، در حالی که در دوره‌های پیشین با به وجود آمدن رقابت سالم بین رسانه‌ها، برترین‌ها در بخش‌های مختلف نمایشگاه اعلام می‌شدند و مورد تقدیر قرار می‌گرفتند.

مشکلات غرفه‌داران

کریم دهباشی، مدیر اجرایی غرفه مجله بخارا، از سرویس دهی نمایشگاه مطبوعات امسال چندان راضی نیست. او در گفتگو با گزارشگر روزنامه اطلاعات می‌گوید: دو سال قبل، از یک هفته پیش از آغاز نمایشگاه، هم به شکل تلفنی و هم به وسیله فکس، برنامه را به ما اعلام کردند، کارت‌ها را در زمان مقرر تحویل دادند و ما کاملا آمادگی داشتیم که چه موقع بیاییم و غرفه را تحویل بگیریم. اما امسال، سایت نمایشگاه در روز پنجشنبه اعلام کرد که جمعه روز افتتاحیه است. حالا فکرش را بکنید برای کسانی مثل ما که دفترشان پشت دانشگاه است، جا به جایی در روز جمعه که نماز جمعه برگزار می‌شود، چقدر دشوار می‌شود. یک ماه قبل گفته بودند نمایشگاه در روز نوزدهم آبان شروع می‌شود اما ناگهان در روز پنجشنبه نظرشان عوض شد! وقتی وارد سایت می‌شدیم، معلوم نبود چقدر باید پول واریز کنیم، عکس را کجا بدهیم و چه ساعتی مراجعه کنیم. اطلاع رسانی ضعیف بود.

آقای دهباشی با بیان این که تأثیر برپایی نمایشگاه بر قشر دانشجو و دانش آموز زیاد است، می‌افزاید: یکی دیگر از ویژگی‌های مثبت دوره‌های قبلی این بود که به دانشجویان بن ویژه نمایشگاه داده می‌شد و آنها دستشان برای خرید باز بود، می‌توانستند بیایند تنوع نشریات را ببینند و انتخاب کنند. امسال این بن قطع شده است و قشر دانشجو فقط نگاه می‌کند و حسرت می‌خورد. یک جلد مجله بخرد، جیبش خالی می‌شود.

مدیر اجرایی غرفه بخارا استقبال مردم از نمایشگاه در روز اول برپایی آن را خوب توصیف می‌کند و می‌گوید: پیشنهاد می‌کنم دوباره به دانشجویان بن بدهند. مدت نمایشگاه را بیشتر و اگر ممکن است آن را به شهریور ماه موکول کنند. زیرا آن موقع، گرفتاری‌های مدرسه و دانشگاه وجود ندارد و دانش آموزان و دانشجویان می‌توانند با خیال راحت به نمایشگاه بیایند. الان من می‌بینم که جوان‌ها به دوستانشان در خوابگاه و دانشگاه زنگ می‌زنند و می‌گویند اگر فلان نشریه را نخریده ای، من برایت بخرم. مشخص است که خیلی از آنها تا عصر درگیر کلاس و دانشگاه هستند و تا به خودشان بیایند، روز تمام شده است.

در پایان گفتگو وقتی برای آقای دهباشی و همکارانش آرزوی موفقیت بیشتر می‌کنم، ایشان یک جلد از نشریه وزینشان به من هدیه می‌دهند، دو ماهنامه‌ای فرهنگی و هنری که در آن مقالات، نقدها و خبرهای مربوط به ایران‌شناسی، ادبیات و هنر ایران و جهان منتشر می‌شود.

جدایی کتاب از مطبوعات

در گوشه‌ای از نمایشگاه، حمید فرخ نژاد، بازیگر محبوب را می‌بینم که مانند بسیاری دیگر از اهالی هنر به تماشای نمایشگاه آمده است. گاهی عکاسان و خبرنگاران همگی به یک سمت هجوم می‌برند که نشان دهنده ورود یک مقام مسؤول به نمایشگاه است.

مرتضی ناعمه، از نویسندگان قدیمی نشریه چلچراغ است. او که اکنون به عنوان مدیر اجرایی در غرفه این نشریه هفتگی حضور دارد، از روزگاری می‌گوید که نمایشگاه کتاب و مطبوعات در کنار یکدیگر برگزار می‌شدند: در سال‌های اخیر فضای نمایشگاه مطبوعات به دلیل جدایی از نمایشگاه کتاب، سرد شده است. کتاب، مخاطبان جدی مانند قشر دانشجو را به بازدیدکنندگان ما اضافه می‌کرد. به ویژه با گران‌تر شدن کاغذ و چاپ که منجر به کاهش تیراژ نشریات شده است، استقبال کمتر هم می‌شود.

آقای ناعمه برعکس آقای دهباشی، از سیستم اجرایی نمایشگاه امسال راضی است. وی اوضاع را نسبت به دوره قبلی بهتر ارزیابی می‌کند و می‌افزاید: استفاده از ایمیل و پیامک و سایت اینترنتی بسیار کمک کننده است و به ارتقای شیوه‌های اجرایی در مراحل مختلف از جمله ثبت نام کمک می‌کند.

مدیر اجرایی نشریه چلچراغ، ضعف نمایشگاه امسال را در شیوه چینش غرفه‌ها می‌داند و توضیح می‌دهد: مجلات غیر مرتبط در کنار هم قرار گرفته اند. برای ما و مخاطبان بهتر است تمامی نشریه‌هایی که در یک حوزه اند، نزدیک هم باشند تا دسترسی به آنها آسان‌تر شود.

مرتضی ناعمه برپایی نمایشگاه مطبوعات را راهکاری برای جذب مخاطبان جدید می‌داند و می‌افزاید: مخاطبان قدیمی ما هم می‌توانند در اینجا با ما ارتباط بهتری برقرار کنند. با هم گپ می‌زنیم و از آنها می‌خواهیم در دفترچه یادبود، نقدمان کنند.

این روزنامه نگار، اوضاع اقتصادی را در میزان استقبال مردم از نمایشگاه مطبوعات مؤثر می‌شمارد و می‌گوید: در دوره‌های قبلی، تخصیص بن خرید به مردم برای حمایت از مطبوعات کمک می‌کرد. نمی‌توان از نشریات خصوصی که با صرف هزینه‌های گزاف به چاپ می‌رسند، توقع داشت نسخه‌های نشریه را به رایگان به مردم بدهند. ما شماره‌های قبلی مان را با کمترین قیمت و کمترین سود برای فروش گذاشته ایم، زیرا حرمت امامزاده را متولی اش باید نگه دارد. مردم قدر چیزی را که برایش پول بدهند، بیشتر می‌دانند!

کار ارزشمند مؤسسه اطلاعات

مریم ناظران، مدیر اجرایی غرفه تماشاگران است. او که ۱۲ سال سابقه مطبوعاتی دارد، نمایشگاه را نسبت به سال‌های قبل، خلوت‌تر توصیف می‌کند و می‌گوید: نشریه ما فقط یک سال است منتشر می‌شود اما نشریات معروفی هستند که سال‌ها از چاپشان می‌گذرد اما آنها هم امسال غرفه‌های به مراتب خلوت‌تری دارند.

او با انتقاد از نحوه چیدمان غرفه‌ها می‌گوید: در دوره‌های قبلی دسترسی به غرفه‌ها راحت‌تر بود. الان غرفه‌ها هم راستا با همدیگر نیستند و با ایستادن در یک راهرو نمی‌توان نام همه نشریات آن راهرو را دید. اشکال دیگر آن است که نشریات بدون هیچ ترتیب خاصی در کنار هم قرار گرفته اند. شما ببینید، نشریه ما فرهنگی، ورزشی، اجتماعی است، این طرف یک نشریه مخصوص جوان‌ها قرار دارد و آن طرف، یک نشریه در حوزه دین و اندیشه.

خانم ناظران با بیان این که در دوره‌های قبلی، ستاد اجرایی نمایشگاه نیز برای جذب مخاطبان، وقت می‌گذاشت و مجسمه‌های جالبی در جای جای محوطه قرار می‌داد، می‌افزاید: امسال از این خبرها نیست. البته مؤسسه اطلاعات مثل سال‌های گذشته، در غرفه اش کارهای جالبی انجام داده و تعدادی از وسایل موزه اش را به نمایش گذاشته است، مثل ماکت دستگاه چاپ، دوچرخه‌ای که در دهه سی برای توزیع روزنامه استفاده می‌شد و دستگاه‌های قدیمی. در دوره قبل هم از روزنامه‌های تاریخی آرشیوش استفاده کرده و به بیان تاریخچه مطبوعات و وقایع مهم قبل و بعد از انقلاب پرداخته بود. این کارها باعث می‌شود بار علمی مردم افزایش پیدا کند و بازدید از نمایشگاه برایشان شیرین‌تر شود. امسال بسیاری از غرفه‌ها فقط نشریاتشان را روی پیشخوان گذاشته‌اند و حتی برای تزیین غرفه خیلی وقت و هزینه صرف نکرده اند.

مشکلات فنی سایت نمایشگاه

مدیر اجرایی غرفه تماشاگران با انتقاد از اشکالات سایت نمایشگاه مطبوعات می‌گوید: بارها پیش آمد که وقتی به سایت مراجعه می‌کردیم، پیام می‌داد که با عرض پوزش، به دلیل مشکلات فنی، سایت در حال حاضر قادر به سرویس دهی نمی‌باشد! این وضعیت تقریبا یک ماه ادامه داشت. بعد هم که زمان قطعی مشخص شد، ایام محرم رسیده بود و عملا نمی‌شد کاری انجام داد. جمعه غرفه‌ها را تحویل دادند و نمایشگاه روز شنبه آغاز به کار کرد.

مریم ناظران با اشاره به این که برخی از خوانندگان یک نشریه مایلند بدانند نویسندگان ستون‌های آن نشریه چه کسانی هستند، می‌افزاید: بسیاری از نشریات، برنامه حضور اعضای هیأت تحریریه در غرفه را به اطلاع مخاطبانشان می‌رسانند تا آنها بتوانند با نویسنده‌های محبوبشان دیدار کنند. بعضی‌ها مجله مورد علاقه خود را بایگانی می‌کنند و در نمایشگاه می‌توانند شماره‌هایی از مجله را که ندارند، تهیه کنند.

هزینه‌های سنگین، مجلات رنگین

مدیر بازرگانی یکی از مجلات رنگی و تمام گلاسه خانوادگی در حوزه سبک زندگی که مایل نیست نامی از خودش و مجله برده شود، می‌گوید: تعداد شرکت کننده‌ها نسبت به سال‌های قبل کمتر شده است. شاید به دلیل آن است که برخی نشریات نمی‌توانند هزینه غرفه را بپردازند. می‌پرسم: مگر مبلغ خیلی زیادی باید بدهند؟ پاسخ می‌دهد: نه، ولی مجله‌ای که درآمد ندارد، از کجا بیاورد این هزینه را بپردازد؟ قبلا کاغذ ارزان‌تر و فروش مجلات بیشتر بود، توان مالی مردم هم آن قدر بود که بتوانند مطبوعات را در سبد کالایشان داشته باشند.

با یک جستجوی اینترنتی ساده متوجه می‌شوم هزینه داشتن یک غرفه ۱۲ تا ۲۰۰ متری، چیزی بین ۶۰۰ هزار تومان تا سی میلیون تومان است! شاید پرداخت این مبلغ برای نشریاتی با حامیان مالی معتبر و دولتی آسان باشد اما خیلی از نشریات اگر هنر کنند، می‌توانند دخل و خرج خودشان را با همدیگر هماهنگ کنند.

ارتباط مستقیم رسانه و مخاطب

غرفه‌های نمایشگاه مطبوعات امسال، نسبت به دو سال قبل، فضاهای بزرگ‌تری در اختیار دارند، به خصوص آنها که مربوط به مؤسسات معتبری مانند اطلاعات یا همشهری هستند. در باجه مربوط به مجله همشهری جوان، با محمدرضا جعفری به گفتگو می‌نشینم. او که از نویسندگان این مجله است، می‌گوید: مخاطب دوست دارد با نویسندگان رسانه مورد علاقه اش در ارتباط مستقیم باشد. در طول سال چنین امکانی وجود ندارد، اما دیدار در نمایشگاه مطبوعات باعث می‌شود به پرسش‌های او پاسخ داده شود و برخی حاشیه‌های احتمالی از بین برود. نمایشگاه مطبوعات جایی است که رسانه متوجه انتقادات مخاطبانش می‌شود و می‌تواند به آنها پاسخ دهد.

در یکی از راهروها، خانم جوانی یک نسخه از نشریه موفقیت را به علاقه مندان هدیه می‌دهد. یکی از بازدید کنندگان نمایشگاه که در آن لحظه مشغول گفتگو با من است، با دیدن این صحنه می‌گوید: دو سال قبل هم غرفه موفقیت، برای جذب مخاطب، مسابقه‌ای برپا کرده و با در اختیار گذاشتن یک سوژه، از مخاطبانش خواسته بود جمله‌ای درباره آن بنویسند. من هم در مسابقه شرکت کردم و اتفاقا مدتی بعد از طرف نشریه با من تماس گرفتند و خبر دادند که برنده شده‌ام و جایزه‌ای هم برایم فرستادند. این دست تبلیغات در ذهن مردم می‌ماند و برای معرفی هرچه بهتر نشریات مؤثر است.

غذای روح، غذای جسم

برای بعضی‌ها خوشمزه‌ترین بخش نمایشگاه‌های کتاب یا مطبوعات، غرفه‌های غذاهای سرد و گرم است. برخلاف سال‌های گذشته که تأمین غذای غرفه داران بر عهده مسؤولان برگزاری نمایشگاه بود اما امسال سنت شکنی شده و هزینه‌های دریافتی فقط به اجاره غرفه‌ها اختصاص پیدا کرده است. بنابراین با نزدیک شدن ظهر، برخی از مسؤولان غرفه‌ها با مراجعه به اغذیه فروشی برای همکارانشان ناهار می‌خرند. ظرف‌های بزرگ یک بار مصرف باقالی پلو و زرشک پلو با ترشی که به غرفه‌ها می‌رسد، بوی غذا سالن را پر می‌کند. شما هم هوس می‌کنید برای خوردن ناهار بیرون بروید. مجلاتی را که خریده‌اید روی میز می‌گذارید و غذا سفارش می‌دهید. هرچه باشد، علاوه بر غذای روح، غذای جسم هم لازم است!

ارمغان زمان فشمی

جدول ۲۲۴۰۹

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:
۱ - گیاهی علفی با بوی تند و مصرف دارویی – اثر حماسی هومر
۲ - از جنس روی – کشاورز
۳ - خاک سفالگری – اشتباه – سختی‌ها – امر به گفتن
۴ - ماشین شخصی – ممتاز و بالاتر از دیگران – تیز
۵ - گروهی از مردم – قابلگی – عشوه گر
۶ - بله – زشت و ناپسند – در هم
۷ - شکوه – سبزی خوشبو – صدای گاو – شبیه
۸ - ماه هفتم سریانی – فیلسوف یونانی
۹ - میوه هسته درشت – استان فرانسه با مرکز لیون – آمیختگی – هزار کیلو
۱۰ - جانشینی – آشکار کننده – آخرین لباس
۱۱ - بازیکن تیم ملی فوتبال آرژانتین – نیروی بودن – تیروها
۱۲ - افسانه – وسیله اطلاع رسانی – از عناصر شیمیایی
۱۳ - [illegible] – گاو چران آمریکایی
۱۴ - شانه و دوش – راه بی پایان
۱۴ - شیپور جنگی – میدان دید
۱۵ - اثری از چایکوفسکی آهنگساز روسی – سوغات یزد

عمودی:
۱ - شهری در ترکیه – آکادمی
۲ - شهر کرمانشاه – فرومایگی
۳ - درختچه گرمسیری – داروی بیهوشی – سازش – قلیل
۴ - تیم فرانسوی – جدید آذری – رایحه – حجم هندسی
۵ - افسر – و تاج – تنگدستی – نیروی به جلو راندن
۶ - کامیون ارتش – علف شوره – چوبک – سابل
۷ - از خواهران برونته – استان شرق تهران – نام پیشین شهر پلدختر
۸ - دین‌ها – شنا
۹ - جمع بدیع – از اختلاط دو یا چند چیز به دست می‌آید – قلب
۱۰ - زبان قوم سامی ساکن سوریه – نامی دخترانه – حرف انگلیسی
۱۱ - ملعون کربلا – لاستیک آشکارا – آغاز شده
۱۲ - ضربه ای با پا – سوره بیستم – مقابل خیس – ساخت سایه گستر
۱۳ - شیر سرپرید – شهر مقدس هندوان – تنگدستی – عضو بالا تنه
۱۴ - معضل اقتصادی – روشن کردن افکار
۱۵ - گلر – حاضر

حل جدول ۲۲۴۰۸

تعزیه: نمایش بومی پیشرو ایران

پیتر چلکوفسکی ترجمه داوود حاتمی بخش اول

تعزیه در آغاز عبارت بود از چند واقعه (اپیزود) پیوستهٔ سست و نارسا همراه با تک‌خوانی‌های رثایی طولانی و متعاقباً چند محادثه (یا گفتگو). به ندرت، عملی نمایشی به این نقشهای قرائتی یا سرایشی کاملاً ابتدایی به طور مستقیم منضم بود. در واقع بازیگران سطور مربوط به خودشان را از روی نسخه‌ای می‌خواندند که پهنایش در حدود ۵ و درازایش نزدیک به ۲۰ سانتی‌متر و در دستشان بود. این سنت ادامه یافت و حتی امروز نیز معمول است. شاید این امر تا حدودی بیانگر نهی شدن مسلمانان از نمایش عناصر زنده باشد؛ نسخه یا نوشته مزبور به منزله قائل شدن مرزی بود تا بازیگر واقعاً تبدیل به فردی که مطرح می‌سازد، نشود. از این جهت، عمل مزبور به استفاده از صورتک (نقاب) در تئاتر یونان شباهت دارد. اهمیت نمایش به مراتب بیش از متن بود. با این همه، این شکل از هنر، ظرف یک سده، مجموعه‌ای از چندصد مجلس طولانی را پدید آورد.

طرح تکیه، تأثیر متقابل نمایشی میان بازیگر و تماشاگر را که خاص مراسم سنتی محرم بود، حفظ کرد و فزونی بخشید. وقایع اصلی نمایش بر سکویی بلند و بدون پرده در وسط این بنا رخ می‌داد. گرد این سکو راه باریک و مدوری بود که تعزیه‌خوان‌ها برای نشان دادن طرحهای کوچک (وقایع فرعی) و نیز سفرها، گذشت زمان و تغییر صحنه از آن استفاده می‌کردند. در اطراف این راه که شامل جایگاه مسطح تماشاگران نیز می‌شد، اغلب سکوهای فرعی و کوچکی نیز ساخته می‌شد. بعضی از صحنه‌های مهم را بر این سکوها بازی می‌کردند و هر از گاه، بازیگران از این سکوهای کمکی به گفتگو می‌پرداختند یا بازیگران سکوی اصلی درگیر می‌شدند.

علاوه بر اینها، دو راهرو یا بیشتر نیز در محل تماشاگران وجود داشت که از سکوی اصلی به پشت تکیه راه می‌برد. این راهروها راه ورود قاصدان لشکرها و دسته‌های شامل اسب و شتر و ارابه بود. زد و خوردها و جنگهای تن به تن معمولاً در پشت سر تماشاگران و بیرون از چهارچوب تکیه در می‌گرفت. گاهی اوقات بازیگران برای رسیدن به صحنه اصلی، بدون تعارف و با شور و حرارت از میان تماشاگران می‌گذشتند. تکیه در واقع انگاره‌ای بود از دشت کربلا و رسم بر این بود که تعزیه‌خوان‌ها در مجالس مربوط به کشتار کربلا، در مقام نمادی از شهیدان در محاصره اشقیا، هیچ‌گاه صحنه اصلی نمایش را ترک نمی‌کردند. بدین‌سان اگر گفته آید که «تکیه» نوعی سنگر برای شیعیان بود، چندان گزافه نیست.

از دیگر مجالس تعزیه که پیشتر فقط در استانهای شمال ایران در خلال روزهای پنجم و دهم محرم به عنوان مقدمه شهادت حسین(ع) بازی می‌شد، «تعزیه عروسی قاسم» بود که خود تأثیر متقابل پویای تماشاگر و بازیگر را در تکایای ایرانی به وضوح نشان می‌دهد. قاسم فرزند برادر بزرگتر امام حسین است که اندکی پس از شهادت پدرش شهید شد. آرزوی حسن(ع) آن بود که قاسم با فاطمه، دختر حسین(ع)، ازدواج کند. قاسم و فاطمه هر دو از محاصره شدگان کربلا هستند و هنوز نوجوان؛ اما حسین که آگاه از مرگ نزدیک آنهاست، تصمیم می‌گیرد به وصیت برادرش جامه عمل بپوشاند و فرمان به ازدواج آنها می‌دهد.

درست در همین میان که علی‌اکبر یکه و تنها در حال نبرد با لشکر اشقیاست (نبردی که نمایش داده نمی‌شود، بلکه فقط از آن صحبت می‌شود) بازیگران و تماشاگران وسایل عروسی را بر صحنه اصلی و اطراف آن مهیا می‌سازند. سرانجام حجله رنگارنگ عروسی را وارد صحنه می‌سازند و عروس و داماد را از میان راهروهای باریک به طرف آن هدایت می‌کنند. نوای عروسی ورود آنها را همراهی می‌کند. با شور و هلهله، میان حاضران کلوچه و شیرینی پخش می‌گردد. به ناگاه از پشت سر حضار، اسب علی‌اکبر پیدا می‌شود بدون سوار. از این نشان شهادت علی‌اکبر، همه مردم داخل تکیه به سوگ می‌نشینند.

قاسم صحنه اصلی را واگذاشته، به میدان جنگ پشت سر تماشاگران می‌شتابد. لحظه‌ای بعد پیشاپیش عده‌ای که نعش علی‌اکبر را روی سپرهایی حمل می‌کنند، به صحنه اصلی باز می‌گردد. از آنجا که در کشورهای مسلمان مرسوم است همه مردم در مراسم تشییع شرکت جویند، تمامی حاضران به پا می‌خیزند و سوگواری می‌کنند و آن عده از حاضران که نمی‌توانند به اندازه کافی به نعش نزدیک شوند، دستان خود را با اشارات و حرکات نمادین به طرف نعش دراز می‌کنند.

سرانجام نعش بر صحنهٔ اصلی، روبروی حجله‌گاه قرار داده می‌شود. در طرفی از صحنه، مراسم عزا با گوشه‌هایی از غمنوا همراهی می‌شود؛ تماشاگران موی می‌پریشند و بر سینه می‌زنند و در طرف دیگر صحنه، مراسم عروسی با همراهی نوای سرورانگیز ادامه می‌یابد. صداها متنافرند، حاضران از طرفی به طرف دیگر می‌روند و مویه به خنده تبدیل می‌شود. درست در هنگامی که قاسم مهیای رفتن به حجله می‌گردد، به میدان جنگ فرا خوانده می‌شود. در میدان، نخست بر پسران سرکردگان لشکر اشقیا یورش می‌برد، که آنها در برابرش به وضع تمسخرآمیزی می‌گریزند. عاقبت او که باید با لشکریان بی‌شمار دشمن بجنگد، شهید می‌شود.

معروفترین و مجلل‌ترین تعزیه‌خانه‌های سده نوزدهم «تکیه دولت» یا تماشاخانه سلطنتی تهران بود که ساختش در ۱۳۰۴ هجری آغاز شد. به تشویق و پشتیبانی ناصرالدین‌شاه (حکومت: ۱۸۴۸ـ ۱۸۹۶م) تعزیه به اوج خود رسید.

بنا به گزارش بعضی از مسافران خارجی، شکوه چشمگیر و کثرت عمل نمایشی تعزیه حتی اپراهای شهرهای بزرگ را نیز تحت‌الشعاع قرار داد. ساموئل بنجامین ـ فرستاده سیاسی امریکا ـ که در مراسم سوگواری ماه محرم حضور یافته بود، از تکیه دولت چنین شرح گویا و زنده‌ای دارد:

«... مرا به روز پنجم تعزیه دعوت کرده بودند. تا قریب ظهر به تکیه رسیدیم. چون از کالسکه پیاده شدیم، بنای بزرگ مدوری را مانند آمفی‌تئاتر ورونا دیدیم که تمام از آجر و به طرز محکمی ساخته شده است. فراشان در جلوی ما مردم را به چپ و راست کنار می‌زدند و برای ما راه باز می‌کردند تا اینکه به در بزرگ تکیه رسیدیم. بعد به دهلیز باریک و طاقداری داخل شدیم و از میان جمعیت راهی برای خود باز کرده، بلکه از میزان همان جمعیت رانده، رسیدیم به پله‌ها و آخرالامر به یک پرده گلدوزی رسیدیم و چون پرده را بلند کردیم در طاق‌نمای ظهیرالدوله (داماد شاه) وارد شدم. این طاق‌نما دو قسمت و یکی بلندتر از دیگری بود. من به طاق‌نمای پست که در جلو واقع شده بود رفتم. میزبان من در دست چپ خود روی تشک مخمل گلدوزی مرا دعوت به جلوس کرد. دیوارهای طاق‌نما از آجر ساده بود ولی شالهای کشمیری قیمتی بر آن کشیده و زمین را از قالیهای ممتاز مفروش ساخته بودند ...

چون به دایرهٔ وسیع تکیه نگاه کردم، حالتی به من دست داد که فی‌الحقیقه عجیب بود. داخل بنا تقریباً ۲۰۰ پا قطر و ۸۰ پا ارتفاع داشت. روی تکیه چوب‌بستی به طرز طاق زده با آهن آنها را به یکدیگر وصل نموده، چادری رویش کشیده‌اند تا داخل از بارش و آفتاب محفوظ باشد. از وسط طاق چلچراغ بزرگی آویخته بود و چهار چراغ الکتریک در آن می‌سوخت ...

به زودی دیدم که در مقابل تماشای جمعیت، تفاصیل معماری عظمتی ندارد. تمام دایرهٔ تکیه به استثنای راه تنگی که برای بالا رفتن بر سکوی میانی باقی گذارده‌اند، پر بود از هزاران زن (تخمیناً چهار هزار زن) که همه روی زمین چهارزانو نشسته بودند و زمین قدری شیب دارد تا آنها که در عقب نشسته‌اند، بتوانند مجلس تعزیه را ببینند ...مکرر در طاق‌نما شربت و قلیان آوردند و برای من سیگار حاضر کردند... اما همین که تعزیه شروع شد، قلیان و شربت ممنوع گردید.»

تعزیه، مانند دیگر یادکردهای محرم، عملی دسته‌جمعی بود. هر کس به قدر وسع و توان خود کمک می‌کرد. مردان گرانترین وسایل خود (مثلاً بلور، چراغ، آینه، ظروف چینی و پرده‌های قالیچه‌نما) را می‌آوردند تا دیوارهای تکیه را زینت بدهند. حتی کم‌بهاترین چیزها را می‌پذیرفتند؛ زیرا اهدا یا به عاریت دادن آنها وقف به حساب می‌آمد. ورزشکاران زورخانه‌ها مشتاقانه قدرت و توان خود را برای ساختن تکیه مصروف می‌داشتند. زنان به تهیه شربت و خوراک می‌پرداختند. اشراف‌زاده‌های خردسال میان تماشاگران، اعم از دارا و ندار، به نشانه تشنگی شهیدان کربلا آب و شربت پخش می‌کردند. هر چند ثروتمندان برای خود جایگاه مجلل ویژه‌ای داشتند، اما بنا به روح اخوت اسلامی اگر جایی خالی در میانشان بود، فقرا می‌توانستند در آنجا بنشینند.

ادامه دارد

عصر مغول و نفوذ ایرانیان در چین

دکتر شیرین بیانی بخش اول

اشاره: به رغم حوادث خونباری که هجوم وحشیانه مغول در پی داشت، ایرانیان توانستند به‌تدریج مغولان را رام کنند و فرهنگ اصیل خود را جلوه‌گر سازند. آنچه در پی می‌آید، به اختصار به همین موضوع در روزگار نبیرهٔ چنگیز، قوبیلای می‌پردازد.

زمامداری قوبیلای‌قاآن آغاز عصر جدیدی در امپراتوری جهانی مغول به شمار می‌آید و با دوران سی‌ساله قبل از آن تفاوت بسیار دارد: دوران گذشته، زمان کشور گشایی‌ها، ایجاد حکومتهای موقت در مناطق اشغالی شرق و غرب، اطمینان نداشتن از پشت مرزها و رویارویی با تشنج‌ها و شورشها در مناطق اشغالی بود؛ همه این موارد سبب می‌شد که دستگاه گرداننده فاقد سکون و آرامش لازم برای رویارویی و تطابق با تحولات جدید و متوالی، و استقرار اصول و موازین تازه و یکدست در سراسر امپراتوری باشد؛ ولی سرانجام با فتح سراسری چین و سپس ایران در آخرین سالهای زندگی **مُنگو قاآن** و وضع قوانین جدید اقتصادی و اجتماعی به توسط او که آمیزه‌ای از سنن مغولی و قوانین رایج در ممالک مفتوحه بود، دوران سکون و آرامش و شکل گرفتن کامل حکومت آغاز شد. در واقع دوره قوبیلای قاآن عصر سروری عنصر مغول بر نیمی از جهان محسوب می‌شود.

حکومت مغولان پس از فتح کامل چین، مجذوب فرهنگ و تمدن کهن و اصیل آن مملکت وسیع، دست‌نخورده، متمدن و ثروتمند شد، و با انتخاب پکن به پایتختی، پایتخت از مغولستان به چین انتقال یافت. ممالک متصرفی جدید در جهان به فرزندان و خویشان امپراتور واگذار گشت و خلاصه برای مغولان برخورداری از نعمات و برکات ناشی از سلطه بر بخش وسیعی از جهان، که تا آن زمان بی‌سابقه بود، آغاز شد.

به این ترتیب بود که امپراتوری مغول که در این دوره از اقیانوس کبیر تا فاصله‌ای نه‌چندان دور از دریای مدیترانه را شامل می‌شد، به تعبیر امروزی به صورت کنفدراسیونی درآمد که ممالک فدرال با حفظ استقلال داخلی، در موارد بسیار کلی و عمومی، از مرکز امپراتوری فرمان دریافت می‌داشتند؛ خراجهای متداول را می‌پرداختند، در جشنها و قوریلتاها همراه با هدایای گرانبها و فراوان شرکت می‌کردند و قوای انسانی و مادی در اختیار سپاه امپراتوری قرار می‌دادند.

امپراتوری مغول در دوران طولانی حکومت قوبیلای قاآن (۶۵۸ـ۶۹۳ق) طبیعتاً چنان مجذوب فرهنگ و تمدن چینی گردید که تقریباً ماهیت مغولی خویش را از دست داد و چینی‌مآب شد. آداب و رسوم مغولی تحت‌الشعاع سنتهای چینی قرار گرفت. مغولستان که با وجود نقل و انتقالات جانشینی، کم و بیش طبق تقسیمات اولیه در دست شاهزادگان چنگیزی باقی مانده بود، و با قرار گرفتن بر سر راه چین به ایران و اروپا، نفوذ فرهنگها و تمدنهای شرق و غرب را در خود پذیرفته، دستخوش دگرگونیهای مادی و معنوی فراوان شده بود، پس از انتخاب پکن به پایتختی و از اعتبار افتادن قراقروم، و با اولویتی که حکومت برای چین قایل شد، به تدریج به انزوای گذشته خزید و تا امروز با تمام زیر و بمهای ادوار، تقریباً حالت سنتی خود را حفظ کرده است.

امپراتور با آنکه خود از مدتها پیش بر اثر تبلیغات رهبانان چینی رسماً بودایی شده بود، سیاست نیاکان خویش را که اعطای آزادی مذهبی به همه اقوام و ملل بود، دنبال کرد و دستور داد متون بودایی، انجیل، تورات و قرآن را به زبان مغولی ترجمه کردند.[۱] آزادی مذهبی که قوبیلای با شیوه مغولی در چین رواج داد، در آن مملکت بیگانه نبود و سابقه‌ای طولانی داشت؛ ولی آنچه در حکومتهای چینی و مغولی بی‌سابقه بود، نحوه کاربرد این آزادیها بود: چینی‌ها از فرهنگ و تمدن ادیان گوناگون برای پیشبرد هنر و صنعت خود استفاده می‌کردند؛ در حالی که مغولان اقوام گوناگون را برای هدفهای توسعه‌طلبانه و اقتصادی به کار می‌گرفتند.

سیاست آزادی مذهب، سبب گردید که با وجود رخنه کامل اداریها و نظامیان چینی در دستگاه حکومت، ایرانیان طبق روش خاص خود و با سابقه‌ای که در دوران گذشته کسب کرده بودند، نفوذ خویش را گسترش دهند. سلطنت طولانی قوبیلای، عصر رقابت و رویارویی خطرناک دو عنصر چینی و ایرانی در دستگاه مغول است که با وجود بُعد مسافت و بیگانه بودن ایرانیان می‌توان به جرأت ادعا کرد که تفوق و برتری با عنصر ایرانی بوده است.

در اولین فتوحات در چین شمالی، اداره مناطق مفتوحه به دست یک شخصیت ایرانی به نام **محمود یلواج** سپرده شد؛ و از آن زمان بود که پای ایرانیان در کار حکومت چین گشوده گردید. سبب راه یافتن ایرانیان کارآزموده در چین افسانه‌ای و دوردست، آن بود که در زمانی که مغولان هنوز بر سراسر چین مسلط نشده بودند، سپردن حکومت نواحی اشغالی به چینی‌ها را دور از حزم و احتیاط می‌دیدند، ضمناً در بین افراد خود نیز اشخاص کاردان و با کفایتی که بتوانند چنین شغلهای حساسی را بر عهده گیرند، نمی‌یافتند.

اینک برای روشن شدن بهتر موضوع به شرح چگونگی استقرار خاندانهای بزرگ ایرانی در چین می‌پردازیم: گذشته از خاندان محمود یلواج، که پسران و نوادگانش نسل به نسل دست‌اندرکار سیاست بوده‌اند، یکی از شخصیت‌های دیگر، که خود و افراد خانواده‌اش تا چند نسل در چین مهمترین شغلها را داشتند، **سید اجل بخاری** نام‌داشت که کار خود را از زمان مُنگو قاآن شروع کرده بود. جد سید اجل که از خاندانهای متنفذ و اصیل بخارا محسوب می‌شد، در زمان سلجوقیان به علت اختلافات سیاسی با حکومت، به چین پناهنده شده بود و به تدریج پس از تهاجم مغول، نوادگان وی به خدمت آنان درآمدند و در زمرهٔ کارگزاران مهم قرار گرفتند.

سید اجل با تجربه‌هایی که در چین اندوخته بود، از جانب منگو قاآن به حکومت قراچانگ منصوب گشت و مأموریتش سبب شد که مسلمانان پراکنده در این ایالت گرد آیند و مرکزیتی ایجاد کنند. قراچانگ، که یاچی نیزخوانده می‌شد، همان یون نان (Yon ـ Nan) امروزی است، و به همین دلیل اکثر مسلمانان چین امروزی را در خود جای داده است؛ و در آن روز نیز ایالتی بزرگ و آباد بود که اکثریت قریب به اتفاق اهالی آن را مسلمانان تشکیل می‌دادند. حکومت این ایالت ابتدا با **یعقوب بیگ** ـ پسر علی بیگ، از نوادگان محمود یلواج ـ بود که یکی پس از دیگری به حکومت رسیدند.

پس از آنکه قوبیلای مغولستان را ترک کرد و در چین مستقر شد، سید اجل بخاری را به علت کفایت و تجربه کافی به مقام وزارت منصوب کرد، و پسرش **ناصرالدین** را به حکومت قراچانگ فرستاد. سید اجل مدت بیست و پنج سال وزیر قاآن بود[۲] و به قول خواجه رشیدالدین فضل‌الله:

«به اجل مسمّی وفات یافت؛ و این از نوادر است!» به راستی شخصیتی که چنین مدتی طولانی حساس‌ترین شغلها را در دستگاه مغول به عهده داشته باشد و به مرگ‌طبیعی از دنیا برود، جزء استثناهای کم‌نظیر است. پس از مرگ این وزیر، نواده‌اش **ابوبکر**، به این مقام رسید و مانند جدش لقب «سید اجل» گرفت. ابوبکر نیز بسیار مورد مهر قاآن بود؛ مدت وزارتش دو سال طول کشید و آنگاه درگذشت. این وزیر هفت برادر داشت که هر یک عهده‌دار شغل مهم و حساسی بود. خاندان سید اجل نه تنها در چین، بلکه در ایران نیز شهرتی فراوان کسب کرد و به همین دلیل «سیداجل» در دستگاه مغول خود لقبی شد از «معتبرترین القاب و اسامی» که در مواقع بخشیدن امتیاز به وزیری، او را به این عنوان ملقب می‌کردند!

در این دوره، در دستگاه حکومتی یک عنوان چینی نیز متداول گردید که «فنچان» خوانده می‌شد و به معنی وزیر بود. وزیر بزرگ را «شوفنچان» می‌گفتند، به معنی زبدهٔ وزرا و وزیر بیدار؛ و همچنین «بایان فنچان» به معنی وزیر توانگر و ثروتمند. سید اجل بخاری لقب بایان فنچان نیز داشت، و برادران و برادرزادگان و نوادگانش نیز، که هر یک در شهری حاکم بود، عنوان فنچان داشتند.[۳]

پس از مرگ ابوبکر، **امیر احمد بناکتی**، ایرانی دیگری، به مقام وزارت رسید. او در مدت تصدی در این مقام پس از قاآن بزرگترین و ثروتمندترین شخصیت در چین به شمار می‌رفت و دوره وزارتش اوج قدرت ایرانیان در دستگاه امپراتوری مغول بوده است. **مارکوپولو** درباره اهمیت و شهرت وی چنین می‌گوید: «مردی بود گستاخ، محتال و در خان نفوذ بسیار داشت؛ به اندازه‌ای که خان به او هرگونه آزادی عمل داده بود، و او هم هرچه دلش می‌خواست، می‌کرد. ابداً به ادارات رسمی از جمله دادگستری، اعتنایی نداشت و هر که دشمن او بود یا برخلاف میلش قدم بر می‌داشت، کارش ساخته بود. کافی بود نزد امپراتور برود و بگوید: قربان، فلانی علیه سلطنت قیام کرده و جزایش مرگ است! خان هم برحسب معمول جواب می‌داد: هر نوع صلاح می‌دانی، اقدام کن. با این وضع احدی جرأت مخالفت با او را نداشت. همه مردم، حتی رجال درجه اول مملکت، همیشه در حال وحشت به سر می‌بردند... احمد مرد مطلق‌العنان چین بود.»[۴] این وزیر دارای جواهرات بی بدیل بود و از جانب سلطان لقب شوفنچان داشت.[۵] تعداد پسران وی به بیست و پنج تن می‌رسید که هریک شاغل مقامی بزرگ در مملکت بودند. به این ترتیب می‌توان ادعا کرد که چین تا حدی در تیول خاندان امیر احمد بناکتی بود.

در اینجا با سؤالی روبرو می‌شویم که حائز اهمیت است و منابع ما چیزی درباره آن نگفته‌اند و آن اینکه: آیا این وزیران ایرانی‌الاصل مقیم مرکز امپراتوری تا حدی به اوضاع موطن اصلی خود هم می‌اندیشیده‌اند؟ به این پرسش می‌توان چنین پاسخ داد که هرچند به علت اشتغالات داخلی و جدایی روزافزون دستگاه مرکزی از ایران و بُعد مسافت، مجال زیادی برای بروز چنین علقه‌هایی باقی نمی‌ماند، و ماندگار بودن در چین و با خود داشتن همه افراد خانواده، موجب بوده است که از وطن اصلی ترک علاقه کنند، با این حال دور از تصور نیست که توانسته باشند مانع دخالت بی‌رویه سلاطین در ایران شده باشند، و همچنین حکومت ایران توانسته باشد از طریق اینان آسانتر به خواستهای خود جامه عمل بپوشاند و به امتیازاتی دست یابد. شاید همین عامل کمک کرده باشد تا حکومت مرکزی از کارهای داخلی ایران فارغ بماند و حکومت مغولی مستقر در این سرزمین را به حال خود واگذارد؛ بدان حد که در حدود پنجاه سال پس از چنگیزخان، وابستگی ایران به پایتخت در حد تشریفات و رد و بدل کردن سفیران و هدایا و خراج سالانه تقلیل یافت و چندی نگذشت که پس از قوبیلای، این رشته ارتباط بازهم باریکتر شد.

بنا به آنچه گذشت و با نیرو گرفتن روز افزون عنصر ایرانی، کارگزاران چینی و مغولی که موقع و مقام خویش را متزلزل می‌دیدند و به هراس افتاده بودند، همواره در جستجوی راهی می‌گشتند تا به نوعی در تضعیف این گروه بکوشند، و از هر حادثه‌ای برای تحریک و دسیسه‌چینی برضد ایرانیان بهره گیرند. برای نمونه بلوایی را که در دوران وزارت امیر احمد بناکتی اتفاق افتاد، نقل می‌کنیم تا شاهدی بر این معنی باشد:

در خلال وزارت امیر احمد بناکتی، در ایران، یهودیان که به دنبال فتوحات هلاکو درصدد کسب قدرت بودند و پیوسته به دنبال بهانه می‌گشتند، به عرض اباقا که ولیعهد بود، رسانیدند که: در قرآن آیه‌ای وجود دارد که می‌فرماید: **اقتلوا المشرکین کافّه**؛ یعنی همه مشرکان شایسته کشتن‌اند. اباقا که به هراس افتاده بود، طی نامه‌ای قوبیلای را از این موضوع آگاه کرد و از وی نظر خواست. ضد اسلامی‌ها و ضد ایرانیهای مقیم دربار که منتظر بهانه بودند، این قضیه را بزرگ کردند و به وی چنین فهمانیدند که چون مسلمانان نیروی بسیار یافته و بر امور مملکتی مسلطند، با توجه به این آیه، همواره خطر بزرگی برای حکومت محسوب می‌شوند و باید برای این کار فکری اساسی کرد. قاآن که او نیز هراسان شده بود، مجلسی ترتیب داد و علمای اسلام را دعوت کرد و از مقتدای آنان، **بهاءالدین بهایی** ـ قاضی‌القضات ـ سؤال کرد: «آیا این قضیه صحیح است؟» وی جواب داد: «صحیح است.» قاآن پرسید: «پس چرا کفار را نمی‌کشید؟» جواب داد: «هنوز وقت درنیامده است و ما را دست نمی‌دهد!» قاآن خشمگین شد و گفت: «مرا باری دست می‌دهد!» و فرمود تا او را بکشند. امیر احمد بناکتی مانع شد و گفت: «قاضی جواب درستی نداده است. باید از شخص دیگری پرسید.» این بار قاضی **علاءالدین طوسی** را به همراه چند تن از علمای دیگر آوردند و برای روشن شدن کامل قضیه، جلسه مناظره‌ای تشکیل دادند. در این مجلس قاآن خود شرکت کرد

> ***سبب راه یافتن ایرانیان کارآزموده در چین آن بود که مغولان هنوز بر سراسر چین مسلط نشده بودند و سپردن حکومت به بومیان را دور از احتیاط می‌دیدند، در میان خودشان نیز اشخاص کاردان و با کفایتی که بتوانند چنین شغلهای حساسی را بر عهده گیرند، نمی‌یافتند**

و گفت: «محمد را که آفریده است؟» گفت: «خدا.» پرسید: «چنگیز را که آفرید؟» گفت: «خدا.» قاآن گفت: «پس چنین معلوم است که خدا به بندگان دو نظر دارد: یکی نظر لطف و دیگری نظر قهر. محمد را به نظر لطف آفریده است و چنگیز را به نظر قهر؛ و نسبت به هر دو صفت نظر مساوی دارد. پس شما چگونه طرف لطف او را بر قهر ترجیح می‌دهید؟» علما جوابی ندادند. قاآن گفت: «مگر در کتاب شما نیامده که هرکه فرمان اولوالامر را خلاف کند، مجرم است؟» قاضی پاسخ داد: «آری، چنین است.» گفت: «چطور است که شما از فرمان چنگیز و از حکم من تجاوز جایز می‌شمرید؟» قاضی گفت: «از احکام شما آنچه موافق کتاب است، قبول داریم و هر چه نیست، قبول نداریم.» قاآن در خشم آمد و فرمان داد همه قضات ولایات را معزول کنند؛ واعظان بر سر منابر نروند؛ مؤذنان اذان نگویند و ذبح اسلامی ممنوع شود و به این مضمون قرب یک خروار یرلیغ نوشتند.[۶]

سرانجام چون کار سخت شد، امیر احمد و سایر مسلمانان متنفذ تقاضا کردند جلسه دیگری تشکیل شود و روحانی دیگری طرف سؤال قرار گیرد. این بار قاضی **حمیدالدین سمرقندی** را که روحانی بزرگ و شهیری بود، آوردند. وی در جواب سؤال قاآن گفت: «این آیه وجود دارد.» قاآن گفت: «پس چرا مشرکان را نمی‌کشید؟» وی جواب داد: «چون شما نام خدا بر سر یرلیغ می‌نویسی، مشرک نباشی. مشرک کسی است که خدا را نشناسد.» قاآن از این جواب خوشش آمد و قانع شد. به روحانی انعام فراوان بخشید و دستور دادن یرلیغهایی که برای آزار مسلمانان نوشته بودند، باطل کردند. آنگاه همگان خلاصی یافتند و بار دیگر کار اسلام رونق گرفت.[۷]

امرای چینی و مغولی به دنبال این توطئه دست از تحریکات برنداشتند و همچنان دشمنی خود را با ایرانیان و به خصوص وزیر بزرگ ـ امیراحمد که سردسته آنان بود ـ ادامه دادند. پیوسته بین اینان اختلاف و مشاجره بود، و حتی اتفاق افتاد که یک بار در حضور قاآن کتک‌کاری و فحاشی کردند و همواره می‌کوشیدند که آن وزیر را از مقامش به زیر کشند؛ ولی تا وی در قید حیات بود، به چنین توفیقی دست نیافتند و به قول رشیدالدین: «امیراحمد وزارتی به ناموس کرد، قریب بیست و پنج سال.»[۸] چون دشمنان از برکناری وی عاجز شدند، تصمیم به قتلش گرفتند و به دنبال توطئه‌ای او را از میان برداشتند.

قوبیلای قاآن که از خبر مرگ وزیر متأثر و ناراحت شده بود، دستور داد برای خرج مراسم تدفین چهارهزار بالش به خاندان وی بخشیدند و با احترام فراوان به خاکش سپردند؛ ولی اندکی بعد کار وزیر متوفی و خاندانش به تباهی کشیده شد. دست‌اندرکاران که می‌خواستند پسران و نوادگان و خلاصه خاندان وزیر را که در سراسر چین ریشه دوانیده بودند، از میان بردارند، به قاآن خبر دادند که امیراحمد در زمان حیات، گوهری بزرگ و بسیار قیمتی که نظیرش نزد سلطان یافت نمی‌شود، از جواهرفروشان خریده و به قاآن عرضه نداشته است و اینک نزد همسرش نگاهداری می‌شود. ماجرا از جانب قاآن دنبال شد و هنگامی که صحت قضیه معلوم گردید، آتش خشم قوبیلای زبانه کشید و این بار از دشمنانش پرسید: «چکار باید کرد؟» آنان گفتند: «باید نعش وزیر را از گور بیرون کشید و رسوایش کرد.» به فرمان قاآن چنین کردند و طناب بر پایش بستند و برسر چهار سوی بازار بزرگ شهر پکن به دار آویختند، اموالش را به خزانه امپراتور منتقل کردند، همسرش را به منزله شریک جرم کشتند و زنانش را بین بزرگان تقسیم کردند و دو پسر بزرگش، امیرحسن و امیرحسین را پوست کندند!

پس از این واقعه و با مقدمه چینی‌های مخالفان، ستاره اقبال ایرانیان برای مدتی رو به افول گذاشت، و مسلم بود که جانشین امیر احمد وزیری ایرانی نخواهد بود؛ هرچند که ایرانیان دست از تکاپو برنداشتند. از جمله **مبارکشاه دامغانی** که در دستگاه قوبیلای کرّ و فرّی داشت و به قول رشیدالدین: «مقرب و مقبول‌القول بود» دست به اقدام زد، ولی مؤثر واقع نشد، و این بار شخصیتی ایغوری به نام سنگه به وزارت رسید. زمان انتقام بیش از پیش فرا رسیده بود. وزیر و یارانش برای درهم کوبیدن نفوذ ایرانیان از هیچ کوششی دریغ نکردند و بهانه‌های گوناگون را چون سلاحهای برنده‌ای به کار انداختند...

در این مدت که شاید بتوان آن را عهد کسوف اسلامی در چین دانست، دشمنان به هر طریق صدماتی بر مسلمانان وارد آوردند و دست به تصفیه‌ای عظیم در بین شخصیت‌های بزرگ و عمده دینی زدند و روحانیان را تار و مار کردند. از جمله امام **برهان‌الدین بخاری** را که در پکن امام جماعت بود و جلسات وعظ داشت و مریدان و نفوذ زیادی کسب کرده و با تبلیغات خویش چینیان بسیاری را به دین اسلام گروانیده بود، نزد سلطان خطرناک جلوه دادند. تا بدانجا که به چین جنوبی تبعید شد و در تبعید درگذشت.

سرانجام عرصه چنان بر مسلمانان تنگ شد که «لاجرم بسیاری از اهل اسلام جلای وطن اختیار کردند». مدت خذلان کار مسلمانان به قولی چهار سال و به قول دیگر هفت سال به طول انجامید و گذشته از عواقب اجتماعی، نتایج اقتصادی مهمی به بار آورد؛ زیرا تجارت عمده بین‌المللی در دست بازرگانان ایرانی بود، و چون آنان چین را ترک کردند و تجار جدید نیز از آمدن به آن کشور سرباز زدند، در امر بازرگانی رکود معتنابهی پدید آمد. ایرانیان که منتظر فرصت بودند، به امپراتور فهمانیدند که این همه از نتایج منع ذبح اسلامی و منع انجام فرایض دینی است. اگر این کار بار دیگر رایج شود و مسلمانان در امر دین مختار شوند، بازرگانان کار خود را از سر خواهند گرفت. سرانجام اجازه قاآن مبنی بر لغو فرمان گذشته صادر شد، و بار دیگر مسلمانی رونق گرفت.

این بار اطرافیان ایرانی قاآن و کلاً دولتمردان ایرانی دستگاه مغول در صدد انتقام برآمدند؛ از همان نوع انتقامهای کاری و کمرشکنی که در مورد خودشان به کار رفته بود. در نزاع و رقابت بر سر قدرت، عنصرایرانی سرانجام در دستگاه امپراتوری مغول فایق آمد، و گذشته از آنکه وزیران و کارگزاران درجه یک حکومتی همچنان از میان ایرانیان انتخاب شدند، اینان توانستند شاهزادگانی را مسلمان کنند. نفوذ در بین خاندان سلطنتی بزرگترین توفیق اینان بود.

ادامه دارد

پی نویس:

۱. خواندمیر، تاریخ حبیب‌السیر، ج ۳، ص ۶۵، ۶۶.
۲. قوبیلای در زمان فتوحات در چین، که هنوز به سلطنت‌نرسیده بود، سید اجل را به وزارت خود برگزید.
۳. جامع التواریخ، ج ۱، ص ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۹، ۶۵۲.
۴. مارکوپولو، سفرنامه، ص ۱۳۰، ۱۳۱.
۵. جامع‌التواریخ، ج ۱، ص ۶۵۲، ۶۵۳.
۶. خواندمیر، تاریخ حبیب‌السیر، ج۳، ص ۶۴، ۶۶ و رشیدالدین، جامع‌التواریخ، ج ۱، ص ۶۵۵ یرلیغ: فرمان.
۷. خواندمیر، همان کتاب، همان ج، ص ۶۶.
۸. جامع‌التواریخ، ج ۱، ص ۶۵۲، ۶۵۰.

دوست و دشمن

سـعدی: هر آن سـرّی که داری، با دوست درمیان منه، چه دانی که وقتی دشـمن گردد؟ و هر بدی که توانی، به دشـمن مرسان که باشد که وقتی دوست گردد.

گلستان

شهر آفتابها

استاد خلیل الله خلیلی
افغانستان

این روزهای زودگذر همچو آبها
ما را برند سوی عدم با شتابها
هر روز ابر تیره کند روی آسمان
ای جان فدای شهر من و آفتابها
هر گز کسی سؤال مرا پاسخی نگفت
من ماندم از زمانه و این لا جوابها
دیگر مرا به جز دل من نیست رهنمون
من آینه گزیدم و یاران کتابها
از عقل ناامید شدم، ای جنون بتاز
کان راه بود خم به خمش پیچ و تابها
شاید ز بعد مرگ حقیقت شود عیان
وین زندگی بوَد نظر ما به خوابها
بر باد بود کاخ شکوه ستمگران
لرزیده‌ایم ما ز چه لرزان حسابها
یک راستکار سر نزد از در، ولی دری
ما منتظر که باز که آید ز بابها
دارد دو روی هر که بود در جهان ما
یک رو به سوی ما و دگر در حجابها
کو داوری که باز نماید به چشم خلق
کردار ناصواب کسان از صوابها
گویند خلق اسلحه، اما نموده‌اند
معمور شهرها به نگاهی خرابها
لافند از کرامت انسان و کشته‌اند
جمعی به زیر آتش و جمعی در آبها
یک دم جدا ندید کس از جنگ و کشمکش
آن شاخها که بر شده سوی سحابها
ای ساده مردمی که توقع نموده‌اند
رقص کبوتران حرم از عقابها!
سرها به خاک خفت که تا چند بلهوس
گلگون کنند ساغر عیش از شرابها
ای بس فقیر زار که شد کشته رایگان
بهر حصول مقصد عالیجناب‌ها
بس نوجوان ساده که در جنگ این و آن
جان عزیز داده به زیر رکابها
فرهنگ فتنه زای جهان می‌برد کنون
ما را کشان‌کشان به دیار سرابها
ترسم نهند شعر مرا نام، شعر خون
یاران خرده گیر من آن نکته‌یابها
اینک به پاس خاطر سحرآفرین‌شان
یک بیت سر کنم، همه قند و گلابها:
ای عارض تو طعنه زن ماهتاب‌ها
وی گیسوان سرکش تو مشک نابها

ایران‌گردی

میمند صخره‌ای

این روستای صخره‌ای و دستکند در دهستان میمند از توابع شهر بابک در استان کرمان بین شهرهای یزد، کرمان و شیراز قرار دارد و با شماره ۴۱۳۵ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است.

این بنا بی‌گمان از نخستین سکونتگاههای بشری در ایران به شمار می‌رود و جالب اینجاست که هنوز مردم در آن زندگی می‌کنند که دارای آداب و رسوم خاصی هستند و در زبانشان هنوز از کلمات پهلوی ساسانی استفاده می‌شود.

برخی بر آنند که میمند در قرون هشتم و هفتم پیش از میلاد به دست پیروان آیین مهرپرستی ساخته شده و برخی نیز آن را متعلق به قرون دوم و سوم میلادی و معاصر با سلسله اشکانی می‌دانند. وجود دژ میمند که در آن بیش از ۱۵۰ اتاق مدور برای قرار دادن اجساد در نظر گرفته شده، به این نظریه قوت می‌بخشد؛ زیرا طبق سنت آن زمان، دخمه‌ها در منطقه‌ای کوهستانی و به دور از شهر ساخته می‌شد.

مساکن میمند با از میان برداشتن انبوهی از خاک شکل گرفته، نه با گذاشتن خشت و آجر و ملات روی هم؛ یعنی برای ساختن اتاق، طاقچه، جای رختخواب، چراغ و غیره بدنهٔ کوه به مرور زمان کنده شده است. درجه حرارت این اتاقها حدود ۵ درجه متفاوت از بیرون است؛ به طوری که در زمستان گرمتر و در تابستان خنک‌تر از بیرون است.

اندازه اتاقها یکسان نیست و یک اتاق ۳×۴ به بلندی ۱/۹۰ تا ۲/۱۰ متر معمولی است و بزرگترین کیچه (واحد مستقل) از ۹۰ متر مربع تجاوز نمی‌کند. کفپوشها غالباً نمد، گلیم یا قالیچه است. میمند روی هم رفته دارای ۴۰۶ کیچه و ۲۵۶۰ اتاق می‌باشد.

حمام میمند

حمام میمند که مثل خانه‌های آن در دل سنگ کنده شده، دارای خزانه است. کیچه حمام به دالانی ختم می‌شود که به رختکن متصل است با حوضی در وسط و سه سکو در اطراف. در وسط خزینهٔ سنگی، گودالی است برای قرار دادن دیگی که آب را گرم می‌کند. سنگ مرمری هم روی سوراخ بالای صحن و رختکن نصب شده که منبع نور حمام است، گرچه اکنون آن را برق‌کشی کرده‌اند.

مدرسه

مدرسه قدیم روستا، به همان شیوه واحدهای مسکونی است، با این تفاوت که عرض و عمق کیچه و مسیر ورودش بیشتر است و هرچه از ابتدای کیچه به عمق آن می‌رویم، ابعاد کلاسها گسترده‌تر می‌شود.

مسجد

مسجد میمند مولود تغییراتی است که در یک یا چند واحد مسکونی داده شده و حدود ۱۲۰ متر مربع وسعت دارد و نسبتاً مدور است. بعد از عبور از راهرویی به پهنای ۱/۵ متر به صحن مسجد می‌رسیم. سقف مسجد بر روی سه ستون سنگی دو متری بنا شده، محراب و منبر سنگی و چند طاقچه که برخی‌شان در حکم جاکفشی است، از جاذبه‌های مسجد هستند که به نظر می‌رسد حدود دویست سال قدمت داشته باشد.

حسینیه

حسینیه در وسط روستا قرار دارد و دارای سه ایوانچه با طاق گهواره‌ای است که در انتهای آنها ورودی‌هایی تعبیه شده و کلاً از تجمیع چند منزل صخره‌ای به وجود آمده و ۲۰۰ متر مربع مساحت دارد که چهار ستون قطور آن را حفظ می‌کنند. حسینیه فاقد هرگونه تزیین و اندودی است و در آن کتیبه‌ای که اشاره‌ای به تاریخ احداث کرده باشد، وجود ندارد.

روستای یگانه

این روستای چندهزار ساله تنها روستای تاریخی جهان است که هنوز روابط سنتی زندگی در آن جریان دارد و می‌توان تعامل انسان و طبیعت را به‌خوبی در آن دید. این روستا هفتمین منظر فرهنگی ـ طبیعی و تاریخی جهان به شمار می آید که جایزهٔ ملینا مرکوری را دریافت کرده است؛ جایزه‌ای که دولت یونان با همکاری یونسکو و ایکوموس (شورای محافظت از بناها و محوطه‌های تاریخی) به آثاری اهدا می‌کند که دارای شرایط و ضوابط فرهنگی، طبیعی و تاریخی منحصربه فرد باشد. روستای میمند در مهر ماه ۱۳۸۵ به عنوان روستای نمونه ملی گردشگری معرفی گردید.

همچنین با کمک کارشناسان اروپایی و استرالیایی، سنگ‌نگاره‌های روستا تاریخ گذاری می‌شود. در میان این نقوش، صحنه‌هایی از شکار، جنگ، حیواناتی نظیر سگ، اسب و به خصوص بز دیده می‌شود.

لوروا گوران ـ باستان‌شناس ایتالیایی ـ با توجه به سنگ نگاره‌های یافته شده، قدمتی در حدود ۶ تا ۱۲ هزار سال برای میمند پیش‌بینی می‌کند.

آب و هوا و پوشش گیاهی

آب و هوای روستا از نوع معتدل کوهستانی است با زمستانهای سرد و بارانی و تابستانهای نسبتاً معتدل. حداکثر و حداقل دما به ترتیب حدود ۳۰ و ۶ درجه سانتی‌گراد است با متوسط بارش ۱۶۲ میلیمتر در سال.

پوشش گیاهی میمند از نوع استپ کوهپایه‌ای است با بوته‌های کوتاه و درختان جنگلی پراکنده. مهمترین گیاهان منطقه عبارتند از: پسته کوهی (بنه)، بادام کوهی، بوته‌های زارچ و گیاهان دارویی (آلاله، آویشن، بابونه، پونه، کلپوره). مهمترین محصولات باغی این ناحیه نیز عبارتند از: گردو، بادام، انگور و گلابی که در دره‌های سرسبز و در حواشی چشمه‌ها یافت می‌شوند.

*دانشنامه ویکی‌پدیا

برگی از دفترهای کهن

دانا و نادان

عنصرالمعالی

نـادان را مردم مـدان و دانای بی‌هنـر را دانـا مشـمر و پرهیزگار بی‌دانـش را زاهد مـدان. و با مردم نادان صحبت مکن، خاصه با نادانی که پندارد داناست.

و بـر جهل خرسـند مشـو و صحبـت جز با مردم نیکنام مکن که از صحبت نیکان، مردم نیکنام شود؛ چنان‌کـه روغن کنجید از آمیزش با گل و بنفشه که به گل و بنفشه‌اش باز می‌خوانند از اثر صحبت ایشان.

و کردار نیک را ناسپاس مباش و فراموش مکن و نیازمند خود را به سر باز مزن که وی را رنج نیازمندی بس است.

خوشـخویی و مردمی پیشـه کن وز خویهای ناسـتوده دور باش و بی‌سپاس و زیانکار مباش که ثمره زیانـکاری رنجمندی بـوَد و ثمره رنج، نیازمندی بود و ثمره نیازمندی، فرومایگی.

و جهـد کن تا سـتودهٔ خلقان باشی و نگر تا ستودهٔ جاهلان نباشی که ستوده عام، نکوهیدهٔ خاص بود؛ چنان‌که در حکایتی شنودم:

حکایت

گویند روزی فلاطُن نشسـته بود. از جملهٔ خاص آن شهر، مردی به سـلام او اندر آمد و بنشست و از هر نوع سخنی همی گفت. در میانهٔ سخن گفت: «ای حکیم، امروز فلان مرد را دیدم که سـخن تو می گفت و تـو را دعـا و ثنا همـی گفت و می‌گفـت: افلاطـن بزرگوارمردی است که هرگز کس چنو نبوده است و نباشـد.» خواستم که شکر او را به تو رسانم.

افلاطـون چـون این سـخن بشـنید، سـر فرو برد و بگریست و سخت دلتنگ شـد. این مرد گفت: «ای حکیم، از من چه رنج آمد تو را که چنین تنگدل گشتی؟»

افلاطـون گفـت: «از تـو مرا رنجی نرسـید، ولکـن مرا مصیبتی ازیـن بتر چـه بوَد کـه جاهلی مرا بستاید و کار من او را پسندیده آید؟ ندانم که کدام کار جاهلانه کردم که بـه طبع او نزدیک بود کـه او را آن خوش آمد و مرا بدان بستود تا توبه کنم از آن کار. و این غم مرا آن است که مگر من هنوز جاهلم، که سـتودهٔ جاهلان، جاهلان باشند!»

*قابوسنامه

طلای سرخ را مس نکنیم

در شرایطی که ایران با تولید سالانه ۲۵۰تن زعفران بیش از ۹۰درصد تولیدات این محصول را به نام خود ثبت کرده است، اما بازار این کالا همچنان نابسامان است و این در حالی است که زعفران ایران در تمامی دنیا با برندهای دیگری خودنمایی می‌کند.

طبق آمار و مستندات موجود تولید زعفران در کشور غالبا برای صادرات انجام می‌شود و در یک برآیند کلی بیش از ۷۰درصد تولید این محصول صادر می‌شود، اما سنتی بودن تولید این محصول و بی توجهی به مقوله بسته‌بندی و در نهایت قرار دادن موانع مختلف بر سر راه این بازار موجب شده تا دلالان سود بیشتری را نسبت به تولیدکنندگان نصیب خود کنند. هرچند متولیان این بازار از تدوین برنامه‌های قابل اجرا برای ساماندهی بازار زعفران خبر می‌دهند، اما برخی کارشناسان بر این اعتقادند که با توجه به حجم بالای تولید این محصول در ایران در صورتی که بتوانیم نسبت به تشکیل یک بازار بین‌المللی برای زعفران اقدام کنیم، بی‌شک آینده مطلوبی در انتظار این محصول خواهد بود.

ناگفته نماند:زعفران از جمله محصولاتی است که در تمامی کشورهای دنیا مورد استفاده غذایی و دارویی دارد، البته کشت زعفران فقط در ایران انجام می شود. به گونه ای که سالانه این محصول به بیشتر کشورها صادر می‌شود. البته چند سالی است که پای چینی ها هم در این محصول باز شده است و زعفران هم در چین برداشت می‌شود . در این میان کشور همسایه یعنی افغانستان هم به تازگی به کشت زعفران رو آورده است، اما نباید غافل شد از اینکه زعفران خاص خراسان است.

این روزها بیشتر کشاورزان استان خراسان در حال برداشت گل‌های آبی و بنفش رنگ زعفران هستند. در این میان افرادی به عنوان واسطه یا بهتر بگوییم دلال، گل‌های زعفران را یکجا خریداری کرده و این گل ها را برای پاک کردن زعفران محله به محله و خانه به خانه در میان زنان خانه دار توزیع می کنند. اما زعفران تازه را وارد بازار نمی‌کنند تا بتوانند در فصلی که زعفران کمتر است آن را به قیمت بالاتری به فروش برسانند.

یکی از زعفران کاران تربت حیدریه می‌گوید: پارسال پیاز بیشتر زعفران ها را آفت گرفته بود و امسال هم برخی از زعفران کاران این مشکل را داشتند. اما خوشبختانه به موقع جلوگیری صورت گرفت و محصول کسی آلوده نشد.

وی می افزاید: قیمت زعفران چند سالی است که تثبیت شده و افزایش قیمت نداشته ایم و این ضرر بزرگی برای زعفران کاران است. چرا که پیاز زعفران و کود هر سال با افزایش قیمت روبه رو بوده، اما قیمت زعفران هیچ تغییری نکرده است.

یکی از فروشندگان زعفران هم می‌گوید: فصل برداشت زعفران که می‌شود دلال‌های زعفران وارد میدان می‌شوند و علیرغم کیفیت زعفران موجود در استان ،گاهی شاهد زعفران‌های تقلبی هستیم. به عنوان مثال ریشه زعفران‌ها را رنگ می‌کنند و به عنوان زعفران می‌فروشند.

وی می افزاید: چند سالی است که پای چینی ها هم در این محصول باز شده است و عده ای زعفران چینی را با قیمت پایین می‌خرند و به عنوان زعفران قائن و تربت حیدریه با قیمت بالا به فروش می‌رسانند.

یکی از این واسطه ها می گوید: هر سال گل زعفران را از کشاورز در زمین خریداری می‌کنم و به مبلغی مناسب در شهرهای اطراف به ویژه مشهد به منازل آشنایان می‌برم تا برایم تمیز کنند و بعد ازپایان برداشت آنها را می‌فروشم چرا که زعفران هرچه خشک باشد، بهتر به فروش می‌رسد.

احمدی اظهار می دارد: امسال وضع زعفران خیلی خوب است و زعفران‌های امسال بسیار مرغوب هستند. اما باید تا قبل از سرمای هوا کشاورزان زعفران های خود را برداشت کنند. به همین دلیل است که بیشتر کشاورزان محصول خود را به صورت گل می‌فروشند. چرا که فرصتی برای تمیز کردن گل‌های زعفران ندارند.

وی می‌گوید: زعفران از جمله محصولاتی است که در یک ماه برداشت آن اشتغالزایی زیادی را به وجود می‌آورد. از زعفران کار و کارگرانی که شبانه روز مشغول برداشت هستند، گرفته تا واسطه‌هایی که گل زعفران را به مناطق مختلف برای تمیز کردن می‌برند و عده‌ای که گل زعفران را تمیز می‌کنند و در مقابل کسانی که زعفران را در شهر به فروش می‌رسانند و فروشنده زعفران در شهر؛ تمامی این‌ها اشتغالزایی است که به واسطه زعفران به وجود آمده است.

یکی دیگر از فروشندگان زعفران می افزاید: زعفران استان خراسان رضوی در دنیا یکه تازی می‌کند و بعید است به مرغوبیت زعفران خراسان در دنیا پیدا شود.

***در یک برآیند کلی بیش از ۷۰درصد زعفران تولیدی صادر می‌شود، اما سنتی بودن تولید این محصول و بی‌توجهی به مقوله بسته‌بندی و در نهایت قرار دادن موانع مختلف بر سر راه این بازار موجب شده تا دلالان سود بیشتری را نسبت به تولیدکنندگان نصیب خود کنند**

اما با گسترش کشت زعفران در افغانستان و چین متاسفانه دلالی در این حوزه بیش از گذشته رونق گرفته است.

رضایی اظهار می دارد: در افغانستان و چین به دلیل اینکه هنوز زعفران کاری، حرفه ای جوان به شمار می‌رود و زمین کشت آن هنوز به خوبی بارور نشده است، لذا زعفران این کشورها مرغوبیت زعفران ایران را ندارد. اما برخی از دلال ها زعفران بی کیفیت این کشورها را وارد ایران می‌کنند و آن را به نام زعفران مرغوب ایران به فروش می‌رسانند.

ناصری یکی دیگر از فروشندگان گل زعفران می‌گوید: هر سال از تربت حیدریه گل زعفران دریافت می‌کنم و با تبلیغاتی که در سطح محله کرده ام ،افراد زیادی برای تمیز کردن گل زعفران مراجعه می‌کنند که بیشتر آنها بانوان خانه دار هستند، پارسال کیلویی ۲۰۰۰تا ۵۰۰۰تومان گل زعفران را تمیز می‌کردند. اما اکنون ۳۰۰۰تا ۷۰۰۰تومان در برخی شهرها تمیز می‌شود.

یکی از زعفران کاران گناباد هم تصریح می کند: برداشت گل زعفران تقریبا یک ماه تا ۴۰روز ادامه دارد و تا به امروز که رضایت بخش بوده، اما تمامی دغدغه زعفران کاران این است که محصولشان با سرمای هوا و برف روبه رو نشود. به همین دلیل شبانه روز مشغول برداشت گل زعفران هستند.

وی ادامه می‌دهد: بیشتر زعفران کاران محصول خود را به واسطه‌ها می‌سپارند و پس از هر دفعه پاک کردن ،گل‌های زعفران را به صورت روزانه به فروش می‌رسانند چرا که الان مشتری گل زعفران بیشتر از دیگر فصل ها وجود دارد و بیشتر مردم در فصل زعفران خواهان خرید زعفران تازه هستند. عده ای هم گل زعفران می‌خرند و خودشان زعفران را تمیز می‌کنند و معتقدند برایشان با صرفه تر است.

رئیس اتحادیه صادرکنندگان و تولید کنندگان زعفران خراسان رضوی اظهار می دارد: در حوزه صادرات خوشبختانه موانعی که در گذشته بود، بر طرف شده است. به گونه ای که در نیمه نخست امسال در مقایسه با زمان مشابه پارسال ۳۶درصد رشد داشته است و امیدواریم در نیمه دوم سال این امر تداوم پیدا کند.

غلامرضا میری تصریح می‌کند: کشورهای زیادی در بخش تولید زعفران فعال هستند که اسپانیا قدیمی ترین تولید کننده زعفران در جهان در سه دهه پیش بوده است. به گونه ای که ۱۰۰تن تولید داشته، اما امروز به مرز یک تن رسیده است؛ در مقابل ایران که زمانی ۱۰تن تولید داشته است، اکنون ۳۰۰تن تولید دارد و ۹۲درصد تولید زعفران دنیا را ایران تامین می‌کند و در مقابل کشمیر هندوستان، ایتالیا، فرانسه و چین فقط ۸درصد تولید دنیا را به خود اختصاص داده اند.

وی اظهار می دارد: در حالی که ایران تنها تولید کننده است، اما بازار جهانی برای صادرات نداریم و متاسفانه نتوانستیم این حوزه را مدیریت کنیم که با نام ایران زعفران در جهان شناخته شود.

میری تصریح می کند: کیفیت زعفرانی که در ایران تولید می‌شود، به مراتب بالاتر از دیگر کشورها است. چرا که ۸۰درصد زعفران ایران در مناطق روستایی تولید می‌شود و به صورت ارگانیک است. به گونه‌ای که هیچگونه کود شیمیایی در آن استفاده نمی‌شود و استاندارد زعفران ایران ۲۰درصد بالاتر از استاندارد اروپا است.

رئیس اتحادیه صادرکنندگان و تولید کنندگان زعفران خراسان رضوی خاطرنشان می کند: زعفران تقلبی در بازار وجود دارد. همان گونه که دیگر اجناس تقلبی پیدا می‌شود، زعفران هم از این قائده مستثنی نیست و پیگیر هستیم تا این موضوع را مهار کنیم.

میری اعلام می کند: البته برای رفع مشکلات در حوزه فروش زعفران پیگیر اجرای استاندارد اجباری هستیم و در صورتی که در کمیسیون نظارت استان تصویب شود، زعفران های تولید شده از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تاییدیه دریافت می‌کنند.

رئیس اتحادیه صادرکنندگان و تولید کنندگان زعفران خراسان رضوی با بیان اینکه حذف نقدینگی یکی از مهمترین مشکلات کنونی تولید کنندگان است، بیان می‌کند: هر تولید کننده ای باید برای برداشت محصول خود یک میلیون تومان هزینه کند اما نقدینگی ندارد و به همین دلیل به محض برداشت در بازار به فروش می‌رساند به همین سبب به دنبال این موضوع هستیم تا قیمت توافقی برای زعفران در نظر گرفته شود. چرا که اتحادیه ابزاری برای مبارزه با گران فروشی یا خرید ارزان زعفران از تولید کننده را ندارد و تمامی ارگان های مربوطه باید در این امر، اتحادیه صادر کنندگان و تولید کنندگان زعفران را یاری کنند.

در این میان باید خاطرنشان کرد: اگر چه خراسان رضوی با داشتن ۷۸ درصد از کل عرصه‌های زعفران کاری ایران در رتبه نخست تولید این محصول درجهان قرار دارد، اما باید توجه داشت که در کنار این مسائل ، ظهور رقبای جدید در عرصه تولید این محصول از یک سو و قاچاق زعفران به کشورهایی نظیر افغانستان و فروش زعفران ایرانی با برند افغانی یکی از مهمترین موانع پیش روی تولید وصادرات این محصول در سطح کشور و خراسان رضوی است؛ این در حالی است که زعفران محصولی استراتژیک برای این استان محسوب می شود؛به طوری که هر هکتار زمین کشاورزی زعفران، یک شغل دائم ایجاد می کند. بنابراین در ۶۰ هزار هکتار زمین زیرکشت زعفران استان ،۶۰ هزار فرصت شغلی دائم ایجاد شده و برداشت زعفران در استان۷۰۰هزار فرصت شغلی ایجاد کرده است.در اینجا همچنین باید به بلاتکلیف ماندن طرح جامع زعفران پس از گذشت ۶ سال به عنوان دیگر مشکلات در این زمینه اشاره داشت.

در این خصوص تولید ۱۰ تا ۱۲ کیلوگرمی زعفران توسط کشورهای رقیب نظیر افغانستان موجب شده تا طلای سرخ روز به روز کام رقبا را شیرین سازد و این امر در حالی اتفاق می افتد که در سایه غفلت های صورت گرفته شاهد قاچاق زعفران به افغانستان و فروش زعفران ایرانی با برند افغانی هستیم و به نظر می رسد با اجرای طرح جامع زعفران می توان تا حدود زیادی این مشکل را رفع کرد. هر چند باید گفت این طرح تاکنون همواره به دلیل تخصیص نیافتن ردیف بودجه به سرمنزل مقصوده نرسیده و در چنین شرایطی کشورهای همسایه با بهره مندی از غفلت های ما، طلای سرخ را با برند کشور خود در بازارها عرضه می کنند.

در این خصوص مسئولان سازمان جهاد کشاورزی خراسان رضوی مهمترین دلیل اجرایی نشدن طرح جامع زعفران را تخصیص نیافتن ردیف اعتباری می دانند و می‌گویند: دست کم ۸۵ درصد زعفران ایران و جهان در خراسان رضوی تولید می شود و این محصول ۲۰۰ میلیون دلار ارزآوری به دنبال دارد. اما متاسفانه برای حفظ این محصول هیچ اقدامی صورت نمی گیرد.

آنها می گویند: اکنون رقبای ما به صورت علمی در این زمینه ورود پیدا کرده اند و در چنین شرایطی در کشور ما به ویژه دراستان خراسان رضوی هنوز طرح جامع زعفران ۶ سال به دلیل مسائل اعتباری بلاتکلیف باقی مانده و هیچ اقدامی برای حفظ محصول زعفران انجام نگرفته است.

رئیس اتحادیه صادرکنندگان زعفران هم تصریح می کند: جهاد کشاورزی نسبت به اجرای طرح جامع زعفران اهتمام ویژه ای دارد و زمین‌های کشاورزی زعفران با تلاش این وزارتخانه دارای شناسه می‌شوند. اما باید در نظر داشت که تا اجرای نهایی این طرح چنانچه دریافت کد ملی از صادرکننده ادامه یابد، قاچاق زعفران افزایش می‌یابد.

غلامرضا میری اظهار می‌دارد: هنگامی که صادرات زعفران کاهش یابد و هیچ علتی برای این کاهش وجود نداشته باشد، یعنی اینکه زعفران به جای صادرات قاچاق شده که بیشترآن هم به سمت افغانستان است.وی با بیان اینکه افغانستان هم تولید کننده زعفران شده است، اضافه می کند: زعفران ایرانی با عنوان زعفران افغانی صادر می شود و این امر تولید و صادرات زعفران را در کشور ما به ویژه خراسان رضوی تهدید می کند.

رئیس اتحادیه صادرکنندگان زعفران مشهد تاکید می کند: طرح جامع زعفران می تواند در سطح بین‌المللی کشور ما را از سایر رقبا پیش اندازد و تولید این محصو ل را بهبود بخشد، اما موانع اجرای این طرح تخصیص نیافتن ردیف اعتباری است.

***طرح هایی همچون طرح جامع زعفران نقش موثری در حفظ این محصول و کنار زدن رقبا از عرصه دارد؛ امروز برای توسعه و شناساندن زعفران ایرانی به سایر کشورهای جهان باید از شیوه های سنتی دست برداشت و براین اساس باید روش های نوین جایگزین کاشت، داشت و برداشت سنتی زعفران شود**

عضو هیأت رئیسه شورای ملی زعفران هم با اعلام اینکه طرح هایی همچون طرح جامع زعفران نقش موثری در حفظ این محصول و کنار زدن رقبا از عرصه دارد، می گوید: امروز برای توسعه و شناساندن زعفران ایرانی به سایر کشورهای جهان باید از شیوه های سنتی دست برداشت و براین اساس باید روش های نوین، جایگزین کاشت، داشت و برداشت سنتی زعفران شود.

علی حسینی ادامه می دهد: بسته بندی زیبا جوابگوی بیرون کردن رقبا از بازار نیست و فرآوری نامناسب این محصول با استانداردهای پایین و به روش سنتی در روستاها به این بخش ضربه وارد می کند. اما با اجرای طرح بهبود کیفیت این نقطه ضعف به فرصتی برای معرفی محصول ناب ایرانی بدل می شود.

وی می افزاید: کشورهایی نظیر چین، هندوستان و افغانستان برای این محصول که آب کمی مصرف می کند، دندان تیز کرده اند. زیرا می دانند این محصول دارای توجیه اقتصادی بالایی است و در سالهای اخیر تمامی تلاش خود را به خرج داده اند تا در این زمینه جای ایران را در بازارهای جهانی بگیرند.

وی با اعلام اینکه زعفران افغانستان در سال ۲۰۱۳ بهترین زعفران دنیا معرفی شد، اظهار می دارد: امروز باید محصول زعفران را از ورطه نابودی نجات داد. زیرا این محصول به عنوان یکی از منابع درآمد خراسانی ها با تهدید جدی مواجه است‌یک عضو هیات مدیره صندوق توسعه صادرات زعفران هم می گوید: برای حفظ بازارهای صادراتی باید زعفران را به صورت ارگانیک تولید و با برند ملی در بازارهای جهانی عرضه و از خام فروشی این محصول جلوگیری کنیم.وی اظهار می دارد: با توجه به اینکه افغانستان از نظر آب و هوایی مشابه ایران است و از آب نسبتا بهتری برخوردار بوده و همچنین پیاز زعفران قاچاق شده به این کشور مرغوب است، امکان اینکه در سال های آینده افغانستان رقیب ایران شود، ۱۰۰ درصد وجود دارد.

نامبرده با اشاره به مشکلات موجود بر سر راه صادرات زعفران تصریح می کند: متاسفانه در حال حاضر اصل صادرات زعفران توسط صادرکنندگان واقعی انجام نمی شود و برخی از افراد فقط به صرف داشتن کارت بازرگانی، مجاز به صادرات هستند.

وی می افزاید: با توجه به اینکه ۷۰ درصد زعفران تولیدی در کشور صادر می شود، وجود صادرکنندگان غیر حرفه ای و رعایت نکردن اصول ابتدایی سبب می شود تا این کالا بدون مراقبت های لازم صادر شودخسروی سهل‌آبادی نماینده مجلس هم در این زمینه می گوید: قدر مسلم اینکه وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صنعت، معدن و تجارت و همچنین شورای زعفران باید به گونه‌ای عمل کنند تا منافع تولید این محصول و فروش آن به نفع کشاورزان و زعفران‌کاران به عنوان تولیدکنندگان اصلی باشد نه واسطه‌گران و دلالان.

وی با بیان اینکه در حال حاضر ۲۵۰تن زعفران سالانه در کشور تولید می‌شود که این میزان ۹۰درصد کل تولیدات دنیاست ، می افزاید: اقدامات خوبی از سوی دولت برای ساماندهی بازار زعفران صورت گرفته است . ساخت کارخانه های بسته‌بندی علاوه بر ایجاد اشتغالزایی از صادرات فله‌ای و بدون برند جلوگیری کرده و موجب ارزش‌آفرینی این کالا برای کشور می‌شود.

خسروی با اشاره به اینکه تاکنون نمره قبولی در حمایت از زعفران نداشته‌ایم، تصریح می کند: اگر چنین عزمی در دولت باشد تا بورس بین‌المللی زعفران به نام ایران به ثبت برسد، بسیاری از مشکلات کنونی رفع خواهد شد.

این نماینده مجلس با اشاره به اینکه زعفران کالایی شناخته شده در تمامی دنیاست می‌گوید: سنتی بودن بازار زعفران، حضور دلالان در آن و همچنین نبود نظارت کافی به دنبال سوءمدیریت در بخش صادرات زعفران از دلایل اصلی در موفق نبودن صادرات این محصول است.

کلام آخر اینکه با توجه به اینکه ایران نخستین تولیدکننده زعفران در جهان است، متولیان باید برنامه دقیق و مدونی درزمینه عرضه و تقاضای زعفران در دنیا و طراحی و مدیریت بازارهای جهانی این محصول داشته باشند تا بتوانیم به دنبال آن سهم ایران از بازارهای جهانی زعفران را افزایش دهیم.از سویی دیگر، با توجه به تولید ناچیز زعفران توسط سایر کشورهای دنیا در مقایسه با ایران ، قدر مسلم با بسته‌بندی مناسب و استاندارد این محصول با توجه به تولیدات جزئی زعفران در کشورهای چین و افغانستان می‌توان بدون هیچگونه مشکلی توجه بازارهای بین‌المللی را به خود جلب کرد.

در تهیه این مطلب از گزارش‌های خبرگزاری مهر استفاده شده است

عرضه ۱۲۰۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت

تامین سرمایه سپهر ۱۲۰۰ میلیارد ریال اوراق مشارکت در بازار اوراق بدهی بورس اوراق بهادار تهران عرضه می‌کند.

به گزارش فارس، مجید نوروزی معاون تأمین سرمایه سپهر درباره جزئیات این روش جدید تأمین مالی در بورس، اظهار داشت: اوراق مشارکت شهرداری شیراز با نماد امروز در بازار اوراق بدهی بورس اوراق بهادار تهران عرضه می‌شود.

وی در ادامه با تأکید بر اینکه این اوراق برای تأمین مالی پروژه‌ی قطار شهری شیراز در اسفند ۹۲ توسط شهرداری شیراز و از طریق شعب منتخب بانک صادرات ایران منتشر شده بود؛ خاطر نشان کرد: اوراق مذکور از روز ششم آبان ۹۳ در فهرست نرخ‌های بازار اوراق بدهی بورس اوراق بهادار تهران درج شد.

به گفته وی نرخ این اوراق ۲۰ درصد با پرداخت سود علی‌الحساب در دوره‌های سه ماهه است.

نوروزی در ادامه با اشاره به اینکه این اوراق به روش ثبت سفارش عرضه می‌شود، توضیح داد: با توجه به عرضه‌ی اوراق مذکور به کسر (پایین‌تر از قیمت اسمی) و مدل بازارگردانی پیش‌بینی شده برای آن، نگهداری اوراق مذکور به تناسب بازده قابل توجه بیشتری نسبت به سود علی‌الحساب برای سرمایه‌گذاران فراهم می‌کند؛ این مزیت موجب افزایش جذابیت اوراق مذکور می‌شود.

معاون تأمین سرمایه سپهر افزود: این شرکت به عنوان بازارگردان اوراق مشارکت شهرداری شیراز، مظنه‌های خرید و فروش اوراق را پس از تعیین قیمت در روز گشایش به بورس اوراق بهادار تهران اعلام کرده و از آن طریق به بازار اعلام خواهد شد.وی خاطر نشان کرد: مظنه‌های خرید و فروش روزانه‌ی این اوراق در مدل بازارگردانی ارائه شده، قیمت کشف شده در روز عرضه‌ی اولیه را با نرخ رشد یکسانی پس از یک سال به قیمت اسمی اوراق (معادل یک میلیون ریال) خواهد رساند.خبر دیگر اینکه بلوک ۸۷,۰۸ درصدی سهام حمل و نقل بین المللی خلیج فارس در روز یکم آذر امسال در بورس اوراق بهادار عرضه می شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه(سنا)؛ بلوک ۸۷,۰۸ درصدی سهام حمل و نقل بین المللی خلیج فارس شامل ۳۰۳ میلیون و ۹۲۰ هزار سهم به صورت نقد و اقساط در بورس اوراق بهادار عرضه خواهد شد.براساس این گزارش؛ ارزش پایه هر سهم این شرکت قیمت تابلوی بورس در روز عرضه (معادل قیمت بسته شدن روز قبل از عرضه) به اضافه ۴۰ درصد بشرط آن که از مبلغ ۲۸۴۳ ریال کمتر نباشد و ارزش کل پایه ۸۶۴ میلیارد و ۴۴ میلیون و ۵۶۰ هزار ریال تعیین شده است.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۷۶۷۰۸	۷۶۸۵۹/۲	۷۶۵۶۳/۵	۱۴۷/۲	۰/۱۹
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۳۵۵۰/۲	۳۵۶۱/۲	۳۵۴۴/۲	۵/۷	۰/۱۶
شاخص آزادشناور	۸۸۴۱۴/۱	۸۸۶۴۴/۱	۸۸۱۷۹/۶	۲۳۵/۳	۰/۲۷
شاخص بازاراول	۵۶۹۳۱/۵	۵۷۰۷۹/۴	۵۶۸۳۲/۶	۱۰۵/۶	۰/۱۹
شاخص بازاردوم	۱۴۸۰۹۰/۷	۱۴۸۱۶۰/۳	۱۴۷۸۰۱/۳	۳۰۷/۷	۰/۲۱
شاخص صنعت	۶۳۸۴۹	۶۳۹۵۴/۴	۶۳۸۱۰/۸	۴۰/۸	۰/۰۶

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۳/۸/۲۰)

مجموع حجم معاملات	۹۵۵/۱۸۹/۲۰۲ سهم
مجموع ارزش معاملات	۲/۴۰۸/۲۱۴ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۸۸۵۰۳ معامله
ارزش بازار	۳/۴۵۰/۲۸۱ میلیارد ریال

پذیرش ۱۵ شرکت در فرابورس

مدیرعامل فرابورس ایران از نهایی شدن پذیرش ۱۵ شرکت در فرابورس خبر داد و گفت:۱۱ شرکت هم در دستور کار بررسی پذیرش در بازارهای مختلف فرابورس قرار دارند.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی بازار سرمایه (سنا)، امیر هامونی در پاسخ به این سؤال که با وجود وارد نشدن شرکت های جدید طی ماه های گذشته در فرابورس، پذیرش شرکت ها در چه وضعی قرار دارد، افزود: برخلاف اینکه شرکت ها به دلیل رکود بازار عرضه نشدند، پذیرش آنها به سرعت انجام می شد.مدیرعامل فرابورس ایران سپس از ورود یک نیروگاه جدید به فرابورس خبر داد و گفت: یکی از زیرمجموعه‌های گروه مپنا یعنی نیروگاه برق سنندج درخواست ورود به فرابورس را ارسال کرده که در حال بررسی آن هستیم.

استراتژی‌های هلدینگ سرمایه‌گذاری بازنشستگی در بورس

عضو هیأت مدیره سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری با اشاره به اینکه بسیاری از پروژه‌ها به بهره‌برداری می‌رسد، درباره استراتژی‌های آینده این هلدینگ سرمایه‌گذاری، گفت: بنا داریم از طریق فعالیت‌های مناسب سود نصیب سرمایه‌گذاران کنیم.

سعید شیرزادی در گفتگو با فارس، با اشاره به اینکه شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری طی ۱۰ ماه گذشته و با روی کار آمدن تیم جدید مدیریتی، استراتژی‌های آینده خود را در قالب برنامه‌های کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت تدوین کرده است، اظهار داشت: برنامه استراتژیک ارتقای سطح فعالیت‌ها، در هیأت مدیره سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری به تصویب رسیده است.

وی افزود: در برنامه بلندمدت، یکی از اهداف این است که صندوق در مقایسه با سایر رقبا به یکی از بزرگترین هلدینگ‌های سرمایه گذاری کشور تبدیل شود و هم‌گام با بازار نیز حرکت کنند.

معاون امور سرمایه‌گذاری شرکت سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری با بیان اینکه نگاه مدیران سازمان به سهام وصندوق بسیار دقیق و موشکافانه است، گفت: طی ۱۰ ماه گذشته همواره با نگاه حمایتی از طریق افزایش فعالیت‌ها و سودآوری پروژه‌ها، برنامه‌های صندوق پیش رفته است. شیرزادی تأکید کرد: طی این مدت خوشبختانه دو زیرمجموعه زیان‌ده با اصلاح ساختارها و قراردادها به سوددهی رسیدند و روند سودآوری آنان همچنان تداوم خواهد یافت.

وی با اشاره به فولاد اکسین که یکی از زیرمجموعه‌های سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری است، گفت: این شرکت فولادی یکی از مدرن‌ترین کارخانجات فولادی و باارزش‌ترین دارایی هلدینگ به شمار می‌رود و به جرأت می‌توان گفت که نمونه آن در خاورمیانه وجود ندارد.

معاون این مجموعه بزرگ فعال در بازار سرمایه از تکمیل زنجیره تولید فولاد با سرمایه‌گذاری‌های آینده خبر داد و گفت: در پروژه بعدی هلدینگ، صبافولاد خلیج فارس که ۴,۵ میلیون تن ظرفیت تولید فولاد دارد، در فاز اول پیشرفت خوبی داشته و فاز دوم آن نیز بلافاصله آغاز خواهد شد.

وی افزود: در این پروژه چند شرکت سرمایه گذاری و فولادی ابراز تمایل برای سرمایه‌گذاری کردند که با در نظر گرفتن شرایط و انتفاع هر دو طرف، بهترین شریک را برای اتمام این پروژه به کار خواهیم گرفت.

نامبرده در باره جزئیات بیشتر این اقدام تأکید کرد: قیمت‌گذاری پروژه ظرف یک تا دو ماه آینده انجام شده و با شریک سرمایه گذار وارد مذاکره خواهیم شد.

وی همچنین از اصلاح پرتفوی هلدینگ خبر داد و گفت: هم‌اکنون لازمه خرید و ورود به یک شرکت سنگ‌آهنی برای ما محسوس است و در این باره یک شرکت معدنی فعال را به زیرمجموعه‌های خود اضافه خواهیم کرد.

شیرزادی با اشاره به دیگر زیرمجموعه‌های شرکت از جمله پتروشیمی جم گفت: این پتروشیمی جزو باارزش‌ترین مجموعه‌های پتروشیمی کشور است که با ظرفیت تولیدی مناسبی به فعالیت خود ادامه خواهد داد که با افزایش ظرفیت اسمی و پیشرفت پروژه‌ها سودآوری آن قطعاً رو به رشد خواهد بود.

وی همچنین خبر داد که در نیمه اول سال ۹۴ شرکت پتروشیمی جم به ظرفیت اسمی مورد انتظار و بالایی برسد.

معاون سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری با اشاره به اینکه شرکت نفت پاسارگاد و نفت ایرانول از جمله دیگر دارایی‌های بورسی سرمایه‌گذاری صندوق بازنشستگی کشوری هستند، گفت: این دو شرکت سودآوری خود را بسیار محافظه‌کارانه به بازار اعلام کرده‌اند که در آینده با تعدیل مثبت، بازار هم منتفع خواهد شد.

وی همچنین از تشکیل کمیته بازارگردانی برای شرکت‌های زیرمجموعه از جمله پتروشیمی جم، نفت ایرانول، ایران یاسا تایر و رابر و نفت پاسارگاد خبر داد و گفت: تمام شرکت‌های زیرمجموعه با توجه به پروژه‌هایشان قطعاً به ارزش ذاتی نزدیک خواهند شد.

این مقام مسئول گفت: با توجه به شرایط پیشرفت و پروژه‌های شرکت یاساتایر و رابر در گام اول ۴۰۰ درصد افزایش سرمایه به تصویب رسید و امیدواریم در آینده نزدیک افزایش سرمایه بیشتری برای این شرکت به تصویب برسد؛ مدیران جدید شرکت پروژه جدیدی را برای تولید لاستیک خودرو آغاز خواهند کرد.

وی با اشاره به اینکه از دیگر شرکت‌های فعال در بازار سرمایه، نوآوران مدیریت سبا است که پرتفوی سودآوری را در اختیار دارد، گفت: قطعاً با افزایش سرمایه این شرکت حضور فعال‌تری در بازار سهام خواهیم داشت.

شیرزادی درباره فاصله قیمتی سهام صندوق با ارزش و دارایی‌های آن گفت: اکنون این هلدینگ کمتر از ۶۰ درصد ارزش دارایی‌ها معامله می‌شود که امیدواریم این فاصله زیاد با توجه به چشم‌انداز فعالیت‌های شرکت جبران شود.

وی تأکید کرد: یکی از نکات مهم، اعلام پیش‌بینی سود برای سال آینده است که بسیار محافظه‌کارانه دیده‌ایم و به دنبال همین روند، کف ای‌پی‌اس به بازار اعلام شده است و منافع سهامداران در آینده با تغییرات هلدینگ همراه خواهد شد.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
گلوکوزان	۲۲,۲۶۱	۲,۴۴۱
شهد	۹,۴۰۹	۷۵۰
معدنی املاح ایران	۱۴,۰۰۳	۵۳۸
لامپ پارس شهاب	۱۷,۴۳۰	۶۷۰
نوسازی‌وساختمان‌تهران	۷,۱۸۲	۲۷۶
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۳,۴۹۵	۱۳۴
تولیدمواداولیه‌والیاف‌مصنوعی	۴,۳۰۳	۱۶۵
کمباین سازی ایران	۱,۱۵۰	۴۴
فنرسازی‌زر	۲,۲۱۹	۸۵
قند نیشابور	۵,۷۹۵	۲۲۲
رینگ‌سازی‌مشهد	۳,۰۰۱	۱۱۵
پارس خزر	۸,۸۹۷	۳۴۰
سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۲,۶۴۶	۱۰۱
سایپاآذین	۲,۷۳۶	۱۰۵
پشم‌شیشه‌ایران	۸,۴۹۵	۳۲۶
محورسازان‌ایران‌خودرو	۲,۷۴۵	۱۰۵
کربن ایران	۳,۶۰۶	۱۳۸
چرخشگر	۲,۸۱۶	۱۰۸
الکتریک خودرو شرق	۲,۲۴۹	۸۶
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۳,۷۲۸	۱۴۳
سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۲,۳۸۱	۹۱
بانک سینا	۲,۲۸۰	۸۱
قطعات اتومبیل ایران	۳,۸۴۰	۱۴۲
کارتن ایران	۵,۶۴۳	۲۱۷
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۴۷۵	۵۶
بانک انصار	۳,۱۰۱	۱۱۹
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۴,۷۷۸	۱۸۳
مخابرات ایران	۳,۰۸۰	۱۱۰
دارویی لقمان	۴,۹۵۰	۱۹۰
ایران خودرودیزل	۸۹۷	۲۹
سرمایه گذاری توسعه صنعتی ایران	۲,۰۵۴	۷۹
سرمایه گذاری پردیس	۱,۲۴۱	۴۷
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۸۸۳	۷۲
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۳,۹۷۸	۱۵۳
تکنوتار	۲,۰۴۹	۷۸
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۲,۴۳۵	۹۳
صنایع آذرآب	۲,۸۶۲	۱۱۰
لامیران	۳,۵۲۲	۱۳۵
بیمه آسیا	۱,۴۹۱	۲۷
سرمایه‌گذاری‌ملت	۸۰۷	۳۱
فرآورده‌های‌نسوز آذر	۷,۱۴۸	۲۷۴
سایپا دیزل	۹۸۶	۳۷
خوراک دام پارس	۱۲,۵۶۸	۴۸۲
سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ	۴,۹۷۳	۱۶۱
بیمه دانا	۱,۷۲۰	۴۰
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۳,۹۹۴	۵۳۸
بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۸۱۸	۶۹
تولیدی‌مهرام	۱۰,۳۵۱	۳۹۸
تامین ماسه ریخته‌گری	۹,۴۸۰	۲۸۹
تولیدمحورخودرو	۲,۲۵۳	۸۶
ایران‌یاساتایرورابر	۱۸,۶۶۰	۹۳
شهد ایران	۲,۴۴۹	۹۴
مهرکام‌پارس	۲,۶۰۴	۹۹
سرمایه گذاری شاهد	۱,۴۳۳	۴۱
لیزینگ ایرانیان	۲,۴۲۰	۳۱
مس شهیدباهنر	۲,۶۵۴	۶۲
پتروشیمی آبادان	۴,۱۱۱	۱۵۸
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۵,۲۷۶	۲۰۲
گروه صنعتی پاکشو	۹,۸۲۴	۳۷۷
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۲,۴۵۲	۴
فرآورده‌های تزریقی ایران	۸,۷۱۷	۳۳۵
دشت مرغاب	۱۱,۶۵۸	۴۴۳
سخت آژند	۹,۵۰۰	۲۸۹
بانک تجارت	۱,۱۶۷	۱۶
صنایع لاستیکی سهند	۸,۶۰۰	۱۴۲
سامان گستراصفهان	۲,۱۶۰	۱۶
نیروترانس	۶,۵۱۷	۲۵۰
بانک صادرات ایران	۹۷۸	۲۹
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۳۸۵	۶
توسعه‌معادن‌وفلزات	۲,۸۴۲	۱
گروه‌صنعتی‌بوتان	۳,۶۹۴	۱۴۲
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۵۵۰	۱۰
سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۳,۷۴۶	۲۱
سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۵,۳۹۰	۱۹۴
ذغال‌سنگ نگین طبس	۴,۰۸۵	۷۷
سیمان‌اصفهان	۱۲,۳۶۴	۴۷۵
ملی سرب‌وروی ایران	۱,۷۸۸	۶۸
عمران‌وتوسعه‌فارس	۶,۲۳۰	۳۹
دوده صنعتی پارس	۳,۷۹۱	۴۵
بین المللی محصولات پارس	۵,۱۶۶	۱۹۸
صنایع کاشی و سرامیک سینا	۱۲,۶۶۳	۴۸۷
گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۴,۴۱۰	-۶
ماشین سازی اراک	۵,۹۰۰	۱۵۰
سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۸۳۱	۴۷
موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۳,۱۸۴	۷۷
سیمان‌خاش	۷,۹۸۳	۳۰۷
فراورده های نسوزایران	۱۶,۶۰۰	۲۰۹
آبسال	۵,۳۱۳	۱۹
سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۲,۶۷۵	۲۰
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۱۳,۶۶۰	-۲۵
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۲,۹۱۵	۱۱۲
لیزینگ‌خودروغدیر	۲,۲۴۰	۴۰
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۱,۶۲۴	۳۰
نیرو محرکه	۲,۶۶۰	۶۹
س.صندوق بازنشستگی کارکنان بانک	۱,۲۸۵	۲۶
گلتاش	۱۲,۰۰۰	۲۱۸
کاشی پارس	۹,۷۰۰	-۹۱
لنت ترمزایران	۳,۶۶۹	۱۱۱
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۲,۳۱۰	۵۴
سیمان‌سپاهان	۱,۹۵۲	-۷
ایران تایر	۴,۵۶۰	۷۰
صنعتی آما	۶,۲۷۵	۲۴۱
معادن بافق	۴,۲۹۰	۲۸
ایران‌ارقام	۳,۵۱۰	-۴۰
فنرسازی‌خاور	۳,۸۶۰	۱۱۵
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۷,۹۳۹	۲۷۳
گروه مپنا (سهامی عام)	۸,۳۹۷	۷۶
سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۶۶۵	۰
بانک‌اقتصادنوین	۲,۷۰۰	-۷
افست	۱۵,۵۶۹	-۲۴۴
حمل‌ونقل‌توکا	۳,۰۹۰	۹
صنعتی بهشهر	۷,۱۸۳	۸۶
رادیاتور ایران	۵,۹۶۰	-۲۶
سازه پویش	۲۳,۲۰۰	۴۶۸
سیمان تهران	۴,۲۲۰	۱۲
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۳۷۰	-۱۶
سیمان خزر	۶,۲۰۰	۳۲
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۸,۱۹۹	۱۱۴
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۱۳,۱۶۰	۱۹۱
پتروشیمی‌فارابی	۱۰,۹۲۰	۴۰۹
پتروشیمی پردیس	۱۶,۰۷۱	۳۳۵
سینتا	۱۴,۲۰۰	۲۷۸
ایران خودرو	۳,۱۶۸	-۲۵
لیزینگ رایان سایپا	۲,۶۸۰	۱۴
کاشی سعدی	۴,۳۵۰	-۳۱
توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳,۰۰۰	۳۵
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۴,۸۶۵	-۶۰
داروسازی امین	۵,۴۶۷	۲۱۰
لبنیات پاک	۶,۲۵۰	۱۶
پارس مینو	۶,۳۰۰	-۲۱۴
داروسازی ابوریحان	۲۰,۹۹۹	۳۴۴
فولاد آلیاژی ایران	۳,۴۴۶	۹۳
بانک ملت	۲,۲۸۹	-۱۳
سایپا	۱,۵۴۰	-۳۰
بیسکویت گرجی	۹,۴۰۲	۳۶۱
بانک‌پارسیان	۲,۹۸۴	۵
داروسازی کوثر	۵,۸۳۰	۶
ایران مرینوس	۱۱,۵۰۸	۴۴۲
فولاد خوزستان	۶,۷۰۲	۵۶
نفت بهران	۱۲,۰۵۵	-۵۸
باما	۹,۴۰۰	۳۱
شیمی داروئی داروپخش	۸,۰۰۰	۲۷
سیمان‌فارس	۱۰,۸۰۲	۴۱۵
تهران شیمی	۱۵,۰۷۵	۵۷۹
ح . معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۳,۳۰۸	-۱۷
پتروشیمی فناوران	۲۸,۸۳۰	-۴۸۹
صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۷,۳۰۰	۱
گروه مپنا (سهامی عام)	۸,۳۲۱	۰
ح . گلوکوزان	۲۲,۷۴۵	۰
ح.گروه مدیریت سرمایه گذار امید	۱,۶۴۵	۱۳
بیمه البرز	۱,۳۵۹	-۸
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۴,۸۷۶	-۲۰۳
سیمان‌مازندران	۱۷,۷۵۰	-۶۳۷
خدمات‌انفورماتیک	۱۰,۶۰۰	۳۰
داروسازی فارابی	۱۰,۹۰۰	-۱۵۹
پتروشیمی خارک	۲۰,۰۰۴	-۴۱
آلومراد	۷,۵۲۰	-۱۸۱
سیمان داراب	۲,۳۹۰	-۴۰
سیمان‌هرمزگان	۱۴,۰۰۰	-۷۳
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۱۸,۱۰۰	-۴۴۲
موتوژن	۷,۳۰۴	-۱۲۴
داروپخش (هلدینگ	۱۵,۶۰۱	-۶۰۲
پتروشیمی‌شیراز	۷,۸۰۹	-۵۹
معدنی و صنعتی گل گهر	۵,۵۷۰	-۱۴۹
ایران‌دارو	۷,۱۰۰	-۶۰
سیمان بهبهان	۳۷,۰۹۰	-۲۸۴
سیمان‌شاهرود	۴,۹۱۵	-۱۳۳
سیمان ایلام	۷,۶۰۵	-۲۱۰
ایران ترانسفو	۵,۳۷۰	-۵۶
دارویی رازک	۲۵,۸۵۴	-۹۵۶
صنایع سیمان دشتستان	۲,۸۵۷	-۱۱۹
گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۲,۶۹۷	-۳۶
فولاد مبارکه اصفهان	۲,۵۷۷	-۱۵
قندنقش‌جهان	۱۰,۰۰۰	-۱۱۸
گسترش نفت و گاز پارسیان	۷,۴۸۸	-۱۵
داروسازی اسوه	۱۴,۵۱۸	۳۰
داروسازی سینا	۱۳,۸۵۰	-۵۰۸
جام‌دارو	۱۵,۹۱۸	-۶۶۳
کاشی وسرامیک حافظ	۴,۰۰۰	-۵۷
بهنوش ایران	۸,۳۷۵	-۹۹
کشاورزی ودامپروی مگسال	۳۱,۸۰۰	۲۹۱
زامیاد	۱,۶۲۵	-۳۶
کابل البرز	۲,۵۹۹	۲۷
معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۴,۴۵۰	-۹۵
شیشه و گاز	۶,۷۴۰	-۷۰
سیمان‌ارومیه	۷,۰۴۲	-۲۳۷
سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۲,۲۴۹	-۱۸
فروسیلیس ایران	۳,۱۳۰	۶۸
صنایع‌شیمیایی‌ایران	۹,۱۰۰	-۲۹
ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۲,۵۰۰	-۸
سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۶۶۵	۲۹
فولاد خراسان	۶,۷۲۰	-۲۸۰
کارت اعتباری ایران کیش	۵,۵۳۰	-۶۲
سیمان بجنورد	۵,۰۰۰	-۲۰۴
پاکسان	۵,۰۲۹	-۵۵
کیمیدارو	۸,۰۱۰	۳۲
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۲,۹۳۴	-۹
گروه‌بهمن	۱,۸۷۰	-۳۲
نفت پارس	۱۱,۶۰۰	-۱۸۱
توسعه معدنی و صنعتی صبانور	۴,۸۱۰	-۱۴۶
سیمان شمال	۳,۰۶۱	-۷۴
ح .گروه دارویی سبحان	۵,۵۵۰	-۶۰
سیمان صوفیان	۴,۲۶۱	-۱۴۷
سرمایه گذاری پارس توشه	۴,۰۹۷	-۲۲
لیزینگ‌ایران	۲,۴۶۲	-۲۲
پلی‌اکریل	۱,۳۶۸	۱
سیمان فارس نو	۶,۳۵۲	-۲۶۴
حفاری شمال	۶,۰۷۹	-۱۵۱
کمک‌فنرایندامین	۲,۱۵۸	-۲۳
بیمه پارسیان	۲,۵۷۰	-۷۱
پارس‌سویچ	۳,۸۵۰	-۵۱
سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۳,۴۸۰	-۴۲
بانک پاسارگاد	۱,۷۹۹	-۲۹
ملی صنایع مس ایران	۲,۸۵۴	-۴۷
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۴۵۰	-۴۰
قند مرودشت	۴,۳۷۸	۱۴
شرکت ارتباطات سیار ایران	۳۰,۴۹۹	-۱۶۰
صنایع کاغذسازی‌کاوه	۲۵,۰۰۰	-۳۹۲
سرمایه‌گذاری سپه	۲,۵۲۰	-۳۱
قند شیرین خراسان	۶,۷۰۱	-۲۱۵
کاشی الوند	۲,۳۷۹	-۹۸
داروسازی جابرابن‌حیان	۸,۷۱۰	-۲۰۸
بانک کارآفرین	۲,۵۸۰	-۲۸
پارس سرام	۶,۸۸۶	۱۴۸
لبنیات‌کالبر	۲,۱۵۰	-۳۴
توسعه معادن روی ایران	۲,۲۹۲	-۲۲
بیمه ملت	۲,۲۲۰	-۳۷
حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۲,۹۶۱	-۵۵
نفت سپاهان	۱۴,۵۴۰	-۹۷
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۵,۱۰۰	۲۵
تجارت الکترونیک پارسیان	۸,۶۸۱	-۹۵
پارس دارو	۳۵,۸۱۱	-۱,۰۹۸
داروسازی‌زهراوی	۵۳,۰۰۰	-۲,۰۵۳
سیمان قائن	۴۰,۹۸۹	-۸۴
کالسیمین	۳,۸۳۰	-۵۲
گروه دارویی سبحان	۶,۶۱۸	-۲۱۰
داملران	۹,۶۱۰	-۳۹۹
کنتورسازی‌ایران	۱۱,۹۰۰	-۲۷۴
سیمان کرمان	۱۰,۳۸۰	-۱۸۳
سرمایه گذاری دارویی تامین	۵,۱۶۱	-۷۲
ح . سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۲,۳۳۱	-۳۹
گروه صنعتی ملی (هلدینگ	۴,۹۹۲	-۲۰۸
سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۳,۳۹۵	-۶۷
سیمان‌هگمتان	۵,۳۳۵	-۱۴۸
شکرشاهرود	۱,۹۳۰	-۱۸
فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۵,۳۴۳	-۳۷
معادن‌منگنزایران	۵,۸۵۰	-۶۳
مخابرات ایران	۲,۹۰۰	-۷۰
پارس پامچال	۲۲,۷۹۰	۸۷۶
پتروشیمی شازند	۷,۲۹۱	-۱۲۲
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۹۶۵	-۳۳
قندهکمتان	۳,۰۹۷	-۳۴
پلاسکوکار	۱,۴۷۰	۰
سیمان فارس و خوزستان	۲,۸۲۹	-۵۲
مهندسی‌نصیرماشین	۵,۴۹۹	-۹۲
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۱۲,۷۴۰	-۲۲۸
لعابیران	۳,۴۳۱	-۸۹
شیشه همدان	۸,۰۲۰	-۱۷۲
قنداصفهان	۴,۶۳۲	-۱۳۲
مارگارین	۳,۸۹۱	-۱۱۸
تولیدی کاشی تکسرام	۳,۰۷۱	-۴
کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۹۰۱	-۴۵
البرزدارو	۱۱,۰۲۰	-۴۰۵
ایرکا پارت صنعت	۵,۰۶۸	-۳۰
قند ثابت خراسان	۱,۶۴۰	-۲۵
کشت‌وصنعت‌پیاذر	۴,۵۴۰	-۱۰۹
کارخانجات قند قزوین	۳,۶۰۹	-۲۱
کشت و صنعت چین چین	۱۹,۲۰۰	-۴۸۲
سیمان کارون	۷,۱۷۰	-۱۰۱
تراکتورسازی‌ایران	۵,۳۳۶	-۲۲۲
سیمان‌غرب	۵,۷۰۰	-۱۱۸
کاشی نیلو	۲,۷۶۷	-۸۳
کارخانجات‌داروپخش	۷,۶۶۴	-۳۱۹
سیمان کردستان	۴,۲۹۰	-۷۷
صنایع شیمیایی فارس	۶,۷۰۰	-۲۶۰
تولیدی‌گرانیت‌بهسرام	۲,۴۹۹	۱۱
داروسازی اکسیر	۱۵,۳۶۹	-۶۴۰
فیبر ایران	۴,۵۶۷	-۱۸۶
قند لرستان	۲۷,۳۰۰	-۷۶۰
سرما آفرین	۳,۱۹۴	-۱۳۳
نورد آلومینیوم	۶,۰۹۹	۴۴
ساپاشیشه	۲,۹۰۰	-۱۲۰
پمپ سازی ایران	۴,۸۷۳	-۲۰۳
ح . ایران‌دارو	۵,۷۰۵	-۲۱۵
سیمان دورود	۱۲,۶۷۲	-۵۲۸
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۱۱,۳۵۵	-۴۷۳
ح . سرمایه‌گذاری‌نیرو	۴۴۶	-۳۸

تکمیل ۳۸۷۰ پروژه ورزشی کشور به ۷۰۰۰ میلیارد تومان اعتبار نیاز دارد

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: وزیر ورزش و جوانان از وجود ۳۸۷۰ پروژه ناتمام ورزشی در کشور خبر داد.

محمود گودرزی در دیدار با منتخبان ورزش شهرستان مرند ضمن اشاره به نگاه امیدوارانه دولت «تدبیر و امید» به آینده کشور یادآور شد: در دولت تدبیر و امید با استفاده از نظرات سازنده نخبگان و اندیشمندان به دنبال ایجاد شرایطی هستیم تا جامعه در آرامش بوده و حرکت‌ها بر محور عقل و اندیشه باشد.

وی افزود: مدیران پیشین تشخیص دادند که پروژه‌های ورزشی بسیار گسترده‌ای را آغاز کنند که رقم آنها به ۳۸۷۰ پروژه می‌رسد.

او با اشاره به این که تکمیل تمامی پروژه‌های حوزه ورزش به ۷۰۰۰ میلیارد تومان نیاز دارد، گفت: اعتبار عمرانی تخصیصی وزارت ورزش و جوانان، ۱۵۰ میلیارد تومان است که برای تکمیل پروژه‌ها کافی نیست.

وزیر ورزش و جوانان همچنین با تاکید بر این که زمان تصدی خود، ریالی برای ورزش حرفه‌ای هزینه نکرده‌است، افزود: گروهی از کنار ورزش‌هایی مانند فوتبال ارتزاق نامشروع می‌کردند، چرا که در مرکز قدرت نفراتی دارند که از آنها حمایت می‌کنند. محمود گودرزی در نشست با تشکل‌های مردم نهاد و نخبگان و ورزشکاران آذربایجان‌شرقی نیز با اشاره به این که در برخی از خوابگاه‌های دانشجویی کشور ضریب مصرف داروهای ضدافسردگی حدود ۷۵ درصد است، اعلام کرد: در حوزه جوانان هیچ اعتبار ویژه‌ای برای این بخش پیش‌بینی نشده است و وظیفه وزارت ورزش و جوانان در این بخش صرفا هماهنگی بین ۱۸ سازمان و وزارتخانه و نهاد است. وی با اشاره به مشکلات روحی و روانی و به تبع آن کاهش سن افسردگی در کشور، افزود: یکی از این وظایفی که ما از سازمان‌ها برای رفع این مشکل خواسته‌ایم توجه به بحث‌هایی مانند اشتغال، مسکن، ازدواج، بررسی مسائل و آسیب‌های اجتماعی و... است.

به گفته گودرزی در حوزه ورزش مطالبات بسیار زیاد است و توان بسیار کم و ۳۸۷۰ طرح ورزشی ناتمام از دولت گذشته روی دست دولت تدبیر و امید مانده است که به ۷۰۰۰ میلیارد تومان پول نیاز است تا این طرح‌ها دو ساله تمام شود ولی کل اعتباری که در اختیار وزارتخانه برای طرح‌های عمرانی است ۱۵۰ میلیارد تومان است که با این حساب نیاز است کشور چندین دهه هیچ کاری نکند تا این پروژه‌ها تکمیل شود.

وی با اشاره به این که جهان توسعه یافته امروز به دنبال ورزش همگانی است، افزود: این که عنوان می‌شود تماشاگران بازی تیم‌های فوتبال در تبریز باید یک کیلومتر مسیر ورزشگاه یادگار امام(ره) را به دلیل ناهموار بودن پیاده طی کنند و امروز احیای این مسیر یکی از مطالبات استان است، جای تعجب دارد زیرا این یک کیلومتر لطفی در حق تبریزی‌ها است تا بتوانند با پیاده‌روی در این مسیر به سلامت جسمانی خود کمک کنند و ای کاش این مسیر دو کیلومتر بود.

گودرزی از ایجاد پنج شهرک ورزشی با اعتبار ۵۰۰ میلیون یورو از محل اعتبارات فاینانس خبر داد و گفت: این شهرک‌ها که یکی از آنها نیز در تبریز ساخته می‌شود از طریق شرکت‌هایی که بتوانند فاینانس لازم را از چین جذب کنند، ساخته می‌شود.

اجرای ۶ پروژه بزرگ اقتصادی در دزفول

دزفول ـ خبرنگار اطلاعات: بی هیاهو و جنجال برخی از مشکلات شهرستان دزفول رفع شده است و اعتبارات عمرانی لازم برای اجرای پروژه‌های دزفول دریافت و جذب شده است.

فرماندار ویژه دزفول با اعلام این مطلب افزود: مطالعات انجام شده و پی‌گیری‌های لازم نشان می‌دهد که با ساماندهی آبشار «شوی» و ساخت جاده و ایجاد زیرساخت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های دولت در منطقه شهیون دزفول می‌توان جاذبه‌های گردشگری بیشتری فراهم کرد.

مهندس حبیب آصفی که در جلسه شورای اسلامی این شهرستان سخن می‌گفت، یادآور شد: در دیدار با مهندس تابش رئیس بنیاد مسکن کشور با تشریح محرومیت‌های این منطقه مقرر شد کارشناسان بنیاد مسکن از سردشت و شهیون دزفول دیدن کنند و مشکلات نواحی شمال دزفول را مورد بررسی قرار دهند. وی سپس به شش پروژه بزرگ اقتصادی در این شهرستان اشاره کرد و گفت: گلخانه ۵۰ هکتاری دزفول، پروژه ۲۰۰۰ رأسی پرورش گاومیش در منطقه شوهان، پروژه ۳۰۰۰ راسی تولید شترمرغ و نیز ایجاد کارخانه‌های شیر پاستوریزه دزفول و کارخانه سرنگ سازی در این شهرستان از جمله طرح‌های قابل توجه و مهم هستند که باید مورد حمایت قرار بگیرند.

وی در این جلسه همچنین با انتقاد از اداراتی که در اجرای طرح سرشماری کشاورزی کم کاری کرده‌اند، مهندس عبدالحسین پورکنی را به عنوان معاون جدید عمرانی و برنامه‌ریزی فرمانداری و رضایی مرساق را به عنوان سرپرست جدید هلال احمر این شهرستان معرفی کرد.

در این جلسه که در سالن اجتماعات فرمانداری دزفول تشکیل شده تمامی مسئولان ادارات، ارگان‌ها و فرماندهان انتظامی و نظامی شهرستان دزفول حضور داشتند و به طرح و بررسی مسائل و مشکلات حوزه‌های کاری خود پرداختند.

جهانگیری: اتکا به علم و فناوری اصلی‌ترین جهت گیری دولت است

سرویس شهرستانها ـ معاون اول رئیس جمهوری با اشاره به برنامه‌های دولت در بخش اقتصادی گفت: اکنون جهت گیری اقتصاد کشور به سمت استفاده از علم و فناوری است.

به گزارش ایرنا، مهندس اسحاق جهانگیری دیروز در جمع محققان و مسئولان واحدهای جهاد دانشگاهی کشور در کمالشهر استان البرز افزود: امروز در یک شرایط ویژه قرار داریم، تحریم‌های ظالمانه بسترهای حساس اقتصادی کشور را نشانه رفته که البته ما برای برون رفت از این وضع برنامه‌هایی پیش‌بینی کرده‌ایم.

وی گفت: درعین حال ما تلاش جدی داریم که تحریم‌ها را برداریم و طرف مذاکره هسته‌ای را به این سمت وادار کنیم که حق مسلم ملت ایران در بخش هسته‌ای مانند سایر حقوق را بپذیرد.

جهانگیری ادامه داد: باید در کنار پذیرفتن حق قانونی ملت ایران، تحریم‌ها هم برداشته شود که امیدواریم با طرف‌های مقابل به نتیجه برسیم.

معاون اول رئیس جمهوری بیان کرد: البته ما برای شرایطی که تحریم‌ها ادامه یابد نیز چاره‌جویی کرده‌ایم و برای وضع سخت‌تر از امروز هم برنامه داریم.

جهانگیری افزود: درکنار مقابله با تحریم‌ها، قطار اقتصادی کشور باید به مسیر صحیح خود دربخش کنترل شاخص‌های اقتصادی مثل تورم و خروج از رکود و دربخش فعال کردن تولید کشور باز گردد.

معاون اول رئیس جمهوری، احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور با دستور رئیس‌جمهوری را از برنامه‌هایی نام برد که در راستای برنامه‌های بلندمدت انجام شده است.

معاون اول رئیس‌جمهوری با بیان اینکه تاکنون دولت ۲۰ نشست در زمینه سیاست‌های اقتصاد مقاومتی برگزارکرده است، افزود: دراین زمینه در شورای عالی اقتصاد برنامه‌های درازمدت پیش بینی شده است.

جهانگیری گفت: دربرنامه ششم توسعه مسایلی مانند اشتغال جوانان و تبدیل آنها به نیروی کارآمد از اولویت‌ها است.

معاون اول رئیس‌جمهوری، خشکسالی و کمبود آب را یکی دیگر از دغدغه‌ها در کشور برشمرد و افزود: مسئله آب به عنوان یک سرمایه کمیاب در برنامه ششم باید بصورت جدی به آن پرداخته شود.

وی ادامه داد: بخش محیط زیست بویژه مشکلات زیست محیطی شهرهای بزرگ کشور و پایتخت از دیگر مباحثی است که دربرنامه ششم توسعه باید به آن توجه جدی کرد.

جهانگیری با بیان اینکه، اصلی‌ترین جهت گیری‌ها در اقتصاد کشور، اقتصاد متکی به علم و فناوری است، اضافه کرد: نباید به منابع نفتی که پایان پذیر هستند، متکی بود، ما باید به بستری متکی شویم که پایان‌ناپذیر بوده و آن تفکر علمی انسان است.

وی ادامه داد: ایران اسلامی در این بخش سرمایه‌های بزرگی دارد که نمونه آن جهاد دانشگاهی و شرکتهای دانش‌بنیان است.

وی ادامه داد: مهم‌ترین ویژگی جهاد دانشگاهی این است که شعار «ما می‌توانیم را زنده کرده و عینیت بخشیده است» و این روند چه دردوره جنگ تحمیلی و چه اکنون که در سیستم‌های الکترونیکی، رایانه‌ای، صنعت نفت، سلولهای بنیادین به شکل کارهای بزرگی خودنمایی کرده و می‌کند. جهانگیری تاکید کرد: استفاده از کالاهای خارجی را نباید به عنوان افتخار برای خودمان تلقی کنیم، بلکه باید از دستاوردهای تولیدی داخل استفاده کنیم که در این بخش تولید کالای با کیفیت و مصرف آن در کشور از پیام‌های اقتصاد مقاومتی است.

وی یکی از دغدغه‌های دولت در استان البرز را وجود افراد رانت خوار و زمینخوار دانست و گفت: این افراد درصدد تصاحب و تغییر کاربری اراضی ملی و منابع طبیعی هستند که مسئولان استان باید ریشه این فسادها را بخشکانند.

معاون اول رئیس‌جمهوری دیروز از بخش‌های مختلف مجتمع تحقیقاتی شهدای جهاد دانشگاهی کشور واقع درکمالشهر استان البرز دیدن کرد. در حاشیه این بازدید ضمن رونمایی از چند دستاورد علمی، تعدادی خطوط تولیدی صنایع بزرگ اقتصادی و صنعتی به طور رسمی راه اندازی شد.

تصویب سند ملی احیای بافت‌های فرسوده کرمان

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: سند ملی راهبردی احیا، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری استان کرمان تصویب شد.

رئیس اداره بافت‌های فرسوده شهری اداره کل راه و شهرسازی استان کرمان، گفت: این سند در نشست هیات وزیران به تصویب رسید و از سوی معاون اول رئیس جمهوری به تمامی دستگاه‌ها ابلاغ شد.

عباس طوفان تغییر در نام سند و تغییر در اعضای ستاد ملی، استانی و شهرستانی را از جمله شاخص‌های این سند برشمرد. به گفته وی نام سند از «سند ملی سکونتگاه‌های غیررسمی» به «سند ملی راهبردی احیا، بهسازی، نوسازی و توانمندسازی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری» تغییر یافته است. وی همچنین استفاده از بودجه سنواتی دستگاه‌ها یا ارائه خدمات به متقاضیان برای اجرایی کردن برنامه‌ها و طرح‌های احیا، بهسازی و نوسازی منطقه هدف را از دیگر مزایای این سند اعلام کرد.

طوفان تأکید کرد: براساس برنامه ابلاغی به دستگاه‌ها، باید اقدام‌ها در این زمینه به گونه‌ای باشد که سطح متوسط خدمات در مناطق فرسوده با متوسط سطح خدمات شهری تا پایان سال ۱۴۰۴ برابری کند.

کمک‌های فولاد مبارکه باعث رونق منطقه شده است

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: شرکت فولاد مبارکه اصفهان تاکنون کمک‌های متعددی برای توسعه و رونق منطقه انجام داده و حذف گردنه لاشتر، توسعه جاده‌های شهرهای اطراف آن، ساخت شهرک صفائیه، ساخت مدارس و دبیرستان‌های متعدد، بخشی از اقدام‌های این شرکت در این راستا بوده است. مدیرعامل شرکت فولاد مبارکه اصفهان با بیان این مطلب افزود: با رشد فولاد مبارکه، منطقه هم باید رشد کند. بهرام سبحانی، وجود این صنعت در مبارکه را مایه پیشرفت این شهرستان دانست و افزود: به طور طبیعی، هر مجموعه صنعتی که در مکانی دایر شود، فواید آن به همه می‌رسد و مناطق همجوار، سهم بیشتری از آن می‌برند.

او با بیان این که شرکت فولاد مبارکه، ملی است و تمام کشور از محل مالیات‌هایی که پرداخت می‌شود سود می‌برند افزود: عوارض، تأمین مواد اولیه از معادن مختلف کشور، تأمین کالاها و خدمات از همه کشور، بخشی از منافعی است که به صورت متقابل نصیب کشور می‌شود.

وی با تأکید بر این که شهرستان‌هایی که به فولاد مبارکه نزدیک هستند از مزایای بیشتری بهره‌مند می‌شوند، به ۲۰ هزار شاغل در این شرکت اشاره کرد و افزود: درصد قابل توجهی از شاغلان این شرکت از شهرستان‌های اطراف و بخصوص خود مبارکه هستند. سبحانی ادامه داد: درآمدهایی که از محل عوارض ارزش افزوده توسط فولاد مبارکه پرداخت می‌شود، مبالغ میلیاردی است و به شهرستان مبارکه برمی‌گردد. او، استفاده از نیروهای بومی در فولاد مبارکه را رویکرد جاری این شرکت اعلام کرد و افزود: اگرچه فولاد مبارکه در موضوع استخدام، با ظرفیتی محدود روبرو است، اما سعی شده تا جای ممکن از نیروهای بومی استفاده کند. مدیرعامل شرکت فولاد مبارکه اصفهان به مسئولیت‌های اجتماعی این شرکت نیز اشاره کرد و گفت: نخستین مسئولیتی که فولاد مبارکه از ابتدا تاکنون به آن اهمیت زیادی داده و آنرا در اولویت خود قرار داده، موضوع حفظ محیط زیست است و این شرکت در تأمین و به کارگیری تجهیزاتی که کنترل آلایندگی را برعهده دارند، هیچ مضایقه‌ای نکرده؛ به طوری که مدرن‌ترین و پیشرفته‌ترین تجهیزات کنترل آلایندگی در این کارخانه نصب شده است.

وی یادآور شد: تمام خروجی‌های این شرکت بر اساس استانداردهای موجود اندازه‌گیری می‌شود و فولاد مبارکه کمتر از استاندارد تعیین شده، آلایندگی دارد. او همچنین با بیان این که برای تنویر افکار عمومی از نحوه عملکرد فولاد مبارکه در فرآیند تولید و اثر بخشی اقتصادی و آثار اشتغالزایی آن باید اطلاع رسانی کاملتری صورت گیرد چون در واقع بروز هرگونه اعتراض بدترین دفاع، رد مستقیم اعتراض وارده است، افزود: چنانچه عملکرد واقعی این شرکت برای افکار عمومی تبیین شود، جامعه آنرا به عنوان صنعتی سبز و یک بنگاه اقتصادی دوستدار سلامتی آحاد مختلف مردم می‌شناسد.

گشایش کارگاه بین‌المللی قنات و معماری در یزد

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: مراسم افتتاح کارگاه آموزشی بین‌المللی قنات و معماری با حضور معاون وزیر نیرو در امور آب و آبفا، نماینده یونسکو، سرپرست مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی و جمعی از مسئولان، استادان و دانشجویان معماری استان یزد و دو مدرسه عالی معماری از کشور فرانسه، در یزد برگزار شد.

رحیم میدانی معاون وزیر نیرو در امور آب و آبفا در آغاز به کار این کارگاه با بیان این که در سراسر ایران ۳۷ هزار رشته قنات با مجموع آبدهی سالانه ۷ میلیارد متر مکعب فعال است، گفت: از نگاه وزارت نیرو، قنات یک موضوع تاریخی نیست و اهمیت آن فقط به ارزش‌های موزه‌ای و آرشیوی ختم نمی‌شود، بلکه قنات به عنوان سنت و شیوه‌ای پایدار و زنده برای استحصال منطقی و عادلانه آب زیرزمینی مطرح است.

وی ادامه داد: قنات یکی از مظاهر سیستم‌های پایدار و سیستم‌های دوستدار محیط‌زیست محسوب می‌شود و با استحصال آب زیرزمینی هیچ‌گاه اثر سوء بر آن نداشته و موجب افت حجم مخزن سفره‌های آب نشده است. سید محمد میرمحمدی استاندار یزد نیز گفت: این جلسات فرصتی مناسب برای هم‌اندیشی کارشناسان همه کشورها برای ارائه راهکارهای مؤثر به منظور رفع مشکلات موجود و معضلات قابل پیش‌بینی حوزه آب در آینده است.

وی از سازمان یونسکو به دلیل توجه مطلوب به مبحث آب در استان یزد و سراسر جهان قدردانی کرد و گفت: امروزه بحث آب از مهمترین مسائل بسیاری از کشورها است و سازه‌های آبی چه در شکل سطحی و چه در شکل زیرزمینی مورد توجه بسیاری از کشورها قرار دارند.

او در ادامه قنات را یکی از سازه‌های دیرینه در کشور و جزو بهترین سازه‌هایی خواند که پایداری بهره‌وری از آب را برای سال‌های طولانی تضمین کرده است به نحوی که وجود قنات‌های ۳۰۰۰ ساله در ایران نشان از پایداری بهره‌برداری از آب‌های زیرزمینی در این کشور است.

وی ادامه داد: قنات سازه‌ای است که نه آلودگی محیط‌زیستی ایجاد می‌کند و نه مشکلات بهداشتی را به دنبال دارد، برای این که مسیر آن به صورتی است که آب هم از نظر کیفی و هم از نظر بهداشتی با وضع مناسبی به مقصد می‌رسد. استاندار یزد با بیان این که بخشی از بحران آب از طریق مدیریت صحیح مصرف، قابل رفع است، افزود: یکی از عمده‌ترین مسائل کنونی مورد توجه کشور ایران، همین موضوع مدیریت مصرف آب است چرا که ایران با منابع آبی محدودی مواجه است و باید ضریب بهره‌وری از آب موجود به ویژه در ارتباط با آب آشامیدنی را افزایش دهیم. استاندار یزد ادامه داد: استان یزد قنات‌های متعددی دارد که البته بعضی از آنها به دلایل حفر چاه‌های عمیق خشکیده‌اند، اما بسیاری از قنات‌ها نیز هنوز از آب مناسب برخوردار هستند و کشاورزان و مردم استان از آنها بهره‌مند می‌شوند.

حسین غفوری مدیرعامل شرکت آب منطقه‌ای یزد و سرپرست مرکز بین‌المللی قنات و سازه‌های تاریخی آبی، در این کارگاه، گفت: از زیر شهر یزد حدود ۷۰ قنات عبور می‌کند که متأسفانه بخش عمده‌ای از آنها قربانی زیاده‌خواهی تمدن مدرن شده و خشکیده‌اند، اما تعدادی دیگر هنوز زنده‌اند. وی افزود: این دوره آموزشی در نوع خود اولین دوره‌ای است که به بررسی یکی از مهمترین روابط اجتماعی ـ تکنولوژیکی بشر می‌پردازد و در نهایت این دوره به بازیابی قنات‌ها در زمینه‌ای مدرن می‌اندیشد.

او گفت: بر این باور هستیم که قنات‌ها هنوز ظرفیت‌های زیادی دارند که می‌توان آنها را حتی در ساختارهای مدرن اقتصادی و اجتماعی به کار گرفت. غفوری ابراز امیدواری کرد تا در این دوره به نتایجی دست یابیم که ما را در نگهداری قنات‌ها این میراث ارزشمند فرهنگی یاری کند.

این کارگاه با هدف آشنایی دانشجویان با قنات به عنوان سیستم پایدار تأمین آب، بررسی عوامل تهدید قنات‌های شهری، بررسی ارتباط چند جانبه‌ای که قنات میان شهر تاریخی، شهر جدید و حومه روستایی برقرار می‌کند، برگزار می‌شود.

همچنین در این کارگاه که ۱۰ روز ادامه خواهد داشت، به موضوع‌هایی مانند ارائه راه حل به منظور ادامه کار کرد پایدار قنات‌های فعال و بررسی راهکارهای مختلف به منظور استفاده از قنات‌های غیرفعال نیز پرداخته می‌شود. در مراسم افتتاح این کارگاه از کتاب «قنات زارچ» نوشته «علی اصغر سمسار یزدی» که به بررسی جنبه‌های مختلف تاریخی، جغرافیایی، حقوقی، اقتصادی، اجتماعی فناوری و مدیریت این قنات پرداخته است، رونمایی شد.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

یک پیشنهاد

بهتر است تخلفات صورت گرفته از طرف مسئولان کشوری مثل اعطای بورسیه‌های غیرقانونی و اختلاس‌های میلیاردی یا به اطلاع مردم نرسد یا توسط دستگاه قضا پیگیری شود تا افکار عمومی آرام گیرد.

تلفن به خط ارتباطی

شهرداری منطقه ۱۲ رسیدگی کند

کسبه‌های خیابان ایران جنوبی واقع در شهرداری منطقه ۱۲ در پیاده‌روهای مقابل مغازه خود سد معبر می‌کنند که برای عابران دردسرساز می‌شود. لطفاً مسئولان موضوع را پیگیری کنند.

از اهالی

یک سئوال فرهنگی

تاریخ نشان داده است فرهنگ ایرانی بر اشغالگران یونانی تأثیرگذار بوده، همچنین این فرهنگ غنی توانسته بر قوم مغول غالب شود حال چرا نمی‌تواند هیچ‌گونه تأثیری بر گروه داعش بگذارد؟

رشت ـ رحمان حسین‌پور

مقاله آقای محقق داماد مستدل بود

از مقاله حضرت آیت‌الله سید مصطفی محقق داماد با عنوان «عدام بدون محاکمه یا چوب حراج بر موازین فقاهت و قضاوت» سپاسگزارم. بسیار مستدل و آموزنده بود و باید به اطلاع همه قضات برسد.

تلفن به خط ارتباطی

آزمایش ژنتیک تحت پوشش بیمه قرار گیرد

آزمایش ژنتیک باید برای دختران در آستانه ازدواج که تحت پوشش دفترچه خدمات درمانی والدین هستند، رایگان حساب شود. متأسفانه هزینه این آزمایش، مبلغ گزافی است که بیمه تقبل نمی‌کند.

یک پدر

پراید، ایمنی ندارد

خودرو پراید ایمنی لازم را برای سرنشینان به خصوص در مسافرت‌های برون‌شهری ندارد و باعث کشته شدن بسیاری در تصادفات می‌شود. مسئولان فکری برای استاندارد کردن این خودرو پرطرفدار کنند.

یک دارنده خودرو پراید

تشکر از کارکنان روزنامه اطلاعات

از کارکنان صادق و پرتلاش روزنامه اطلاعات تشکر می‌کنم و آینده‌ای بهتر را برای روزنامه آرزومندم.

جهانشاهی ـ مشترک روزنامه اطلاعات

از چاپ عکس‌های نامطلوب خودداری کنید

عکس‌های منتشره در ضمیمه علمی «دانش» در روزنامه اطلاعات با محوریت راهنمای نجات از بیماری «زامبی»، متأسفانه زشت و وحشتناک بود. لطفاً در صورت امکان، از چاپ چنین عکس‌هایی خودداری کنید.

ایمیل به خط ارتباطی

علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد

در بلوار امیرکبیر شهرستان کیانمهر کرج که محل عبور و مرور خانواده‌ها و محصلان از رده‌های سنی مختلف است، متاسفانه پل هوایی و همینطور هیچگونه سرعت گیری وجود ندارد و اتومبیل‌ها با سرعت سرسام آوری بدون کنترل و نظارت پلیس جولان می‌دهند. از ارگان‌های مربوط خواهشمندم برای جلوگیری از تصادفات احتمالی به حل مشکل اقدام کنند. به قول معروف، علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

شهرستان کیانمهر کرج ـ ایمیل به خط ارتباطی

لزوم افزایش اتوبوس‌های پایانه جنوب ـ شهید افشار

خط اتوبوسرانی بی آرتی پایانه جنوب ـ پایانه شهید افشار، بسیار شلوغ است و اتوبوس کم دارد به طوری که مسافران این مسیر که اغلب کارمند و محصل هستند برای سوار شدن هم با مشکل مواجه می‌شوند. از شرکت واحد تهران و حومه خواهشمندم با افزایش تعداد اتوبوس‌های این خط به حل مشکلات مسافران کمک کند.

ایمیل به خط ارتباطی

اخبار کوتاه شهرستان

قدردانی از دانش‌آموزان برتر مسابقه‌های قرآن کریم

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: ۲۰ دانش‌آموز اصفهانی که در مسابقه‌های کشوری قرآن کریم رتبه کسب کردند، از سوی مدیرکل آموزش و پرورش استان اصفهان با اهدای تقدیرنامه مورد قدردانی قرار گرفتند.

پورحسینی، معاون فرهنگی پرورشی اداره کل آموزش و پرورش استان اصفهان بابیان این‌که گسترش فرهنگ قرآنی در میان نسل جوان آثار مثبتی برای فضای آموزش و پرورش کشور دارد، افزود: مسابقه‌های قرآن و معارف کشوری امسال در ۹ رشته برگزار شد که از مناطق چهل‌گانه استان ۹۳ هزار نفر در این مسابقه‌ها شرکت کردند.

به گفته وی ۴۰۰۰ نفر از این مناطق به مرحله استانی رسیدند که در نهایت ۹۶ نفر به مرحله کشوری راه یافتند.

پورحسینی اعلام کرد: ۲۰ نفر از ین شمار رتبه ممتاز کشوری را کسب کردند که از این نخبگان قرآنی تقدیر شد.

انتخاب نفرات برتر مسابقات قرآنی در بهشهر

بهشهر ـ خبرنگار اطلاعات: نفرات برتر مسابقات قرآنی در بهشهر در سی و سومین دوره که در سطح استانی برگزار شد، انتخاب شدند.

برادران سرباز وظیفه مجتبی خانجانی و ابوالقاسم ولی‌پور از بسیج سپاه پاسداران ناحیه بهشهر به ترتیب در رشته قرائت و مفاهیم قرآن کریم به عنوان نفرات اول استان مازندران انتخاب شدند و به مرحله کشوری راه یافتند.

همچنین به گزارش روابط عمومی سپاه ناحیه بهشهر ۲۷۰ نفر از دانش‌آموزان پسر به همراه مربیان و فرهنگیان خود در قالب راهیان نور از ۵ دبیرستان بهشهر به منظور بازدید از رشادت‌های رزمندگان عازم مناطق عملیاتی غرب کشور شدند.

اهدای نشان درجه یک هنر به هنرمند تبریزی

تبریز ـ خبرنگار اطلاعات: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی هنرمند تبریزی را شایسته دریافت نشان درجه یک هنر در رشته منبت‌کاری روی چوب معرفی کرد.

علی قنبری هنرمند منبت‌کار تبریز که آثار شاخص و ممتازی در این حوزه دارد در جدیدترین نشست شورای هنرمندان، شاعران و نویسندگان کشور موفق به دریافت این نشان شد.

این نشان همطراز با درجه تحصیلی دکترا است.

علی قنبری که متولد سال ۴۹ است، از ۱۷ سالگی کار روی چوب را آغاز کرد. وی نزدیک به سه دهه است که با مغار و سوهان مانوس است و آثار ممتاز و شاخص فراوانی را آفریده است.

ممتازترین اثر این هنرمند، یک کنسول آینه است که به مدت سه سال و نیم روی آن کار شده است.

این اثر فاخر منبت کاری، حدود ۵۰۰۰ گره منبت کاری دارد که به شکلی بسیار هماهنگ و زیبا روی چوب گردو کار شده‌اند.

این اثر فاخر به ابعاد ۲/۳۰ در ۲/۷۰ متر توسط سازمان فرهنگی هنری شهرداری تبریز خریداری و به موزه شهر تبریز اهدا شد.

ساخت پارک «قیصر امین‌پور» در دزفول

دزفول ـ خبرنگار اطلاعات: شهردار دزفول، از آغاز ساخت پارکی به نام «قیصر امین‌پور» شاعر معاصر در این شهرستان خبر داد.

محمدرضا کرمی نژاد در جلسه شورای اداری دزفول، از فرماندار این شهرستان خواست تا نسبت به دریافت اعتبار لازم از استانداری خوزستان تلاش کند.

پیشگامان یزد، قهرمان تور بین‌المللی اندونزی

یزد ـ خبرنگار اطلاعات: تیم دوچرخه‌سواری پیشگامان یزد با اقتدار بر سکوی قهرمانی تور بین‌المللی کاتولیستوا اندونزی ایستاد.

به گزارش روابط عمومی باشگاه فرهنگی ورزشی پیشگامان، در پایان چهار مرحله رقابت رکابزنان مطرح دنیا در شهر «کاتولیستوا» اندونزی، تیم دوچرخه‌سواری پیشگامان با ۱۲ دقیقه اختلاف نسبت به تیم دوم مقتدرانه قهرمان این تورنمنت معتبر بین‌المللی شد.

پس از پیشگامان، تیم‌های پگاسوس اندونزی و «سی سی ان» در رده‌های دوم و سوم قرار گرفتند. در قسمت انفرادی، امیر زرگری از پیشگامان بر سکوی نخست ایستاد و حسین عسکری، آروین معظمی گودرزی و رحیم امامی و دیگر رکابزنان تیم پیشگامان مکان‌های دوم تا چهارم را به خود اختصاص دادند.

تور بین‌المللی دوچرخه‌سواری کاتولیستوا با حضور ۹۵ ورزشکار از کشورهای مختلف به مدت چهار روز برگزار شد.

دست‌های پنهان اراضی ملی را به تاراج می‌برند

زمینخواری اصطلاحی است که از چند سال پیش به دلیل شدت یافتن این عمل مجرمانه در کشورمان رواج یافته است.

اما برخورد با این معضل اساسی که بسیاری از استان‌ها و به ویژه کلانشهرهای کشورمان با آن روبرو هستند در دولت‌های مختلف روندی متغییر داشته است که گاه شدت یافته و بعضی زمان‌ها رو به ضعف رفته و گاه فقط در یک شعار باقی مانده است، اما دولت یازدهم با شکل‌گیری و استقرار در کشور یکی از اولویت‌های خود را برخورد با زمینخواری اعلام کرده است. اخیراً وزیر کشور از تصرف‌های غیرقانونی و افزایش آن ابراز نگرانی کرد و چند استان را به عنوان خط مقدم این مشکل معرفی کرد.

استان‌های مازندران، گیلان، گلستان، البرز، تهران، قزوین و بالاخره اصفهان مناطقی بودند و هستند که بیشترین تخلف در موضوع زمینخواری در آنجا روی می‌دهد و به این دلیل اقدام‌هایی بازدارنده برای برخورد با متجاوزان در کشور شکل گرفت و ستادهایی در استان‌ها فعالیت خود را آغاز کردند. به نظر می‌رسد یکی از راه‌های جلوگیری از زمینخواری اجرای طرح کاداستر جامع است که در بسیاری از بخش‌های کشورمان این طرح به صورت شهری اجرا شده است که باید طرح جامع تکمیل شود.



اصفهان نیز به عنوان یکی از پهناورترین استان‌های کشور با این معضل روبرو است.

نماینده ولی فقیه در استان و امام جمعه اصفهان نیز در دیدار با مجمع نمایندگان اصفهان از افزایش زمینخواری در استان ابراز نگرانی کرد و خواستار برخورد با عاملان آن شد.

دکتر رسول زرگرپور استاندار اصفهان هم با بیان اینکه برخورد با زمینخواران به وزارت کشور محول شده است، افزود: ۷۶ شهرک صنعتی در استان زمین به متقاضیان برای اجرای طرح واگذار می‌کنند، اما پس از چند سال این طرح‌ها را که هنوز به بهره‌برداری نرسیده است هیچ کس پیگیری نمی‌کند که زمین‌ها بازگردانده شود. او با تأکید بر اینکه زمین‌هایی که با مساحت‌های بزرگ واگذار می‌شود در صورت نرسیدن به نتیجه اصلی و موفقیت باید برگردانده شود، ادامه داد: اخیراً ۲۰۰۰ هکتار زمین که به یکی از وزارتخانه‌ها اختصاص داشت و ارزش آن ۵ میلیارد تومان بود و قرار بود طرحی در آن اجرا شود، به قیمت ۵۸۰ میلیارد تومان در حال فروش بود. از این دست موارد در استان بسیار زیاد داریم. به گفته وی اداراتی که تأمین زمین می‌کنند، موظف هستند اگر طرح اجرا نشد زمین را برگردانند.

زرگرپور با اشاره به اینکه در جنوب اصفهان یکی از نهادهای دولتی زمین بزرگی در اختیار داشت که یک شرکت خصوصی ۹ هکتار از این زمین را تصرف کرده، اما اداره دولتی اصلاً متوجه آن نشده بود. چرا باید اینگونه باشد؟

استاندار اصفهان با بیان اینکه همه نهادها را موظف کرده‌ایم که با بررسی ۱۰ سال گذشته اعلام کنند آیا طرح‌ها در زمین‌های واگذاری آنها اجرا شده است یا نه، اعلام کرد: اگر نهادهای بزرگ زمین‌های بلا استفاده دارند که مورد نیازشان نیست برگردانند تا این اتفاق‌ها را شاهد نباشیم.

او ساخت و ساز در حریم رودخانه زاینده رود را از دیگر مصادیق تصرف‌های غیرقانونی در استان برشمرد و افزود: تعدادی از شهرداری‌ها اجازه ساخت‌وساز غیرمجاز را می‌دهند تا بعد در کمیسیون ۱۰۰ بررسی شود که باید این روش تغییر کند.

به گفته وی در چند ماه اخیر برخورد خوبی با زمینخواران داشته‌ایم و توانسته‌ایم عدد قابل توجهی از این تخلف را شناسایی کنیم.

او به احصاء تعداد اراضی که تغییر کاربری یافته‌اند خبر داد و گفت: ساخت‌وساز خارج از حریم نیازمند اصلاح ضوابط و مقرراتی است که از فعالیت سودجویانه افراد جلوگیری کند. استاندار اصفهان از تأکید معاون اول رئیس جمهوری برای مبارزه با زمینخواری خبر داد و افزود: مدیریت استان با این موضوع با جدیت برخورد و متخلفان را معرفی خواهد کرد.

گزارش: نفیسه یزدانی

تشریح برنامه‌های دانشگاه صنعت نفت آبادان

آبادان ـ خبرنگار اطلاعات: کارشناسان و پژوهشگران، صنعت نفت عوامل توسعه کشور را پرورش نیروی متخصص و فنی در حوزه نفت می‌دانند و اعتقاد دارند ایران از معدود کشورهایی است که داشتن تکنولوژی در این صنعت را پس از ۱۰۰ سال از پیدایش نفت احساس کرد.

مطلب بالا را دکتر عبدالنبی هاشمی استاد دانشگاه صنعت نفت آبادان در گفتگو با خبرنگار ما اعلام کرد و افزود: اکنون در دانشکده‌های نفت آبادان، تهران، اهواز و علوم دریایی محمودآباد ۱۵۶۳ دانشجو در مقطع کارشناسی، ۴۶۲ دانشجو در مقطع کارشناسی ارشد و ۳۷ دانشجو در مقطع دکتری مشغول به تحصیل هستند.

او یادآور شد: تا دهه ۷۰ رشته‌های وابسته به صنایع نفت به صورت عمومی بود یعنی رشته‌های مربوط به صنایع بالادستی و پایین‌دستی را شامل می‌شد، اما از اوایل دهه ۸۰ سرفصل‌های جدیدی در عرصه نوآوری و صنایع بالادستی به دانشگاه اضافه شد.

وی اضافه کرد: باید اشاره کنم که از سال ۱۳۱۸ تا ابتدای انقلاب اسلامی یعنی به مدت ۴۰ سال فارغ‌التحصیلان این دانشگاه ۷۶۸ نفر بودند اما با تحولاتی که پس از انقلاب در این حوزه علمی اتفاق افتاد این دانشگاه را به یکی از پویاترین دانشگاه‌های علمی و تخصصی مبدل کرد که هم‌اکنون ۲۰۵۹ دانشجو در مقاطع عالی در حال تحصیل هستند که مجموع فارغ‌التحصیلان این دانشگاه پس از انقلاب هم حدود ۱۲ هزار نفر بوده است.

هاشمی درباره بورسیه گفت: در بورسیه دادن به دانشجویان خارجی محدودیت داریم و در چند سال اخیر فقط چند نفر بورسیه از کشورهای افغانستان و سوریه داشته‌ایم.

به گفته او، البته علومی که دانشجویان این دانشکده به آن می‌پردازند علوم پایه فرامنطقه‌ای است و در سطح بین‌المللی جایگاه خاصی دارند اما به خاطر ظرفیت بالایی که داریم قبلاً برنامه‌های خود را اعلام کردیم که در صورت بین‌المللی شدن این دانشگاه با استفاده از پتانسیل‌های قوانین منطقه آزاد بی‌شک فعالیت ما در تمام بخش‌ها توسعه خواهد یافت لذا دانشجویان کشورهای عراق، کویت و سایر کشورهای خلیج‌فارس می‌توانند جزو کشورهای هدف باشند.

هاشمی ادامه داد: معمولاً فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعت نفت با توجه به پتانسیل‌های علمی و فنی که در طول تحصیل در این دانشگاه کسب می‌کنند به راحتی جذب بازار کار (شرکت ملی نفت و سایر شرکت‌های اصلی) و بخش خصوصی می‌شوند. آمارها نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد فارغ‌التحصیلان دانشگاه جذب بازارهای کار شده‌اند و در این زمینه مشکلی نخواهیم داشت.

وی مهمترین اهداف و برنامه‌های ارتقای سطح علمی و پژوهشی این دانشگاه را جذب استادان طراز اول، ایجاد و توسعه روابط بین‌الملل دانشگاه و انجام پروژه‌های ملی تحقیقاتی اعلام کرد.

برنامه‌های شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب برای حفاظت از محیط زیست

اهواز ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرعامل شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب از شتاب بخشیدن به اجرای پروژه‌های زیست‌محیطی این شرکت در زمینه جمع‌آوری گازهای همراه نفت و بیابان‌زدایی خبر داد.

بیژن عالیپور با اشاره به نشست مشترک با رئیس سازمان حفاظت محیط زیست و معاون وزیر نفت در تهران افزود: با پیگیری و تمهیدات اندیشیده شده توسط شرکت ملی نفت ایران، فاز دوم طرح جمع‌آوری گازهای همراه نفت موسوم به آماک توسط پیمانکار اجرا و طبق برنامه زمانبندی تا سه ماه آینده ایجاد خواهد شد. وی با تاکید بر این که شرکت ملی مناطق نفتخیز جنوب با توجه به حجم و گستره عملیاتی در منطقه کمترین آلودگی زیست محیطی را دارد، یادآور شد: اجرای بزرگترین پروژه‌های زیست‌محیطی در این شرکت موجب شده است تا در ۱۰ سال گذشته حجم آلاینده‌های گازی تا ۹۰ درصد کاهش یابد، اما مقرر شد اندک اصلاحاتی که در طرح آماک وجود دارد به زودی تکمیل و در مدار عملیات قرار گیرد.

عالیپور گفت: در مناطق نفتخیز جنوب علاوه بر جمع‌آوری گازهای همراه نفت حدود ۹۸ درصد پساب واحدهای نمکزدایی نیز جمع‌آوری و در چاه‌های تزریقی دفع می‌شود. همچنین سوزاندن نفت خام در گودال‌های سوخت با استفاده از دستگاه‌های فرآورش و تفکیک‌گر سیار نفت خام به صفر رسیده است. وی با اشاره به توافق صورت گرفته در نشست اخیر با مسئولان سازمان حفاظت محیط زیست، گفت: ادامه پروژه بیابان‌زدایی و تثبیت خاک و مالچ‌پاشی ۲۰۰ هزار هکتار عرصه‌های بیابانی خوزستان که تاکنون ۱۰ درصد پیشرفت کار دارد نیز توسط سازمان حفاظت محیط‌زیست اجرایی و تأمین منابع مالی آن در سقف اعتبارهای مصوب توسط شرکت ملی نفت ایران ایجاد خواهد شد.

پلمب شیر «مازوت» نیروگاه شازند، منتظر دستور قضایی است

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار مرکزی درکارگروه کاهش آلودگی هوای اراک دستور دارد شیر مازوت نیروگاه شازند پلمب شود.

این تصمیم پس از آن گرفته شد که مدیرکل محیط زیست استان مرکزی خبر داد، نیروگاه شازند از ۲۹ مهر امسال از سوخت مازوت استفاده کرده است. این در حالی است که بر اساس مصوبات کارگروه کاهش آلودگی هوای اراک، نیروگاه شازند موظف شده است فقط از سوخت گاز استفاده کند.

امیر انصاری مدیرکل محیط زیست استان مرکزی گفت: درخواست پلمب شیر مازوت نیروگاه مذکور به دادگستری فرستاده شده است و در صورتی که دستور قضایی آن صادر شود اقدام به پلمب آن خواهیم کرد.

وی افزود: بررسی‌های ما نشان می‌دهد؛ هم اکنون نیروگاه شازند روزانه یک میلیون و ۵۰۰ هزار لیتر مازوت استفاده می‌کند.

او اضافه کرد: به دلیل پدیده وارونگی هوای اراک که بیشتر در فصل سرما شاهد آن هستیم؛ آلایندگی ناشی از سوخت مازوت آسیب رسان است.

ثبت ملی ۶ اثر فرهنگ عاشورایی چهارمحال و بختیاری

شهرکرد ـ خبرنگار اطلاعات: شش اثر فرهنگ عاشورایی استان چهارمحال و بختیاری در فهرست آثار ملی ثبت شد.

مدیرکل میراث فرهنگی صنایع دستی و گردشگری استان چهارمحال و بختیاری با اعلام این مطلب افزود: با ثبت این شش اثر فرهنگ عاشورایی در فهرست آثار ملی ایران صنعت گردشگری مذهبی چهارمحال و بختیاری رونق می گیرد.

بهمن عسگری افزود: معرفی آیین‌های مذهبی چهارمحال و بختیاری و اماکن تاریخی و مذهبی این استان با همکاری دیگر دستگاه‌های اجرایی در دستورکار این اداره‌کل قراردارد.

وی گفت: در تحقق این مهم برخی اماکن تاریخی نیز مرمت می‌شود.

عسگری مهمترین آیین‌های مذهبی عاشورایی را در استان، گل‌زنی آقاسلام ـ چاق‌چاقو و تعزیه حضرت قاسم(ع) بیان کرد که در فهرست میراث معنوی است.

در این آیین گل‌زنی که حدود یکصدسال قدمت دارد در شهر بن برگزار می‌شود عزاداران حسینی صبح روز عاشورا پس‌از فرو بردن عَلم در گرداب بن به نشانه سوگواری سَر و بدن خود را گل‌آلود می‌کنند.

در مراسم آقا سلام که سابقه هشتادساله در شهر بن دارد، عزاداران حضرت اباعبدالله الحسین(ع) صبح روز عاشورا به منزل ٤ نفر از سادات منتسب به حضرت امام سجاد(ع) می‌روند و به آنها تسلیت می گویند.

در مراسم چاق‌چاقو نیز که نوعی آیین موسیقیایی است در روز عاشورا عزاداران حسینی در شهر سامان در سوگ مظلومیت شهادت امام حسین(ع) هر نفر دو قطعه سنگ یا چوب تخت را در دست گرفته و با نظمی خاص برهم کوبیده و عزاداری می کند.

در تعزیه حضرت قاسم(ع) در شهر طاقانک هم مردم قبل از اذان صبح نذور خود را به خانه یکی از سادات می‌برند و پس از تسلیت، بین عزادارانی که درحال نظاره تعزیه حضرت قاسم(ع) هستند، توزیع می کنند.

ساری؛ میزبان همایش گیاهان دارویی خطه شمال

ساری ـ خبرنگار اطلاعات: همایش بزرگ گیاهان دارویی خطه شمال به زودی در ساری برگزار می‌شود.

معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهادکشاورزی مازندران در نشست بررسی توسعه کشت گیاهان دارویی که با حضور آیت‌الله طبرسی، نماینده مقام معظم رهبری در مازندران، احسانی معاون برنامه‌ریزی و اشتغال استاندار، امام جمعه و فرماندار نکا، محققان و مسئولان مراکز تحقیقاتی دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) تهران و سایر مسئولان ملی و استانی در بیت نماینده ولی فقیه در مازندران برگزار شد، با اعلام این خبر افزود: مازندران دارای ۷۰۰ هکتار سطح زیرکشت گیاهان دارویی است که سالانه ۷۵۰ تن محصول از این سطح تولید می‌شود.

عزیزالله شهیدی‌فر گفت: گل محمدی در مازندران در سطحی معادل ۹۵ هکتار کشت می‌شود که تولید سالانه آن بیش از ۱۱۰ تن است.

وی با اشاره به این که ۵ مرکز فرآوری تولیدات گیاهان دارویی در مازندران فعال است، گفت: از این تعداد یک مرکز به صورت مدرن و بقیه به صورت نیمه مدرن در حال فعالیت هستند و ۳ مرکز نیز به صورت سنتی به فرآوری محصولات گیاهان دارویی می‌پردازند.

شهیدی‌فر با بیان این که فقط به عصاره‌گیری و گلاب‌گیری از محصولات گیاهان دارویی در مازندران پرداخته می‌شود، افزود: باید به سمت فرآوری و استفاده از مواد مؤثر این محصولات حرکت کنیم که این امر مستلزم بهره‌گیری از تکنولوژی و بیوتکنولوژی خاصی است که باید از توان محققان دانشگاه علوم پزشکی بقیه‌الله(عج) در این راستا بهره‌گیری کرد.

وی زمین‌های بالادست و میانبند مازندران را ۱۰۰ هزار هکتار اعلام کرد و افزود: استانداری مازندران، وزارت جهادکشاورزی و سازمان جهادکشاورزی مازندران پیگیر ساماندهی این زمین‌ها هستند که از مباحث اصلی در این طرح، توسعه کشت گیاهان دارویی است که عمدتاً در مناطق شرق استان وجود دارد.

معاون بهبود تولیدات گیاهی سازمان جهادکشاورزی مازندران از آمادگی کامل این سازمان در حمایت از توسعه کشت گیاهان دارویی خبر داد.

شهیدی‌فر با بیان این که جهادکشاورزی مازندران ساماندهی زمین‌ها را برای کشت گیاهان دارویی آغاز کرده است، افزود: ۲۱ نوع گیاه دارویی در مازندران کشت می‌شود.

بازخوانی اشغال خرمشهر در آبان ۱۳۵۹

■ بخش دوم و پایانی

این شهر آزاد می‌شود

اشاره: در شماره قبلی صفحه «حماسه پایداری» بخش نخست از گزارش درباره مقاومت رزمندگان کشورمان در مقابله با متجاوزان عراقی برای اشغال خرمشهر به چاپ رسید. بخش دوم و پایانی این گزارش درپی می‌آید.

***

ما در ضلع جنوبی میدان فرمانداری مستقر بودیم. وقتی می‌خواهد طرف ما بیاید، ناگهان یک گلوله توپ یا خمپاره به وسط وانت بار اصابت می‌کند و منفجر می‌شود. وانت، مهمات و محمد مختاری پودر می‌شوند و چیزی از آن شهید باقی نمی‌ماند. من صدای مهیب انفجار را شنیدم و متأثر شدم. نیروی رشید و شجاعی را از دست داده بودیم.

در همان سه روز اول آبان علاوه بر محمد مختاری، چند تن دیگر از تیم تکاوران را در خرمشهر از دست دادیم، دلاورانی چون ناوبان دوم «داریوش باقری گیل گلابی»، مهناوی یکم «منصور پوراحمد»، مهناوی یکم «جهانریز دهقان»، مهناوی یکم «علی‌اکبر رجبی»، ناواستوار یکم «علیرضا صناعی سده»، مهناوی یکم «سیدمصطفی طباطبایی»، ناوی یکم وظیفه «محمد باقر ارجمند»، ناوی یکم وظیفه «محمد علی سید مومنی» و... .

سه روز اول آبان حتی غذا هم در مسجد طبخ نمی‌شد. خوشبختانه در مسجد جامع نان و خرما داشتیم و در واقع از گرسنگی نان و خرما می‌خوردیم. تکاورها و مدافعان مردمی شهر با چنگ و دندان از خرمشهر دفاع می‌کردند.

روز دوم آبان جناب سرهنگ حسنی سعدی فرمانده عملیات به خط خودش نامه‌ای به من نوشت و ضمن تقدیر و تشکر از مقاومت و دلیری تکاوران در خرمشهر از ما خواست تا رسیدن نیروی کمکی پایداری کنیم.

الان درست یادم نیست این یادداشت کی و چگونه در خرمشهر به دستم رسید. در آن یادداشت به نیروهای تازه‌نفسی اشاره شده بود که قرار بود به خرمشهر بیایند تا من آن‌ها را به کار گیرم. اما هیچ وقت خبری از آن‌ها نشد که نشد!

با وجود این یادداشت مهم و تاریخی، فقط یک روز بعد، یعنی بعد از ظهر روز سوم آبان سرهنگ حسنی سعدی با بی سیم به من دستور داد خرمشهر را تخلیه کنم و به آبادان عقب بنشینم. عین سخنان ایشان این بود: «جناب ناخدا صمدی! آماده باشید که عقب‌نشینی!» فرمان شفاهی و از طریق بیسیم به من ابلاغ شد. هیچ فرمان کتبی در کار نبود. دو سه روزی بود ارتباط ما با آبادان قطع شده و دیگر هیچ رفت و آمدی از طریق پل خرمشهر به آبادان انجام نمی‌گرفت. از سرهنگ حسنی سعدی پرسیدم: «برای چه عقب‌نشینی کنیم؟»

دستور این است!

با چه وسیله‌ای و چطور عقب‌نشینی کنیم؟

برایتان قایق می‌فرستم!

اگر بگویم تلخ‌ترین خبری که در تمام عمرم شنیده‌ام، این خبر بود، اغراق نکرده‌ام. می‌دانستم خرمشهر تقریبا از دست رفته و ما فقط بر خیابان ساحلی و قسمتی از میدان فرمانداری تسلط داریم. البته نیروهای تکاور و مردمی در مناطق مختلف خرمشهر بر پشت بام‌ها و در کوچه‌ها و خیابان‌ها پراکنده و مشغول مقاومت بودند، اما مقاومت برای چندین لشکر زرهی و نیروی پیاده تازه نفس دیگر فایده چندانی نداشت. ماندن بیشتر در خرمشهر فقط از ما نیرو و تلفات می‌گرفت.

پل خرمشهر و آبادان زیر آتش بود و هیچ تدارکات و مهماتی نمی‌رسید. عراقی‌ها ۹۰ درصد شهر را اشغال کرده بودند. شمار مدافعان تکاور و نیروهای مردمی به ۳۰۰ نفر هم نمی‌رسید. نیروهای عمل کننده مردمی و تکاور داخل شهر هم خسته بودند و روحیه چندانی برای ادامه مقاومت نداشتند. بنابراین، همه این عوامل ایجاب می‌کرد خرمشهر را تخلیه کنیم تا در وقتی دیگر و با قدرتی بیشتر، بتوانیم دشمن را از آن بیرون برانیم.

با وجود همه این تحلیل‌های نظامی و عقلانی، قلب و احساسم چیز دیگری می‌گفت. برای چند دقیقه‌ای مات و مبهوت ماندم و به فکر

*** یکی از مصیبت ها پس از دریافت فرمان تخلیه خرمشهر و عقب‌نشینی به ساحل شرقی کارون و خرمشهر شرقی، قانع کردن تکاوران ، افسران و پاسدارانی بود که در کنار خودم در شهر مشغول مقاومت بودند**

*** قرار بود نیروهای تازه‌نفسی را برای مقابله با دشمن و جلوگیری از تصرف این شهر به منطقه اعزام کنند اما هیچ وقت خبری از آن‌ها نشد**

رفتم. در مقاومت خونین خرمشهر گردان یکم تکاوران دریایی بوشهر متحمل ضربات سنگین و کمرشکنی شده بود. ما حدود ۶۰۰ نفر وارد خرمشهر شدیم که تعداد ۷۶ نفرمان در روزهای مختلف جنگ در خرمشهر به شهادت رسیدند و حدود ۳۰۰ نفر هم زخمی و مجروح شدند. یعنی در مجموع از گردان ۶۰۰ نفر ما، ۳۷۶ نفر شهید و مجروح شده بودند. به راستی جواب آن همه خون و از جان گذشتگی را چه کسی می‌توانست بدهد؟

یاد بچه‌ها و جوان‌هایی افتادم که در این یک ماه و چند روز مقاومت، مثل گل پرپر شدند و از دست رفتند. یاد ناوی وظیفه سنگلی افتادم که در بغل خودم شهید شد؛ یاد ناو سروان «مرادی» افتادم که مقابل چشمان حیرت‌زده‌ام، سرش پرید و هنوز داشت می‌دوید. یاد «محمد علی صفای» عزیزم افتادم که چه شب و روزهای خوشی با هم داشتیم؛ یاد بچه‌های سپاه پاسداران خرمشهر افتادم که مظلومانه و در خواب زیر آوار رفتند و شهید شدند؛ یاد محمد مختاری افتادم که برای رساندن مهمات به ما شهید شد و هیچ چیزی از پیکرش باقی نماند.

به خودم که آمدم چهره‌ام از اشک خیس بود. چاره‌ای نبود و باید تلخ‌ترین خبر ممکن را به افسران و درجه‌دارانی که هنوز در شهر مشغول مقاومت بودند، می‌دادم. ناچارم اینجا از فرصت استفاده کنم و صرفا برای ثبت در تاریخ به موضوع تلخ و دردآوری اشاره کنم و آن این است که اصلا چه کسی فرمان عقب‌نشینی و تخلیه خرمشهر را در روز سوم مهر ۱۳۵۹ را صادر کرد؟

در برخی از کتاب‌های تاریخی و حتی خاطراتی که برخی برادران و خواهران منتشر کرده‌اند، مرا (ناخدا هوشنگ صمدی) مسئول اصلی تخلیه خرمشهر قلمداد کرده‌اند. حتی برخی از دست‌اندرکاران ماجرا گفته‌اند که صمدی سرخود دستور عقب‌نشینی را صادر کرد!

سئوال من این است که مگر در آن تاریخ چه سمتی در فرماندهی جنگ داشتم که می‌توانستم چنین فرمان خطیر و پرمسئولیتی را صادر کنم؟ من و تکاوران تحت امرم با نظارت ستاد عملیات جنوب مستقر در آبادان می‌جنگیدیم و مجری فرامین و دستورات آنجا بودیم و سرخود هیچ اقدامی نمی‌توانستیم بکنیم. اگر خودسرانه عمل می‌کردم، پس از عقب‌نشینی حتما باید مرا دستگیر و محاکمه صحرایی می‌کردند و به جوخه اعدام می‌سپردند. در حالی که ارتقای پست من در منطقه دوم نیروی دریای ثابت می‌کند که من سرخود عمل نکرده‌ام و تابع دستورات مقامات بالاتر از خودم بوده‌ام.

یکی از مصیبت‌های من پس از دریافت فرمان تخلیه خرمشهر و عقب‌نشینی به ساحل شرقی کارون و خرمشهر شرقی، قانع کردن تکاوران و افسران و پاسدارانی بود که در کنار خودم در شهر مشغول مقاومت بودند. همه آمدند. یادم هست «محمد جهان آرا» نبود، بلکه معاونش که اسمش یادم رفته حضور داشت. برخی از مقامات هم که در مسجد جامع بودند، آمدند. وقتی همه را جمع کردم، گفتم: «از ستاد عملیات جنوب فرمان عقب‌نشینی صادر شده است و باید عقب بنشینیم.»

هیچ کس زیر بار حرفم نرفت. همه شوکه شدند. یکی دو نفر هم بر سر خود زدند و روی زمین افتادند و شروع کردند به گریه کردن. بغض گلوی خودم را هم می‌فشرد، اما در آن اوضاع حساس و بغرنج و سرنوشت‌ساز، نمی‌توانستم احساساتم را بروز بدهم. بعد، جر و بحث با بچه‌های خودم و سپاه و مسجدی‌ها شروع شد. بعضی چنان عصبانی بودند که به من اعتراض و توهین می‌کردند. یکی با صدای بلند گفت: «ناخدا! ۳۳ روز است که هر روز می‌گویی کمک می‌آید که هنوز هم خبری از کمک نیست. حالا پس از دادن این همه شهید می‌گویی باید عقب‌نشینی کنیم؟ ما با چنگ و دندان جنگیده‌ایم و شهر را گرفته‌ایم تا سقوط نکند، «آن وقت خودمان بیرون برویم و دو دستی شهر را تقدیم عراقی‌ها کنیم؟ من این کار را نمی‌کنم. همین جا می‌مانم تا کشته شوم! مرگ بهتر از تحمل شرمساری عقب‌نشینی است!»

کمی که احساساتش فروکش کرد، گفتم: «ببینید آقایان! ما نظامی هستیم تا حالا گفته بودند مقاومت بکنید، ما هم مقاومت کردیم. حالا می‌گویند عقب‌نشینی کنیم، باز هم اطاعت می‌کنیم.»

باز اعتراض و حتی پرخاش کردند. وقتی دیدم قانع نمی‌شود، گفتم: «آقایان! من الان به ستاد و شخص جناب سرهنگ سعدی بی سیم می‌زنم، شما خودتان گوش کنید!»

همه قبول کردند. یادم هست همان موقع، ناخدا «ابوطالب ضربعلیان»، ناخدا «فتح‌الله عسکری»، ناوسروان «ژاله»، ناخدا «علی دهقان»، ناوسروان «سلیمان محبوبی» و... هم بودند. خوشبختانه همه آن‌ها الان زنده هستند و می‌توانند شهادت بدهند. بی سیم را گرفتم و گفتم: «جناب سرهنگ! شما دستور عقب‌نشینی داده‌اید، اما پرسنل حاضر به عقب‌نشینی نیستند.»

جناب سرهنگ حسنی سعدی در حالی که صدایش را همه می‌شنیدند، گفت: «من از شما خواهش می‌کنم بهشان توضیح بدهید ما نظامی هستیم. تا حالا دستور مقاومت بود، الان باید عقب‌نشینی بکنیم.»

آقایان می‌شنوید؟ عقب‌نشینی بکنید! همه شنیدید!

بعد هم گفتم: «تکلیف از من ساقط شد. الان قایق برای بردن ما می‌آید. هر کس می‌خواهد بیاید و هر کس نمی‌خواهد بماند. مسئولیت با خودش است.» دیدم عده‌ای گریه می‌کنند. نمی‌دانم چطور شد که یک دفعه به ذهنم رسید نکند بعضی از پرسنل خودکشی کنند... بنابراین، هر طور بود آن‌ها را قانع به عقب‌نشینی کردم. همین قدر بگویم که از غروب آفتاب تا حدود ۱۲ نیمه شب با آن‌ها حرف زدم تا بالاخره راضی شدند.

از مسئولیت‌های من در شب سوم آبان خبر دادن به تکاورها و رزمندگان مردمی بود که هنوز در سطح شهر پراکنده بودند و با عراقی‌ها می‌جنگیدند و از خرمشهر دفاع می‌کردند. با بیسیم با تمام فرماندهان دسته‌ها و گروهان‌ها تماس گرفتم و گفتم که به ستاد تکاوران برگردند. چند دسته تکاور را هم به داخل شهر فرستادم تا به پیرزن‌ها و پیرمردهایی که هنوز در خانه‌های خود مانده بودند کمک کنند تا شهر را تخلیه کنند.

جناب سرهنگ حسنی سعدی هم به قولشان وفا کردند و حدود ساعت ۱۰ شب، ۱۰ فروند قایق هشت نفره برای تخلیه نیروهای مقاومت و مردم عادی به ساحل خرمشهر فرستادند. تخلیه از حدود ۱۱ شب شروع شد. کار تخلیه مردم عادی خیلی وقت‌گیر بود. اول مردم عادی و سربازهای سرگردان را ۱۰ نفر ۱۰ نفر سوار قایق کردیم و از رودخانه کارون عبور دادیم. نیروهای بومی گریه می‌کردند. از گردان ۲۷۰ نفره ناخدا داریوش ضرغامی، فقط ۱۷ نفر باقی مانده بودند که با خود ایشان که به شدت گریه می‌کرد، تخلیه شدند.

نمی‌توانم آمار دقیق و حتی تخمینی درباره شمار کسانی که شهر را تخلیه کردند، بدهم، اما فکر می‌کنم در مجموع حدود ۵۰۰ نفری را تخلیه کردیم. برخی از تکاوران با شنا و گریان، از کارون عبور کردند و به آن طرف رودخانه رفتند. من و فرماندهان گروهان و دسته‌ها و پرسنل، کنار اسکله ایستاده بودیم و به مردمی که شهر را ترک می‌کردند، کمک می‌کردیم. تخلیه نیروها تا حدود صبح ادامه پیدا کرد.

آن شب بر من چه گذشت، فقط خدا می‌داند و خودم. برخی از پرسنل و رزمنده‌ها زار زار گریه می‌کردند. بعضی خاک خرمشهر را می‌بوسیدند و بعد سوار قایق می‌شدند. معدود زنانی که باقی مانده بودند، شیون می‌کردند. ناچار بودم این صحنه‌ها را ببینم و به روی خود نیاورم. آب رودخانه داشت کم کم بالا می‌آمد. دشمن هم منطقه و پل را به شدت زیر آتش گرفته بود. در همین بین متأسفانه یکی از قایق‌ها غرق شد و کسانی هم که داخلش بودند داخل آب افتادند. نمی‌دانم چه بر سر آن‌ها آمد. یک قایق دیگر هم رفت آن طرف کارون دیگر برنگشت.

هنوز تعدادی باقی مانده بودند که تخلیه نشده بودند. وقتی دیدیم آن دو قایق یکی غرق شد و دیگری هم نیامد، به لنجی که کنار ساحل بسته شده بود، متوسل شدیم. همه نفرات باقیمانده سوار لنج شدند، طوری که جایی برای ایستادن هم نبود.

بی سیم را خرد کردیم، ماشینمان را آتش زدیم و آماده ترک شهر شدیم. من و ناخدا ضربعلیان آخرین نفراتی بودیم که خرمشهر را ترک می‌کردیم. هر دو گریه می‌کردیم. هوا دیگر روشن شده بود. همان موقع این فکر آزارم می‌داد و با خودم می‌گفتم: «اگر قرار بود عقب‌نشینی کنیم، پس چرا ۳۴ روز مقاومت کردیم و آن همه شهید دادیم؟ خون آن همه شهید چه می‌شود؟»

تمام وقایع آن ۳۴ روز که در خرمشهر مانده و مقاومت کرده بودیم، مثل فیلمی از جلوی چشمانم می‌گذشت و فقط می‌توانستم گریه کنم. خودم را با اشک سبک کردم. ناخدا ضربعلیان هم حال و روز بهتری از من نداشت.

موتور لنج کار نمی‌کرد. آن قدر آدم داخلش بود که تا نیمه داخل آب رفته بود. بچه‌ها با قنداق تفنگ و دست شروع کردند به پارو زدن. لنج کم کم از ساحل دور شد. آب از طرف دریا به طرف پل «مَد» می‌شد. برای لحظاتی احساس کردم جریان آب لنج را به طرف پل که زیر آتش عراقی‌ها بود، می‌برد. به بچه‌ها گفتم: «کسانی که شنا بلدند بپرند توی آب.»

چند نفری بلافاصله پریدند داخل رودخانه. طناب جلویی لنج را گرفتند و شروع کردند به کشیدن. بقیه هم با هر چه دستشان بود، پارو می‌زدند. با چنین وضعی به ضلع شرقی رودخانه کارون رسیدیم.

۳۱

وی افزود: «معمولاً در چنین نشست‌هایی، آنچه به عنوان اولین موضوع مورد بررسی قرار می‌گیرد، اتخاذ تدابیری برای کاستن از تبعات اعترافات فرد دستگیر شده و اسناد و مدارکی است که به دست نیروهای اطلاعاتی طرف مقابل می‌افتد.» در ماجرای ریگی، سعودی‌ها در چهار پنج سال گذشته پشتیبانی سیاسی و مالی گروه تروریستی موسوم به «جندالله» را انجام می‌دادند و بخش مهمی از سازمان اطلاعاتی پاکستان (ISI) هم پوشش‌های امنیتی برای ریگی و گروهش تدارک می‌دید و لذا طبیعی است که آن‌ها از دستگیری غافلگیر کننده رهبر این گروه شوکه شده باشند و به فکر سوخت کردن اطلاعاتی باشند که در اختیار ریگی است و طبیعتاً به مأموران ایرانی منتقل می‌شود، مانند اسامی و مشخصات اعضا، رابط‌ها، مدارک، مکان‌های استقرار افراد و اسناد و سرنخ‌های اطلاعاتی و ...

این منبع اطلاعاتی که نمی‌خواست نامش فاش شود افزود: «خبر دستگیری ریگی، چند ساعت بعد از اجرای عملیات نیروهای اطلاعاتی ایران رسماً منتشر شد، ولی سعودی‌ها از همان ساعت نخست و از طریق امارات در جریان قرار گرفتند و بلافاصله امیر مقرن بن‌عبدالعزیز، رئیس سازمان اطلاعاتی عربستان، با آنکه در ابتدا فکر می‌کرد حتماً اشتباهی شده است، دستور بررسی ابعاد این عملیات را به بخش‌های برون‌مرزی استخبارات عربستان صادر کرد.» وی همچنین از جوّ یأس و سرخوردگی در سازمان اطلاعات عربستان خبر داد و گفت: اگر می‌خواهید بدانید الان آن‌ها از نظر روحی در چه وضعیتی هستند، حالت معکوس خوشحالی ایرانی‌ها در پی دستگیری ریگی را در نظر بگیرید تا متوجه شوید چه افسردگی و استرسی در میان سران سعودی پدید آمده است؛ همان افرادی که در پی هر جنایت گروه ریگی، با خوشحالی و از طرق مختلف مانند شبکه «العربیه»، به ایران پیام‌های تهدیدآمیز و مبتنی بر قدرت‌نمایی می‌فرستادند.

این منبع مطلع با اشاره به اسناد و مدارک و نیز اعترافات اعضای گروه ریگی، که پیش‌تر دستگیر شده بودند، اظهار داشت: «در اینکه گروه تروریستی ریگی تحت حمایت عربستان بوده، تردیدی نیست، ولی هنوز نمی‌دانیم تاکنون چه مقدار کمک مالی در اختیار ریگی قرار گرفته است، ولی قدر مسلم می‌توان از صدها میلیون دلار سخن گفت.»

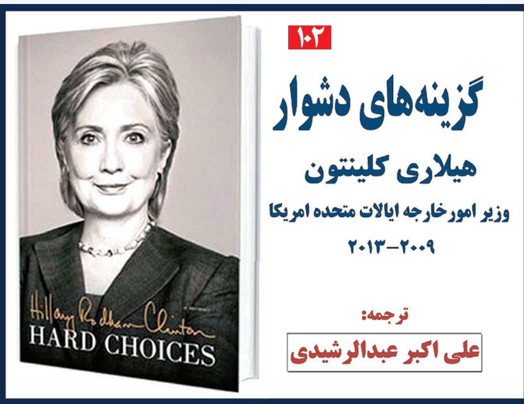
وی با بیان اینکه بعد از ترور شهید المبحوح در دوبی، برخی دشمنان ایران گفتند که این ترور، پیامی برای ایران بود، اظهار داشت: «حالا ما هم می‌گوییم که عملیات پیچیده دستگیری بن‌لادن ایرانی (ریگی) هم پیام ما به آن‌هاست و امیدواریم این پیام را درست درک کنند.

وی با بیان اینکه در حال حاضر سعودی‌ها مانند گرگ زخم خورده‌اند گفت: «امکان دارد تندروهای سعودی بخواهند با اقدامات ضدامنیتی توسط وابستگان خود در منطقه عقده‌گشایی کنند که این موضوع هوشیاری بیش از پیش نیروهای امنیتی را می‌طلبد که خوشبختانه با عملیات اخیر ثابت شد آن‌ها به همه جوانب کار اشراف کامل دارند و از این پس ان‌شاءالله، شاهد ثبات امنیتی بیشتری در شرق کشور خواهیم بود.»

ریگی کیست؟

عبدالمالک ریگی در سال ۱۳۶۱ در یکی از قبایل بلوچستان به دنیا آمد. قبایلی چون براهوئی، مری، ناروئی، شهنوازی، کهرازهی، گمشادزهی، بارکزهی. او یکی از اعضای طایفه ریگی است. عبدالمالک تحصیلات کلاسیک ندارد و فقط چند سال در یکی از حوزه‌های علمیه اهل سنت مشغول به تحصیل بوده که البته از آنجا نیز اخراج شده است. ریگی خودش را «خادم جندالله» می‌خواند. او دارای سابقهٔ شرارت و یک مورد چاقوکشی به خاطر مسائل قبیله‌ای است. در داخل شهر زاهدان است و به همین دلیل هم زندانی شده است. اما بعد از آزادی خود را زندانی سیاسی معرفی کرده است. بنا به گفته خودش، از نوزده سالگی اسلحه به دست گرفته و به عملیات تروریستی پرداخته است. گفته می‌شود ریگی پیش از آغاز فعالیت‌های تروریستی برای جلب حمایت علمای اهل سنت منطقه ـ که به مولوی‌ها مشهورند ـ نزد آن‌ها رفت، اما آن‌ها برای حرف‌هایش اهمیتی قائل نشدند.

ادامه دارد



خندیدم و قول دادم اطلاعات بیشتری در این زمینه در اختیارش بگذارم.

به هتل بازگشتم. شب که شد بیرون از اتاق دور میز بزرگی با هیات خبرنگاران امریکایی نشسته بودم. سعی می کردم آنچه را آنروز دیده بودیم خلاصه کنم. قدمهایی که دولت غیرنظامی برداشته بود از جمله کاهش محدودیتها بر رسانه ها و جامعه مدنی، آزادی آنگ سان سوچی از حبس خانگی، آزادی ۲۰۰ زندانی سیاسی دیگر و تصویب قوانین جدید کار و انتخابات، قدمهای مهمی بود. تین سین به من قول داده بود که همین راه را ادامه خواهد داد و اصلاحات بیشتری را ایجاد خواهد کرد. اما من می دانستم که [در کشوری مثل برمه] کورسوهای پیشرفت خیلی راحت خاموش می شوند. یک ضرب المثل قدیمی برمه ای می گوید:

– "وقتی باران می بارد، آب ذخیره کن."

[معنای این ضرب المثل چیزی شبیه این است که باید از فرصت به دست آمده استفاده کرد.] زمان مناسبی فرا رسیده بود تا این اصلاحات تحکیم یابد، به آینده گره بخورد، ریشه بدواند و غیر قابل برگشت شود. همانطور که به تین سین گفته بودم، اگر برمه راه اصلاحات را انتخاب می کرد، ایالات متحده آماده بود همراه با مردم برمه در مسیر اصلاحات گام بردارد.

پرواز تا رانگون فقط ۴۰ دقیقه به طول انجامید. اما تفاوت بین "نای پای تاو" و رانگون به اندازه ای زیاد بود که انگار از آن شهر ارواح به دنیای متفاوت دیگری پا نهاده ایم. رانگون بیش از چهار میلیون نفر جمعیت دارد که در خیابانهای شلوغ و جاذبه های قدیمی باقی مانده از دوران استعمار زندگی می کنند و رفت و آمد دارند. دهها سال انزوا و سوء مدیریت در نماهای فروریخته ساختمانها و رنگهای پوسته شده دیوارها خودنمایی می کند. می شود تصور کرد چرا این شهر زمانی نگین جواهر آسیا بوده است. معبد مرکزی "شوداگون پاگودا"[39] در قلب رانگون قرار دارد.

این معبد که به شکل مخروط ساخته شده، با ۲۵۰۰ سال قدمت متعلق به بودایی ها است. بدنه آن طلایی براق است و در آن تعداد بیشماری مجسمه طلایی بودا قرار داده شده است. به هنگام بازدید از این معبد به احترام مردم و برای رعایت آداب محلی کفشهایم را در آوردم. با پای برهنه از تالارهای عظیم معبد بازدید کردم. ماموران امنیتی از درآوردن کفش نفرت دارند. انگار بدون کفش نمی توانند در شرایط اضطراری وارد عمل شوند.

عده ای از رهبران مذهبی بودایی و تعدادی از مردم نظاره گر، ما را همراهی می کردند. در برابر بودای بزرگ شمع روشن کردم. بعد مرا به جلوی زنگ بزرگی بردند و می گفتند این زنگ ۴۰ تُن وزن دارد. رهبران مذهبی بودایی یک چماق طلایی بزرگ به دست من دادند و خواستند سه باز زنگ را به صدا درآورم. بعد به من یاد دادند که ۱۱ فنجان آب روی یک مجسمه گچی کوچک بودا بریزم. این یک شیوه سنتی ادای احترام به بودا بود. پرسیدم:

– "آیا می توانم ۱۱ آرزو بکنم؟"

این آغازی بسیار جذاب برای آشنا شدن با فرهنگ برمه بود اما این برنامه خیلی بیشتر از یک نمایش ساده بود. امیدوار بودم با این کارها برای مردم برمه پیامی ارسال کنم و آن اینکه امریکا به تعامل با آنها و با دولت آنها علاقمند است.

سرانجام شب، آنگ سان سوچی را دیدم. ملاقات در کنار دریاچه در ویلایی که محل زندگی سفیران امریکا بود انجام شد. همان کت سفیدی را که با خود آورده بودم با یک شلوار سیاه به تن کردم. دیگر آن توصیه احتیاط آمیز نسبت به انتخاب رنگ لباس رسما فراموش شده بود.

ادامه دارد

پی نویس:

39-Shwedagon Pagoda

شکست سیاست آمریکا درباره سوریه

■ بخش دوم و پایانی

ناتوانی واشنگتن در حل بحران سوریه

اشاره:

بحران سوریه طی چند سال اخیر مستقیما توسط آمریکا و برخی کشورهای عرب حوزه خلیج فارس به صورت مصنوعی ساخته شده است. واشنگتن روزی از حمایت از آنچه مخالفان میانه روی سوری می‌خواند، سخن می گوید و روزی ائتلاف علیه آنچه نبرد با داعش خوانده را رهبری می کند. این مسائل موجب شده تا وجهه آمریکا در منطقه بیش از پیش تخریب شود. در این مطلب برآنیم تا به بررسی شکست سیاست آمریکا در قبال سوریه بپردازیم.

***

مقامات سابق و فعلی آمریکا می‌گویند که جهانی شدن شبکه‌های اجتماعی و توییتر و پخش ۲۴ ساعته اخبار این توقع را در داخل و خارج از آمریکا به وجود آورده که واشنگتن باید بلافاصله در زمینه هر گونه مساله سیاست خارجی موضعی را اتخاذ کند. این تقاضا برای موضع گیری سریع آمریکا و رهبران آمریکا می‌تواند دشوار باشد.

ژنرال جیمز جونز که از ارتش آمریکا بازنشسته شده و از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۰ مشاور امنیت ملی اوباما بوده اظهار داشت: یکی از بزرگترین مشکلات در واشنگتن پیداکردن زمانی است که راهبردی فکر کنیم نه تاکتیکی. شما از خواب بیدار می شوید و می‌بینید که بحران جدیدی وجود دارد و سپس شروع به رسیدگی به آنها می‌کنید. با وجود آنکه گاهی اوقات اوباما را در زمینه امور خارجه منفعل یا غیرمتعهد نشان داده‌اند اما او خیلی فراتر از آنکه منفعل یا غیرمتعهد باشد تصمیم گیری ها را به پیش می‌برد. به گفته مقامات سابق آمریکایی که در نشست‌ها با اوباما بوده‌اند او خود را برای نشست‌ها کاملا آماده می‌کند، حافظه‌اش مثل یک دایره‌المعارف است و به طور روشمند مشکلات را از هم تجزیه می‌کند.

اوباما به عنوان استاد سابق علم حقوق بر نشست‌های سیاست خارجی تسلط دارد و اینگونه نشست‌ها را چه شامل گردهمایی ها در دفتر بیضی شکل کوچک او باشند و چه نشست‌های رسمی شورای امنیت ملی باشد ریاست می‌کنند. اوباما کسی است که از اعضای کابینه خود خواسته نظرات مخالف خود را اعلام کنند و از مقامات سطح پایین‌تر نیز که معمولا به طور سنتی در چنین نشست‌هایی حرف نمی‌زنند خواهان اظهارنظر شده است. برخی از دستیاران اوباما گلایه کردند که دیدگاه‌های متفاوت درخصوص برخی موضوعات نظیر سوریه تاثیر چندانی بر نظر رئیس جمهوری و حلقه داخلی وی نداشته است.

به گفته یک مقام بلندپایه سابق آمریکا، به رغم جلسات بحث آزادی که اوباما برگزار می کرد، اما نشست‌هایی که در آنها حتی وزرای کابینه نیز حضور داشتند چیزی بیش از نشست‌هایی کاملا رسمی نبودند و تصمیم‌ها را تنها اوباما و دستیاران انگشت‌شمار کاخ سفید می گرفتند.

فرد هوف، فرستاده سابق وزارت امور خارجه آمریکا به سوریه می گوید، اوباما علاوه بر اینکه فرمانده کل قوا است خود را در زمینه برخی مسائل تحلیلگر کل قوانیز درنظر می گیرد. فرد هوف خاطرنشان ساخت: او خودش بسیاری از قضاوت‌های بسیار اساسی را بر پایه غرایض خودش و همچنین دانش و غرض‌ورزی‌هایش اتخاذ کرده است.

حامیان رئیس جمهور آمریکا می‌گویند رویکرد وی براساس اصول و نه غرض‌ورزی است. اوباما رهبری برنامه پایان دادن به جنگ عراق را بر عهده گرفت و دیدگاه‌هایش را درباره اقدام نظامی در خاورمیانه کاملا شفاف مطرح کرد. اوباما معتقد بود که هزینه‌های مالی و انسانی مداخله‌های تمام عیار ارزش نتایج محدودی که به بار می‌آورند را ندارند. او تاکید کرد که نیروی نظامی آمریکا نمی‌تواند دینامیک‌های داخلی کشورهای منطقه و خاورمیانه را تغییر دهد.

بحث سوریه

اوباما در اوت ۲۰۱۱ در بیانیه‌ای متشکل از ۶۲۰ کلمه درباره سوریه منتشر کرد که دستیارانش امیدوار بودند او را در مسیر درست تاریخ قرار دهد. او پس از چند هفته فشار کنگره افراد سوری- آمریکایی و هم‌پیمانانش در خاورمیانه و اروپا از بشار اسد خواست تا از قدرت کناره گیری کند. اوباما اظهار داشت: زمان آن رسیده که مردم سوریه سرنوشت خودشان را تعیین کنند. رابرت فورد که از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴ سفیر آمریکا در سوریه بوده اگرچه گفته بود از این بیانیه حمایت می‌کند اما اکنون از بابت آن تاسف می‌خورد زیرا واشنگتن حرف‌هایش را عملی نکرد.

او تاکید کرد که مورد سوریه نشان دهنده این الگو در دولت آمریکا است که درباره برخی مسائل بیانیه‌های علنی منتشر کند بدون آنکه یک سیاست روشن نسبت به آنها توسعه دهد. هنگامی که بشار اسد از کنار رفتن از قدرت امتناع کرد کاملا مشخص شد که دولت آمریکا و همپیمانانش طرح یا اراده‌ای سیاسی در قبال سوریه برای آنکه او را به زور از قدرت خارج کنند در دست ندارد. پس از آن اعتبار آمریکا و اروپا در منطقه کاهش یافت. ترکیه و دیگر کشورهای عربی با در اختیار گرفتن مساله کنار رفتن بشار اسد از قدرت از ظهور گروه‌های افراط گر در سوریه حمایت کردند یا چشم خود را نسبت به این مساله بستند.

مقامات آمریکایی به‌این کشورها هشدار دادند که کنترل این شبه نظامیان غیرممکن خواهد بود. به گفته یک مقام سابق آمریکایی ترک‌ها در پاسخ گفتند وقتی واشنگتن خودش در حاشیه نشسته است آنها هیچ انتخاب دیگری ندارند مگر آنکه از افراط گران مخالف بشار اسد حمایت کنند. پس از آنکه در سال ۲۰۱۲ افراط گران در میان مخالفان سوریه قدرت پیدا کردند اعضای کابینه دولت اول اوباما از اقدام محرمانه آمریکا در سوریه حمایت کردند. در تابستان سال ۲۰۱۲ سه مشاور ارشد خارج از کاخ سفید یعنی کلینتون، پانتا و پترائوس پیشنهاد دادند که سازمان سیا آن دسته از شورشیانی سوری که میانه‌رو خوانده شدند را آموزش دهد و تجهیز کنند.

رابرت فورد خاطرنشان ساخت که در همان زمان ارتش آزاد سوریه هشدار داد که گروه‌های شبه نظامی در حال جذب نیرو با دادن پول هستند و مقامات آمریکایی نیز به طور مستقل چنین چیزی را تایید کردند. این در حالی بود که این شورشیان دوست با غرب خودشان پول چندانی نداشتند که با گروه‌های شبه نظامی مقابله کنند. در دسامبر ۲۰۱۲ اوباما با این طرح پیشنهادی مخالفت کرد. ۸ ماه بعد در اوت ۲۰۱۳ مقامات اطلاعاتی آمریکا مدعی شدند که بشار اسد در حومه دمشق از سلاح شیمیایی علیه شورشیان استفاده کرده و هشدارهای علنی اوباما درباره خط قرمز بودن حملات شیمیایی را نادیده گرفته است. بالغ بر یک هفته اوباما در آستانه اجرای حملات هوایی علیه سوریه قرار داشت.

اوباما پس از پیاده‌روی با دنیس مک‌دونو دستیار پرسابقه خود و رئیس دفترش در حیاط کاخ سفید بدون آنکه با اعضای کابینه امنیت ملی خود مشورت کند نظرش را تغییر داد و اعلام کرد که برای حمله به سوریه به دنبال تایید کنگره خواهد بود؛ تاییدی که هرگز عملی نشد. به جای آن واشنگتن و مسکو به توافق رسیدند تا سلاح‌های شیمیایی سوریه را از بین ببرند. مقاماتی که برای این گزارش مورد مصاحبه قرار گرفتند از مساله عقب‌نشینی اوباما از حملات موشکی به سوریه به عنوان آشکارترین مورد عدم مشارکت اوباما در مشورتی کامل با مقامات کابینه پیش از گرفتن یک تصمیم راهبردی نام می‌برند. مقامات وزارت امور خارجه آمریکا چند سال هشدار دادند که افراط گران از خلا قدرت در سوریه بهره خواهند برد.

رابرت فورد گفت: ما می گفتیم که این منطقه تحت کنترل افراط گران قرار خواهد گرفت و آنها به مناطق خود در عراق خواهند پیوست. فورد نتیجه گیری می کند که اوباما تصمیمی اشتباه گرفت. او می گوید کاملا واضح است که شورشیان سوری که تحت عنوان ارتش آزاد علیه دولت مشروع سوریه می جنگند برای مقابله با افراط گران نیاز به کمک بیشتر ما داشتند. یک مقام سابق دیگر که در سیاست گذاری سوریه دولت آمریکا مشارکت داشته از اوباما دفاع می کند. او گفت: در نخستین سال‌های جنگ در سوریه درحالی که جنگ عراق همچنان در ذهن مردم حضور داشت دستیاران بلندپایه اوباما تلاش می کردند تا منافع امنیت ملی حیاتی بیابند که ارزش مداخله آمریکا را داشته باشد.

این مقام آمریکایی تاکید کرد: بحث درباره هشدارهای تروریستی در جریان بود اما کاخ سفید پاسخ داد که به نسبت مداخله در سوریه راه‌های ارزان‌تر و موثرتری برای رسیدگی به این تهدید وجود دارد. جولیان اسمیت دستیار سابق شورای امنیت ملی آمریکا اظهار داشت: سال‌های دولت اوباما درسی به ما می‌دهد. وی نتیجه‌گیری می‌کند سیاست اوباما متمرکز کردن تصمیم گیری با امید اعمال کنترل بیشتر است اما چنین کاری چابکی دولت آمریکا و تاثیر گذاری آن را در زمان‌هایی که به این ویژگی بیش از هرچیز نیازمندیم محدود می کند.

رو شدن دست آمریکا

زمانی که حملات آمریکا و همپیمانانش در چارچوب ائتلاف ضد داعش در سوریه آغاز شد برخی گمان کردند که نظام سوریه مدت زمانی طولانی روی کار نخواهد ماند و این حملات به براندازی حکومت بشار اسد منجر خواهد شد.

سایت اینترنتی النشره در تحلیلی تحت عنوان «آمریکا دست خود را رو کرد، به جای مبارزه با اسد با وی مذاکره می کند» نوشت: اخبار موثقی از آمریکا حکایت از این دارد که واشنگتن به سوری‌ها در خصوص حملات ضد داعش قبل از ترتیب دادن آن خبر داده و تعهد داده بود که نظام سوریه آماج حملات جنگنده‌های آمریکایی قرار نمی گیرد اما علیرغم این مساله همچنان برخی معتقدند که آمریکایی ها پشت همپیمانان عرب خود را به ویژه آنهایی که در حملات ائتلاف مشارکت دارند خالی نمی کنند و فعالیت‌هایشان روی براندازی بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه در سریع ترین فرصت ممکن متمرکز است. اما واشنگتن به این رویاپردازی‌های مخالفان دمشق پایان داد و جان کری، وزیر خارجه آمریکا اعلام کرد که کشورش برای از سرگیری مذاکرات با بشار اسد در خصوص راه حل سیاسی برای بحران سوریه عمل می کند. این اظهارات لطمه‌ای را به بسیاری از عرب‌ها وارد کرد چرا که این اظهارات دو معنی دارد که بسیاری تمایلی به شنیدن آن‌ها ندارند:

۱- نزدیکی روابط میان آمریکایی‌ها با روسیه و ایران از سر گرفته شده است که این مساله احتمالا به نحوی بر اوضاع خاورمیانه تاثیر می گذارد که باعث لطمه زدن به روسیه، ایران و سوریه نمی‌شود.

۲- آمریکا تمایلی به براندازی نظام اسد ندارد و برای رسیدن به این امر تلاش نمی کند بلکه بالعکس نظام سوریه را بازیگری اساسی می‌داند که نمی‌تواند از آن صرف نظر کند در نتیجه به جای براندازی نظام سوریه باید با آن مذاکره کند چرا که حضور نظام سوریه در میز مذاکرات بهتر از نبود آن است اما از این اظهارات این مقام آمریکایی می‌توان یک برداشت دیگری نیز کرد که عبارت از این است که آمریکا، روس‌ها، ایرانی‌ها و رئیس جمهوری سوریه را به این مساله قانع کند که اوضاع به منوال گذشته باز نخواهد گشت و اگر این مساله درست باشد که اسد دست کم تا پایان دوره ریاست جمهوری خود در قدرت باقی بماند بنابراین این مساله نیز درست است که حصول توافق برای حل بحران سوریه نیازمند این است که دولت سوریه به این مساله اذعان کند که باید درخواست‌های مخالفان را مد نظر قرار دهد.

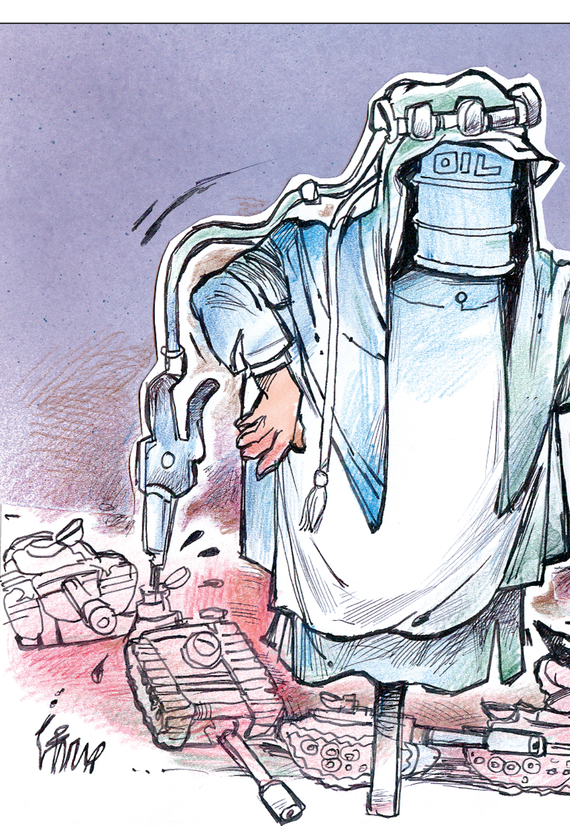
اما بی‌شک آمریکا از حضور نظام سوریه در میز مذاکره بهره سیاسی می‌برد و این مساله بدان معناست که آمریکا مواضع نرمتری را در خاورمیانه اتخاذ کرده است و تمایل دارد روسیه و ایران نیز با انعطاف بیشتری درخصوص تعدادی از مسائل در مناطق دیگری از جهان یا درخصوص پرونده‌هایی که همچنان پیچیده هستند برخورد کنند.

این اظهارات کری از هیچ و پوچ نیامده است چرا که وارد کردن عربستان به این طرح نیز می‌تواند ضامن موفقیت آمیز بودن این طرح در سطح منطقه باشد. زمانی که کری در خصوص تماس‌هایی با عربستان، ایران و روسیه صحبت می‌کند به این معناست که دیر یا زود عربستانی‌ها خود را در میز مذاکرات با ایرانی‌ها می‌بینند.

برخی بر این باورند که این سخنان مسئول دستگاه دیپلماسی آمریکا به منزله این است که واشنگتن مانعی از ارتباط میان عربستانی‌ها و ایرانی‌ها نمی‌بیند. این اظهارات آمریکا باعث دودستگی در دیدگاه‌های شخصیت‌هایی در آمریکا و خارج از این کشور می‌شود. همچنین بسیاری از آنچه که رخ داده است ناراضی هستند و معتقدند که آمریکا به عرب‌هایی که در کنار واشنگتن ایستادند و خواهان تلاش‌هایی برای براندازی نظام سوریه شدند، پشت کرده است.

اما در این حال برای آگاهی از رویکردهای آمریکا، مساله منافع در اولویت قرار دارد و منفعت آمریکا درحال حاضر ایجاب می‌کند که این کشور سوار بر موج مخالف جریان روسیه و ایران در مورد پرونده سوریه شود. هر چند که این مساله به ناراحتی عربستان و برخی از کشورها بینجامد و تشدید مواضع علیه ایرانی‌ها و روس‌ها در حال حاضر به نفع آمریکا نخواهد بود.

کری هم‌چنین گفته است: آمریکا با روسیه، عربستان و ایران برای از سرگیری مذاکرات با بشار اسد، در خصوص توافق سیاسی عمل می‌کند چرا که همه ما می‌دانیم که راه حل نظامی در سوریه وجود ندارد.



***هنگامی که بشار اسد از کنار رفتن از قدرت امتناع کرد کاملا مشخص شد که دولت آمریکا و همپیمانانش طرح یا اراده ای سیاسی در قبال سوریه برای آنکه رئیس جمهوری قانونی سوریه را به زور از قدرت خلع کنند در دست ندارد**

***اوباما اعلام کرد که برای حمله به سوریه به دنبال تایید کنگره خواهد بود؛ تاییدی که هرگز عملی نشد**

وزیر اطلاعات: امنیت باید توأم با نشاط باشد

سرویس شهرستانها ـ وزارت اطلاعات ایران الگوی کار اطلاعاتی شرعی را نشان خواهد داد تا همه بدانند لازمه انجام کارهای اطلاعاتی در پیش گرفتن اقدامات خلاف شرع نیست.

حجت‌الاسلام والمسلمین سیدمحمود علوی وزیر اطلاعات در شورای اداری استان همدان با بیان این مطلب افزود: این وزارتخانه عضو دولت و در چارچوب سیاست‌های آن عمل می‌کند اما ارائه خدمات آن منحصر به دولت به معنای کابینه نیست.

وی افزود: ما سربازان رهبری هستیم که همراه و در کنار سربازان نظام در حوزه‌های دیگر خدمت می‌کنیم. وظیفه این وزارتخانه کمک و همکاری با سایر نهادها و دستگاه‌های اطلاعاتی در اجرای ماموریت‌ها است.علوی اضافه کرد: نمی‌توان در هر مسئولیتی به بهانه حفظ نظام از احکام دینی عبور کرد چرا که این‌گونه اقدامات و تحرکات خلاف شرع، با اسلام در تضاد است.

وزیر اطلاعات با ذکر اینکه وظیفه نهادهای اطلاعاتی فراهم کردن امنیت توام با نشاط است افزود: امنیتی که جامعه را در بخش‌های مختلف به چالش بکشد، ثمری ندارد چرا که امنیت باید همراه با سرور باشد.

وزیر اطلاعات با بیان اینکه برخی از افراد، همسو با دشمنان نظام حرکت می‌کنند که شمار آنها بسیار اندک است و تمامی آنها در چنگ نیروهای نظامی و امنیتی فعال در کشور قرار دارند افزود: با توجه به تلاش‌های دشمن برای ضربه زدن به نظام اسلامی تمامی تلاش خود را باید معطوف به تقابل با دشمن کرد.

علوی رسالت وزارت اطلاعات را حمایت از سرمایه‌گذار خواند و افزود: وزارت اطلاعات با مفاسد اقتصادی که سرمایه‌گذار را دچار سرخوردگی می‌کند با جدیت برخورد می‌کند.

وزیراطلاعات در بدو ورود به استان همدان، با حضور در گلزار شهدا با اهدای گل و قرائت فاتحه، به شهدا ادای احترام کرد.

قصور در مدارک ارسالی برای سازمان وظیفه عمومی، سبب صدور کارت جعلی فوتبالیست‌ها شد

سرویس حوادث: معافیت‌های ایثارگری، کفالت و پزشکی صادر شده برای فوتبالیست‌های متخلف در قبال مدارکی که برای سازمان نظام وظیفه ارسال شده بود صادر شده است که بررسی‌ها درباره اینکه چه کسانی این مدارک را تهیه و تایید کرده‌اند ادامه دارد.

سردار سیدحمید صدرالسادات رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا در جریان بازید از نمایشگاه مطبوعات با حضور در غرفه روزنامه اطلاعات با بیان این مطلب و با اشاره به اینکه صدور کارت معافیت برای افراد در قبال ارائه مدارکی است که در قانون پیش‌بینی شده است افزود: مثلاً کسی که معافیت تحصیلی می‌خواهد حتما باید در دانشگاه قبول شده باشد و از طریق دانشگاه این موضوع تایید شود و در این صورت سازمان به این فرد معافیت تحصیلی می‌دهد. کسی که می‌خواهد معافیت پزشکی بگیرد هم به همین ترتیب باید مشکل جسمی او از سوی پزشکانی که با سازمان همکاری دارند معاینه و تایید شود.وی افزود: درخصوص معافیت‌های ایثارگری هم سوابق از طریق دستگاه‌های مربوطه ارائه و افراد از این نوع معافیت بهره‌مند می‌شوند اما در موضوع کارت جعلی فوتبالیست‌ها در این روند اتفاقاتی افتاده است. صدرالسادات اضافه کرد: مدارکی که برای درخواست میزان ایثارگری به سازمان مربوطه ارائه شده معتبر نبوده و گواهی درستی صادر نشده است که باتوجه به بررسی‌ها دراین خصوص برخوردهای لازم صورت گرفته است.وی گفت: درخصوص گواهی پزشکی برای معافیت هم درحال بررسی هستیم که این مدارک رابه چه طریق تامین و ارائه کرده اند؟ صدرالسادات افزود: مدارک ارائه شده در بخش درخواست معافیت برای پزشکی،ایثارگری و کفالت مورد تخلفی است که با آن برخورد شده و تا یک ماه آینده نتیجه آن نهایی می‌شود.

بخشودگی اضافه خدمت سربازان

رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا درباره بخشودگی اضافه خدمت سربازان هم افزود: خدمت سنواتی سربازانی که با غیبت وارد خدمت وظیفه شده‌اند با ابلاغیه مقام معظم رهبری در عید غدیر بخشیده شده است. وی اضافه کرد: کسانی که ۲۲ بهمن امسال برای خدمت معرفی می‌شوند اگر اضافه خدمت داشته باشند مورد بخشش قرار می‌گیرند و سربازان متاهل و صاحب فرزند هم اگر تا شهریور سال آینده به خدمت اعزام شوند، اضافه خدمت آنها بخشیده خواهد شد.

ابطال گذرنامه ۲۰ فوتبالیست متخلف

سرهنگ رضایی‌نژاد رئیس پلیس گذرنامه و مهاجرت ناجا از ابطال گذرنامه ۲۰ فوتبالیست متخلف به دلیل جعلی بودن مدارک ارائه شده برای گرفتن کارت پایان خدمت خبر داد.

تغییرات ساختاری می‌تواند بساط بروز منکر را در جامعه برچیند

سرویس حوادث: معاون فرهنگی قوه قضائیه ایجاد تغییرات و بهسازی در عملکردها و ساختارها در همه سازمان‌ها را بهتر از گفتن درخصوص امر به معروف و نهی از منکر می‌داند.

حجت‌الاسلام والمسلمین صادقی درحاشیه دیدار از نمایشگاه مطبوعات (غرفه روزنامه اطلاعات) افزود: کلیات تعیین روش‌های امر به معروف و نهی از منکر درفقه مان آمده است وباید به سراغ جامعه شناسان، روانشناسان و گروه‌های تربیتی جامعه برویم و بدانیم که چه روشی را برای برخورد میان افراد تعریف کنیم که مؤثر و مفید باشدو منجر به درگیری نشود و عملاً منکر را برچیند.

وی افزود: هدف، تغییر ساختار در حیطه‌هایی باید باشد که سبب بروز منکر می‌شود و این تغییر ساختارها می‌تواند در همه موضوعات فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی باشد. مثلاً وقتی ساختار بانکی سبب فساد می‌شود، باید جلو آن را گرفت.

وی با تأکید براینکه ما به دنبال فرهنگ‌سازی در اجرای امر به معروف و نهی از منکر در جامعه باید باشیم اضافه کرد: حمایت از آمران به معروف از نکات مورد توجه قوه قضائیه است و در این میان باید همه رسانه‌ها و مسئولان فرهنگی پای کار بیایند و امر به معروف بیشتر به مردم شناسانده شود و روش درست بیان آن فرهنگ‌سازی و جلو روش‌های تخریب گرفته شود.

صادقی افزود: یکی از ابعاد امر به معروف و نهی از منکر برخورد مناسب کارکنان و قضات با ارباب رجوع است که این موضوع موردتأکید رئیس قوه قضائیه هم قرار دارد و به نوعی ما پیگیر اخلاق حرفه‌ای به عنوان روشی برای اجرایی شدن کامل امر به معروف در دستگاه قضا هستیم.صادقی با اشاره به اینکه تحکیم مبانی اعتقادی، معروف دیگری است که می‌تواند جلو منکر را بگیرد، افزود: وقتی مبانی اعتقادی وایمانی افراد سست شود، در آن صورت شاهد بروز تخلفات هستیم و کار زیر بنایی در همه سازمان‌ها و نهادها و دستگاه باید تحکیم مبانی ایمانی و اعتقادی افراد براساس مبانی اسلامی و دینی باشد.

رسالت بزرگ بسیج

رئیس سازمان‌بسیج‌مستضعفین کشور گفت: نیاز اساسی دو فریضه الهی امر به معروف و نهی از منکر زبان نرم و برخورد انسانی برگرفته از آموزه‌های دینی است.

سردار نقدی در دیدار بسیجیان فیروزآباد فارس افزود: امر به معروف و نهی از منکر نیاز به سلاح، لباس مخصوص و کارت ندارد بلکه اجرای این فریضه الهی برخورد بر اساس آموزه‌های دینی است.

تویسرکانی: تغییر کاربری و تصرف اراضی دولتی نگران کننده است

سرویس خبر: رئیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، با اشاره به اینکه بخشی از اراضی کشور متعلق به دولت است و به موجب قانون دستگاه‌های مختلفی وظیفه حفاظت و حراست از اراضی را بر عهده دارند، گفت: وظیفه حفظ کاربری‌های اراضی کشاورزی به عهده سازمان امور اراضی است و اگر تغییر کاربری قرار است در حوزه شهری انجام شود، شهرداری‌ها باید مجوز دهند.

دکتر احمد تویسرکانی در بازدید ازغرفه روزنامه اطلاعات افزود: گاهی در رابطه با تخلفاتی که مطرح می‌شود، تعللی از طرف دستگاه‌ها صورت می‌گیرد که اگر آنان وظیفه خود را انجام دهند، ما شاهد این گونه مسائل مطرح شده نخواهیم بود.

او جلوه بارز زمینخواری ونگران کننده را تغییر کاربری‌ها و تعدی و تصرف اراضی دولتی دانست و گفت: آنچه که ما مدعی آن هستیم بخش‌های دولتی و دستگاه‌های متولی برای دریافت اسناد مالکیت محدوده‌های اراضی به سازمان ثبت اسناد مراجعه کنند و دستگاه‌هایی که مکلف به حفظ کاربری هستند اجازه تغییر کاربری ندهند.

وی در ادامه سخنانش با اشاره به این که در سازمان ثبت اسناد یکی از برنامه‌های اصلی ما اجرای طرح کاداستر است که حدود مالکیت‌ها را تعیین می‌کند، افزود: دستگاه‌ها و اشخاصی که فاقد اسناد رسمی هستند برای دریافت سند رسمی به سازمان ثبت اسناد مراجعه کنندتا بخش‌ها و محدوده مالکیت‌ها را تثبیت کنیم و اجازه ندهیم دخل و تصرفی انجام شود یا احیاناً اگر تصرفی صورت می‌گیرد، دستگاه‌ها به فوریت عکس العمل نشان دهند.

وی افزود: اسناد مالکیت رسمی معنایش این است که معارضی نداشته باشد و برای آن سند رسمی صادرشود. معاون رئیس قوه قضائیه گفت: در دفتر خانه‌ها ما بحث شفاف سازی داریم و بر همین اساس تخلفات به حد صفر رسیده است.

وی در پایان سخنانش فعالیت روزنامه اطلاعات در اطلاع‌رسانی اخبار را مثبت ارزیابی کرد و گفت: مردم به دلیل سابقه زیاد روزنامه اطلاعات انتظارات بیشتری از آن دارند که بنده فکر می‌کنم توانسته است انتظارات آنان را برآورده کند.

پزشکی قانونی صدمات قربانیان اسیدپاشی را به طور دقیق بررسی می کند

سرویس خبر: مدیر کل پزشکی قانونی استان تهران، با اشاره به اینکه این اداره به عنوان یک ارگان کارشناسی خدمات را در قالب استعلامات قضایی ارائه می‌کند، گفت: این استعلامات ممکن است مصدومان ناشی از اسید پاشی باشند که البته از این حوادث در تهران نداشتیم.

دکتر نازپرور در بازدید از غرفه روزنامه اطلاعات در نمایشگاه مطبوعات افزود: اگر قربانی اسید پاشی به پزشکی قانونی مراجعه کند نوع صدمات وجراحات اسید پاشی را مشخص می‌کنیم تا براساس آن دادگاه بتواندعلاوه بردریافت خسارت یا قصاص، مجازات‌های خود را هم در نظر بگیرد.

او اظهار داشت: بدترین خسارتی که قربانی اسیدپاشی می‌تواند داشته باشد، بحث نابینایی و تغییر چهره است که در بحث نابینایی دیه به طور کامل و چهره هم تا ۴۰ درصد دیه کامل تعلق می‌گیرد.

او اظهار داشت: علاوه بر این که طرف ابرو، بینی و گوشش را از دست می‌هد بابت هر بخش دیه آن پرداخت می‌شود. گاهی ممکن است در اسید پاشی به یک صورت حداقل با چهار برابر دیه برابری کند.نازپرور اظهار داشت: در خیلی از موارد اسید پاشی قابل قصاص نیست بلکه قابل خسارت است که طبق نظریه پزشکی قانونی توسط دادگاه تعیین خواهد شد. وی عملکرد قوه قضائیه در برخورد با اسید پاشان را مثبت ارزیابی کرد و گفت: این نهاد بدون توجه به حاشیه‌ها حکم صادر کرده است و همین امر کمک می‌کند از میزان این جرائم کم شود.او روزنامه اطلاعات را قدیمی‌ترین رسانه نام برد و افزود: مطالب روز و خواندنی این روزنامه سبب شده است تا بنده آن را هر روز تهیه و مطالعه کنم.

کسی حق ندارد به اسم امر به معروف با مردم برخورد فیزیکی کند

سرویس خبر: اجرای امر به معروف و نهی از منکر مراتب دارد و مرحله برخورد فیزیکی با افرادی که حریم دین و محرمات الهی را می‌شکنند، بر عهده حکومت است؛ کسی حق ندارد به اسم امر به معروف و نهی از منکر با مردم برخورد فیزیکی کند.

حجت‌الاسلام والمسلمین منتظری رئیس دیوان عدالت اداری در جلسه هیات عمومی دیوان با بیان این مطلب و تقدیر از مجلس شورای اسلامی به خاطر اهتمامش در قانونی کردن، اصل امر به معروف و نهی از منکر افزود: این دردآور و ناگوار است که موضوعی که قانون اساسی بر آن تاکید دارد و یکی از فرایض مهم دینی ما محسوب می‌شود و لازم است به شکل قانون درآمده و با تعیین حدود و ثغور آن، وظایف بخش‌های مختلف اعم از مردم و دستگاه‌های اجرایی و دولت مشخص شود، مورد بی‌مهری قرار گیرد. وی گفت: اسلام به هیچ وجه اجازه نمی‌دهد کسی بخواهد خودسرانه وارد عرصه برخورد فیزیکی با مردم شود.

۳ فوتبالیست روستایی در حادثه رانندگی جان باختند

اردبیل: بر اثر یک سانحه رانندگی در مشکین شهر، ۳ فوتبالیست روستایی جان باختند و ۳ نفر دیگر مصدوم و راهی بیمارستان شدند.

این حادثه رانندگی در ۵ کیلومتری جاده مشکین شهر - اردبیل بر اثر برخورد یک وانت نیسان با یک سواری آردی رخ داد.سرنشینان سواری آردی ۵ فوتبالیست از اهالی روستای «بیجق» بودند که هنگام مراجعت از ورزشگاه به روستا دچار حادثه شدند. سرهنگ حسین پور فرمانده پلیس راه اردبیل ـ مغان علت این حادثه را انحراف به چپ وانت نیسان اعلام کرد.

پیکر مطهر ۷۵ شهید دفاع مقدس به میهن اسلامی بازگشت

سرویس شهرستانها ـ پیکر مطهر ۷۵ شهید دفاع مقدس در آیینی دیروز با حضور کاروان‌های راهیان نور از مرز شلمچه وارد میهن اسلامی شد.

فرمانده قرارگاه کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح در این آیین به ایرنا گفت: پیکر مطهر این شهدا در مناطق عملیاتی فاو، العماره و مجنون در مرحله هفدهم تفحص برون مرزی توسط نیروهای این قرارگاه کشف شده است.

حسین عشقی افزود: شهدای تفحص شده مربوط به عملیات‌های خیبر، والفجر ۸ و تک دشمن در سال‌های ۶۵ و ۶۶ در زبیدات و از لشکرهای ۳۱ عاشورا، ۸ نجف، ۲۱ امام رضا(ع) و حمزه نیروی زمینی ارتش جمهوری اسلامی ایران هستند.آیین استقبال از پیکر شهدای گلگون کفن با استقبال مردم شهید پرور خوزستان به ویژه مردم شهرستان‌های آبادان و خرمشهر و مسئولان شهری و استانی و کاروان‌های راهیان نور برگزار شد.

آیین وداع با این شهدا در شهرهای آبادان، خرمشهر و شادگان برگزار می‌شود.

شناسایی پیکر ۳۶ شهید دیگر

وزارت حقوق بشر عراق از پیدا شدن پیکرهای ۳۶ شهید ایرانی جنگ تحمیلی در منطقه «فاو» در استان بصره عراق خبر داد.

در بیانیه این وزارتخانه آمده است: یک تیم از بخش اسرا و مفقودین وابسته به اداره امور انسانی در وزارت حقوق بشر عراق در اقدام تفحص مشترک با طرف ایرانی و تحت نظارت صلیب سرخ، پیکرهای ۲۰۵ نظامی ایرانی و عراقی را در فاو شناسایی کردند. از این عده ۱۶۹ نفر عراقی و ۳۶ نفر ایرانی هستند.

اولتیماتوم فرمانده ناجا به هنجارشکنان

سرویس حوادث: فرمانده نیروی انتظامی با تاکید بر اینکه نیروی انتظامی در برابر متخلفان و هنجارشکنان در جامعه کوتاه نخواهد آمد، گفت: نیروی انتظامی با کسانی که به شکل صریح و علنی هنجارهای اسلامی و الهی را در جامعه نقض می‌کنند، برخورد قاطع خواهد داشت.

سردار احمدی مقدم در سفر به شهرکرد و حضور در صبحگاه مشترک نیروهای استان، امر به معروف و نهی از منکر را استمرار حرکت کربلایی و عاشورایی دانست و از نیروی انتظامی به عنوان پرچمدار اصلی این حرکت یاد کرد.

وی با بیان اینکه نیروی انتظامی امربه معروف و نهی از منکر را جزو وظایف ذاتی خود می‌داند اضافه کرد: نیروی انتظامی در ابتدا با تذکر لسانی و برخوردهای رحیمانه معروفات را در جامعه ترویج دهد و بعد با منکرات برخورد می‌کند.

احمدی مقدم با تاکید بر اینکه حافظان و مجریان قانون در ابتدا باید خود عاملان به آن باشند، اظهار داشت: به طور قطع مجریان و تلاشگران عرصه نظم و امنیت قانون باید خود مبرا از هرگونه تخلف و بی‌قانونی باشند. در غیر این‌صورت، نباید انتظار اصلاح جامعه را داشته باشیم.

انسداد مرزها تا پایان برنامه پنجم

فرمانده ناجا در جمع خبرنگاران هم گفت: با برنامه‌ریزی انجام شده، انسداد مرزهای کشور تا پایان برنامه پنجم توسعه به وضع قابل قبول می‌رسد.

احمدی مقدم با اشاره به تهیه دستورالعمل‌های اجرای طرح «پلیس افتخاری» در کشور، افزود: شهروندان در این طرح، پلیس را در تأمین امنیت، مبارزه با سرقت، فرهنگ‌سازی و مدیریت معضلات اجتماعی کمک می‌کنند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:

- موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
- چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

کمبود قطار تندرو در ایستگاه مترو گلشهر

کمبود قطار تندرو در ایستگاه متروی گلشهر کرج، صبح‌ها از مسیر گلشهر به صادقیه به شدت محسوس است و اختصاص قطارهای تندروی یک درمیان، پاسخگوی کثرت مسافران نیست به طوری که حدود ۲ دقیقه پس از بازگشایی درهای مترو، کل واگن پر می‌شود و بقیه مسافران مجبورند سرپا بایستند. در ایستگاه متروی کرج، مسافران بیشماری به واگن‌ها می پیوندند و در نتیجه آنان با وضع نامناسبی مجبور به له کردن همدیگر می‌شوند! از مسئولان مترو خواهشمندم فکری به حال حل مشکل ازدحام مسافر در این خط کنند. می‌توان از طرح قطار تندروی متوالی در این ساعات استفاده کرد.

کرج ـ ایمیل به خط ارتباطی

تشکر از خط مشی روزنامه اطلاعات

از روزنامه محبوب و غیرجناحی اطلاعات تشکر وقدردانی می‌کنم. روزنامه اطلاعات با انعکاس مرتب و به موقع مشکلات مردم، این امکان را به همه خوانندگان می‌دهد تا بتوانند معضلات خود را از این تریبون به گوش مسئولان برسانند.

از دیگر ابتکارات این روزنامه، می‌توان به استفاده از «ایمیل خط ارتباطی» اشاره کرد که نه تنها ارتباط را تسهیل کرده، بلکه مردم را از صرف پاکت و هزینه پستی نیز معاف داشته است! همینطور قیمت روزنامه اطلاعات در مقایسه با دیگر نشریات،بسیار مناسب است و امیدواریم این خط مشی برای دیگر نشریات سرمشق قرار گیرد.

ایمیل به خط ارتباطی

ضرورت فرهنگسازی تصویری در ایستگاه‌های مترو

از مسئولان متروی تهران خواهشمندم در کنار تصاویر تبلیغاتی در داخل واگن‌ها و ایستگاه‌ها، با نصب تابلوهای دیداری قدری هم اقدام به فرهنگسازی با محوریت رعایت حقوق شهروندی مثل رعایت حق تقدم، طرز و نحوه درست نشستن (به خصوص در متروی تهران-کرج که نحوه چیدمان صندلی‌ها نامناسب است) و نحوه ورود و خروج مسافران در قطار کنند.

مسافر مترو ـ ایمیل به خط ارتباطی

بلاتکلیفی ساخت پل بین روستای کچلام و ناصر کیاده لاهیجان

علیرغم تصویب ساخت یک پل ۱۶ متری بین روستای کچلام و پایین محله ناصرکیاده لاهیجان، بخش رودبنه که پل چوبی قدیمی آن در زلزله ۳۱خرداد ۱۳۶۹ تخریب شده، اجرای این پروژه پس از گذشت ۲۴سال همچنان بلاتکلیف مانده این در حالی است که رفت و آمد اهالی چندین روستا از پل یادشده انجام می‌شود. و آنان مجبورند برای گذشتن از این مسیر، راه خود را طولانی کنند.

جعفر سعیدی روحانی منطقه – ایمیل به خط ارتباطی

مستند سفره‌های نورانی خاطره انگیز بود

در ماه مبارک رمضان مستندی از شبکه ۳ سیما به نام "سفره‌های نورانی" پخش می‌شد که درباره شیوه‌های نوین تبلیغات اسلامی بحث می‌کرد. روایت برنامه و بازی تک بازیگر مجموعه، برای بنده بسیار جذاب و خاطره انگیز بود. امیدوارم در برنامه‌های آینده سیما از چنین بازیگران خوش صدا وبا انگیزه‌ای بیشتر استفاده شود.

بیننده تلویزیون – ایمیل به خط ارتباطی

اعلام نکردن موارد کودک‌آزاری به مراجع قضایی، جرم است

در خصوص گزارش صفحه ۵ روزنامه اطلاعات با عنوان «پایبندی به حقوق کودکان معلول در خانواده‌ها» شایان ذکر است که طبق ماده ۶ قانون حمایت از کودکان و نوجوانان: «کلیه افراد و مؤسسات و مراکزی که به نحوی مسئولیت نگهداری و سرپرستی کودکان را به عهده دارند، مکلفند به محض مشاهده موارد کودک آزاری مراتب را جهت پیگرد قانونی مرتکب و اتخاذ تصمیم مقتضی به مقامات صالح قضایی اعلام کنند. تخلف از این تکلیف موجب حبس تا ۶ ماه یا جزای نقدی تا ۵ میلیون ریال خواهد بود.»

لذا با عنایت به ماده مذکور،عدم اعلام و گزارش این موارد جرم بوده و چنانچه افرادی متوجه وقوع این ترک وظیفه قانونی مراکز و موسسات در خصوص اعلام جرم کودک آزاری شوند،می توانند آن را به مراجع صالح به عنوان وقوع جرم گزارش دهند.

سعادت، وکیل دادگستری – ایمیل به خط ارتباطی

مقاله دکتر دلویی تأثیر گذار بود

مقاله دکتر محمدرضا نوری دلویی با عنوان «از دانشگاه مدرک‌ساز تا دانشگاه کارآفرین» چاپ شده در روزنامه اطلاعات، بسیار آموزنده و تأثیرگذار بود. از نویسنده مطلب تشکر می‌کنم.

خواننده روزنامه اطلاعات

دولتمردان پای روسیه را به کشور باز نکنند

اخیراً آقای صالحی رئیس سازمان انرژی اتمی کشور از امضای قراردادی برای ساخت ۲ نیروگاه اتمی با کمک کشور روسیه خبر داده است. مسئولان کشوری می‌دانند روسیه، پیشینه‌ای تیره نزد مردم ایران دارد و هیچ گاه خیری به مملکتمان نرسانده است. پس بهتر است دولتمردان پای این کشور را به ایران باز نکنند.

۲ تماس با خط ارتباطی

ایجاد مرکز طبی کودکان، ایده دکتر اهری بود

در قسمتی از نوشته دکتر حسین‌نیا چاپ شده در روزنامه اطلاعات به موضوع مرکز طبی کودکان اشاره کرده بود. به عنوان یک پزشک باید عنوان کنم، فکر اولیه ساخت این مرکز از مرحوم استاد دکتر حسن اهری بود و ایشان پیشنهاد ایجاد مرکز طبی کودکان را به دانشگاه تهران دادند و ایده را با کمک مرحوم دکتر محمدخلیل، جامه عمل پوشاندند.

یک پزشک

آیا آقای سهرابی‌نژاد کتابی چاپ کرده‌اند؟

در ضمیمه ادب و هنر روزنامه اطلاعات، آقای محمدرضا سهرابی‌نژاد به تحلیل ریشه ضرب‌المثل‌های ایرانی در ستون امثال و حکم فارسی می‌پردازد که بسیار آموزنده و جالب است. آیا ایشان در این زمینه کتابی چاپ کرده‌اند؟ اگر جواب مثبت است نحوه دسترسی به کتاب را بیان کنید.

مهرداد از زنجان

خط ارتباطی: آقای سهرابی‌نژاد در زمینه ضرب‌المثل‌های فارسی هنوز کتابی به چاپ نرسانده است.

سامانه ۱۱۱ اشغال است

سامانه ۱۱۱(ثبت درخواست‌های مردمی از رئیس جمهوری)متأسفانه مدام اشغال است و امکان برقراری ارتباط با این سامانه به راحتی وجود ندارد. از دفتر ریاست جمهوری خواهشمندم با افزایش اپراتورهای سامانه ۱۱۱ مشکل را حل کند.

رشت ـ یک شهروند

داروهای آسم کمیاب شده است

اخیراً برخی داروهای کنترل آسم و منتزیت بسختی در داروخانه‌ها یافت می‌شود و اگر هم باشد، تولید کشورهای پیشرفته نیست. از سوی دیگر قیمت داروهای مذکور بالاست و هزینه زیادی را به بیمار تحمیل می‌کند.

یک بیمار مبتلا به آسم

یک تقاضا

لطفاً در ستون آخرین تغییرات قیمت سهام در بورس تهران، نام بانک‌ها و موسسات جداگانه نوشته شود یا اینکه شرکت‌ها بر اساس حروف الفبا به چاپ برسد.

یک سهامدار

پاسخ مسئولان

پاسخ سازمان پارکها و فضای سبز شهر تهران درباره تبدیل اراضی فرودگاه مهرآباد به فضای سبز

سلام علیکم احتراماً در پاسخ به پیام مردمی مندرج در روزنامه اطلاعات مورخ ۹۳/۷/۲۳ تحت عنوان «تبدیل اراضی فرودگاه مهرآباد به فضای سبز» به استحضار می‌رساند: تاکنون ۱۵۰ هکتار از اراضی قابل کاشت محدوده فرودگاه مهرآباد (۵۰هکتار در سال ۱۳۹۱ و ۱۰۰ هکتار در سال ۱۳۹۲) با کاشت انواع گونه‌های درختی، درختچه‌ای و پوششی سازگار با شرایط آب و هوایی منطقه، به فضای سبز تبدیل شده و امسال نیز ساخت ۵۰ هکتار جنگلکاری در محدوده مذکور در دست اجراست.

علی‌محمد مختاری، مدیرعامل سازمان

بقیه در صفحه ۹

فرنگی‌کاران نامدار روس به ایران می‌آیند

رقابت‌های کشتی فرنگی باشگاه‌های جهان آذرماه امسال به میزبانی اهواز برگزار خواهد شد.

به گزارش ایسنا، دیروز در نشستی با حضور رسول خادم (رئیس فدراسیون کشتی)، حمید بنی‌تمیم (دبیر فدراسیون کشتی) و استاندار و مدیرکل ورزش و جوانان خوزستان در استانداری، میزبان رقابت‌های کشتی فرنگی باشگاه‌های جهان تعیین و شرایط آن بررسی شد.

در این جلسه مقرر شد که اهواز در روزهای ۱۳ و ۱۴ آذر پذیرای کشتی گیران جهان باشد.

در حالی که مسئولان شهرستان اهواز خود را مهیای میزبانی ۱۰ تیم برتر دنیا در رقابت‌های لیگ جهانی کشتی آزاد می کنند، فرنگی کاران نامدار روس هم برای حضور در لیگ جهانی کشتی فرنگی اعلام آمادگی کرده اند.

به گزارش مهر، نخستین دوره رقابت‌های لیگ جهانی کشتی فرنگی در روزهای ۱۳ و ۱۴ آذر در ایران برگزار می شود که تاکنون کشتی گیران مطرحی از روسیه برای حضور در این مسابقات اعلام آمادگی کرده اند.

بنا بر این گزارش، "چنگیز لابازانوف" قهرمان رقابت‌های جهانی ازبکستان در وزن ۷۱ کیلوگرم، "الکساندر چهرکین" قهرمان سال ۲۰۱۴ اروپا در وزن ۷۵ کیلوگرم، "یوگنی سالیف" دارنده مدال نقره رقابت‌های جهانی ازبکستان در وزن ۸۰ کیلوگرم، "الکسی میشین" قهرمان جهان و المپیک در وزن ۸۵ کیلوگرم و "واسیلی پارشین" نفر سوم سال ۲۰۱۴ اروپا در وزن ۱۲۰ کیلوگرم از کشتی گیران مطرح تیم روسیه برای حضور در این رقابت‌ها هستند. همچنین "آرتور الکسانیان" قهرمان مسابقات جهانی ازبکستان در وزن ۹۸ کیلوگرم از ارمنستان هم از جمله مدعیان حضور در لیگ جهانی کشتی فرنگی در ایران خواهد بود.

نخستین دوره رقابت‌های لیگ جهانی کشتی آزاد قرار است با حضور ۱۰ تیم برتر و صاحب نام کشتی دنیا در روزهای ۵ تا ۷ آذر به میزبانی جویبار برگزار می‌شود.

توکلیان: نگاه فدراسیون کشتی به سال‌های بعد از المپیک است

مربی تیم ملی کشتی آزاد گفت: متولیان فدراسیون و اعضای کادر فنی به هیچ عنوان نگاه مقطعی به تیم ملی ندارند و نگاه تمامی ما به المپیک بعدی و سال‌های پس از آن است.

امیر توکلیان در گفتگو با مهرافزود: نخستین اردوی تیم ملی کشتی آزاد از روز ۱۴ آبان در خانه کشتی استارت خورد و ما این تمرینات را با حضور اردونشینان سه رده سنی نوجوانان، جوانان و بزرگسالان آغاز کردیم. تمرینات مشترک آزادکاران طوری طراحی شده است که هررده سنی می تواند با توجه به تمرینات تفکیکی و برنامه ریزی شده زیرنظرمربیان تخصصی به آموزش، تمرین و آماده سازی بپردازد.

وی تصریح کرد: نگاه اهالی فدراسیون کشتی فقط به مسابقات پیش رو و نتیجه گرایی در این میادین نیست، بلکه ما طوری برنامه ریزی کرده ایم که بتوان پشتوانه های مطمئن و آماده ای برای سال‌های بعد از المپیک برزیل هم پرورش دهیم.

توکلیان در ادامه افزود: این مرحله از اردوی مقدماتی آزادکاران تا روز ۲۴ آبان جریان خواهد داشت و ما بعد از این مرحله باید دور جدیدی از تمرینات را با حضور اردونشینان کنونی و جدید آغاز کنیم.

برخی از چهره های بزرگ و نامدار کشتی آزاد ایران فعلا در حال ریکاوری و استراحت هستند که باید به زودی به جمع ما ملحق شده و تمرینات خود را طبق برنامه جدید از سر بگیرند.

مربی تیم ملی کشتی آزاد در پاسخ به این سئوال که ملی پوشان جهانی و بازی‌های آسیایی چه زمانی به اردو بازمی گردند، گفت: ملی پوشان آزادکار دو میدان سنگین و پر فشار را در فاصله زمانی کمتر از ۱۰ روز پشت سر گذاشتند و انصافا روزهای سخت و طاقت فرسایی را تجربه کردند. طبیعی است فعلا باید برای مدت مشخصی به استراحت و بازیابی نیروی جسمانی سپری کنند و با نیرو و انگیزه تازه ای به خانه کشتی باز گردند،ضمن این که برخی از ملی پوشان آزادکار در حاشیه رقابت‌های جهانی و بازی‌های آسیایی با مصدومیت و آسیب دیدگی همراه بودند که این دسته از کشتی گیران هم باید به طورجداگانه درمان و آماده سازی شوند.

ترکیب تیم ملی کشتی ساحلی ایران

ترکیب تیم ملی کشتی ساحلی کشورمان برای حضور در بازی‌های ساحلی آسیایی تایلند اعلام شد.

براساس این گزارش، ترکیب تیم ایران که برای حضور در این رقابت ها بامداد امروز راهی پوکت تایلند شدند، به شرح زیر است:

۶۰ کیلوگرم: محمد نادری، ۷۰کیلوگرم: کامران حسینی جم،+۸۰ کیلوگرم: جابر صادق زاده،سرمربی: امیر توکلیان

رقابت‌های کشتی بازی‌های آسیایی ساحلی روزهای ۲۴ تا ۲۶ آبان برگزار می شود.

اولیور کان: دیگر رقابت مسی - رونالدو خسته کننده شده است

سنگربان سابق بایرن مونیخ معتقد است توپ طلا باید به یکی از بازیکنان تیم ملی فوتبال آلمان داده شود. او می گوید فینال لیگ قهرمانان اروپا در سال ۱۹۹۹ بدترین خاطره او بوده است.

اولیورکان درباره قهرمانی تیم ملی فوتبال آلمان در برزیل گفت: برزیل کشوری بزرگ و با وسعت زیاد است. فضای فوتبالی در این کشور متفاوت است و با هیچ جای دنیا قابل مقایسه نیست. فوتبال بازی کردن در این کشور اصلا آسان نیست ولی ما توانستیم قهرمانی را در برزیل به دست آوریم و این بسیار مهم است.

کان درباره میزبانی قطر در جام‌جهانی ۲۰۲۲ هم گفت: انتقاد از یک رویداد بزرگ کاملا طبیعی است. جام‌جهانی باعث می‌شود تا یک کشور به فرصت‌های جدید و مثبتی دست یابد. طبیعی است که بعضی دیگر از کشورها هم به این فرصت اعتراض کنند. میزبانی قطر من را شگفت زده نکرد. این کشور میزبان جام‌جهانی شده است و باید خود را به خوبی آماده کند. کان درباره این سئوال که آیا نویر شایسته انتخاب به عنوان بهترین بازیکن جهان در سال ۲۰۱۴ است، پاسخ داد: این جایزه همواره بین مسی و رونالدو در این چند سال اخیر تقسیم شده است. آیا باید همیشه یکی از این دو بازیکن انتخاب شود؟ رونالدو، مسی، مسی، مسی، مسی، رونالدو. این انتخاب ها دیگر تکرار شده است. باید رای دهندگان در آرای خود تغییر ایجاد و بهترین بازیکن را از تیم ملی فوتبال آلمان انتخاب کنند؛ چرا که این تیم قهرمان جام جهانی است. تجربه می گوید که سخت است که این جایزه به نویر داده شود اما او تمام فاکتورهای یک دروازه‌بان خوب را دارد.

اولیور کان در سال ۲۰۰۸ برای همیشه از فوتبال خداحافظی کرد. او درباره بهترین لحظات فوتبالی خود گفت: بهترین دوران من از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۲ بود،اما نمی خواهم درباره فینال لیگ قهرمانان اروپا در سال ۱۹۹۹ صحبت کنم؛ چرا که بدترین خاطره فوتبالی من در آن بازی رقم خورد. بایرن‌مونیخ بازی برده را در چند دقیقه به شکست تغییر داد. الان دیگر آن روزها را فراموش کرده و وظایف دیگری دارم.

فدراسیون جهانی والیبال: به ایران قولی برای میزبانی نداده بودیم

فدراسیون جهانی والیبال در بیانیه‌ای اعلام کرد: این فدراسیون قولی برای میزبانی رقابت‌های نوجوانان جهان به ایران نداده بود که آن را پس گرفته باشد.

به گزارش ایسنا، فدراسیون جهانی والیبال در بیانیه‌ای درباره گرفتن میزبانی ایران از رقابت‌های نوجوانان جهان اعلام کرد: هیچ وقت قولی به ایران برای میزبانی رقابت‌های نوجوانان جهان داده نشده بود و به همین خاطر این اخبار درست نیست که میزبانی رقابت‌های نوجوانان جهان به دلایل سیاسی از ایران گرفته شده است. FIVBتنها به دلایل فنی و با بررسی دقیق میزبان را انتخاب می کند. قرار است به زودی میزبان چند رقابت پیش رو در سطح نوجوانان و جوانان در جهان را انتخاب کنیم.همچنین اعلام می کنیم که FIVB هیچ نقشی در دادن میزبانی به ایران در رقابت‌های مردان آسیا در سال ۲۰۱۵ را نداشته است.فدراسیون جهانی والیبال در این بیانیه، خواستار آزادی "غنچه قوامی" شده است و نامه‌ای را هم به دکتر حسن روحانی، رئیس جمهوری ایران نوشته است. در بیانیه FIVBآمده است: ما تلاشمان را کرده و به این تلاش هم ادامه می‌دهیم تا با همکاری فدراسیون والیبال ایران و دیگر شخصیت‌های سیاسی در این کشور باعث آزادی غنچه قوامی شویم. FIVBمعمولا خودش را درگیر قوانین و فرهنگ‌های کشوری نمی کند، ولی حادثه ای که برای غنچه قوامی رخ داده نیازمند توجه ویژه است.براساس این گزارش، صبح دیروز محمدرضا داورزنی، رئیس فدراسیون والیبال در گفتگویی اظهارداشت: "موضوع میزبانی ایران را نباید به هیچ شکل به دستگیری غنچه قوامی گره زد. اصلا دستگیری این خانم ربطی به موضوع حضور خانم‌ها در سالن‌های والیبال ندارد. متاسفانه یک سری از این موضوع سوء استفاده می کنند. دستگیری این خانم را به مساله حضور بانوان در سالن‌های والیبال گره می‌زنند تا بهره‌برداری سیاسی کنند. اصلا چنین موضوعی درست نیست.

کواچ بازی‌های لیگ برتر والیبال را آنالیز می کند

سرمربی تیم ملی والیبال ایران با آنالیز فیلم بازی‌های لیگ برتر بازیکنان حاضر در مسابقات را زیر نظر می گیرد.

به گزارش مهر، محمود افشاردوست دبیر فدراسیون والیبال ایران در پاسخ به این سئوال که اسلوبودان کواچ چگونه عملکرد بازیکنان را زیر نظر خواهد گرفت بیان کرد: کواچ بازی‌های لیگ را در کشور خودش که حضور دارد زیر نظر می گیرد. ما هرهفته فیلم بازی‌ها را برای وی ارسال خواهیم کرد تا دیدارها را آنالیز کند.

ورزش ایران

سیامند رحمان ورزشکار برتر جهان شد

قوی‌ترین مرد دارای معلولیت جهان، با کسب بیش از ۶۰ درصد آرا از نظر سنجی وب سایت کمیته بین‌المللی پارالمپیک عنوان برترین ورزشکار ماه اکتبر را از آن خود کرد.

به گزارش مهر،وب سایت کمیته بین‌المللی پارالمپیک در نظر سنجی خود شش ورزشکار را برای کسب عنوان برترین ورزشکار ماه اکتبر معرفی کرده بود که از میان آن‌ها سیامند رحمان و ساره جوانمردی، به عنوان نمایندگان ایران حضور داشتند.

پس از پایان مهلت نظر سنجی، سیامند رحمان، قهرمان طلایی بازی‌های پاراآسیایی اینچئون، شصت و سه و نه دهم درصد از آرای اخذ شده را به خود اختصاص داد و به عنوان ورزشکار برتر این ماه، نام گرفت. پس از او، ساره جوانمردی، دیگر ورزشکار کشورمان با کسب سی و چهار و سه دهم درصد از آرا، در جایگاه دوم این لیست قرار گرفت.

بدین ترتیب، پس از درخشش کاروان ایران در بازی‌های پاراآسیایی اینچئون، بار دیگر نمایندگان کشورمان باعث سربلندی و افتخار ایران شدند.

پس از سیامند رحمان و ساره جوانمردی، به ترتیب ورزشکارانی از گامبیا(ویلچر رانی)، چین(شمشیر بازی)، تایلند(تنیس با ویلچر) و چین(شنا) عناوین سوم تا ششم را به خود اختصاص دادند.

جریمه ۴۰۰هزار دلاری استقلال را تهدید می کند

در صورتی که استقلالی‌ها به سفر آمریکا نروند باید ۴۰۰ هزار دلار جریمه پرداخت کنند. این درحالی است که بین سرمربی و یکی از اعضای هیات مدیره باشگاه بر سر زمان سفر اختلافاتی بوجود آمده است.

به گزارش مهر، ماجرای سفر استقلال به آمریکا و اعلام جریمه ۴۰۰ هزار دلاری در صورت عدم سفر به این کشور از سوی شرکت واسطه وارد مرحله جدیدتری شده است و به نظر می رسد با توجه به جریمه ای که وجود دارد، این سفر انجام شود.

در شرایطی که مسئولان باشگاه اعلام کرده بودند سفر به آمریکا منتفی شده است اما از آنجایی که در صورت نرفتن آبی ها به این سفر باید ۴۰۰ هزار دلار جریمه پرداخت کنند، تلاش برای انجام سفر به آمریکا با جدیت بیشتری نسبت به قبل آغاز شده است.

در این میان اختلافی بین امیر قلعه نویی سرمربی و پندار توفیقی عضو هیات مدیره استقلال بر سر زمان انجام این سفر بوجود آمده که به نظر می رسد کار را کمی پیچیده کرده است.

نظر توفیقی این است که استقلال اوایل سال آینده و در تعطیلات نوروزی به آمریکا سفر کند اما امیر قلعه نویی اصرار دارد که این تیم در تعطیلات نیم فصل لیگ برتر به آمریکا برود.

واترپلو ایران جهانی شد

تیم واترپلو جوانان ایران با نتیجه ۱۵ بر ۱۰ اندونزی را شکست داد و با عنوان نایب قهرمانی به مسابقات جهانی راه یافت.

به گزارش روابط عمومی فدراسیون شنا، شیرجه و واترپلو، در آخرین روز رقابت‌های قهرمانی آسیا در اندونزی تیم واترپلو جوانان ایران به مصاف اندونزی رفت.واترپلوئیست های جوان ایران در یک نمایش برتر با نتیجه ۱۵ بر ۱۰ حریف خود را شکست دادند و سهمیه مسابقات ۲۰۱۵ قزاقستان را با نایب قهرمانی آسیا به دست آوردند.ایران در این مسابقات مقابل ازبکستان، سنگاپور، چین و اندونزی میزبان پیروز شد و به تیم ژاپن باخت.

مشکل خروجی بازیکنان امید حل شد

سرپرست تیم فوتبال امید از حل شدن مشکل خروج از کشور بازیکنان این تیم خبر داد.

به گزارش ایسنا، محمد خاکپور عصر دیروز از حل شدن مشکل خروج از کشور بازیکنان تیم امید برای حضور در اردوی تدارکاتی قطر خبر داد و گفت: تیم امید با تمامی بازیکنان انتخاب شده به اردوی تدارکاتی قطر اعزام می‌شود. این تیم قرار است امروزعازم قطرشودو دو بازی تدارکاتی دراین کشور داشته باشد.

دستور پیگیری آزادی مایلی کهن از سوی وزیر ورزش

وزیر ورزش و جوانان دستور پیگیری آزادی محمد مایلی کهن را به معاونت حقوقی و پارلمانی وزارت ورزش و جوانان داد.

مازیار ناظمی، مدیرکل روابط عمومی وزارت ورزش و جوانان در گفتگو با خبرنگار ورزشی ایسنا، با اعلام این خبر گفت: پس از این که حکم محمد مایلی کهن اجرا و وی به زندان اوین منتقل شد، دکتر گودرزی به معاونت حقوقی و پارلمانی وزارت ورزش و جوانان دستور داد پیگیر وضع آقای مایلی کهن باشند و مقدمات آزادی او را فراهم کنند.

ناظمی گفت: ایجاد چنین فضاهایی در ورزش، بداخلاقی‌ها و شکستن حرمت‌ها را رواج می‌دهد. به زندان رفتن معلمان و مربیان یا به دادگاه کشیده شدن آنها چهره‌های ورزشی را خدشه‌دار می‌کند و به نفع ورزش کشور نیست.

وی گفت: برای دکتر گودرزی مسائل فرهنگی و رعایت مسائل اخلاقی و منش‌های پهلوانی در اولویت قرار دارد و برای جلوگیری از گسترش این مسائل در ورزش واکنش نشان دادند.

محمد مایلی کهن که به دلیل مصاحبه‌هایی علیه علی دایی به چهار ماه حبس تعزیری محکوم شده بود، دیروز خود را به اجرای احکام قوه قضائیه معرفی کرد و پس از حضور در کلانتری ارگ برای گذراندن دوران حبس به زندان اوین منتقل شد.

ورزش جهان

نخستین مدال نقره المپیک، ۱۸۰ هزار پوند فروخته شد

در یک حراجی دو روزه در لندن چندین مدال ورزشی قدیمی به فروش رسید که از قیمتی ترین آن‌ها می توان به مدال نقره بازی‌های المپیک ۱۸۹۶ آتن اشاره کرد.

به گزارش ایسنا، مدال نقره بازی‌های المپیک آتن ۱۸۹۶ در یک حراجی به قیمت ۱۸۰ هزار پوند فروخته شد.

این مدال توسط یک مجسمه ساز فرانسوی به نام "ژول شپلن" طراحی شده و تصویر زئوس را نشان می‌دهد که در دست راست او زمین قرار دارد و بر روی آن الهه پیروزی (نایک) ایستاده است و یک شاخه زیتون در دست دارد.در کناره این مدال کلمه المپیا حک شده است. در قسمت پشت این مدال به زبان یونانی جمله "بازی‌های بین‌المللی المپیک آتن" حک شده است. این شئی به همراه یک کارت پستال اورجینال که داخل استادیوم المپیک در زمان برگزاری افتتاحیه را نشان می‌دهد، فروخته شد.

۳ نامزد برترین بازیکن سال آسیا

سه نامزد نهایی برترین بازیکن سال آسیا معرفی شدند.

به گزارش ایسنا،اسامی نامزدهای برترین بازیکن سال فوتبال آسیا در سال ۲۰۱۴ اعلام شد.

ناصر الشمرانی، مهاجم الهلال عربستان در کنار اسماعیل احمد، بازیکن العین امارات و خلفان ابراهیم ازقطر برنده این عنوان در سال ۲۰۰۶ به عنوان سه نامزد نهایی برترین بازیکن فوتبال آسیا در سال ۲۰۱۴ انتخاب شدند.

رونمایی ازنماد جام ملت‌های آسیا

نماد شانزدهمین دوره جام ملت‌های آسیا رونمایی شد.

به گزارش ایسنا، جام ملت‌های آسیا ۵۹ روز دیگر با حضور ۱۶ تیم برتر قاره کهن در کشور استرالیا آغاز می‌شود. تیم ملی فوتبال ایران هم باید در گروه C این رقابت‌ها با تیم‌های بحرین، قطر و امارات روبه‌رو شود. در مراسمی که دوشنبه شب برگزار شد از نماد این دوره از رقابت‌ها رونمایی شد. NUTMEG THE WOMBAT اسم نماد این دوره از رقابت‌هاست که با حضور مارک بوسنیچ، دروازه‌بان و برت امرتون هافبک سابق فوتبال استرالیا رونمایی شد.

گواردیولا: به بارسلونا باز نمی گردم

سرمربی بایرن‌مونیخ اعلام کرد که هرگز دوباره به نیمکت بارسلونا بازنخواهد گشت.

پپ گواردیولا که این هفته برای حضور در رأی گیری استقلال کاتالونیا در بارسلونا حضور داشت، در گفتگو با «کاتالان دیلی» تأیید کرد که قصد ندارد دوباره سرمربی بارسلونا شود. گواردیولا مدعی شده بود که یک روز برای زندگی به پایتخت کاتالان بازمی گردد اما اعلام کرد که دورانش به عنوان سرمربی بارسلونا به پایان رسیده است.

اهدای جایزه اخلاق لاروس به اوزیل

ستاره خط میانی تیم فوتبال آرسنال انگلیس و عضو تیم قهرمان جهان به خاطر فعالیت‌های خیرخواهانه مورد تقدیر واقع می‌شود.

مسعود اوزیل که از فصل گذشته در تیم انگلیسی آرسنال بازی می کند، امروز در شهر برلین حضور خواهد یافت. علت این امر شرکت در مراسمی است که به او جایزه ویژه بنیاد لاروس اعطا خواهد شد.اوزیل درجریان جام جهانی هزینه درمان ۲۳ کودک برزیلی را تامین کرد.

ترحیم

بازگشت همه به سوی اوست

سینه‌ام ز آتش دل در غم جانانه بسوخت
آتشی بود درین خانه که کاشانه بسوخت
تنم از واسطه دوری دلبر بگداخت
جانم از آتش مهر رخ جانانه بسوخت

پروردگارا، پدر مهربانمان، برادر دلسوزمان، شور و نور و گرمای کاشانه‌مان، شادروان **فریدون کوچانی** نزد درگاهت شتافت تا در آرامش ابدی بیارامد. اگرچه دوری از او دشوارتر از تصور است، ولی گرمی دستان پر مهر و بوی خوشش کران تا کران وجودمان را در بر گرفته و همواره با ماست.

مراسم یادبود آن عزیز روز جمعه ۹۳/۸/۲۳ از ساعت ۱۳/۳۰ الی ۱۵ در مسجد جامع شهرک غرب برگزار خواهد شد.

فرزندان: مروارید و علیرضا
خانواده‌های: کوچانی، قدیریان، کاتوزیان، منصوری، بهزادی، نوین، مدنی، فراهی، شاه‌محمدی، میرزاصادقی، پایمردی، آذرشهاب و سایر وابستگان

انسانی شریف و دوست‌داشتنی از تبار ما از بند زندگی رها شد. روحش شاد و راهش مستدام باد.

امیرمنصور، منصوره و میترا کوچانی

گرچه چهره پرفروغت نقاب در پنهان دارد
گرمای قلب پرمهر تو جاودانه با ماست

خواهرزاده‌ها: بنفشه، بابک، نوید، نینا، شروین، شاهین، اشکان، آنیتا، آنوشا، سروناز

همکاران و دوستان گرامی، شادروان **فریدون کوچانی** رئیس محترم هیئت مدیره و از بنیانگذاران شرکت ام ـ ک ـ بتن از میان ما رفت. مقدم پر مهر شما تسلی بخش بازماندگان خواهد بود.

هیئت مدیره و همکاران شرکت ام ـ ک ـ بتن

انا لله و انا الیه راجعون

بانهایت تأثر و تأسف درگذشت **آقای علی خالقی ثانی** فرزند مرحوم **کاظم خالقی ثانی** را به اطلاع وابستگان، دوستان و همشهری‌های محترم زنوزی می‌رساند.

مجلس ختم آن مرحوم روز جمعه ۲۳ آبان ماه از ساعت ۱۵:۳۰ الی ۱۷ در مسجد حضرت ابوالفضل(ع) واقع در خیابان ستارخان نبش کوکب برقرار می‌باشد.

خانواده‌های: خالقی ثانی، غفاری زنوز، طایفه احمدی، سالمی زنوز، قربان‌زاده، تاجداری، بنایی، هاشمی، نصیری، مؤتمنی، مؤذنی، مراثی، جلالی خسروشاهی، احسانی و سایر وابستگان.

بازگشت همه بسوی اوست

جانم، عمرم، نفسم، همسرم، پدر بی‌همتای عزیزمان عروج آسمانیت قلبمان را سوزاند.

بدینوسیله درگذشت عزیزمان شادروان **آقای خسرو (غلام‌عباس) پورزند** را به اطلاع کلیه بستگان، دوستان و همکاران ایشان می‌رسانیم.

مراسم ترحیم روز پنجشنبه ۹۳/۸/۲۲ از ساعت ۳/۳۰ الی ۵ بعدازظهر در مسجد جامع شهرک غرب، روبروی مرکز تجاری میلاد نور برگزار می‌گردد.

همسر: پروانه لیاقت روش
فرزندان: پرتو، پندار
دامادها: حمیدرضا بیانی، هومین سجادی نائینی و سایر خانواده‌های وابسته.

بازگشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسف درگذشت مادری فداکار، همسری مهربان مرحومه **خانم زهرا (پروین) حسام (کیوان)** در خارج از کشور را به اطلاع می‌رسانیم.

کلیه هزینه مراسم صرف امور خیریه خواهد شد.

آذر کیوان (رفیعی)، دکتر محمد رضا رفیعی

بازگشت همه بسوی اوست

با تسلیم به مشیت الهی و قلبی آکنده از غم و اندوه درگذشت همسری مهربان، پدری فداکار و برادری عزیز مرحوم مغفور **سید مرتضی خاتمی** را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان محترم می‌رساند.

مجلس ختم آن مرحوم در روز جمعه مورخ ۹۳/۸/۲۳ از ساعت ۱۳/۴۵ الی ۱۵/۱۵ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر ـ میدان نیلوفر برگزار خواهد شد.

حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های سوگوار: خاتمی، مظلی، شاهمرادی و سایر بستگان و دوستان و آشنایان

بازگشت همه بسوی اوست

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **سیدمرتضی خاتمی** برادر گرامی جناب آقای مهندس سیدمهدی مظلی و پدر ارجمند همکارمان آقای علیرضا خاتمی را به اطلاع دوستان و هم دانشکده‌ای‌های عزیز می‌رسانیم. مجلس ترحیم آن روان‌شاد در روز جمعه مورخ ۹۳/۸/۲۳ از ساعت ۱۳/۴۵ الی ۱۵/۱۵ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر ـ میدان نیلوفر برگزار می گردد.

حضور شما سروران گرامی موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهدبود.

کانون مهندسین فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تبریز

بازگشت همه بسوی اوست

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور شادروان **سیدمرتضی خاتمی** برادر گرامی جناب آقای مهندس سید مهدی مظلی عضو هیأت مدیره این شرکت را به اطلاع دوستان و آشنایان می‌رسانیم.

مجلس ختم آن فقیدسعیددر روز جمعه‌مورخ ۹۳/۸/۲۳ از ساعت ۱۳/۴۵ الی ۱۵/۱۵ در مسجدالرضا(ع) واقع در خیابان خرمشهر ـ میدان نیلوفر برگزار خواهد شد.

حضور شما دوستان و سروران گرامی در این مجلس موجب شادی روح آن مرحوم و خانواده محترم می گردد.

شرکت ساختمانی رامکله

انالله و انا الیه راجعون

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **حاج جعفر امینیان** بزرگ خاندان را به اطلاع فامیل محترم و دوستان ارجمند رسانده مراسم تشییع روز پنجشنبه ۱۳۹۳/۸/۲۲ ساعت ۹ صبح از منزل آن مرحوم واقع در خیابان فرشته، خیابان کوهیار، ساختمان کوهسار بسوی امام‌زاده عبدالله انجام می‌شود. ضمناً وسیله ایاب و ذهاب فراهم است.

مراسم ختم روز شنبه ۱۳۹۳/۸/۲۴ از ساعت ۱۵/۳۰ الی ۱۷ در مسجد جامع شهرک غرب واقع در میدان صنعت، بلوار فرحزادی، روبروی مرکز تجاری میلادنور منعقد می گردد.

تشریف فرمائی خویشان و دوستان رحمتی برای روح آن مرحوم خواهد بود.

همسر: پروانه حسینی
فرزندان: دکتر رویا، مهندس محمد، مهندس علی و مهندس فرهاد امینیان
خانواده‌های: امینیان ـ حسینی ـ هاشمیان ـ جوهری ـ کوچک یزدی ـ احمدنیا ـ علاءالدینی ـ منظوری ـ چایچی ـ متینی ـ لاجوردیان ـ فروتن ـ اطمینان ـ محمدیان ـ علاقبندیان ـ توسلی ـ اتحادیه صادر کنندگان فرش ایران و سایر وابستگان.

یادبود

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَنَبْلُوكُم بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

در آن نفس که بمیرم در آرزوی تو باشم
بدان امید دهم جان که خاک کوی تو باشم
به وقت صبح قیامت که سر ز خاک برآرم
به گفتگوی تو خیزم به جستجوی تو باشم
بر هر شاخه گل یاس می‌نویسم
دوستت دارم
(مادر)

ـ ۵ سال گذشت ـ

۵ سالی که بدون تو برایم ۵ قرن گذشت.

فقط توانستم با یادت و خاطراتت سپری کنم.

غمزده و اندوهگین هنوز نبودت را باور نداشتم، که پدر هم رفت.

تنها تسلی بخش دل شکسته‌ام، ذکر این آیه شریفه «الابذکرالله تطمئن القلوب» بود.

به امید روزی که دوباره شما را در آغوش بگیرم.

به مناسبت پنجمین سالگرد عروج ملکوتی مرحومه مغفوره

«حاجیه خانم ام‌البنین سیار»
(همسر مرحوم احمد حیدرخطیبی)

جمعه ۱۳۹۳/۸/۲۳ (مصادف با ۲۰ محرم ۱۴۳۶)، برسر مزار پاکش واقع در بهشت زهرا(س) قطعه ۳۰۴ ردیف ۴۳ شماره ۲۱ «منزلگاه ابدی‌اش» گرد هم می‌آئیم و با تلاوت آیاتی از قرآن مجید، روح پرفتوحش را عطرافشانی می کنیم.

از طرف تنها یادگارش: مهران حیدرخطیبی

یادبود

بیست و دوم آبان ماه ششمین سالگرد فوت شادروان **حاج علی‌اکبر بهمنش** وکیل محترم دادگستری و از همرزمان مرحوم دکتر محمد مصدق، بزرگ‌مردی که نمونه‌ای از خدمت و ایثار برای هموطنانش بوده است همواره یاد و خاطره‌اش در قلب بسیاری از هموطنانش باقی است. روحش شاد و یادش گرامی باد.

همسر: فریده سجادی
فرزندان: زهره و فرهاد بهمنش
برادر: حاج مهدی شعبان‌زاده و خانواده

تسلیت

جناب آقای دکتر امیر آروین سازگار
سرکار خانم مهندس مهر آذین سازگار

چهلمین روز درگذشت پدر ارجمندتان را به شما و خانواده گرامیتان تسلیت عرض نموده، آرزومندیم در پناه خداوند متعال بردبار باشید و ما را در غم عظیم خود شریک بدانید.

کوشا منش و خانواده

استاد و همکار ارجمند جناب آقای دکتر نجفی عرب
ریاست محترم سندیکای صاحبان داروهای انسانی

با کمال تأسف و تأثر ضایعه درگذشت برادر گرامیتان را تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیات مدیره انجمن علمی داروسازان ایران

جناب آقای مهندس خطیبی
مدیرکل محترم دفتر ساخت و توسعه راه آهن منطقه یک

با کمال تأسف و تأثر مصیبت وارده را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده، از خداوند منان برای آن مرحوم علو درجات و برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

هیئت مدیره و کارکنان شرکت ساختمانی ویسا

جناب آقای دکتر هوشنگ زاد انفرخ

با کمال تأثر و تألم درگذشت فرزند دلبندتان را تسلیت عرض می‌نماییم.

هوشنگ اکبریان ـ بابک اکبریان

جناب آقای دکتر علی کاشانی فرید و خانواده محترم

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت مرحوم مغفور **جناب آقای حاج محمد کاشانی فرید** را به شما و خانواده محترمتان تسلیت عرض نموده، برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان صبر و شکیبایی آرزومندیم

هیئت مدیره و مدیرعامل شرکت کار آموز

جناب حاج آقا لنگری

درگذشت همسر گرامیتان **سرکار خانم رخساره امامی پور** را تسلیت عرض نموده، از خداوند متعال برای آن مرحومه علو درجات و برای جنابعالی و خانواده محترمتان صبر و شکیبایی آرزومندیم.

اکبر کریمی مقدم ـ همسر و خانواده

خانواده محترم کاشانی فرید
همه از او هستیم و به سوی او باز می گردیم

درگذشت **حاج محمد کاشانی فرید** از خیرین پیش کسوت آسایشگاه خیریه کهریزک را به خاندان معزز کاشانی فرید تسلیت عرض نموده و از خداوند منان برای ایشان طلب مغفرت و برای بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت می‌نماییم.

هیات امناء، هیات مدیره و مدیرعامل موسسه خیریه کهریزک

جناب مهندس ناصر راجی
مدیرعامل محترم شرکت ساختمانی رک

بانهایت تأسف و تأثر مصیبت وارده را تسلیت عرض می‌نماییم.

کارکنان و هیأت‌مدیره مهندسین مشاور پل‌رود

جناب آقای مهندس ایرج منصوری
مدیرعامل محترم شرکت ام ـ ک ـ بتن

باندوه فراوان درگذشت زنده‌یاد **جناب آقای فریدون کوچانی** را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض کرده و برای آن زنده‌یاد طلب آمرزش نموده و برای بازماندگان سلامتی و سعادت آرزومندیم.

مدیران شرکت عطاردیان

اوست پایدار
جناب آقای مهندس دوست‌حسینی

مصیبت وارده را به شما و خانواده محترم‌تان تسلیت عرض نموده برای آن مرحوم علو درجات و برای بازماندگان محترم آرزوی صبر جمیل داریم.

شرکت سی‌پی‌دی
غلامرضا پدر و حسن پدر

دوست و همکار گرامی
جناب آقای دکتر محمود نجفی عرب

باندوه فراوان درگذشت برادر عزیزتان را به شما و خانواده محترم تسلیت گفته، برای جنابعالی و سایر بازماندگان صبر و شکیبایی مسئلت داریم.

«دکتر کشتکار ـ دکتر سعید واقفی»

تسلیت
جناب آقای مهندس سیدمهدی مظلی
عضو هیئت مدیره کانون مهندسین
فارغ‌التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تبریز

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر گرامیتان را حضور جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض می‌نماییم.

سیدجواد سیار ـ سیروس امامی

جناب آقای مهندس سیدجواد میرباقری

درگذشت جانسوز خواهر گرامیتان را خدمت جنابعالی و خانواده‌های محترم میرباقری، صانعی و مرتضوی تسلیت عرض می کنم.

دکتر سیدمهدی حسن‌زاده

جناب آقای مهندس سیدمهدی مظلّی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر بزرگوارتان را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم

شرکت ناودیس راه
شیخ اکبری ـ مصطفی‌زاده

جناب آقای مهندس سیدمهدی مظلّی

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت برادر بزرگوارتان را صمیمانه تسلیت عرض می‌نماییم.

فارغ‌التحصیلان ورودی سال ۱۳۴۹

سخنرانی

السلام علیک یا اباعبدالله الحسین

محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است امام خمینی «(ره)»

مجلس سوگواری و ذکر مناقب و مصائب سید و سالار شهیدان **حضرت اباعبدالله الحسین (ع)** و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم آلاف التحیة و الثناء، هر روز بعد از نماز جماعت ظهر و عصر با سخنرانی وعاظ محترم به شرح زیر در

مسجد حضرت امام خمینی (ره) بازار تهران منعقد می باشد.

دهه دوم محرم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سید ابوالقاسم شجاعی
دهه سوم محرم جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای مصطفی جان نثاری
دهه اول صفر جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سید حمید میرباقری
دهه دوم صفر جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای سید محمد علی غروی
دهه سوم صفر جناب حجت‌الاسلام والمسلمین آقای محمود رستگاری

شایسته است عموم مومنین و مومنات علاقمند بساحت مقدس **حضرت سیدالشهداء علیه السلام** شرکت نموده و ضمن بهره مندی از تعالیم رهائی بخش مکتب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، تعظیم شعائر دینی نمایند.

دفتر مسجد حضرت امام خمینی (ره)
بازار تهران

السلام علیک یا ابا عبدالله الحسین

به مناسبت ایام سوگواری سید و سالار شهیدان
حضرت ابی عبدالله الحسین (علیه‌السلام)
و شهادت چهارمین امام شیعیان
امام زین‌العابدین (علیه‌السلام)

مجلس عزاداری همراه با قرائت زیارت عاشورا در دفتر مرجع عالیقدر **حضرت آیت‌الله العظمی حاج سیدمحمد سعید حکیم (دام‌ظله)** برقرار می‌باشد حضور مؤمنان و شیفتگان مکتب اهل بیت(ع) موجب تعظیم شعائر خواهد بود.

زمان: از شنبه ۱۳۹۳/۸/۲۴ مصادف با ۲۱ محرم ۱۴۳۶ به مدت پنج روز از ساعت ۷/۵ لغایت ۹ صبح

سخنران: خطیب توانا: حجت‌الاسلام والمسلمین حاج شیخ مرتضی اعتمادیان و با مرثیه‌خوانی ذاکر اهل بیت عصمت (علیهم السلام) حاج محمدرضا احیاداران

مکان: میدان خراسان، کوچه نورمهدی، پلاک ۲۸
تلفن: ۳۳۰۰۱۰۷۳ و ۳۳۰۰۱۰۷۵

آگهی تغییرات شرکت مهندسی نرم‌افزار پرتو سازان سام سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۸۵۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۴۳۰۵۷

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: خانم یاسمن تاجیکی دارای کد ملی ۰۰۵۶۴۰۰۸۷۱ به‌عنوان رئیس هیأت مدیره و خانم لادن تاجیکی دارای کد ملی ۰۰۴۵۶۴۲۱۱۷ بسمت مدیرعامل و نایب رئیس هیأت مدیره برای مدت دو سال انتخاب شدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت از جمله چکها، بروات و سفته‌ها و سایر اوراق تجارتی و غیره باتفاق رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت‌شرکتها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۳۷۸۶۲ ـ ۰۷۲۵۰۲/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت عرصه آرای پارس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۵۳۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۲۵۱۱۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای سهیل میرغدیری به شماره ملی ۰۰۵۸۲۱۳۳۲۵ و خانم مهدیه حسینی به شماره ملی ۳۰۵۰۱۷۱۱۹۷ و خانم ساحل میرغدیری به شماره ملی ۰۰۶۸۳۰۵۷۵۳ بسمت اعضای هیأت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند. آقای غلامرضا رسولی به شماره ملی ۰۰۵۶۳۰۰۶۱۱ به عنوان بازرس اصلی و خانم مریم صادقی به شماره ملی ۰۳۸۴۴۷۷۱۷۸ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت‌شرکتها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۵۹۰۴۱ ـ ۰۷۲۵۰۰/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت کشت و صنعت سیصد و سی و سه سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۰۰۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۷۲۴۶۷۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۰۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: تراز مالی منتهی به ۱۳۹۳/۱۲/۳۰ به تصویب رسید. خانم هایده پرویزی دارای شماره ملی ۰۰۴۳۱۴۲۱۱۷ و آقای ادیب طوسی دارای شماره ملی ۰۰۷۲۵۷۶۷۹۰۲ و آقای خسرو طوسی دارای شماره ملی ۰۰۷۹۵۳۳۸۱ به عنوان هیأت مدیره شرکت برای مدت دو سال انتخاب شدند. آقای فرید رفعت خو دارای شماره ملی ۰۰۸۲۹۰۸۰۴۴ به عنوان بازرس اصلی و آقای عباس شفیعی دارای شماره ملی ۰۰۵۹۰۶۸۷۱۱ به عنوان بازرس علی‌البدل به مدت یک سال تعیین شدند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت‌شرکتها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۶۶۶۶۴ ـ ۰۷۲۴۹۷/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت زیرساخت امن خدمات تراکنشی سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۵۹۷۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۷۷۶۴۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۰۲/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورتهای مالی شامل ترازنامه و صورت سود و زیان سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی ایران مشهود شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۲۹۷۳ به‌عنوان بازرس اصلی و آقای محمدرضا گلچین‌پور کد ملی ۰۰۴۲۳۳۳۸۱۴ به عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت‌شرکتها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۵۰۴۳۲ ـ ۰۷۲۴۹۶/م‌الف

آگهی تغییرات شرکت طراحان ایده و تبلیغ نیوار شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۵۶۴۸۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۴۰۲۴۱۵۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۳/۰۱/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: نام شرکت به فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیک نیوار تغییر یافت و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید. موضوع شرکت به عبارت ارائه خدمات تجارت با تلفن همراه و تجارت الکترونیک در بازار داخلی و بین‌المللی به منظور توسعه مبادلات تجاری در بازار، فعالیت در زمینه بررسی دورنمای تکنولوژی و کسب وکار مبتنی بر فن آوری اطلاعات در زمینه‌های مختلف، فعالیت در زمینه مدیریت و ارزیابی و نظارت بر اجرای پروژه‌های فن آوری اطلاعات و ارتباطات، برقراری اتحاد استراتژیک با شرکت‌های رایانه‌ای و فن‌آوری اطلاعات داخلی و خارجی موفق و همکاری و مشارکت با آنها در اجرای پروژه‌های بزرگ انفورماتیکی، صادرات و واردات تجهیزات انفورماتیکی و سرمایه‌گذاری در اجرای طرح‌های انفورماتیکی و مشارکت در شرکت‌های ایرانی و خارجی در زمینه موضوع فعالیت شرکت، ارائه خدمات و راهکارهای مجاز در زمینه گسترش تجارت الکترونیک مجاز غیرهرمی و غیر شبکه‌ای، اخذ و اعطای نمایندگی و ایجاد شعب در داخل و خارج کشور و شرکت در مناقصه‌ها و مزایده‌های داخلی و خارجی، انجام امور بازرگانی مجاز خرید سهام، تأسیس و ثبت هرگونه شرکت با مشارکت اشخاص حقیقی یا حقوقی داخلی و یا خارجی، انجام فعالیتهای حق‌العمل‌کاری، پیمانکاری، عقد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی و انجام کلیه امور مرتبط با موضوع فعالیت شرکت تغییر یافت و ماده ۲ اساسنامه به شرح فوق اصلاح می‌گردد. سال مالی شرکت از روز اول مهر هر سال به روز اول فروردین هر سال تغییر یافت و در نتیجه ماده ۵۱ اساسنامه به شرح مذکور اصلاح شد

اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

۱۱۸۴۹۶۸ـ۰۷۱۷۴۵/م الف

آگهی تغییرات شرکت سرمایه‌گذاری تدبیر سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۷۸۸۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۰۷۶۶۶

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۳/۰۱ و مجوز شماره ۱۲۱/۲۷۴۲۲۵ مورخ ۹۳/۴/۱۰ سازمان بورس و اوراق بهادار تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محمود بهمنی به شماره ملی ۴۸۹۸۸۲۹۰۲۳ به نمایندگی از طرف گروه توسعه ساختمان تدبیر با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۶۳۸۷۰، به سمت رئیس هیات مدیره و محمد سخایی فولادی به شماره ملی ۱۲۸۷۹۵۷۱۶۱ به نمایندگی از طرف شرکت گسترش الکترونیک مبین ایران با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۹۲۱۷۰، به سمت نایب رئیس هیات مدیره و محمدحسین رمضانی فوکلائی به شماره ملی ۲۰۶۰۳۱۰۳۱۸ به نمایندگی از طرف گروه توسعه انرژی تدبیر با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۶۹۶۱۴، به سمت عضو هیات مدیره و حمیدرضا رفیعی به شماره ملی ۲۰۶۲۸۸۷۳۵۳ به نمایندگی از گروه توسعه اقتصادی تدبیر با شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۷۱۶۹۰، به سمت عضو هیات مدیره و مجتبی تقی‌پور به شماره ملی ۰۹۴۱۹۰۷۴۳۰ به نمایندگی از طرف شرکت توسعه صنعت و معدن تدبیر با شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۹۷۶۸۰، به سمت مدیرعامل و عضو هیات مدیره برای باقیمانده مدت تصدی تعیین گردیدند. کلیه اوراق و اسناد بهادار مالی و تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، بروات، قراردادها و عقود اسلامی با امضای متفق مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب وی با امضای دو نفر از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد و مکاتبات اداری و سایر موارد با امضای مدیرعامل و یا مدیران منتخب وی اقدام می‌گردد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۱۷۶۵۵۲ـ۰۷۱۷۴۴/م الف

آگهی تغییرات شرکت عرصه آرای پارس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۷۵۳۹۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۱۲۵۱۱۴

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای سهیل میرغدیری کد ملی ۰۰۵۸۲۱۳۳۲۵ به سمت رئیس هیأت مدیره، خانم مهدیه حسینی کد ملی ۳۰۵۰۱۷۱۱۹۷ به سمت نایب رئیس و آقای سهیل میرغدیری کد ملی ۰۰۵۸۲۱۳۳۲۵ به سمت مدیرعامل انتخاب شدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت به امضاء مشترک مدیرعامل و رئیس هیأت مدیره همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت‌شرکتها و موسسات غیرتجاری تهران

۱۵۵۹۴۵۹ ـ ۰۷۲۴۹۹/م‌الف

* *

آگهی تغییرات شرکت سبزینه پویا تنکا شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۳۲۷۶۷۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۶۶۲۲۰۴

به استناد صورتجلسه هیئت‌مدیره مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای علی ذکریائی به سمت رئیس هیئت‌مدیره به شماره ملی ۲۲۱۸۰۲۶۷۱۶ خانم فاطمه غلامی به سمت عضو هیئت‌مدیره به شماره ملی ۲۲۱۹۰۲۵۲۹۲ آقای مهدی ذکریایی به سمت نائب‌رئیس هیئت‌مدیره به شماره ملی ۰۰۶۲۱۴۰۸۴۱ آقای مبین ذکریائی (خارج از اعضاء هیئت‌مدیره) به شماره ملی ۲۲۱۰۰۰۴۷۸۰ به سمت مدیرعامل برای مدت دو سال انتخاب گردید. کلیه چک‌ها و قراردادها و اوراق بهادار با امضاء رئیس هیئت‌مدیره آقای علی ذکریائی یا امضاء مدیرعامل آقای مبین ذکریائی و یکی از اعضاء هیئت‌مدیره دیگر به همراه مهر شرکت معتبر می‌باشد. سایر مکاتبات اداری به امضاء رئیس هیأت‌مدیره یا مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری تهران

۱۱۴۳۷۳۸ـ۰۷۲۵۵۰/م‌الف

اطلاعات

سال هشتاد ونهم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۳
۱۸ محرم ۱۴۳۶ـ ۱۲ نوامبر ۲۰۱۴

ظهر شرعی	۱۱ و ۴۸ دقیقه
غروب آفتاب	۱۷ و ۰۰ دقیقه
اذان مغرب	۱۷ و ۱۹ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۲۳ و ۰۶ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۱۱ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۳۸ دقیقه

فواد معصوم: آیت‌الله العظمی سیستانی، عراق را از بحران نجات داده‌اند

سرویس خارجی: رئیس جمهوری عراق گفت: راهنمایی‌های آیت الله العظمی سیستانی و مرجعیت دینی، کشور را از بحران ها و پرتگاه‌های بسیاری نجات داده است.

رئیس جمهوری عراق قبل از عزیمت به عربستان، به نجف رفت و با آیت‌الله العظمی سیستانی مرجع عالیقدر شیعیان عراق دیدار کرد. معصوم بعد از این دیدار ضمن تشکر از نقش موثر آیت‌الله العظمی سیستانی در حل مشکلات و تحولات عراق، تأکید کرد که نگاه مرجعیت در عراق سبب وحدت عراقی‌ها شده است.این مقام بلندپایه عراقی با بیان اینکه ما با آیت‌الله العظمی سیستانی درباره اجرای قانون اساسی و ارتباط با همسایگان هم‌نظر هستیم، اعلام کرد که معظم له به تمامی عراقی‌ها و جریان‌ها به یک چشم نگاه می‌کنند.رئیس جمهوری عراق با بیان اینکه ما در هر دیداری که با آیت‌الله العظمی سیستانی انجام می‌دهیم، به راهنمایی‌ها و نقطه‌نظرات ارزشمند ایشان گوش فرامی‌دهیم گفت که نظرات و راهنمایی‌های ایشان ما را از مشکلات پیش آمده برای کشور نجات داده است.معصوم گفت: به لطف راهنمایی‌های ایشان ما توانستیم قانون اساسی را اجرا کنیم.این در حالی است که،رئیس پارلمان عراق در گفتگو با روزنامه عکاظ عربستان ضمن تأکید بر اهمیت بالای سفر رئیس جمهوری این کشور به عربستان این سفر را در راستای منافع کشورهای عربی توصیف کرد. «سلیم الجبوری» رئیس پارلمان عراق گفت که سفر رئیس جمهور عراق به عربستان از اهمیت بالایی برخوردار است.در همین رابطه،نماینده فراکسیون «دولت قانون» در پارلمان عراق از عربستان خواست همزمان با سفر رئیس‌جمهوری عراق به ریاض، سفارت عربستان در بغداد را بازگشایی کند.

از دیگر سو،نخست‌وزیر عراق اعلام کرد ، در مرحله آتی، مسئولیت پرونده امنیتی بغداد بر عهده وزارت کشور خواهد بود. از طرفی،پادشاه اردن در دیدار با معاون رئیس جمهوری عراق در امان بر لزوم تقویت همکاری مشترک برای مقابله با خطر گروه‌های تروریستی تاکید کرد.

آخرین اخبار از البغدادی

رسانه ها در حالی از انتشار خبر مرگ سرکرده تروریست های داعش در صفحه توییتر این گروهک تروریستی خبر می دهند که وزارت دفاع آمریکا از سرنوشت وی ابراز بی‌اطلاعی کرده است.

در همین رابطه،یک موسسه وابسته به گروه تکفیری داعش موسوم به «الاعتصام» در صفحه توئیتر خود اعلام کرد که البغدادی کشته شد.این موسسه اعلام کرد که جزئیات کشته شدن ابوبکر البغدادی و بیعت با فرد جایگزین منتشر خواهد شد. این در حالی است که، صفحه «مؤسسهٔ الاعتصام» توئیت تایید مرگ ابوبکر البغدادی را از صفحه خود حذف کرد. موسسه الاعتصام به عنوان وزارت آموزش عالی و پژوهش علمی در گروه داعش فعالیت می‌کند.سخنگوی داعش و همچنین وزیر دفاع و وزیر کشور عراق اعلام کردند که البغدادی زخمی شده و برای درمان به سوریه منتقل شده است.روزنامه استار ترکیه نیز خبری مبنی بر مرگ ابوبکر البغدادی سرکرده داعش در حمله جنگنده های ائتلاف ضدداعش به رهبری آمریکا به مواضع تروریست ها در عراق منتشر شد. همچنین تلویزیون عراق اعلام کرد که در حمله نیروهای امنیتی عراق به نزدیکی شهر فلوجه یکی از معاونان ابوبکر البغدادی به نام «ابوحذیفه الیمنی» به هلاکت رسیده است. در این خصوص نیز اطلاعات بیشتری در اختیار رسانه ها قرار نگرفته است .

در چنین شرایطی،«استیو وارن»، سخنگوی وزارت دفاع آمریکا گفت:ما هیچ اطلاعاتی درباره تایید گزارش‌ها مبنی بر کشته یا زخمی شدن ابوبکر البغدادی نداریم.

شایان گفتن است که، خبرگزاری آنسا ایتالیا به نقل از«ابراهیم الجعفری» وزیر امور خارجه عراق اعلام کرده بود که ابوبکر البغدادی پس از زخمی شدن در حمله هوایی کشته شده است.

تحولات میدانی

ژنرال «عبدالوهاب السعیدی» فرمانده عملیات استان «صلاح الدین» عراق گفت: نیروهای ارتش عراق پس از درگیری‌های شدید با گروهک تروریستی داعش، کنترل مرکز شهرستان «بیجی» را به دست گرفتند.از طرفی،یک منبع امنیتی در استان صلاح الدین عراق اعلام کرد که نیروهای امنیتی این کشور در سه کیلومتری پالایشگاه بیجی در شمال تکریت مستقر هستند و یک جنگنده اف۱۶ ائتلاف ضد داعش حمله هوایی را علیه پایگاه این گروه در منطقه الصینیه و مرکز منطقه بیجی انجام داده است.به گزارش منبع مذکور، نیروهای امنیتی طی دو روز گذشته ۱۰۰ بمب دست‌ساز را که در مسیر بین الصینیه و بیجی کار گذاشته شده بود، خنثی کردند.،در حالی که داعش همچنان به محاصره عشیره البونمر در منطقه «پروانه» از توابع «حدیثه» در استان الانبار ادامه می‌دهد و نیروهای عراقی آماده بازپس گیری منطقه «هیت» از تروریست‌های داعش هستند، غازی الکعود، یکی از شیوخ قبیله البونمر گفت: سخنانی که درخصوص رسیدن کمک‌های نظامی به ما گفته می‌شود کاملاً اشتباه است. عشیره ما تاکنون بیش از ۶۰۰ تن از اعضای خود را از دست داده است و به رغم اینکه حیدر العبادی، نخست‌وزیر عراق به من وعده داد که عشیره ما را به سلاح مجهز می کند اما تاکنون این وعده‌ها عملی نشده است.الکعود خاطرنشان کرد: اعضای عشیره البونمر در پایگاه نظامی عین الاسد آماده جنگ با داعش هستند اما با کمبود سلاح مواجهند و مشکل بزرگ آنها کمبود غذا و دارو و همچنین محاصره توسط داعش است. یک منبع امنیتی در کرکوک نیز اعلام کرد که ۳۰ تن از اعضای داعش در حمله هوایی جنگنده‌های آمریکا به جنوب غرب کرکوک کشته شدند.از سوی دیگر، الیسا اسمیت سخنگوی وزارت دفاع آمریکا (پنتاگون) اعلام کرد که ۵۰ سرباز آمریکایی وارد پایگاه هوایی عین الاسد در الانبار شدند و از آن دیدن کردند تا از این پایگاه برای حمایت از نیروهای عراقی استفاده کنند.خبر دیگر اینکه،براساس سندی که رسانه‌های محلی منتشر کردند، گروه تروریستی داعش برای ترور ۲۰ روزنامه‌نگار و اصحاب رسانه از جمله مدیران نهادهای خبری، سردبیران و مجریان برنامه‌های تلویزیونی، برنامه‌ریزی می کند.از دیگر سو،وزارت دفاع انگلیس اعلام کرد که این کشور نخستین حمله هوایی خود را علیه مواضع داعش در عراق با استفاده از یک هواپیمای بدون سرنشین انجام داده است.وزارت دفاع انگلیس اعلام کرد: با ادامه اقدامات نیروهای نظامی انگلیس برای کمک به دولت عراق به منظور مقابله با شبه نظامیان داعش،یک پهپاد انگلیسی برای نخستین بار مواضع این گروه شبه نظامی را هدف قرار داد.

سی.ان.ان: ژنرال سلیمانی استراتژیستی‌عملگراست

شبکه سی‌ان‌ان با اشاره به اینکه سردار قاسم سلیمانی برای آمریکایی‌ها مردی اسرارآمیز از کشوری رقیب است، تاکید کرد از نگاه تحلیلگران آمریکایی این ژنرال ایرانی استراتژیستی عملگراست. تلویزیون سی‌ان‌ان آمریکا در گزارشی با اشاره به نقش سردار قاسم سلیمانی در مبارزه با داعش و پیروزی اخیر نیروهای ارتش عراقی و گروه‌های مردمی تاکید کرد که این پیروزی و عکس‌های منتشر شده از سردار ایرانی نشان دهنده نقش فزاینده ایران در عراق است.سی‌ان‌ان افزود: گزارش‌ها و تصاویر منتشر شده از سردار سلیمانی در نبرد با داعش تصویر اسطوره‌ای از وی را تقویت کرده است.

رئیس جمهوری عراق به زیارت حرم امام علی(ع) رفت

رئیس جمهور عراق قبل از سفر به عربستان سعودی به نجف اشرف رفت و پس از زیارت حرم امام اول شیعیان با دو تن از مراجع تقلید دیدار کرد.به گزارش ابنا،«فواد معصوم» در دیدار با مسئولان تولیت حرم در جریان پروژه‌های در دست احداث حرم امام علی(ع) قرار گرفت.رئیس جمهوری عراق همچنین با آیت‌الله العظمی بشیر نجفی یکی از مراجع عالیقدر شیعیان عراق در نجف اشرف نیز دیدار کرد.جزئیاتی از دیدار فواد معصوم و آیت الله العظمی بشیر نجفی منتشر نشده است.

اعلان جنگ القاعده یمن علیه عربستان پس از همپیمانی با داعش

سرویس خارجی: گروهک تروریستی القاعده شاخه یمن با انتشار فایلی صوتی در اینترنت همپیمانی خود با «ابوبکر البغدادی» خلیفه خود خوانده داعش را اعلام کرد.القاعده یمن همچنین مسلمانان جهان را به همپیمانی با داعش دعوت و اعلام کرد افرادی که ارتش البغدادی خوانده می‌شوند در عربستان و یمن حضور دارند و پرچم داعش را در شبه جزیره عربستان برافراشته خواهند کرد.القاعده یمن همچنین نیروهای امنیتی و نهادهای دولتی عربستان را تهدید به حمله کرد. در تحولی دیگر منابع یمنی از درگیری میان حوثی ها و القاعده در فرودگاه صنعا و استان «البیضا» خبردادند.گروه تروریستی «انصارالشریعه» وابسته به القاعده یمن با انتشار بیانیه ای از کشته شدن ۳۷ تن از حوثی ها درجریان این درگیری ها خبر داد.یک منبع دولتی یمن نیز اعلام کرد که انفجار یک بمب در مسیر حرکت خودروی ارتش این کشور منجر به کشته شدن سه سرباز و زخمی شدن دو تن دیگر شد.خبر دیگر اینکه همزمان با اعمال تحریم‌های آمریکا علیه علی عبدالله صالح، رئیس‌جمهوری پیشین یمن و چند شخصیت دیگر و در پی گسترش خشونت ها در این کشور، آمریکا حضور دیپلمات‌های خود در یمن را کاهش داد.

*قطر

پس از انتشار اخباری مبنی بر لغو نشست شورای همکاری خلیج فارس در قطر، امیر این کشور اعلام کرد دوحه از نشست شورا استقبال می کند و خواهان برگزاری آن در دوحه است.« شیخ تمیم بن حمد آل ثانی » همچنین خواستار پایان افراط‌گرایی و حمایت از حامیان آن شد.

اتحادیه اروپا :به روابط حسنه با روسیه نیازمندیم

سرویس خارجی: مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر لزوم برقراری روابط حسنه این اتحادیه با روسیه تاکید کرد و گفت: مسکو می‌تواند از شرکای خوب اتحادیه اروپا باشد.فدریکا موگرینی با بیان اینکه برخی اوقات این روابط دچار خدشه و سوء تفاهم می شود تصریح کرد:ما به روابطی فراتر از روابط اتحادیه اروپا– آمریکا نیاز داریم و برای تحقق آن باید تلاش کنیم. این دیپلمات اروپایی در بخش دیگری از سخنان خود بر تقویت ناتو تاکید کرد و خواستار همکاری های بیشتر این نهاد با اتحادیه اروپا شد. موگرینی در عین حال از تصمیم این اتحادیه مبنی بر برگزاری نشستی در سطح وزیران با هدف بررسی تحریم‌های روسیه و چگونگی حمایت از اوکراین خبر داد.وی افزود: وزرای اروپایی هفته آینده درباره چگونگی گسترش تحریم‌ها علیه روسیه تصمیم‌گیری می‌کنند.در این حال نخست‌وزیر انگلیس با اعلام حمایت از تحریم‌های شدیدتر علیه روسیه در صورت تداوم آنچه اقدامات این کشور برای ایجاد بی‌ثباتی در اوکراین خوانده شده است، گفت: انگلیس تمایل ندارد با روسیه وارد جنگ سرد شود. خبر دیگر اینکه رئیس‌جمهوری روسیه در دیدار با «نجیب رزاق» نخست وزیر مالزی در پاسخ به درخواست وی برای تامین شرایط تحقیقات کارشناسان در محل سقوط هواپیمای مالزی در منطقه دونتسک اوکراین گفت: روسیه همواره بر توقف اقدامات نظامی در مناطق مناقشه در شرق اوکراین تاکید می‌کند و پایبند است. در چنین شرایطی میخائیل گورباچف،آخرین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق خواستار رفع تنش ها و اختلافات میان روسیه وکشورهای غربی شد.وی خاطرنشان کرد: تشدید اختلافات میان روسیه وکشورهای غربی وآمریکا خطرناک است و می تواند درآینده پیامدهای منفی به همراه داشته باشد.

از سویی کاخ سفید از گفتگوی ۲۰ دقیقه ای باراک اوباما، رئیس جمهوری آمریکا با ولادیمیر پوتین، همتای روس خود در مورد سوریه، اوکراین و ایران در حاشیه نشست سازمان همکاری آسیا –اقیانوسیه (اپک) در پکن، خبر داد. در این حال خبرگزاری رویترز پس از این دیدار نوشت: باراک اوباما و پوتین در حاشیه نشست اپک چند بار به صورت کوتاه با یکدیگر روبرو شدند که این امر بیش از آنکه به کاهش تنش ها منجر شود، روابط سرد طرفین را برملا کرد.در این حال «بن رودز» معاون مشاور امنیت ملی اوباما گفت: هر برخوردی بین دو طرف فرصتی برای اوباماست تا به پوتین یادآوری کند برای حل مسالمت آمیز بحران اوکراین وعده داده است.

کوتاه از سراسر جهان

بایدن: من صهیونیست هستم



العالم: معاون رئیس جمهوری آمریکا اعلام کرد که یک صهیونیست است.جو بایدن گفت: وقتی که یک سناتور جوان بودم می گفتم اگر یهودی بودم، صهیونیست می‌شدم. وی افزود: ولی من یک صهیونیست هستم و نیازی نیست برای صهیونیست بودن، یهودی باشی.معاون رئیس جمهوری آمریکا ادعا کرد: وجود اسرائیل برای تأمین امنیت یهودیان جهان ضروری است.گفتنی است آمریکا در شش سال گذشته روزانه ۸ میلیون و ۵۰۰ هزار دلار به اسرائیل کمک کرده است تا این کمک‌ها را در امور امنیتی و حفظ برتری نظامی خود هزینه کند.

برگزاری مراسم روز شهید در مناطق مختلف لبنان

فارس: حزب الله همزمان با سالگرد اولین عملیات استشهادی این جنبش توسط «أحمد قصیر» علیه اشغالگران صهیونیست، در مناطق مختلف لبنان مراسم یادبود برگزار کرد.برهمین اساس مراسم گرامیداشت شهید قصیر در محل انجام عملیات شهادت طلبانه‌اش در منطقه «جل البحر» شهر صور با حضور شماری از مقامات حزب الله و خانواده شهید قصیر برگزار شد. خبر دیگر اینکه منابع امنیتی از زخمی شدن دو تن از سرکردگان گروهک‌های تروریستی فعال در شمال لبنان خبر داده و تاکید کردند که این افراد پس از زخمی شدن تحت محافظت تروریست‌ها در مناطق مسکونی نگهداری می‌شوند.

اعتراضات علیه ناپدید شدن دانش‌آموزان مکزیکی جهانی شد

فارس: دانشجویان بسیاری از کشورهای جهان در پی ناپدید شدن ۴۳ دانش‌آموز مکزیکی دست به اعتراض زده و با سردادن شعارهایی خواستار پیدا شدن هر چه سریعتر آن‌ها شدند.دانشجویان بسیاری از کشورهای جهان از جمله شیلی، فرانسه، ایتالیا، هندوراس، کلمبیا و آمریکا طی تظاهراتی با خانواده‌های ۴۳ دانش‌آموز ناپدید شده مدرسه روستای «آیوتسیناپا» در مکزیک همدردی کرده و خواستار اجرای عدالت درخصوص عاملان این حادثه شدند.

رئیس جمهوری آمریکا خواستار تشدید مقررات اینترنت شد

ایسنا: رئیس‌جمهوری آمریکا از تغییر اساسی برای چگونگی عملکرد دولت درباره خدمات اینترنت و شدیدتر شدن تنظیم مقررات اینترنت استقبال کرد، اقدامی که باعث نگرانی کاربران از کند شدن سرعت اینترنت و افزایش هزینه‌ها شده است. باراک اوباما از کمیسیون ارتباطات فدرال خواست به تنظیم مقررات شدیدتر بر ارائه دهندگان خدمات اینترنت و عملکرد پهنای باند و سایر تجهیزات مربوط به این حیطه بپردازد. کمیسیون ارتباطات فدرال یک اداره تنظیم مقررات مستقل تحت ریاست افراد منتصب سیاسی، در حال اتخاذ تصمیمی در این باره است که آیا باید به ارئه دهندگان پهنای باند اجازه داده شود مبادلات خود را با توزیع کنندگان حجم اینترنت قطع کنند یا خیر.

افشای عذرخواهی ریگان از مارگارت تاچر

ایسنا: نوارهای تازه منتشر شده حاکی از آن است که رئیس‌جمهوری فقید آمریکا پس از حمله مخفیانه نیروهای کشورش در سال ۱۹۸۳ میلادی به گرانادا – کشور جزیره‌ای مشترک المنافع در دریای کارائیب – شخصاً از نخست‌وزیر انگلیس عذرخواهی کرده بود. رونالد ریگان بابت تمامی ناراحتی‌ها و مشکلات به وجود آمده برای مارگارت تاچر نخست‌وزیر فقید انگلیس که از قبل درباره عملیات سرنگونی دولت مارکسیست گرانادا به وی اطلاع داده نشده بود، عذرخواهی کرده بود. این مکالمه تلفنی توسط کتابخانه ریاست‌جمهوری رونالد ریگان در کالیفرنیا افشا شد.

کاروان مقامات نظامی پاکستان در کویته هدف انفجار بمب قرار گرفت

ایرنا: وقوع انفجار در مسیر حرکت خودروی حامل افسران پلیس و یک قاضی پاکستانی در کویته به کشته شدن یک نوجوان ۱۳ ساله و زخمی شدن ۲۵ تن دیگر انجامید. این بمب در خودرویی کنار جاده کار گذاشته شده بود و به صورت کنترل از راه دور منفجر شد. هدف اصلی این حمله، معاون رئیس پلیس کویته بود که در حال عزیمت به محل کارش بود. در خبری دیگر، «علامه غلامرضا نقوی»، رهبر «سپاه محمد» و از روحانیون سرشناس شیعه پاکستان، پس از ۱۸ سال، از زندانی در ایالت پنجاب آزاد شد. وی در این سال‌ها بدون هیچ محکومیتی در زندان بود.

شینزو آبه: چین و ژاپن به یکدیگر نیازمند هستند

فارس: رهبران ژاپن و چین در حاشیه اجلاس سازمان همکاری‌های اقتصادی آسیا–اقیانوس آرام (آپک) خواستار بهبود روابط بین دو کشور شدند. «شینزو آبه» نخست‌وزیر ژاپن گفت: چین و ژاپن به یکدیگر نیاز و پیوند ناگسستنی با یکدیگر دارند. وی افزود: چین و ژاپن برای صلح و آبادانی منطقه مسئول هستند. نخست وزیر ژاپن با اشاره به اختلافات بین دو کشور بر سر جزایر تحت سلطه ژاپن در دریای چین شرقی گفت: روابط تاریخی توکیو و پکن به پایین‌ترین حد خود در دهه‌های اخیر رسیده‌است.

سیسی از تعویق انتخابات پارلمانی مصر خبر داد

سرویس خارجی: عبدالفتاح سیسی، رئیس‌جمهوری مصر اعلام کرد، انتخابات پارلمانی این کشور در سه ماه اول سال ۲۰۱۵ برگزار می‌شود. قرار بود انتخابات پارلمانی مصر تا پایان سال میلادی جاری برگزار شود. در خبری دیگر، نیروهای مسلح مصر سطح آمادگی خود را برای اجرای عملیات نظامی گسترده در منطقه سینا با هدف از بین بردن کامل گروه‌های مسلح، افزایش دادند.

واشنگتن: قصد تجزیه سوریه را نداریم

سرویس خارجی: نماینده ویژه آمریکا در امور سوریه مدعی شد اتهام تمایل آمریکا به تقسیم سوریه اصلا درست نیست. «دنیل روبنشتاین» گفت: با این ادعا که آمریکا به تمامیت ارضی سوریه احترام می گذارد گفت: گهگاهی سخنانی را درباره توطئه تقسیم سوریه می‌شنویم و گاهی آمریکا را در این باره متهم می کنند ولی ما هرگز تمایلی به این کار نداریم. وی درباره طرح فرستاده ویژه سازمان ملل به سوریه درباره «ایجاد مناطق امن» گفت: ما به استفان دی میستورا اطمینان بالایی داریم و او در جامعه بین‌الملل سابقه خوبی دارد. روبنشتاین در عین حال گفت که سیاست دولت اوباما در قبال سوریه تغییر نکرده و واشنگتن معتقد است که بر اساس راهکار سیاسی، بشار اسد رئیس جمهوری سوریه باید از منصب خود کناره‌گیری کند. به گفته وی آمریکا همچنان خواستار دوره انتقال سیاسی در سوریه است.

در چنین شرایطی وزیر خارجه انگلیس از تامین تجهیزات غیر نظامی مخالفان سوری از سوی کشورش خبر داد. فیلیپ هاموند در بیانیه ای پس از دیدار با هادی البحره رئیس ائتلاف مخالفان سوری در لندن با اشاره به تعهدات انگلیس در حمایت از مخالفان سوری در مبارزه با داعش و نظام بشار اسد مدعی شد بریتانیا به مخالفان سوری که در پی برقراری امنیت در سوریه هستند، کمک می کند. وی به خدمات ضروری انگلیس به مخالفان سوری اشاره کرد و افزود: این خدمات شامل نجات و جستجو برای کمک به آن دسته از ساکنان سوریه می شود که منازل آنها به خاطر درگیریهای این کشور ویران شده است. وزیر خارجه انگلیس با اشاره به تامین تجهیزات غیر کشنده برای مخالفان از سوی بریتانیا ادعا کرد که بشار اسد نمی تواند نقشی در آینده سوریه داشته باشد.

تاکید بر راهکار سیاسی

فرستاده ویژه سازمان ملل به سوریه با بیان اینکه راهکار بحران سوریه سیاسی است، از همگان خواست به دنبال فرصتی برای پایان دادن به خشونت‌ها در این کشور باشند. استفان دی میستورا گفت: ما همگی از این مساله اطمینان داریم که راهکار بحران سوریه باید سیاسی و مسالمت‌آمیز باشد نه نظامی. وی ضمن درخواست از همگان برای یافتن فرصتی برای پایان دادن به خشونت‌ها در سوریه، تاکید کرد: هر مکانی در سوریه ویژگی‌های خاص خود را دارد. ما نیز باید با توجه به این ویژگی‌ها اقداماتی را اتخاذ کنیم. دی میستورا تصریح کرد: مساله مهم این است که به مردم ثابت کنیم ما در حال ایجاد تغییرات مثبت هستیم و من طی دیدار با غیرنظامیان در سوریه دیدم که آنها مشکلات و رنج بسیاری کشیده‌اند و خواهان بازگشت به زندگی عادی خود هستند.

از سویی فرستاده سازمان ملل پس از دیدار مجدد با وزیر خارجه سوریه و معاون وی، بدون اینکه با معارضان داخلی سوریه دیدار کند،این کشور را ترک کرد. دی میستورا که قرار بود پس از دیدار با مقامات دولت این کشور با معارضان داخلی سوریه نیز دیدار کند، دیگر با مخالفان دیدار نکرد. فرستاده سازمان ملل در امور سوریه با «بشار اسد نیز دیدار کرد و درباره طرح «ایجاد مناطق امن» با یکدیگر بحث و گفتگو کردند. بشار اسد در این دیدار طرح وی را قابل بررسی دانست.

این درحالی است که فرماندهان نظامی گروهک ارتش آزاد در حلب مدعی شدند برای پذیرش طرح ایجاد مناطق امن چهار شرط دارند. «زاهر الساکت» سرکرده شورای نظامی وابسته به ارتش آزاد سوریه در صفحه فیسبوک خود مدعی شد که تحویل جنایتکاران جنگی که از سلاح شیمیایی علیه افراد غیرنظامی استفاده کردند، مهمترین شرط این گروهک است. الساکت همچنین مدعی شد که بیرون راندن شبه نظامیان حامی دولت، متوقف ساختن بمباران هوایی و آزادی افراد بازداشت شده در زندان‌های دولت از جمله زنان سه شرط دیگر آنها برای پذیرش طرح دی میستورا است.

در تحولی دیگر رئیس پارلمان سوریه بنا به درخواست همتای الجزایری خود به «الجزیره» سفر و با وی دیدار کرد. «محمد جهاد اللحام» دیروز وارد الجزایر شد و در دیدار با «محمد العربی» همتای الجزایری خود، بر عمق روابط تاریخی و اهمیت هماهنگی میان دو کشور در سایه شرایط کنونی برای رویارویی با نیروهای تروریستی و استعماری تأکید کرد.

نشست همبستگی با کوبانی

نشست همبستگی با مردم کوبانی با حضور چهره های کرد سوری در پاریس برگزار شد. فعالان کرد سوری و شماری از حمایت کنندگان از مردم کوبانی با گردهمایی در پاریس نشستی را به منظور همبستگی با اهالی کوبانی برگزار کردند. "صالح مسلم" رئیس حزب اتحاد دمکراتیک کردهای سوریه از جمله مهمان اصلی این نشست بود. شرکت کنندگان در این نشست خواستار تسریع در بهبود هر چه بیشتر اوضاع در شهر کوبانی و رسیدگی بیشتر به مردم این منطقه شدند. "نارین نهرین" "فرمانده زن نیروهای کرد سوریه در کوبانی در تماس مستقیم با این نشست از بهتر شدن اوضاع این شهر خبر داد. وی از پیشرفت کردها علیه داعش خبر داد. این فرمانده ۴۰ ساله زن کرد که نام حقیقی اش "میسا عبدو" است اعلام کرد که مبارزان کرد کوبانی در صدد پاکسازی این شهر از وجود داعش به صورت خانه به خانه و ریشه کن کردن تروریسم در این شهر هستند.

در تحولی دیگر سه سرکرده گروه تروریستی «جبهه النصره» در جریان عملیات ارتش سوریه در استان ادلب و منطقه القلمون کشته شدند. استان ادلب در شمال غرب سوریه شاهد تداوم عملیات ارتش سوریه در مناطق مختلف این استان بود. عملیات نیروی هوایی ارتش سوریه در این استان هلاکت «ابو طلحه الدیری» از سرکردگان النصره و مهندس بمبگذاری این گروه در این استان را در پی داشت. از سوی دیگر، انفجار بمب کار گذاشته شده در خودروی «جهاد زعتور» سرکرده میدانی گروه تروریستی موسوم به «لواء فرسان الحق» از گروه‌های وابسته به النصره در کفر نبل هلاکت این سرکرده النصره را موجب شد. این در حالی بود که در جریان تلاش یکی از سرکردگان جبهه النصره به نام «ابو مرتضی» برای نفوذ به یکی از نقاط نظامی ارتش سوریه در منطقه القلمون وی به همراه پنج نفر از همراهانش به هلاکت رسید.

فرستاده سازمان ملل از خرابه های «حمص» دیدن کرد

«استفان دی میستورا» نماینده ویژه سازمان ملل در امور سوریه پس از دیدار با مقامات این کشور در دمشق، به شهر حمص سفر و از ویرانه های این شهر به دست تروریست‌ها دیدن کرد. دی میستورا در حمص با «طلال البرازی» استاندار این شهر دیدار و پس از بازدید از مناطق جنگ زده این شهر در یکی از کلیساهای حمص حضور یافت.

اعلام حالت فوق العاده در کرانه باختری به دنبال هلاکت ۲ نظامی صهیونیست

سرویس خارجی: منابع اسرائیلی از تشدید تدابیر امنیتی به دنبال هلاکت دو نظامی صهیونیست به دست مبارزان فلسطینی خبر دادند.

درپی حمله با چاقو به چند اسرائیلی در تل آویو و کرانه باختری توسط جوانان شهادت‌طلب فلسطینی، دو صهیونیست به‌هلاکت رسیده و چند نفر دیگر زخمی شدند. گفته می شود نظامیان صهیونیست عامل حمله در کرانه باختری را به شهادت رساندند. پایگاه خبری العهد نیز از دستگیری پدر و سه برادر این جوان فلسطینی توسط نظامیان رژیم صهیونیستی خبر داد. بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی هم دستور تخریب منازل عاملان حمله به این صهیونیستها را صادر کرد. از طرفی شبکه اسکای نیوز از برقراری حالت فوق العاده در شهرک «کوخاف یعقوب» در مرکز کرانه باختری خبر داد. همچنین رژیم صهیونیستی صدها نفر از نظامیان تیپ ویژه گولانی که در جولان اشغالی مستقر هستند را به کرانه باختری منتقل کرد. این نظامیان که در جنگ اخیر غزه شکست سختی خوردند در مسیرهای اصلی شهرک‌های اسرائیلی و ایستگاه‌های حمل ونقل در کرانه باختری مستقر شدند تا جلوی عملیات فلسطینی ها را بگیرند. بنیامین نتانیاهو هم جلسه‌ای فوری برای بررسی تحرکات ضد صهیونیستی فلسطینی‌ها تشکیل داد.

در این حال جنبش جهاد اسلامی فلسطین در بیانیه‌ای مسئولیت عملیات کرانه باختری را بر عهده گرفت. جنبش جهاد اسلامی اعلام کرد که یکی از اعضای این جنبش در نزدیکی شهر الخلیل این عملیات را انجام داد.«حسام بدران» سخنگوی این جنبش در خارج از فلسطین با تقدیر از حمله به نظامیان صهیونیست گفت: این اقدام، گامی در جهت صحیح است و نشان‌دهنده سرسختی فلسطینیان در راه مقاومت در برابر اشغالگری و مبارزه با جنایات به وقوع پیوسته در مسجدالاقصی و شهر قدس است. وی افزود: این حمله، پاسخی سریع به قتل جوان فلسطینی در شهر کفر کنا در کرانه باختری توسط پلیس اسرائیل است، قتلی که با تشویق رهبران سیاسی اسرائیل انجام شد.

درچنین شرایطی نخست وزیر رژیم صهیونیستی به صورت علنی خواستار اخراج عرب ها از فلسطین اشغالی شد. نتانیاهو گفت: همه کسانی که در محکومیت اسرائیل و حمایت از دولت فلسطین اعتراض می کنند، بروند و در غزه یا کرانه باختری ساکن شوند؛ قول می دهم اسرائیل مانع آن ها نشود. گفتنی است به دنبال شهادت یک جوان فلسطینی در منطقه کفرکنا به دست نظامیان صهیونیست، فلسطینی‌های ساکن اراضی اشغالی ۱۹۴۸ در اعتراض به این وحشی گری رژیم صهیونیستی، اعتصاب گسترده‌ای کردند.

تشدید درگیری ها

درگیری‌ها در اردوگاه «شعفاط» واقع در مرکز قدس اشغالی شدت گرفت. نظامیان رژیم صهیونیستی برای متفرق کردن معترضان فلسطینی از گلوله پلاستیکی و گاز اشک‌آور استفاده کردند که بر اثر آنها دهها فلسطینی زخمی شدند. از سوی دیگر چندین دانش‌آموز ساکن بیت لحم واقع در کرانه باختری نیز پس از استنشاق گاز اشک آور دچار حالت خفگی شدند. همچنین درادامه بازداشت‌های گسترده شش جوان فلسطینی ساکن الخلیل، قلقیلیه و نابلس واقع در کرانه باختری بازداشت شدند. هفت جوان فلسطینی ساکن قدس نیز توسط نظامیان رژیم صهیونیستی بازداشت شدند. این جوانان ۲۰ تا ۳۰ ساله بودند.

خبر دیگر اینکه دو جوان فلسطینی در کرانه باختری پس از آنکه هدف گلوله نظامیان صهیونیست قرار گرفتند، به شهادت رسیدند. یکی از این دو جوان، «نهاد مفید نعالوه» ۳۵ ساله از اهالی طولکرم واقع در کرانه باختری بود. وی که به عنوان یک کارگر ساختمان در اراضی اشغالی کار می‌کرد هدف گلوله نظامیان صهیونیست قرار گرفت و در اثر شدت جراحت به شهادت رسید. همچنین فلسطینی دیگری به نام «محمد عماد جوابره» ساکن الخلیل مورد اصابت گلوله نظامیان صهیونیست قرار گرفت و به شهادت رسید.

مصادره اراضی بیشتر

رژیم صهیونیستی دستورات جدیدی برای مصادره ۶۶ هزار متر مربع دیگر از اراضی قدس اشغالی صادر کرد. این اراضی مربوط به روستای «شیخ سعد» واقع در جنوب شرق قدس است و رژیم صهیونیستی برای اهداف نظامی و امنیتی قصد مصادره آن را دارد. «ابراهیم زعاتره» مدیر اوقاف امور قدس در این باره گفت: دستور مصادره اراضی مذکور از سوی فرمانده ارتش اسرائیل در منطقه صادر شده است و بیشتر اراضی زمین‌های زراعی هستند که در حال حاضر نیز محصول در آنها کشت شده است. وی افزود: «کمیته دفاع از اراضی» تمامی تلاش خود را در این زمینه به کار خواهد گرفت. زعاتره گفت که تمامی این اقدامات برای جدا کردن کامل روستای شیخ سعد از قدس اشغالی صورت می گیرد. گفتنی است رژیم صهیونیستی شنبه گذشته نیز دستور مصادره ۱۳۰۰ هکتار از اراضی روستای «بیت اکسا» واقع در جنوب قدس اشغالی را صادر کرد.

در این حال رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین درباره تقسیم مسجدالاقصی به رژیم صهیونیستی هشدار داد و گفت که اسرائیل در حال سوق دادن دنیا به سوی جنگ مذهبی است. محمود عباس در مراسم دهمین سالمرگ یاسر عرفات در رام‌الله با بیان اینکه اسرائیل سرانجام از یهودی‌سازی قدس و اشغال آن عقب‌نشینی می‌کند، آن را پایتخت فلسطین دانست و گفت: قدس پایتخت فلسطین است و ما از این موضع کوتاه نخواهیم آمد. عباس با اشاره به اقدامات اخیر رژیم صهیونیستی در قدس و کرانه باختری و شعله‌ور شدن خشم مردم، تصریح کرد که تقسیم زمانی و مکانی مسجدالاقصی و قدس به جنگ مذهبی منجر خواهد شد. رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین افزود: اسرائیل اشغالگر اشتباه می‌کند اگر تصور کند که می‌تواند مسجدالاقصی را از حیث زمانی و مکانی تقسیم کند؛ همان کاری که با مسجد ابراهیمی کرد. وی در بخشی دیگر از سخنان خود به سازمان آزادی بخش فلسطین اشاره کرد و گفت این سازمان باقی خواهد ماند تا فلسطین آزاد شود.

تظاهرات غزه

اعضای شاخه زنان جنبش حماس با هدف حمایت از مسجدالاقصی راهپیمایی کردند. دهها زن فلسطینی در این تظاهرات که از مرکز شهر غزه آغاز شد، از جهان عرب و اسلام خواستند برای متوقف ساختن اقدامات اسرائیل در هتک حرمت مسجد الاقصی و شهر اشغالی قدس، تلاش کنند. زنان حاضر در این تظاهرات پارچه‌نوشته‌هایی حمل می‌کردند که روی آن‌ها شعارهایی در مخالفت با سیاست‌های اسرائیل در مسجد الاقصی نوشته شده بود. در این تظاهرات شعارهای مختلفی در حمایت از مسجد الاقصی سر داده شد که "لبیک یا اقصی" و "عذرا یا اقصانا" (این مسجد الاقصای ما، از تو عذر می‌خواهیم) نمونه‌ای از این شعارها بود.

«رشا رنتیسی» نماینده شاخه زنان جنبش حماس در کنفرانسی که در حاشیه این تظاهرات برگزار شد در سخنانی گفت: از جهان عرب و اسلام می‌پرسیم آیا برای حمایت از مسجد الاقصی و مقدسات اسلامی در قدس یاریگری نیست؟ در تحولی دیگر به دنبال وقوع چندین انفجار در تانکر حامل سوخت در گذرگاه « کرم ابوسالم» واقع در شرق نوار غزه که به کشته شدن یک فلسطینی و زخمی شدن ۱۳ تن دیگر انجامید، مقامات رژیم صهیونیستی این گذرگاه را بستند. دیروز دو تانکر نفت در نوار غزه منفجر شدند، اما دلایل این انفجارها مشخص نیست.

تشکیل هیات سازمان ملل

دبیرکل سازمان ملل «پاتریک کامائرت» ژنرال هلندی را به ریاست هیات تحقیق درباره حمله به مقرهای این سازمان در جریان حمله ۵۱ روزه رژیم صهیونیستی به نوار غزه منصوب کرد. بر اساس بیانیه مطبوعاتی منتشره از سوی سخنگوی بان کی‌مون، ژنرال پاتریک کامائرت که در عملیات‌های متعدد نیروهای حافظ صلح سازمان ملل مشارکت داشته است، ریاست تیم تحقیق درباره اماکن سازمان ملل در غزه را بر عهده گرفت و به بررسی وقایع صورت گرفته طی روزهای ۸ ژوئیه تا ۲۶ آگوست ۲۰۱۴ در نوار غزه خواهد پرداخت. بر اساس این بیانیه، کمیته جدید چهار عضو دیگر نیز خواهد داشت که در خصوص وقایع ویژه‌ای که در جریان آنها شماری کشته و مجروح شدند و خساراتی به اماکن سازمان ملل وارد آمده است نیز تحقیق و بررسی خواهند کرد.

سخنگوی بان کی‌مون اعلام کرد:این کمیته همچنین در خصوص وقایعی که در جریان آنها تعدادی سلاح در اماکن سازمان ملل کشف شد نیز تحقیق و بررسی خواهد کرد و دبیرکل سازمان ملل امیدوار است که کمیته از همکاری‌های طرفین درگیر بهره‌مند شود. بر اساس این گزارش، رژیم صهیونیستی در روز هشتم ژوئیه اقدام به حمله به نوار غزه کرد که در جریان این حمله ۵۱ روزه بیش از ۲۱۰۰ فلسطینی که اغلب آنها را مردم عادی تشکیل می‌دادند، شهید شدند حال آنکه تلفات اسرائیلی‌ها تنها ۶۷ نظامی و شش غیرنظامی بود.

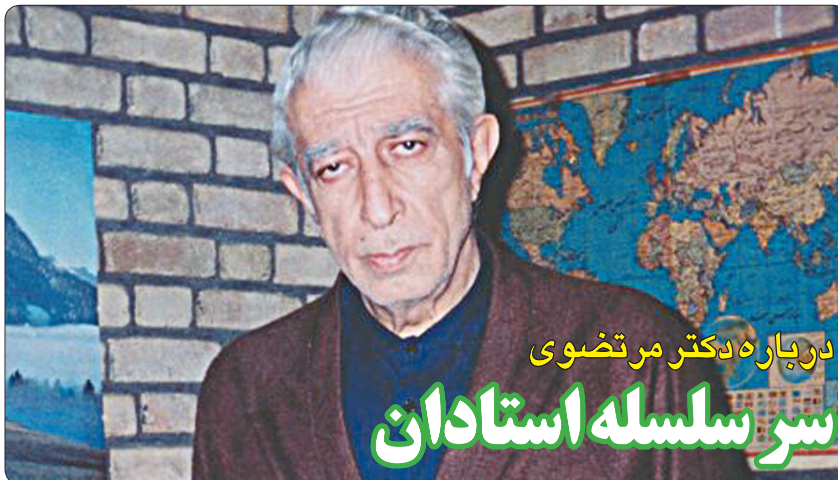


هلاکت نظامی صهیونیست در حمله شهادت‌طلبانه جوان فلسطینی

ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان

فرهنگی ۱۹۷

چهارشنبه ۲۱ آبان ۱۳۹۳ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات / سال هشتادو نهم - شماره ۲۶۰۱۷



درباره دکتر مرتضوی

سر سلسله استادان

دکتر جلیل تجلیل : پیشینه آشـنایی بنده با شـادروان استاد منوچهـر مرتضوی، به سـال‌ها پیـش در تبریـز برمی‌گـردد؛ یعنـی از حدود ۱۸ـ۱۷ سـالگی خودم. پدر ایشـان از سادات و از شناخته‌شدگان شهر تبریز بودند؛ خانواده‌ای نکونام و محبوب‌القلوب. پدر ایشـان املاکی داشتند و رعایایی و بسیار به مردم کمک می‌کردند. در دهه مـاه محرم‌الحرام در منزل خانـدان مرتضوی‌ها عزاداری برقرار بود و مردم و بزرگان شهر در آنجا گرد هم می‌آمدند. بنده هم با پدرم در آن مجالس شرکت می‌کردم.

از همـان زمان، بنده با خانواده مرتضوی آشـنایی داشـتم. یکی از مرتضوی‌ها هم در دبیرستان «حکمت» تبریـز بـا من هـم‌کلاس بود. منـزل ایشـان در کوچه مجتهدی‌ها بود. اسـتان مرتضوی در حوزه فعالیت‌های علمی و تحصیلاتی که داشتند، با بنده مرتبط بودند و من از فیض‌های ایشـان بهره‌مند بودم. من از سـال ۱۳۳۱ تا ۱۳۳٤ در دوره کارشناسی زبان و ادبیات فارسی در تبریز تحصیل می‌کردم و به موازات آن، در حوزه علمیه تبریز هم درس می‌خواندم و این به مناسبت آن بود که مرحوم برادر بزرگ بنده، آیت‌الله شیخ ابوطالب تجلیل تبریزی، کـه از علما و مراجع قم بودنـد، آن زمان در تبریز بودند و من همراه ایشان در حوزه علمیه تبریز، مقدمات علوم حوزوی را، از ادبیات و معانی و بیان و حکمت و فلسفه و منطق و لغت، در آنجا می‌خواندم. آقای دکتر مرتضوی آن زمان استادیار دانشکده ادبیات دانشگاه تبریز بودند.

ما در آن زمان مفتخر به داشتن استادان بسیار بزرگی بودیم؛ استادانی که در زمینه ادبیات ایرانی نامدارند: دکتر خیام‌پور، دکتر مشکور، دکتر ادیب طوسی، استاد حسن قاضی طباطبایی، مرحـوم ترجانی‌زاده، دکتر ماهیار این استادان، نظیر خویش بنگذاشتند و بگذشتند / خدای، عز و جل، جمله را بیامرزاد .ما خوشـه‌چین دانش و بینش و معرفت و ایمان آن‌ها بودیم.

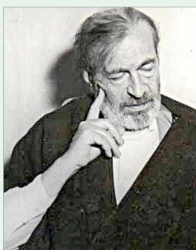
همین سـال‌ها بود که ایشان اولین کتاب خودشان، مقدمه بر حافظ‌شناسـی، یا همان مکتب حافظ را منتشر کردند. این کتاب را در همان زمان خریده بودم و بسـیار مطالعـه می‌کردم و نزدیـک بود که متن آن را حفظ کنم؛ چـون ایـن کتاب از اولین و بهتریـن کتاب‌هایی بود که درباره حافظ تحقیق و پژوهش کرده و در توصیف عرفان حافظ، با استناد به مآخذ بسیار غنی تألیف شده بود و هنوز هم آواز می‌آرد که مرتضوی در حافظ‌شناسی هستم.

در آن سـال‌های اول، ما با ایشـان درسی نداشتیم؛ امـا گاهی من توفیق شـرکت در کلاس‌های ایشـان را پیدا می‌کردم و بلاغت بیان و شـیوه گفتار ایشـان را الان هم سـروش و نقوش بیان‌شان در گوش بنده طنین‌انداز می‌کنـد. چون در آن زمان در دوره کارشناسـی هم باید پایان‌نامـه می‌نوشـتیم، یکی از افتخـارات بنده این بود که اسـتان راهنمای بنده در نوشتن پایان‌نامه، آقای دکتر مرتضوی بودند. ایشان استاد جوان خوش‌بیان نیرومندی بود. موضوعی که ایشـان در آغاز به من پیشنهاد کردند، ترجمـه رساله‌القشـیریه بود. بعد با مشـورت‌هایی که شـد، موضوع عوض شد و ترجمه بخش‌هایی از کتاب معجم‌الادباء یاقوت حموی را برای بنده در نظر گرفتند. مـن ترجمه را انجـام دادم و به ایشـان تقدیم کردم. آن پایان‌نامـه را بنده با قلم نوک فلزی خودم نوشـتم؛ چون زمانی بنده شاگرد میرزاطاهر خوش‌نویس تبریزی بودم و خط خوبی داشتم. من متن رساله را به خط خودم نوشتم و از بنده قبول کردند. این نشـانه تفقد و محبت ایشان به بنده و ارادت حقیر به آستان ایشان بود.

همایی به روایت همایی

یاد استادان ما

مرحوم آسـید مهدی دُرچه‌ای برادر کوچک آسـید محمدباقر که او نیز از ساکنان مدرسهٔ نیم‌آورد بود هم یکی از اسـاتید من اسـت. این مرد در علم و تقوی و امانت و صداقت نسخهٔ ثانی برادر بود. فوتش به سال ۱۳٦٤ق. بود و در بقعهٔ تکیهٔ کازرونی در جنب برادر بزرگترش مدفون شـد. حقیر کتاب قوانین‌الاصول را نزد ایشان خواندم. از جلوه‌های تقوی و زهد آن بزرگ یکی آنکه در اوائل ایام قحط و مجاعهٔ سـال ۱۳۳۵ تا ۱۳۳۷ق. که مصادف بود با جنگ بین‌الملل اول ده بیسـت من آرد در خانه داشـت، و عائله سـنگینی هم داشـت. به محض اینکه آثار گرانی نمودار شـد مرحوم آسـید مهدی آن ده بیسـت من آرد را فروخت. و چون به او گفتند لازم بود که شـما احتیاط می‌کردید و حتـی مقدار دیگری هـم می‌خریدید، جواب داد ترسـیدم شـبهٔ احتکار داشته باشـد. خدا بزرگ اسـت رحمه‌الله علیه رحمه‌واسعه.



دیگـر از اسـتادان فقـه و اصول مـن مرحوم حاج میرمحمدصـادق خاتون‌آبادی متوفی به سـال ۱۳٤۸ق. اسـت کـه در فقـه و اصـول مجتهد علامه بـود. وی از شـاگردان برگزیدهٔ آخوند ملامحمدکاظم خراسـانی و آسـیدمحمدکاظم یزدی بوده اسـت. بنده قسمت عمدهٔ سـطح را که از آن جمله تمام کتاب فرائدالاصول شـیخ مرتضی انصاری است خدمت او خوانده‌ام و مدتی نیز در درس خارج فقه و اصول او شرکت کرده‌ام. طیب‌الله ثراه و جعل فی‌الجنه مثواه.

بالجمله در درس فقه و اصول به جائی رسـیدم که از مراجـع تقلید اجازهٔ اجتهاد به بنده داده شـد. و از آن جمله اسـت اجـازهٔ اجتهاد مرحوم آخوند ملامحمدحسین فشارکی فقیه مدرس معروف از مراجع بزرگ فتوی و قضای اصفهان.اما در علوم عقلی بزرگترین استادمن مرحوم برهان‌المتألهین، خاتم‌المدرسـین، عالم ربانی و حکیم صمدانی آشیخ محمد خراسانی بود.

ادامه در صفحه۲



آموزه

شمس تبریزی:

در «دل» می‌باید که باز شود جان کندن همه انبیا و اولیا و اصفیا برای این بود. این می جستند



سرسخن

کریم فیضی

ذهن درمحاصره رسانه

مسائل مختلف، توان ذهن را می‌کاهد و فکرها و در مواردی بسیار توهم‌هایی دیگر و غیراصلی و غیرضروری و حاشـیه‌ای را در ذهن تولید می‌کند که درنهایت باعث می‌شـود، ذهن دچار شرایطی بشود که از کثرت مسائل، اصل و متن را فراموش کند و در زواید و حواشی غوطه‌ور شـود. نتیجه معلوم اسـت: اختلالهای بی‌شمار ذهنی، از فراموشـی و کـم حافظگی تـا قاتی کردن مسـائل و تا اختلالهای رفتاری شـخصی و غیرشخصی در ارتباط با دیگران. حال، اگر همین مسائل در جایی متوقف نشود و همچنان ادامه داشـته باشد، طبیعی است که ذهن، حالت اولیـه و اصلـی خود را از دسـت می‌دهـد و جبراً تن به همین اختلالات می‌دهد و با همان شناخته می‌شود، یعنی می‌پذیرد که چنین است و چنین هم باید باشد و راهی غیر از این وجود ندارد و راه همین است و به قول سعدی: حدّ همین است! آیا حد واقعاً همین است؟ آیا ذهن لزوماً باید مختل باشـد؟ فراموشی صفت ذهن است؟ کم حافظگی لازمه و ضرورت ذهن و حافظه اسـت؟ اشـخاص حتماً باید فراموش کنند؟ اذهان باید فراموشـکار باشـند؟ اگر فراموشـکاری طبیعی اسـت و ذهن به ناگزیر و به ناچار باید فراموش کند، چرا انسانها نسبت به فراموشی –حتی فراموشی‌های کوچک- حساسیت نشان می‌دهند و چرا در برابر برخی نمونه‌ها و مظاهر آن عنان از کف می‌دهند و آرام و قرار را می‌گذارند و بی‌قرار و عصبانی به کارهایی دسـت می‌زنند و به حرف‌هایی زبان می‌گشایند که کسی آنها را طبیعی نمی‌شمارد؟ حقیقت این است که فراموشی طبیعی نیست و به همین دلیل هم پذیرفته نیست.

بعید به نظر می‌رسد کسی را بتوان یافت که فراموشی را بپذیرد و آن را قابل قبول به‌شمار بیاورد و نسبت به آن واکنش نشـان ندهد. از نوع مواجهه انسـانها با فراموشی و شـخص فراموشکار و موضوع فراموش شده، می‌توان فهمید که فراموشی، در هر صورت، از هر کس که صورت بگیرد، هر اندازه هم که زیاد بشـود، امری است ناپسند و زشت و مشکل آفرین و از این رو، کنار آمدن با فراموشی امکان ندارد.

حال، برسیم به اینکه منشأ نابسامانی‌ها و اختلالات و آشـفتگی‌های ذهن چیسـت؟ چه عواملی باعث شده اسـت که ذهن جدید با بسـیاری از مشکلات هم نفس و هـم آغوش شـود؟ آنچه ذهن را از قـدرت و قابلیت می‌اندازد و بر مصائب و مشکلات آن می‌افزاید چیست؟ آیا روزگار جدید باعث ناکامی او آشـفتگی‌ها و اختلالات ذهن اسـت؟ با توجه به اینکه روزگار جدید، خود سـاخته ذهن اسـت، نمی‌توان عصر جدید را مقصر شناخت و بن بست‌ها و ناتوانی‌ها و اشـکالات ذهن را به روزگار حواله نمود و مستند سـاخت؟ به نظر می‌رسد که برای رسیدن به علل و عوامل موثر در شرایط جدید ذهن، ما نیازمند مطالعات طولانی و تأملات گسترده هستیم. در نظری گذرا و سریع، شـاید از رسـانه‌ها بتوان به‌عنوان یکی از عوامل موثر در ذهن‌ها شـمرد. به عبارت دیگر، یکی از مسـائلی که در شـناخت عوامل مشـکل آفرین بر ذهن می‌توان روی آن انگشت گذاشت، رسانه است.

رسانه که می‌گوییم طبیعتاً معنایی عام دارد و مطلق رسـانه مراد ماست: از روزنامه بگیرید تا رادیو، تلویزیون و شبکه‌های مختلف ماهواره‌ای و اکنون پدیدهٔ اینترنت و سایت‌ها و آنچه که موبایل خوانده می‌شود. واقع این است که یکی از عواملی که بدون تردید در حالت جدید از آن و آشفتگی و پراکندگی و فقدان تمرکز و قدرت و انسجام و کارکرد هزار ساله ذهن، نقشی جدی ایفا کرده و می‌کند، پدیده‌رسـانه اسـت و مظاهر آن. برای اثبات این موضوع باید دید که رسـانه چیست و کارکرد آن چیست! کارکرد رسـانه و تأمل در حضور و نفوذ آن در ذهن و روان به ما کمک خواهد کرد که نقش ویژه رسانه در ذهن و کاستن از هویت ذهن را بیشتر بفهمیم و ادراک کنیم و همین امر، موضوعی به عنوان رسانه و روح را در برابر ما می‌گشاید. البتـه در اینجا مراد از روح، روان اسـت و روان را هم در معنایـی مترادف با ذهـن و نزدیک به عقل و کارکردهای عقل به کار می‌بریم.

اجازه بدهید سخن را از اینجا آغاز کنیم که اثر دیدن یک فیلم بر روان چیست؟



یاد

فرید صلواتی

شانزدهمین سالگرد عروج علامه جعفری

گزارش‌های فلسفی ساواک



بنده‌خدا برای اولین‌بار که برای جاسوسی به جلسه درس استاد می‌رود همان دم در می‌نشیند، دفتر و قلمش را از کیفش درآورده و افه دانشجویی می‌گیرد تا شناخته نشود. گوش می‌کند تا هرچه استاد می‌گوید با دقت یادداشت کند. «حقوق بشر، علیت؛ حیات معقول، اراده، وجدان، حرکت جوهری،... اینها یعنی چه؟ چه معنا داره؟ بنده‌خدا گیج شده بود، اعصابش به‌هم ریخته بود، سخنرانی استاد که تمام می‌شود خمیازه‌ای می‌کشد و از کلاس خارج می‌شود. با گیجی گزارشش را جمع‌بندی کرده و به طرف ساواک می‌رود. سر مامور ساواک با تعجب نگاهی به گزارش می‌کند.

«.... ممکن است ایده‌آلیست‌ها ادعا کنند که شما رئالیست‌ها وجود واقعی فیل را به‌طور پوستولا (اصل موضوعی) پذیرفته، سپس اختلاف دیدها را درباره واقعیت فرض شده....» سرمامور ساواک داد می‌کشد که: مرتیکه این مزخرفات چیه نوشتی؟ منو مسخره کردی؟

مامور می‌گوید: قربان حرف‌های جعفری را موبه‌مو نوشتم دفعه بعد حتما واضح‌تر می‌نویسم.

گزارش روز بعد: «.... این اصل اثبات شد که با بازشدن ابعاد و استعدادهای انسانی و تقویت پیداکردن عوامل درک وی، واقعیات جدیدتری برای انسان مطرح می‌گردد. مانند به‌فعلیت‌رسیدن بعد حسن عدالتخواهی که واقعیتی....»

مامور دوباره بعد از پایان سخنرانی از کلاس خارج شده و برای ارایه گزارش به طرف ساواک می‌رود.

سرمامور ساواک دو، سه‌بار متن گزارش را می‌خواند و به علامت عدم فهم سرش را تکان می‌دهد و رو به مامور کرده و می‌گوید: مرتیکه الاغ دوباره که پرت‌وپلا نوشتی؛ آخه این مزخرفات چیه که گزارش دادی؟ خودت هم فهمیدی چی نوشتی؟

مامور جواب می‌دهد: به پیر، به پیغمبر، به خدا قسم هر چی جعفری گفته نوشتم. قربان والا من هیچی از حرفاش نمی‌فهمم. من تعجب می‌کنم یه‌مشت علاف دوروبرش جمع‌شدن حرف حسابشون چیه؟

سرمامور فریاد می‌زند: من نمی‌فهمم فلانی. در هر صورت گزارش شده حرف‌های خاصی برای یه‌مشت آدم‌های خاص می‌زنه باید به من گزارش درست بدی.

مامور می‌رود و دفعه بعد هم همانگونه گزارش نامفهوم را ارایه می‌دهد. این‌بار سرمامور می‌گوید: خودمونو مسخره کردیم، بروید و جعفری را احضار کنید تا بفهمیم حرف‌حسابش چیست؟

استاد علامه محمدتقی جعفری به سازمان اطلاعات و امنیت کشور احضار می‌شوند، صفا و صداقتی که از چهره ایشان هویدا بود ماموران را وامی‌دارد که ادب را در مقابل استاد رعایت کنند. بعد از تعدادی سوال و جواب، ماموران متوجه می‌شوند که آنچنان که تصور می‌کردند استاد آدم خطرناکی نیست و اجازه می‌دهند تا استاد به سخنرانی‌های خود ادامه دهند به شرط آنکه ایشان دو موضوع را رعایت کنند؛ یکی اینکه نسبت به شخص اول مملکت هیچ نگویند و دوم اینکه به اسراییل حمله نکنند. بیچاره ماموران اطلاعاتی نمی‌دانستند تفکر و اندیشه استاد علامه محمدتقی جعفری بسیار فراتر است و افرادی که مخاطبشان هستند باید از درک و شعور بالایی برخوردار باشند.

نگاه

ادامه از صفحه اول

همایی به روایت همایی

یاد استادان ما



جهانگیرخان

معروف به حکیم (متوفی بامداد شنبه غرۀ ذی‌الحجۀ ۱۳۳۵ هـ.ق.) از شاگردان برجستۀ مرحوم جهانگیرخان قشقائی که حجرۀ اقامت و محل تدریس او مدرسۀ صدر بازار بزرگ بود. تلمّذ من خدمت آن استاد از شرح شمسیه تا اسفار و شفا حدود هیجده سال به طول انجامید. دو دورۀ فلسفۀ مشاء و اشراق را خدمت ایشان دیدم. متن شرح هدایۀ ملاصدرا، شرح منظومۀ حاجی سبزواری، اشارات، اسفار، شفا، شرح فصوص، شرح مفتاح‌الغیب قونوی را به درس در نزد ایشان خواندم.

قسمت عمدۀ منطق شفا را نیز در ایام تعطیل از محضرشان استفاده کردم. و چون کتاب منحصر به یک نسخه بود، قسمت اعظم آن را خود رونویس کردم و بعضی را نویساندم. تحریر اقلیدس را هم که اصول علم ریاضی است، خدمت ایشان تحصیل کردم. روانش از پرتو رحمت و رضوان الهی شادمان و روشن باد. خلاصه تحصیلات من در منطق و فلسفه به جائی رسید که از استاد بی‌نیاز شدم و دو سه مرتبه استاد بزرگ من چه در حضور و چه در غیاب من گفته بود که فلان کس دیگر احتیاج به استاد ندارد. زیرا من به رعایت ادب با اینکه اسفار را خوانده بودم باز به درس معظم‌له می‌رفتم و البته درس هم بی‌بحث و گفتگو خاتمه نمی‌یافت.

دیگر از اساتید فلسفۀ من مرحوم آشیخ اسدالله حکیم قمشه‌ای است که در شعر «دیوانه» تخلص می‌کرد و نمونۀ اشعارش در مجموعۀ شعرای اصفهان طبع شده است. متأسفانه عمر او کفاف نداد و در جوانی به سال ۱۳۳٤ق. درگذشت. روانش شاد باد.

استاد دیگرم در معقول حاج ملاعبدالجواد آدینه‌یی است از اساتید معقول و ریاضیات (متوفی ۱۳۳۹ق.) که در محاورات او را «حاجی ملاجواد» می‌گفتند. وی در تدریس سلیقه‌ای بسیار خوب و مستحسن داشت. مطالب را بسیار منقح و خالی از حشو و زواید بیان می‌فرمود. متون معقول و منقول مثل شرح منظومه و شرح کبیر و قوانین و احیاناً شرح نفیسی و هیأت و نجوم را تدریس می‌کرد. خطی پخته و شیرین نیز می‌نوشت و بیشتر کتب درسی خود را با همان خط خوش تحشیه کرده بود. من بخشی از شرح منظومه و شرح کبیر فقه و یک دورۀ کامل از فن نجوم و معرفه‌التقویم را از روی متن کتاب خاتون‌آبادی نزد آن بزرگوار تحصیل کردم. محل تدریس و امامت جماعت او مسجد ذوالفقار بود. کتاب خاتون‌آبادی را هم در ماه رمضان بعد از نماز ظهر و عصر در همان مسجد برای ما تدریس می‌کرد. هنوز قیافۀ باوقار و صدای دلنشین او در چشم و گوش من است. تربتش از شمع رضای الهی پر نور باد.

قسمتی از فنون هیأت و ریاضی جدید و فن اسطرلاب و فن استخراج تقویم را از روی زیجهای قدیم خدمت مرحوم حاج میرزا سیدعلی جناب صاحب کتاب‌الاصفهان (متوفی ۱۳٤۹ق.) فرا گرفتم. همه هفته روزهای تعطیل پنجشنبه و جمعه برای تلمّذ به منزل او در محله سرسینه پائینی می‌رفتم. خدایش بیامرزاد.

چون در فلسفۀ قدیم تحصیل طب هم لازم بود، یک دورۀ کامل طب قدیم نیز دیدم.

در طب از محضر چندتن از استادان بهره‌ور شدم: یکی همان مرحوم آشیخ محمد حکیم، دیگر مرحوم حاج میرزاعلی آقا واعظ پرهیزکار و حکیم و طبیب عالی‌قدر اعلی‌الله مقامه. دیگر میرزا ابوالقاسم ناصر حکمت احمدآبادی.

کلیات قانون را در نزد آشیخ محمد حکیم خواندم با شرح قرشی که از بهترین شروح کلیات قانون است. ضمناً قسمت تشریح را به راهنمائی استاد از روی کتاب مصور فرانسه فراگرفتم. قسمت معالجات قانون را خدمت مرحوم حاج میرزاعلی آقا شیرازی و شرح نفیسی و شرح اسباب را خدمت مرحوم آمیرزاابوالقاسم ناصر حکمت‌آبادی خاتمۀ اطبای علمی و عملی قدیم اصفهان درس خواندم. بخاطر دارم که هنوز قبرستان چملان به حالت سابق بود و در بعضی گودالها دیده می‌شد که چهار قبر بر روی هم واقع شده است. گاهی روزها در خدمت جناب حاج میرزاعلی آقا به آن قبرستان می‌رفتیم و اسکلت استخوانها را بازدید می‌کردیم.

این سه استاد طب که نام بردم هر سه در تحصیل طب علمی و عملی شاگرد مرحوم حاج میرزامحمدباقر حکیم‌باشی (متوفی ۱۳۲۷ق.) بوده‌اند که از نوابغ طب و پزشکی در زمان خود بوده است.

اما مرحوم آخوند ملامحمد کاشانی (متوفی ۱۳۳۳ هـ.ق.) در آن موقع دورۀ پیری و نقاهت اواخر عمر را می‌گذرانید و درس رسمی نمی‌داد. ولی چون مرا شناخت به سابقۀ آشنائی پدرم که از شاگردان مخصوص او بوده بی‌اندازه محبت و بشاشت نمود و اجازه داد که مشکلات درس خود را از وی بپرسم. من این اجازه را مغتنم شمردم و بسیاری از مشکلات کتاب مطول و هیأت قدیم را از ایشان پرسیدم و با بیان و حضور ذهن و مهارت عجیب که نمی‌توانم وصف کنم چنان تفهیم فرمود که هنوز تقریر او و آهنگ صدای او در ذهن من هست؛ قدس الله سرّه‌العزیز.

دیگر از استادان عالی‌مقام که حقی عظیم بر من دارد و هنوز خوشبختانه در قید حیات است و منبع افاضات، استاد علامه آیه‌الله‌العظمی قدوه‌الاصحاب جناب حاج آقارحیم ارباب اصفهانی است متعناالله بطول بقائه، که بیشتر تحصیل هیأت و نجوم من خدمت ایشان بوده است.

دو دوره هیأت مسطّحۀ استدلالی خدمت ایشان تحصیل کردم. بعلاوه قسمتی از فقه مخصوصاً باب میراث را که مربوط به مسائل ریاضی است، و همچنین کتاب خلاصه‌الحساب شیخ بهائی را که دورۀ حساب و مساحت و جبر و مقابلۀ قدیم است در پیش ایشان خواندم. کتاب تحفۀ شاهیۀ ملاقطب شیرازی را که از کتب عالی هیأت استدلالی قدیم است و در آن تاریخ در اصفهان نسخه‌اش منحصر به فرد بود به دستور آن بزرگوار و استاد دیگرم آشیخ محمد حکیم نسخه‌برداری کردم و آن نسخه هنوز موجود است. همچنین شرح بیست باب اسطرلاب ملاعلی بیرجندی نیز نسخه‌اش منحصر به فرد بود و از آن به دستور آشیخ محمد نسخه‌ای برای خود کتابت کرده‌ام که هنوز موجود است. ولادت جناب آقای حاج آقا رحیم ارباب دوازدهم جمادی‌الآخرۀ ۱۲۹۷ هـ.ق. است.

استاد همایی

جناب آقای ارباب شاگرد خاصّ‌الخاصّ مرحوم آخوند کاشانی بوده‌اند، چنانکه مرحوم شیخ محمدحکیم شاگرد خاصّ‌الخاصّ جهانگیرخان بوده‌اند. و من در حقیقت از نوادگان معنوی آخوند کاشانی و جهانگیرخان هستم.

اجازات این حقیر دو فقره است: یکی اجازۀ روایت، و دیگری اجازۀ اجتهاد.

بزرگترین مشایخ روایت من مرحوم آیه‌الله آشیخ مرتضی آشتیانی اَست که در تهران به من اجازۀ روایت داد. اجازۀ ایشان به اصطلاح اهل روایت و درایت جزو اسناد عالی است. بدین سبب که فقط از او به یک واسطۀ پدرش به شیخ مرتضی انصاری اعلی‌الله مقامه می‌رسد و کمتر اجازه‌ای به این قلّت واسطه به شیخ انصاری می‌پیوندد.

دیگر مرحوم آشیخ محمدحسین فشارکی است که دو سه فقره اجازۀ مختصر و مفصل به بنده داده است که یکی اجازۀ اجتهاد است و مابقی اجازۀ روایت.

اما اجازۀ اجتهاد، علاوه بر اجازۀ مرحوم فشارکی مذکور، فقیه مجتهد معروف آمیرسیدمحمد نجف‌آبادی مدرس معروف کفایه از شاگردان مرحوم آخوند خراسانی (متوفی ۱۳۵۸ق.) و نیز آیه‌الله حاج میرزاعبدالحسین سیدالعراقین خاتون‌آبادی پاقلعه‌ای (متوفی ۱۳۵۰ق.) هر دو به حقیر اجازۀ اجتهاد داده‌اند.

چنانکه گفتم من از سال ۱۳۲۸ق. در مدرسۀ نیم‌آورد دارای حجره‌ای شدم. همان حجرۀ تابوتی کذائی! دو سه سال اول شبها را به خانه می‌رفتم. اما از سال ۱۳۳۱ یک باره از خانه و محلۀ خود به مدرسه آمدم و مقیم شبانروزی آنجا شدم. و این تا سال ۱۳٤۸ ادامه یافت. بدین ترتیب بیست سال از زندگی من در مدرسۀ نیم‌آورد بسر آمد، این مدرسه قریب ۷۵ نفر طلبه داشت از مبتدی و منتهی. و اعظم علمای آن عصر در آن ساکن بودند، و به تدریس اشتغال می‌ورزیدند.

در این مدت سودائی جز علم و کمال در سر نپروردم و به هیچ چیز جز آن نیندیشیدم چنان از خانه و محلۀ خود بیگانه شده بودم که دیگر در آنجا کمتر مرا می‌شناختند.

ادامه دارد



تاریخ

ترجمه علی‌اصغر سعیدی

سفرنامهٔ ارنست اورسل

بازار فرش‌فروش‌ها


دکتر سعیدی

به دیواردکان‌ها توتون اصفهان را ـ که چون کلاف ابریشم نرم و لطیف و چون گیسوی دختر و نیزی تی‌سی‌ین بور است دسته‌دسته آویزان کرده‌اند. بسته‌های توتون رشت را کنار کیسه‌های توتون لاتاکیه برای درست کردن سیگار روی قفسه چیده‌اند. در ظروف مسی نیز نوعی توتون رواندوز نگه می‌دارند که گردآلود، زرد رنگ و مملو از تریاک است. چاروادارها شب‌ها در مواقعی که به داستان‌های هزار و یک‌شب ـ که بهترین نقال کاروان نقل می‌کند ـ گوش فرا می‌دهند، از این توتون‌ها دود می‌کنند.

بازار فرش فروشان شاید از نظر اروپایی‌ها دیدنی‌ترین و جالب‌ترین بازار دنیا باشد.

در این بازار فرش‌هایی در اندازه و نقشه‌های مختلف، برای هر سلیقه و هر نوع قدرت خرید، به معرض فروش گذاشته شده است: نمدهای زبر و ضخیم ترکستان، فرش‌های هرات که بافت مرغوبشان زمینه سفید و نقشه‌های رنگارنگی دارد، قالی‌های خوی با رنگ‌آمیزی بسیار هنرمندانه و باب سلیقه افراد با ذوق و دیرپسند، همچنین فرش‌هایی که اغلب به تقلید نقشه‌های اروپایی در همدان بافته می‌شود. جاجیم‌های کرمانشاه با لوزی‌های سرخ و آبی رنگ، قالیچه‌های داغستان که مرغوب‌ترین‌شان زمینه کرم و نقشه‌های ابتکاری جالبی دارد. تمامی اینها در کنار پرده‌های گلدوزی معروف رشت روی هم انباشته شده است و چشم از دیدن این همه نقش و نگار، طرح‌های عجیب و شاخ و برگ، گل و بوته و حیوانات خیالی سیر نمی‌شود.

اما بازارچه اسلحه و عتیقه فروشان: کسی که علاقه‌مند به جمع‌آوری اشیای تجملی و قدیمی باشد، اگر هم در دسترس خود ثروت یک لرد انگلیسی یا نواب هندی را نداشته باشد، می‌تواند در عرض دو ساعت یک دنیا اسباب و اثاث جالب تهیه کند.

ظروف مسی یا نقره‌ای کنده‌کاری و قلم‌زنی شده زرگری‌های قدیم اصفهان، آفتابه لگن‌های مفرغی که رویشان با طلا کار شده است؛ الواح و چینی آلات میناکاری شده‌ای که آنها را کارگرانی که به دستور شاه‌عباس از چین آورده بودند، با دست ساخته‌اند؛ خنجرهای قدیمی کردها که مانند داس، هلالی شکل است؛ شوشکه دربند، تبرهای مخصوص که البته نوعی سلاح جنگی است ولی مانند جواهر ارزش دارد؛ زره و کلاه‌خودهای طلا یا نقره‌کوب شده؛ ترکش‌هایی از پوست ساغری که رویشان مرواریدهای ظریفی دوخته‌اند، شمشیرهای خراسان؛ تیغه‌های قدیمی کرمان و شیراز؛ یاتاقان‌هایی که در غلاف نقره‌کاری شده‌ای جا گرفته‌اند؛ قمه‌هایی با دسته مزین به فیروزه و یاقوت کبود و سلاح‌های دیگر...

از سکه‌های پادشاهان قدیم زردشتی واحد پول داریوش یا سکه‌های طاهریان، صفاریان یا سکه‌های یونانی، رومی، عرب، بیزانس، ترک و ایرانی یا سکه‌هایی که در زمان سلسله‌های مقدونی، بلخی و رخجی ضرب شده‌اند، هر کدام را که ترجیح بدهید در اینجا به سهولت در اختیارتان است.

یک مسافر خارجی در این بازار، بیش از بازار فرش فروشان با وسوسه درون مواجه می‌شود. جاذبه این همه اشیای زیبا که در معرض دیدگان مردم گذاشته شده است هر عابر بی‌تفاوتی را از حرکت باز می‌دارد.

در این بازار برای مسافرانی نظیر ما همواره این خطر وجود دارد که...

منبع : ایران امروز



اندیشه

مونیکارنگر/ ترجمه:دادخواه

فارغ‌التحصیلان دارالفنون/۳

اعزام دانشجویان



نظام اجازه بر یک زنجیرهٔ انتقالی (اسناد) از معلم تا شاگرد مبتنی بود. پیشرفت یک دانش آموز در درس‌هایش با جمع شدن اجازه‌ها مشخص می‌شد. گرچه اصطلاحات حفظ شد، اما اعتضادالسلطنه کوشید یک نظام پیچیده‌تر پیشرفت و گواهینامه‌دهی را براساس عملکرد دانش آموز در امتحانات عمومی و نسبت به بقیه کلاس به وجود آورد. بیانیه توضیح می داد که به سطوح مختلف پیشرفت تحصیلی در امتحانات احکام مختلفی داده می‌شود. اعتضادالسلطنه، با جایگزینی روش اجازه با یک نظام رتبه‌های کلاسی و امتحانات عمومی به سبک اروپایی، سطوح مختلف پیشرفت تحصیلی را سامانمند و ساده کرد، و ارزشیابی فرد فرد دانش آموزان را براساس پیشرفت و شایستگی تحصیلی آسان ساخت.

طرح اعتضادالسلطنه برای تبدیل دارالفنون به یک مدرسه آمادگی برای تعداد رو به افزایش صاحب منصبان دولتی یک هدف دیگر و بنیادی‌تر را نیز آشکار می‌کند. او در اصل می خواست برای مقام‌های دولتی معیارهای آموزشی به‌وجود آورد. از آن گذشته، به لحاظ نظری دارالفنون مروج پیشرفت براساس شایستگی، به جای روابط خانوادگی، بود، اگر چه در عمل روابط شخصی همچنان بستر اصلی دستیابی به مقام‌های دولتی باقی ماند. اصلاحات آموزشی پیشنهادی اعتضادالسلطنه در روزنامه وقایع اتفاقیه بنیادی بود و وضع موجود سیاسی، شغلی، فرهنگی و مذهبی را از بسیاری جهات مورد تهدید قرار می‌داد که بعداً آن را به تفصیل مورد بحث قرار خواهیم داد. در نتیجه، این اصلاحات هیچ گاه تحقق نیافت. افزون بر مخالفت از سوی طیف گسترده‌ای از گروه‌های اجتماعی ـ اقتصادی، تشویق و پشتیبانی اولیه ناصرالدین شاه از دارالفنون در این دوره جای خود را به بدگمانی و بی‌توجهی سپرد. نتیجه، کاهش عمومی کیفیت آموزش در دارالفنون و کارکرد روز افزون تزیینی آن به عنوان نهادی درباری بود.

دارالفنون تبریز

کمی پس از آن که نخستین گروه دانش آموزان در سال ۱۸۵۸(۱۲۳۷ ش.) از دارالفنون فارغ‌التحصیل شدند، مدرسه پلی تکنیک مشابهی، باز هم به نام دارالفنون (یا گاهی دارالسلطنه)، از سوی مظفرالدین میرزا نایب السلطنه در تبریز تأسیس شد. اکثر معلمان آن فارغ‌التحصیلان دارالفنون تهران بودند. برنامه آموزشی شامل فرانسه، پزشکی، هندسه، پیاده نظام، توپخانه و فارسی می‌شد. مانند دارالفنون تهران، بدنه دانش آموزی عمدتاً شامل پسران صاحب منصبان عالیرتبه دولتی و درباریان بود. در شماره ۴۸۵ روزنامه وقایع اتفاقیه که قبلاً از آن صحبت شد، جریان ثبت نام توضیح داده شده بود تا کار ورود را آسان‌تر کند. اما هدف اعتضاد السلطنه در گسترش دامنه ورود به مدرسه در این دوره محقق نشد. معلوم است که پس از چند سال، جمع دانش آموزان از ۴۰ به ۵۰ نفر افزایش یافت، که تقریباً نیمی از آن‌ها شهریه می پرداختند و نیمی دیگر رایگان ثبت نام می کردند اما شرط ورود، مقداری پیشینه آموزشی، از جمله تحصیل متون خاصی بود. در واقع، ممکن است این ضابطه برای آن گذاشته شده بود تا از ورود پسران خانواده‌هایی که از برگزیدگان نبودند و در نتیجه آمادگی لازم را نداشتند، به مدرسه جلوگیری شود.

دوره ۷۱ـ۱۸۵۱(۵۰ـ۱۲۳۰ ش.) شاهد اعزام بیش‌ترین تعداد دانشجویان ایرانی به اروپا تا پیش ازانقلاب مشروطیت ۱۱ـ۱۹۰۶(۹۰ـ۱۲۸۵ ش.) بود. این دوره هم از جهت تعداد گروه‌های اعزامی و هم تنوع رشته‌های تحصیلی این دانشجویان نیز شایان توجه است.

نخستین اعزام دانشجویان در دوره ناصرالدین شاه در سال ۱۸۵۱(۱۲۳۰ ش.) رخ داد. در آن زمان، امیرکبیر شش صنعتکار را برای سفر به روسیه و آموزش حرفه‌های گوناگون برگزید. این گروه کارآموزان اعزامی به روسیه را یک بازرگان تبریزی همراهی می‌کرد که سرپرستی گروه را بر عهده داشت. این گروه پس از یک دوره سه ساله با تجهیزات لازم برای تأسیس کارخانه‌های کاغذسازی و تصفیه قند به تهران بازگشت. امیرکبیر همچنین دو قالیباف کاشانی را برای یادگیری طرز تهیه ابریشم به استانبول فرستاد. این اعزام‌ها نشانگر استمرار سیاست جا افتادهٔ دولتی فرستادن دانشجویان و کارآموزان به اروپا برای آموختن فن آوری و فنون جدید است.

همچنین شایان توجه است که در دوره ۷۱ـ۱۸۵۱(۵۰ـ۱۲۳۰ ش.) تعداد روز افزونی از خانواده‌ها پسرانشان را به هزینه خودشان برای تحصیل به اروپا می‌فرستادند. غالباً یک دیپلمات در صورت اعزام به مأموریت رسمی در اروپا، عضوی از خانواده را همراه خود برای تحصیل به اروپا می‌برد. این روش، پس از سال ۱۸۶۷(۱۲۴۶ ش.) که ناصرالدین‌شاه ممنوعیت سفر به خارج را وضع کرد، در میان خانواده‌های طبقات بالا به طور فزاینده‌ای عادی شد. شگفت آن‌که، با وجودی که اعزام رسمی دانشجویان دیگر انجام نمی‌شد، خانواده‌های نورچشمی می‌توانستند مجوز مخصوص اعزام پسرانشان را به خارج دریافت کنند. این روال وجههٔ تحصیل در اروپا را افزایش داد. مثلاً، در اواخر سال ۱۸۵۶(۱۲۳۵ ش.) فرخ‌خان امین‌الملک، در سمت وزیر مختار، به اروپا سفر کرد تا اختلاف با بریتانیای کبیر بر سر هرات را حل و فصل کند. فرخ خان دو دانشجو را همراه هیئت خود برد که در فرانسه مشغول تحصیل شدند: میرزا رضا و میرزاحسین این دو نفر نخستین ایرانیانی بودند که در فرانسه مدرک پزشکی دریافت کردند و پس از اتمام تحصیلاتشان در سال ۱۸۶۱ (۱۲۴۰ ش.) به ایران بازگشتند و در دارالفنون به تدریس پزشکی مشغول شدند. میرزا علی‌نقی، معاون اول فرخ‌خان، که سابقاً در دارالفنون پزشکی خوانده بود، نیز همزمان با حفظ سمت رسمی خود در پاریس به تحصیل پزشکی مشغول شد. او پس از آن در گروه دانشجویی اعزامی به فرانسه در سال ۱۸۵۹ (۱۲۳۸ش.) شرکت جست. مدرکی دالّ بر اجازه رسمی اعزام این سه دانشجوی پزشکی در دست نیست. عطایی حدس می‌زند که هزینه‌های میرزا رضا و میرزا حسین را دولت ایران می‌پرداخت. اما بیش‌تر محتمل است که آن‌ها به واسطهٔ روابط خانوادگی با فرخ خان همراه و در نتیجه هزینه‌های آن‌ها را خانواده‌هایشان متقبل شدند. این واقعیت که میرزا علی نقی، دانشجوی پزشکی، از قرار معلوم به منظور تحصیل پزشکی در فرانسه یک شغل دیپلماتیک را پذیرفت، این فرضیه را اثبات می‌کند.

مهم‌ترین گروه اعزامی دانشجویان به اروپا گروه گروسی در سال ۱۸۵۹(۱۲۳۸ش.) بود. نخستین گروه دانش‌آموزان در سال ۱۸۵۸ (۱۲۳۷ ش.) از دارالفنون فارغ‌التحصیل شدند. پولاک که در درجهٔ اول علاقه‌مند بود شاگردان پزشکی خودش در فرانسه به تحصیلات تکمیلی بپردازند، موضوع اعزام رسمی یک گروه دانشجویی را با اعتضادالسلطنه در میان گذاشت. وزیر علوم و سرپرست دارالفنون نیز این فکر را به ناصرالدین شاه عرضه داشت و او با تشکیل یگ گروه دانشجویی برای اعزام به اروپا موافقت کرد.

فرانسه به دلایل متعددی به عنوان مقصد گروه دانشجویی انتخاب شد. در آن زمان ایران با فرانسه روابط دیپلماتیک به مراتب بهتری نسبت به سایر کشورهای اروپای غربی داشت. ایران تازه روابط دیپلماتیک دوستانه با بریتانیای کبیر را در نتیجه مأموریت فرخ‌خان در سال ۵۷ ـ۱۸۵۶ (۱۲۳۵ش.) از سرگرفته بود. افزون بر آن، با وجودی که روسیه غالباً مقصد صنعتگرانی بود که درپی فنون جدید بودند، اما در آن زمان روسیه در زمینهٔ آموزش عالی و علوم نظامی به اندازهٔ کشورهای اروپای غربی پیشرفته به حساب نمی‌آمد. برعکس، فرانسه به خاطر مدارس نظامی‌اش مشهور بود. فرانسه از زمان محمدشاه نیز مقصد اصلی گروه‌های دانشجویی بود. در سال ۱۸۵۹ (۱۲۳۸ ش.) که فرخ‌خان از فرانسه برگشت، گزارش موفقیت مأموریت خود و برداشت‌های مثبتش را از فرانسه به طور کلی ارائه داد. در ضمن فرانسه مزیت‌های عملی خاصی را نیز دربر داشت. زبان خارجی اصلی‌ای که در دارالفنون آموزش داده می‌شد فرانسه بود. از این‌رو، دانشجویان برای تحصیل در فرانسه آمادگی بیش‌تری داشتند تا جای دیگر. از آن گذشته، از سال ۱۸۲۶ (۱۲۰۵ ش.) دانشجویان مصری و امپراتوری عثمانی به فرانسه اعزام شده بودند. در زمان مأموریت هیئت ایرانی در سال ۱۸۵۹ (۱۲۳۸ ش.)، دانشجویان عثمانی در پاریس مشغول تحصیل بودند. بنابراین فرانسه مزیت ارائه تسهیلات و تجربهٔ میزبانی تعداد نسبتاً زیادی از دانشجویان خارجی را دارا بود.

ناصرالدین شاه فرخ‌خان را مأمور کرد که ۱۰۰ دانشجو را از میان اشراف برای عضویت در این گروه برگزینند. اما، پس از یک دوره مذاکره، تنها ۵۶ خانواده قبول کردند که اجازه دهند پسرانشان در این گروه مشارکت کنند.

سخنرانی دکتر حسن انوری

ایران و آرزوی ما

این نکته هم گفتنی است که نیاکان ارانی هم ایرانی بوده‌اند و خود را ایرانی می‌دانسته‌اند، چنان که در شعر منقول از قطران و خاقانی دیدیم، و لفظ اران خود با ایران هم ریشه است.

غرض از این سخنان افتخار به داشتن سرزمین‌های گسترده و کهن ایرانی نیست، و نیز طبعاً این هم نیست که روزی ایران، افغانستان و تاجیکستان یکی شوند و چون کشورهای اروپایی اتحادیه‌ای تشکیل دهند؛ چرا که هر کدام با هزاران درد بی‌درمان دست به گریبان هستند. پیداست که آرزوی همهٔ ما این است که روزی فرا رسد که این کشورها بر دشواری‌های داخلی و خارجی چیره شوند، بی‌سوادی و بیماری را ریشه‌کن کنند، با جهان متمدن همگام گردند و در آن روز چون کشورهای اروپایی با شرط تساوی حقوق، اتحادیه‌ای تشکیل دهند. در آن روز طبعاً میان مردم این کشورها، که همه از یک آبشخور تاریخی بهره می‌جویند و دارای علایق فرهنگی مشترک هستند، ارتباطات، بیشتر خواهد شد. مردم ایران برای سیر و گردش به جای اروپا و آمریکا به بخارا و سمرقند خواهند رفت و مردم سمرقند و بخارا، شیراز و اصفهان را بر مسکو و پترزبورگ ترجیح خواهند داد.

از آنجا که ایران در مفهوم جهان ایرانی در چهار راه عالم واقع شده، از زمان‌های بسیار قدیم نه تنها محل عبور و مرور اقوام گوناگون بوده، بلکه مورد هجوم جباران و طوایفی که به علت تنگی جا یا عوامل دیگر از جای خود رانده شده بوده‌اند، نیز بوده است و طبعاً در این مهاجرت‌ها و هجوم‌ها با اقوام غالب یا مغلوب داد و ستد فرهنگی، به ویژه داد و ستد زبانی نیز انجام می‌گرفته است. شیوع زبان ترکی در مناطقی از این سرزمین یکی از موارد این امر است. عرب‌ها هم وقتی به ایران آمدند در آغاز نیاز به زبان فارسی داشتند و مجبور شدند دفاتر دیوانی را به زبان فارسی همچنان نگاه دارند؛ زیرا عربی، زبان یک قوم بدوی بود و آمادگی نداشت که زبان اداری و دیوانی سرزمین‌های مفتوحه قرار گیرد. اما همین که آداب کشورداری را از وزرا و دیوانیان ایرانی یاد گرفتند زبان عربی را در دیوان‌ها جایگزین زبان فارسی کردند و کسانی که بعدها درصدد برگردان عربی در دیوان‌ها به فارسی شدند متهم به بی‌سوادی و عربی ندانی شدند. یکی از اینان ابوالعباس فضل بن احمد، وزیر دربار محمود غزنوی بود که عتبی دربارهٔ او می‌نویسد: «و وزیر ابوالعباس در صنعت دبیری بضاعتی نداشت و به ممارست قلم و مدارست ادب ارتیاض نیافته بود. در عهد او مکتوبات دیوانی به پارسی نقل کردند و به بازار فضل کساد شد.»

اما جفاهایی که در این اواخر به زبان فارسی شد قصهٔ دردناک‌تری است. در افغانستان که مهد زبان فارسی است و روزی در غزنین چهارصد شاعر فارسی‌زبان در دربار محمود به فارسی قصیده می‌سرودند، در زمان‌های اخیر زبان محلی پشتو را که فاقد ادبیات قدیم است به معارضه با زبان فارسی وارد عرصه کردند و اصطلاحات علمی و اداری را به جای اینکه از این زبان قدیم با سابقهٔ هزار و دویست ساله اقتباس کنند، از آن زبان محلی گرفتند.

اما جفایی که در دوران حکومت شوروی بر ازبکستان و تاجیکستان رفت دوسویه بود؛ هم از طرفداران زبان ترکی بود و هم از سوی روس‌ها، در شهر بخارا که روزی رودکی سمرقندی، آدم‌الشعرای شعر فارسی، قصاید غرای خود را به زبان فارسی در دربار سامانی می‌خواند، کار به جایی رسید که برای کسانی که به زبان فارسی سخن می‌گفتند جریمه تعیین کردند و بدتر از این، اینکه خط را ابتدا در سال ۱۹۲۹ به لاتین و در سال ۱۹۴۰ به روسی تغییر دادند و باعث آمدند که نسل جدید به کلی از نسل قدیم و از فرهنگ قدیم بریده شود و امکان آشنایی با فرهنگ و میراث نیاکان از میان برداشته شود و نتیجه آن شد که ایرانی با ایرانی (به مفهوم آنکه در جهان ایرانی زندگی می‌کنند نه در محدودهٔ جغرافیای سیاسی فعلی) و هم به مفهوم از جدید با قدیم با هم بیگانه شوند.

روایت سون هدین از ایران عهد قاجار

یک روز بسیار عالی



دکتر رجبی - مترجم

سون هدین

اینجا احتیاج به آبیاری دارد تا از تمام زمین باغی یک‌پارچه به وجود بیاورد که مزارع پراکنده‌ای را در میان می‌گیرد، در این سرزمین خواب‌آلود ثروتهای زیادی پنهان است، اما به آب کافی دسترسی نیست و مشکل به نظر می‌رسد، که بتوان از کوهها، از راهی دور، آب کافی فراهم کرد.

همه جا نا آبادان و ساکت است. فقط زنگها در گوشهایم طنین انداخته است. به دهکدهٔ تجره، با کلبه‌های گلی سقف گنبدی و دیوارهای زردرنگ و باغهای انگور نزدیک می‌شویم. این ده آب انباری دارد که بامش به شکل پلکان است. در کنار نهری که روی آن دو تا اردک جست و خیز می‌کردند، دو نفر از ساکنین ده ایستاده بودند. آنها با تعجب آشکاری حرکت قطار کاروان را زیر نظر داشتند و شاید مبهوت بودند از این که ما در این دنیا به کجا می‌رویم و این فکر نامعقول اصلاً چطور به سرمان افتاده است. به جای استفاده از جادهٔ بزرگ و عالی مشهد یا راه کاروانروی یزد و کرمان، که آن هم به سیستان منتهی می‌شد، داریم خودمان را به کام کویر می‌اندازیم. می‌شد حدس زد که آنها در دلشان فکر می‌کنند که «خدا و علی صحرا ما را از خطر حفظ بکند.»

ما دوباره از آبادی خارج شده‌ایم و در بیابان هستیم. دهکده کوچک پشت سرمان گم می‌شود. راه خوب و تقریباً صاف است و زمین با شیب کمی به طرف جنوب شرقی سرازیر است، اما طوری که این سرازیری با چشم دیده نمی‌شود. اینجا در منطقه‌ای هستیم که آب را ـ برای جلوگیری از تبخیر ـ وسیله قنات هدایت می‌کنند. این قنات‌ها را می‌توان از یک ردیف تپه‌های کوچک خاکی، که نشانه چاهی عمودی به قنات است، بازشناخت. از این سوراخ‌ها می‌توان به قنات داخل شد و آن را لایروبی کرد. گاهی از قنات‌هایی می‌گذریم که به نظر متروک است. چون همه چاه‌ها فروریخته است.

شتر اول قطار، که دو تا از صندوق‌های تبت مرا حمل می‌کند، تنبل است و برای غلامحسین دردسر شده است. او مجبور است که همواره پای پیاده، طنابی را که به گردن شتر بسته شده است، محکم بکشد. به این خاطر او دنبال شتر راهنمای دیگری می‌گردد، که بدون این که احتیاج به کشیدن سفت و سخت طناب باشد، بی زحمت راه برود.

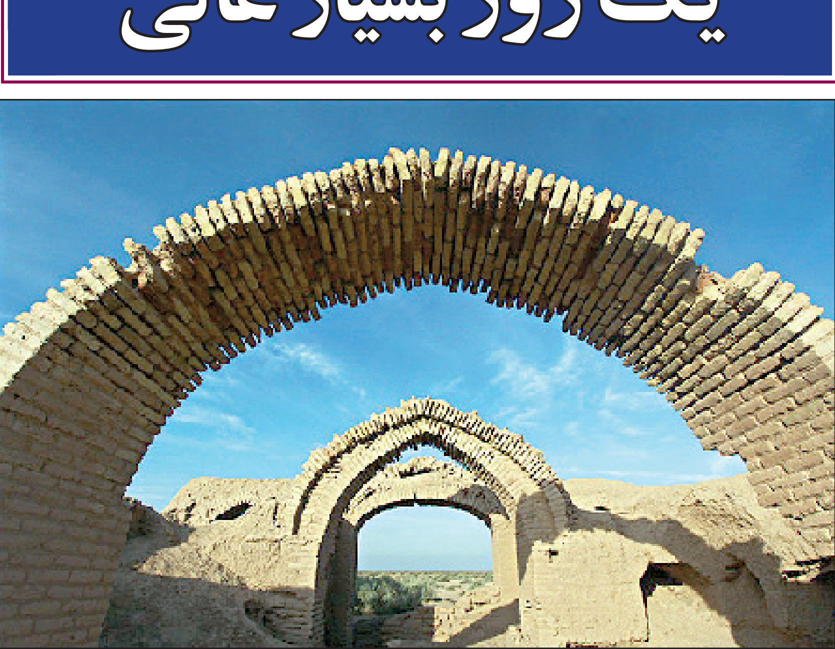
وقتی وارد قلعه‌نو شدیم، پنج ساعت و نیم بود که در راه بودیم و فاصله‌ای را که پشت سرگذاشته بودیم سه فرسخ بود. به طور کلی می‌گویند، که شتری که بار حمل می‌کند، هر فرسخ را در دو ساعت طی می‌کند. یک فرسخ یا یک پاراسنگ، به طور متوسط کمی بیشتر از شش کیلومتر است، اما در جاهای مختلف ایران این اندازه فرق می‌کند، حتی در جاهای مختلف این اختلاف قابل توجه است. معمولاً یک فرسخ در راهی صاف و هموار بیشتر از یک فرسخ راهی کوهستانی است. در راه کوهستانی یک فرسخ حداکثر به پنج کیلومتر می‌رسد. از ارتفاع ۹۲۱ متری که در ورامین داشتیم، در خلال روز ٦٧ متر کاسته شده بود. قلعه‌نو به طور مطلق ۸۵۴ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.

در ساعت آخر سفر امروز باد تقریباً خنکی شروع به وزیدن کرده بود و وقتی که ما مشغول بر افراشتن چادرها بودیم، باد هر لحظه شدت می‌گرفت، طوری که مردها از من پرسیدند، آیا بهتر نیست که در سرایی، درکنار دهکده پناه بگیریم. اما این استراحتگاه ویران‌تر و زشت‌تر از آن بود که آنها بتوانند مرا وادار به صرف نظر کردن از چادر زیبایم بکنند.

بادی که برخاسته بود آن چنان از گرد و خاک اشباع بود، که مثل مهی همه چیز را در خود پوشانده بود. توده‌های گرد و خاک مانند ابر در سطح زمین در حرکت بود. گرد و غبار از دیوار چادر به داخل نفوذ می‌کرد و روی هر چیزی که در چادر بود می‌نشست و قطر خاک هر لحظه کلفت‌تر می‌شد. ظرف یک دقیقه شیشه عینکم تبدیل به شیشه‌ای مات شد و مجبور بودم لاینقطع آن را پاک بکنم. وقتی که ناهارم را آوردند، که عبارت بود از یک مرغ سرخ کرده و به تکه‌ای نان پیچیده شده بود، مجبور بودم پیش از این که غذا به وسیله گرد و خاک غیرقابل استفاده بشود، در خوردنش عجله بکنم. فنجان چای کافی بود که برای مدت کوتاهی بدون سرپوش بماند، تا مزه‌ای تند و شور پیدا بکند. تازه از خوردن فارغ شده بودم، که یکی از اهالی مهربان ده با دو تا پسر بچه وارد چادر شد. او برایم یک هندوانه تازه و پرآب آورده بود، که پس از تنفس این هوای خاک‌آلود، که تا اعماق گلو را خشکانده بود، بهترین دسر ممکن بود.

هوا گرگ و میش و بعد تاریک شد و امشب تاریکتر از معمول بود. در چادر مردها صدای گفتگو مدتی است که قطع شده است. در یک چنین هوایی واقعاً چیزی بهتر از خوابیدن نمی‌توان پیشه کرد. اما مدتی تنها می‌نشینم و به زمزمه قدیمی و آشنای ترانه‌های شکوه و صدای نفیری که بیرون از چادر در طنین است گوش می‌دهم، که خاطرات زیادی از سال‌هایی که تنها در بیابان‌های آسیا به سر برده بودم در من بیدار می‌کند. من می‌دانستم که در نیمه راه یک برنامه جدید بودم و می‌دانستم که حالا در دنیا هیچ چیز نمی‌توانست مرا وادار به بازگشت بکند. به هدف می‌شد فقط با گذشت و صرف نظر کردن از خیلی چیزها رسید. در این باره صدای نفیر این اولین باد به من هشدار می‌داد. در شب هولناک زمستانی این احساس را داشتم که من یهودی سرگردانی هستم، که سرنوشتش این است که بدون قرار و آرام روی زمین بگردد، و در خانه آرزوی بیابان‌ها را داشته باشد و در خارج از خانه همواره نگاه‌های مشتاقی به افق‌های میهنش بیندازد.

مهمان همه جا، و بیگانه‌ای که همه جا و هیچ جا در خانه نیست و در هیچ جا مکان ثابتی ندارد. زائری بی کس و غریب که جلوی آتشی که رو به خاکستر شدن بود، نشسته بود و به خاطرات مات حدود هزار شب سال‌های گذشته فکر می‌کرد و از شکیبایی‌اش در عجب بود، که با آن



همواره انتظار چیزهای نوی را می‌کشید و مشتاق رسیدن به آنها بود، چون چیزی که شبح وار بی صدا و آرام روی زمین در حرکت بود، همیشه به صورت یک تصویر خیالی برایش باقی می‌ماند. آری تعجب می‌کردم که از کویرلوپ جان سالم به در برده بودم و توانسته بودم همه توفان‌های تاکلاماکان را تحمل بکنم.

حتی راه طرابوزان که خاطراتش هنوز در ذهنم تازه بود، به نظرم سفری می‌آمد به حد غیرقابل تحمل کم سرعت و مشکل. با این وصف باز شوق دیدار کویر را داشتم. قدرت عرفانی بی صدا و توصیف ناپذیر کویر مرا با قدرتی، که سلب مقاومت می‌کرد، به سوی خود می‌کشید. فکر می‌کردم که صداهای اسرارآمیزی می‌شنوم، که از اعماق خود مرا می‌خواندند:

«برگرد خانه.»

آن طرف کویر بزرگ، کوه‌های بلند آبی و پوشیده از برف تبت را می‌دیدم، اما می‌بایست کویر را تسخیر می‌کردم. بیشتر از تبت مشتاق دیدار کویر بودم. چند روز دیگر افق بی‌انتها و هموار کویر را که به هر طرف امتداد می‌یابد می‌دیدم و بعد پس از قدم‌های زیاد پررنجی که برداشته می‌شد، نخل‌های طبس را مثل یک لکه سبز در زردی جاودانه. پس از سالیان درازی مشتاق دیدار طبس بودم. آن واحه عجیبی که حتی روی نقشه این قدر غریب و فراموش شده به نظر می‌آمد.

حتی در زمان مارکوپولو، بیشتر از ششصد سال پیش، قسمت شرقی ایران از کویر بزرگی تشکیل می‌شد، که آدم وقتی می‌توانست از آن عبور بکند، که آب همراه برمی‌داشت و راه‌های مستقیم بین واحه‌ها را انتخاب می‌کرد. این مسئله که در زمان ما جریان امر بهتر نشده است، چیزی است که به زودی آن را خواهیم دید. مسئله حتی مشکل‌تر شده است. چون آب و هوا حالا در دوره خشک شدن است و این خشکی توسعه کویرها را آسان‌تر می‌سازد. شهرها و اسم‌هایی را که مسافر ونیزی در سفرنامه خود می‌آورد، هنوز هم در دست است. هم کرمان و هم کوبنان و همچنین تون و قاین. منطقه‌ای که امروز تون و طبس خوانده می‌شود.

مرد دهاتی برایم تعریف کرد، که قلعه‌نو از ١٦ کلبه تشکیل می‌یابد و محصولش عبارت است از گندم، جو، هندوانه، انار، انگور، سیب، گلابی و توت. اما کره و پنیر و روغن هم تهیه می‌شود. بادی که الان از شمال غربی در جریان است، در این وقت از سال اغلب می‌وزد. مرد دهاتی گفت، چنانچه وزش باد تا فردا بعد از ظهر ادامه پیدا بکند، باد به توفان تبدیل خواهد شد، که سه روز دوام خواهد یافت، اما اگر قبل از این موقع قطع شود، چهار روز تمام بادی نخواهد وزید، او باد را تیفون (توفان) می‌نامید. عجیب است که این کلمه چینی حتی تا این جا نفوذ کرده است! او چهار جهت اصلی را این طور می‌نامید: برای جنوب، سرپایین. برای شمال، سربالا. برای مغرب، قبله یا مکه[؟] و برای مشرق، طرف امام رضا. چون قبر این امام در مشهد است، که در شرق قرار دارد. البته او به شرق و غرب، آفتاب زدن و آفتاب غروب هم می‌گفت.

بستر جاجرود تا این جا ادامه پیدا می‌کند. بیشتر آب رودخانه از کوه می‌آید و در نهرها تقسیم می‌شود. برای ۲۵ روز دیگر انتظار برف می‌رود. در این جا برف بایستی اغلب دو پا ارتفاع داشته باشد. پس از باران زمین گِل می‌شود و بعد در این منطقه رفت و آمد کاروان شتر تقریباً غیرممکن می‌گردد، در حالی که پوششی از برف تاثیری در حرکت کاروان ندارد.

آخرین دهکدهٔ حاشیهٔ کویر

ساعت ۷ صبح روز ششم ژانویه به طور کاملاً ناگهانی باد قطع شد و همین که مرا بیدار کردند، دیدم که داخل چادر منظرهٔ غم‌انگیزی دارد. هرچه در چادر بود، آن‌چنان زیر خاک مانده بود، که رنگ دیگری جز زرد تیره به چشم نمی‌خورد، قطب‌نما، ساعت، وسایل دیگر، نقشه و کتابها، پوتین و لباسها همه با هم همسطح شده و زیر این خاک نرم مخفی شده بود. خاکی که تمام شب لاینقطع از دیوار چادر به داخل راه یافته بود. وقتی که در جایم خودم را تکان دادم، پتوهای نمدی‌ام در ابری از غبار قرار گرفتند و کم مانده بود که خاک چشمهایم را به هم بچسباند. پیش از این که طبق معمول صبح‌ها بتوانم خودم را بشویم، لازم بود که نوکرم داخل چادر را گردگیری کرده و همه چیز را تکان بدهد. میرزا یکی یکی وسایل داخل را به بیرون از چادر می‌برد، اما شن آن چنان به جان اشیاء نشسته بود، که فقط می‌شد آنها را با هوادادن طولانی از خاک و شن نجات داد. تازه امروز پس از چهار سال شن نرمی در میان اوراق دفتر یادداشت قرار دارد. دفتری که من در حین توفان در آن می‌نوشتم.

قلهٔ آتشفشانی دماوند با شکوه و جلال در ۲۰O/۱۳۱N سر به آسمان کشیده بود و تمامی خط‌الرأس کوه‌های البرز مشخص و روشن در افق به دید می‌آمد.

کوه‌های کوچکی در همسایگی قرار داشت، که با رنگ‌های مشخصی، با همهٔ جزئیات برهنه و با دره‌ها و آبرفتگی‌های خشک و قله‌های خشن، بدون کوچکترین نشانی از برف در پهنهٔ آسمان خودی نشان می‌دادند. در آن دورها، در جنوب غربی، خط‌الرأسی برف گرفته که هنوز پشت شهر قم قرار دارد، به زحمت دیده می‌شود.

در هوای صاف و پاک و آرام صبحگاهی صدای انعکاس تا دورها می‌پیچد.

صدای زنگوله‌های کاروانی از الاغ، پس از این که الاغها از چشم ما ناپدید شده بودند، هنوز به راحتی شنیده می‌شد. صدای این زنگ‌ها خیلی خوشایند بود، مثل این که خورشیدی که تازه طلوع کرده است قصد مداحی دارد. خورشید براق و خیره کننده و روشن در افق بالا آمد. تماشای تدارکات سفر و حرکت در این صبح عالی لذت‌آور بود. همهٔ رنگ‌ها خالص و صاف بود و همهٔ خطوط به وضوح پدیدار بود.

شترها بیشتر از همه سرحال بودند و نور براق در چشمهایشان تشعشع داشت و مثل این بود که چشمدان‌ها با چراغ الکتریکی از داخل روشن شده بودند. تصویر خورشید در چشم‌های قهوه‌ای آنها منعکس شده بود. فقط در اطراف پوزه‌شان موقع باز دم توده‌ای از بخار قرار می‌گرفت و موهای روی لبها، مثل شبنم یخ‌زده، سفید و براق بود.

من خودم در حال کشیدن سیگار برگ هستم و نگاهم را در دایرهٔ بی‌پایان افق و در میان کوه‌های کوچک و جدا از هم می‌گردانم. این کوه‌ها مثل صخره‌ها و جزیره‌های کوچکی که پیش از سواحل فنلاند و سوئد قرار دارد، سر راه کویر را گرفته است.

ما به طرف شرق جنوب شرقی در حرکتیم. یعنی به طرف سمت راست شاخه‌های سیاه کوه، که مثل دیواری به رنگ کبود، بی‌نقش و بی‌آن‌که بتوان رنگ‌ها را تشخیص داد، به چشم می‌نشیند. کاملاً در سمت چپ، در نزدیکیمان، انتهای سلسله جبالی که در جنوب راه تهران ـ سمنان قرار دارد، قد علم کرده است. دماوند به تمام منطقه مسلط است و مثل یک چراغ دیده‌بانی عظیم، کویر را زیر نظر گرفته است.

تیغه‌های البرز که در پایان دماوند و یا این طرف‌تر قرار دارد، کاملاً بی‌برف است، اما خود آتشفشان عظیم، در قسمت جنوبیش، به خاطر خط‌های سیاهی که در برف دارد، به شکل چنگال به نظر می‌آید. روزی، مثل امروز، تماشا از قلهٔ دماوند زیبایی باشکوه و ابهتی می‌توانسته است داشته باشد و با این که از روزی که من در آن بالا بودم پانزده‌سال گذشته است، هنوز افسوس می‌خورم که تصادفاً روز یازدهم جولای ۱۸۹۰ روز گرفته‌ای بود.

هنوز مسافت زیادی از قله دور نشده‌ایم که مزارع کوچک چهارگوش که با جوی‌های آبیاریش موج‌دار به نظر می‌آید، تمام می‌شود و حالا یک مرتبه تمام منطقه شکل کویر به خود می‌گیرد. زمین گاهی کاملاً برهنه است و طبقهٔ نازک و سفیدی از بلورهای نمک آن را پوشانیده است و گاهی چند بوته نازک و کوچک در مبارزهٔ هستی است.



فلسفه نگاشت؛ دکتر محمود خاتمی

زیبایی
انسان و حقیقت

با این همه، معنی زیبایی در سرشت انسان مرتکز و به فطرت سلیم در افق نفس هر ناظری ظهور و بروز دارد، آن‌سان که چون از او دربارهٔ این ظهور و بروز و حال و کیفیت نفسانی نزد او پرسش شود، بی‌درنگ اصل حضور آن را در خویش تأیید می‌کند، گو اینکه نتواند شرح و وصف لازم را از آنچه در افق نفس او ظهور یافته و برایش حضور دارد، به سخن آرد. پس زیبایی به بداهت برای او حضور دارد و تنها از شرایط حضور آن می‌تواند سخن گفت.

بنابراین اتصال به حقیقت زیبایی نیز تنها با حضور در ساحت آن حاصل می‌آید وگرنه حقیقت آن نیز همچون تصور آن قابل تحلیل مفهومی نیست. هر چند که در مقام بحثهای فلسفی، زیبایی از جنس معقولات ثانیهٔ فلسفی تلقی می‌شود، ولی این از باب تحلیل فلسفی و جایگاه عقلانی و مفهوم زیبایی است تا معلوم باشد که عروض آن بر معروض در عقل و اتصاف معروض به آن در خارج است.

اما با این همه که مفهوم زیبایی بدیهی است، حقیقت زیبایی که در ساحت وجود است و نفس انسان با تقرب و تشبه به آن از آن حقیقت بهره‌مند می‌شود، بداهت ندارد؛ بلکه مراتب و مظاهر آن بر نفس انسان و هنرمند جلوه می‌کند و خود در پردهٔ خفا و سرادق عما وامی‌ماند و آنچه از این حقیقت نیز در مصادیق خارجی متصف به زیبایی ـ یعنی امور زیبا ـ ظهور می‌کند هرگز کاشف از تمامی حقیقت زیبایی نیست.

۲. حقیقت زیبایی نه کلی است و نه جزئی، اعم از مفهومی و سعی؛ چرا که زیبایی یک حقیقت نورانی است و از اوصاف ذاتی نور یا وجود به ماهو است و لذا مشمول این احکام منطقی نیست؛ و چنان که حکمای اشراقی و عرفای الهی تحلیل کرده‌اند، حقیقت آن نور است و در ساحت ربوبی تعیّن تام دارد و آنچه از آن در مراتب و عوالم وجودی ظهور دارد از باب ظهور صفت الهی است: زیرا «سبب زیبایی هر زیبا اوست و او زیبایی را به غیر افاضه می‌کند؛ چون منبع و معدن زیبایی اوست و هر چیز زیبا و نیکویی از او و با اوست.»

۳. حقیقت زیبایی بسیط است؛ هم در مقام ذات و هم در مقام عروض به اموری که متصف به آن‌اند. اما در مقام ذات چون زیبایی چنان که اشاره شد ماهیت ندارد و لذا جزء ندارد و از این رو مرکب نیست پس بسیط است؛ و در مقام عروض به اموری که متصف به زیبایی می‌شوند از این روست که زیبایی در مقام عروض با معروض خود ترکیب نمی‌شود بلکه حقیقت نورانی زیبایی در امور تجلی می‌نماید، و جلوهٔ آن در اموری که زیبا خوانده می‌شوند ظهور می‌یابد و در این حالت بساطت زیبایی همچنان محفوظ می‌ماند. به همین دلیل هم حقیقت نورانی زیبایی از سنخ امور مادی نیست و آنچه در افواه معمول است که از زیباییهای طبیعی و مادی یا جسمانی سخن می‌گویند و آن نام را به این مصادیق اطلاق می‌کنند، از باب مجاز است؛ وگرنه حقیقت زیبایی، بنا به قاعدهٔ بسیط‌الحقیقه در حد ذات خود بساطت دارد و نمی‌توان آن را از جملهٔ امور مرکب دانست؛ بلکه آنچه از زیبایی در اموری نظیر طبیعت جسمانی هست، صرفاً تجلی آن حقیقت بسیط است و از این روست که نزد قدما زیبایی مجرد دانسته شده است. حقیقت زیبایی در این تلقی نه به وجود می‌آید و نه از بین می‌رود، بلکه خارج از هر تعین است و در تتق ربوبی و ساحت وجود الهی است و همهٔ موجودات در شوق اتصاف بدان از آن حقیقت بهره‌مندند، آن هم به نحو ظهوری.

٤. زیبایی یک حقیقت واحد و لذا مشترک معنوی است و معنی آن در همهٔ مراتب واحد است؛ و هر چند شدت و ضعف و نقص و کمال در مراتب زیبایی مشاهده می‌شود، اما معنی آن در همه حال یکی است و به یک معنی بر مصادیق خود صدق می‌کند، و دلیل بر این، همانا مقسم قرار گرفتن زیبایی برای اقسام است و تقسیم هم دلیل بر سریان مقسم در اقسام خود است و این همه بر اشتراک معنوی مقسم دلالت دارند.

این وحدت معنی نه فقط به لحاظ کاربردهای لفظی و تقسیمهای منطقی بلکه نظر به حقیقت زیبایی نیز صادق و حاکم است. حقیقت خارجی زیبایی که در سرادق هستی است و به جلوه‌های مختلف مظاهری در سراسر عالم موجودات دارد، یک حقیقت نورانی بیش نیست که مشکک است و مراتب و درجات آن از فقر و غنی و شدت و ضعف و زیاد و کمی و کثرت و قلت و نقص و کمال داخل در حقیقت آن است. این حقیقت به ذات خود زیبایی ظاهر و مُظهر زیبایی در اشیاء و موجودات است؛ و چون پرتو حسنَ آن در آینهٔ جام جهان افتد همهٔ مراتب وجود در طول و عرض، به میزان قابلیت خود، از حسن و زیبایی بهره‌مند می‌شوند.

محمود خاتمی

در این حال، زیبایی در تمام این مراتب طولی و عرضی به یک معنی واحد به کار می‌رود. از این رو زیبایی واحد در کثیر است و در عین وحدت از کثرت برخوردار است و این تعبیر دیگری است از تشکیک. چون زیبایی بسیط است، لذا مابه‌الامتیاز در هر مرتبه‌ای عیناً مابه‌الاختلاف است و شدت و ضعف و کمال و نقص هر مرتبه از مراتب زیبایی واجد این معیار است. در عین حال این کثرت که از ذات خود زیبایی بر می‌خیزد کثرت نوری است. و باز، زیبایی از آن حیث که عارض موجودات می‌شود به دلیل آن که زیبایی اضافه به اموری می‌شود که در حد ذات خود نه زیبایند و نه نازیبا (زشت)، از کثرت دیگری هم برخوردار است که وصف کثرت زیبایی است از حیث معروض خارجی آن و می‌توان آن را، به تقلید از تعبیر کثرت ظلمانی در حکمت اشراق، کثرت نا ـ زیبایی (زشتی) نامید.

کثرت زیبایی به وسعت کثرت ساحت وجود است و هر کجا این حضور دارد، زیبایی هم حضور دارد و به قدر و شأن وجود ظهور می‌کند. از این رو زیبایی در سلسلهٔ طولی و عرضی وجود گسترده است و به همان میزان که انوار زیبایی به ترتیب کمال و نقص و شدت و ضعف و تقدم و تأخر نظام طولی را شکل می‌دهند و در هر مرتبه از آن با عروض به موجودات تکثر کثرت عرضی می‌یابند، زیبایی نیز گسترده است. اشراق زیبایی و ظهور آن در سلسلهٔ طولی و سلسلهٔ عرضی، به همراه بازتاب تجلی و ظهور آن در مجالی و مظاهر در هر مرتبه از مراتب به صدور کثرت و انتشای زیبایی منجر می‌شود.

بر همین اساس است که زیبایی، که فی‌نفسه لنفسه و مطلق است، واجد مراتب و حضور در مراتب پایینتر می‌شود و صورت تجلی‌یافتهٔ آن نسبی می‌گردد، از آن رو که فی‌نفسه لغیره است. در این حال به لحاظ معروض خود و قابلیت آن ظهور می‌یابد و اگر محل ظهور آن واجد شرایط نباشد به همان میزان عدم ملکه زیبایی در آن محل نمایان عارض می‌شود، و بدیهی است که در این حال معیارهایی نظیر تناسب و تقارن و ظرافت و نظیر اینها که همگی معیارهایی بر حسب مقوله‌اند و لذا قائم به ماهیت‌اند، نمی‌توانند معیار زیبایی باشند که خود از بُن فرامقوله است

مناظره

سید ضیاء در دادگاه دکتر مصدق

موازنه ملکات عقلیه!



عذر وکلا پیشنهادات صلح‌طلبانه حکومت شوروی، عذرشان چه بود؟ عذرشان موازنه ملکات عقلیه. این عذرشان بود. سپهدار آمد، التماس کرد بیایید. بالاخره گفتند نمی‌شود با این کابینه باشد، با کابینه دیگر. کابینه دیگر تشکیل شد. مرکب از آقای حاج محتشم‌السلطنه، وزیر امور خارجه و مرحوم ممتازالدوله و ممتازالملک. این‌ها سه، چهار نفر بودند همه‌اش را فکر کردند که کی وزیر باشد، کی نباشد.

بعد از اینکه چندین ماه فکر کردند که چه باید بکنند، گفتند خوب حالا که وزیر شدیم چرا مجلس باز شود. اول باید یک مطالعاتی بکنیم و زمینه را حاضر کنیم، بعد مجلس شورای ملی باز شود. در همین حال بود، در همین احوال بود که مملکت بی تکلیف بود. در همان موقع بود آقای ضیاءالملک که در طهران چهار نقشه کودتا بود، کی‌ها در کار بودند، لازم نیست بنده به جنابعالی عرض کنم آن کسی که موفق شد، شما خودتان او را می‌شناسید و می‌بایستی همان موقع بشناسید و جلوگیری کنید نه اینکه بعد از ۲۳ سال از من بپرسید کی بوده است.

در همان موقع بود که کسی که واقف به جریان وضعیات بود، کسی که خون داشت و کسی که می‌دانست مملکت در چه پرتگاهی است و به کجا می‌رود، یک فداکاری باید بکند. آمدند به بنده گفتند که وضعیات قزاق این‌طور است. اگر این‌طور نشود، این طور می‌شود. چه می‌شود، چه می‌شود که این هم از اسرار خود بنده است که هیچ الزامی هم ندارم به کسی توضیح بدهم، الزامی ندارم.

آمدیم رفتیم پیش آقای سپهدار مذاکره کردم. گفت انگلیس‌ها به ما پول نمی‌دهند، چه کنم؟ گفتم ما می‌رویم مذاکره می‌کنیم بلکه به شما پول بدهند. رفتم پیش مستر نرمان از ایشان خواهش کردم و گفتم وضعیت این‌طور است، وضعیت خراب است. شما یک ماه دیگر، دو ماه دیگر هم به ما پول بدهید. ایشان گفتند می‌دهیم به شرط اینکه به دوایر دولتی داده شود، گفتم چطور؟ مگر به کی می‌دهند؟ گفت این مهاجرینی که آمده‌اند به طهران، پول‌ها به آن‌ها داده می‌شود و ما حاضر نیستیم. گفتم پس مهاجرین که مستأصل هستند، بیچاره هستند، چه بکنند؟ گفت خود دولت، خود مردم با اعانه به هموطنان خودشان چیزی بدهند و کمک کنند.

رفتیم با مرحوم سپهدار صحبت کردیم. گفت نمی‌شود، کسی به این‌ها اعانه نمی‌دهد. بالاخره با سپهدار مذاکره کردیم و بنده مرحوم سپهدار را راضی کردم به این ترتیب که اگر دولت انگلیس راجع به مراتوریوم چیزی دادند یک قسمت از آن را به قزاقخانه بدهید ایشان هم قبول کردند. ولی از چاه درآمد توی چاله افتاد. بالاخره بعد از مذاکرات زیاد حاضر شدند که ۵۰، ۶۰ هزار تومان به قزاقخانه بدهند. در این قسمت هم چیزهایی است که لازم نیست عرض کنم. (خدا بیامرزد اموات همه را) مرده‌اند، لازم نیست اسم ببرم این ۵۰ هزار تومان را هم که به قزاقخانه دادند، حالا سردار همایون می‌خواهد همه را صرف ۵۰۰ نفر قزاق طهران بکند و به قزوین چیزی ندهد. خلاصه ایشان را راضی کردم که دو ثلث برای طهران و یک ثلث برای قزوین داده شود. خلاصه ۲۰ یا ۳۰ هزار تومان بود که به قزوین رسید. قزاق‌ها فهمیدند که این کار را کی کرده است. فهمیدند، تشخیص دادند.

این تشخیص آن‌ها، سبب شد که در مراجعتشان در آتیه به بنده مراجعه کنند. این وضعیت همین‌طور ادامه پیدا کرد، ماه آینده بیشتر شد. ماه سوم که ماه کودتا بود. بنده گفتم که باید ۱۰۰ هزار تومان داده شود، آقای سپهدار اگر این مبلغ را به قزاقخانه ندهند، من قبول نمی‌کنم و باید از آن پولی که دولت انگلیس به مراتوریوم می‌دهد، ۱۰۰ هزار تومانش را به قزاقخانه بدهند و بالاخره این کار را هم کردند و در همان موقع هم بود که سردار همایون مجبور شد نظریه بنده را قبول کند، زیرا بین او و مرحوم سپهدار به هم خورد و اگر من به او مساعدت نمی‌کردم، در مقام خودش باقی نمی‌ماند.

سخنرانی دکتر حسن انوری

ایران و آرزوی ما

این نکته هم گفتنی است که نیاکان ارانی هم ایرانی بوده‌اند و خود را ایرانی می‌دانسته‌اند، چنان که در شعر منقول از قطران و خاقانی دیدیم، و لفظ اران خود با ایران هم ریشه است.

غرض از این سخنان افتخار به داشتن سرزمین‌های گسترده و کهن ایرانی نیست، و نیز طبعاً این هم نیست که روزی ایران، افغانستان و تاجیکستان یکی شوند و چون کشورهای اروپایی اتحادیه‌ای تشکیل دهند؛ چرا که هر کدام با هزاران درد بی‌درمان دست به گریبان هستند. پیداست که آرزوی همهٔ ما این است که روزی فرا رسد که این کشورها بر دشواری‌های داخلی و خارجی چیره شوند، بی‌سوادی و بیماری را ریشه‌کن کنند، با جهان متمدن همگام گردند و در آن روز چون کشورهای اروپایی با شرط تساوی حقوق، اتحادیه‌ای تشکیل دهند. در آن روز طبعاً میان مردم این کشورها، که همه از یک آبشخور تاریخی بهره می‌جویند و دارای علایق فرهنگی مشترک هستند، ارتباطات، بیشتر خواهد شد. مردم ایران برای سیر و گردش به جای اروپا و آمریکا به بخارا و سمرقند خواهند رفت و مردم سمرقند و بخارا، شیراز و اصفهان را بر مسکو و پترزبورگ ترجیح خواهند داد.

از آنجا که ایران در مفهوم جهان ایرانی در چهار راه عالم واقع شده، از زمان‌های بسیار قدیم نه تنها محل عبور و مرور اقوام گوناگون بوده، بلکه مورد هجوم جباران و طوایفی که به علت تنگی جا یا عوامل دیگر از جای خود رانده شده بوده‌اند، نیز بوده است و طبعاً در این مهاجرت‌ها و هجوم‌ها با اقوام غالب یا مغلوب داد و ستد فرهنگی، به ویژه داد و ستد زبانی نیز انجام می‌گرفته است. شیوع زبان ترکی در مناطقی از این سرزمین یکی از موارد این امر است. عرب‌ها هم وقتی به ایران آمدند در آغاز نیاز به زبان فارسی داشتند و مجبور شدند دفاتر دیوانی را به زبان فارسی همچنان نگاه دارند؛ زیرا عربی، زبان یک قوم بدوی بود و آمادگی نداشت که زبان اداری و دیوانی سرزمین‌های مفتوحه قرار گیرد. اما همین که آداب کشورداری را از وزرا و دیوانیان ایرانی یاد گرفتند زبان عربی را در دیوان‌ها جایگزین زبان فارسی کردند و کسانی که بعدها درصدد برگردان عربی در دیوان‌ها به فارسی شدند متهم به بی‌سوادی و عربی ندانی شدند. یکی از اینان ابوالعباس فضل بن احمد، وزیر دربار محمود غزنوی بود که عتبی دربارهٔ او می‌نویسد: «و وزیر ابوالعباس در صنعت دبیری بضاعتی نداشت و به ممارست قلم و مدارست ادب ارتیاض نیافته بود. در عهد او مکتوبات دیوانی به پارسی نقل کردند و به بازار فضل کساد شد.»

اما جفاهایی که در این اواخر به زبان فارسی شد قصهٔ دردناک‌تری است. در افغانستان که مهد زبان فارسی است و روزی در غزنین چهارصد شاعر فارسی‌زبان در دربار محمود به فارسی قصیده می‌سرودند، در زمان‌های اخیر زبان محلی پشتو را که فاقد ادبیات قدیم است به معارضه با زبان فارسی وارد عرصه کردند و اصطلاحات علمی و اداری را به جای اینکه از این زبان قدیم با سابقهٔ هزار و دویست ساله اقتباس کنند، از آن زبان محلی گرفتند.

اما جفایی که در دوران حکومت شوروی بر ازبکستان و تاجیکستان رفت دوسویه بود؛ هم از طرفداران زبان ترکی بود و هم از سوی روس‌ها، در شهر بخارا که روزی رودکی سمرقندی، آدم‌الشعرای شعر فارسی، قصاید غرای خود را به زبان فارسی در دربار سامانی می‌خواند، کار به جایی رسید که برای کسانی که به زبان فارسی سخن می‌گفتند جریمه تعیین کردند و بدتر از این، اینکه خط را ابتدا در سال ۱۹۲۹ به لاتین و در سال ۱۹۴۰ به روسی تغییر دادند و باعث آمدند که نسل جدید به کلی از نسل قدیم و از فرهنگ قدیم بریده شود و امکان آشنایی با فرهنگ و میراث نیاکان از میان برداشته شود و نتیجه آن شد که ایرانی با ایرانی (به مفهوم آنکه در جهان ایرانی زندگی می‌کنند نه در محدودهٔ جغرافیای سیاسی فعلی) و هم به مفهوم از جدید با قدیم با هم بیگانه شوند.

روایت سون هدین از ایران عهد قاجار

یک روز بسیار عالی


■ دکتر رجبی - مترجم

■ سون هدین

اینجا احتیاج به آبیاری دارد تا از تمام زمین باغی یک‌پارچه به وجود بیاورد که مزارع پراکنده‌ای را در میان می‌گیرد، در این سرزمین خواب‌آلود ثروتهای زیادی پنهان است، اما به آب کافی دسترسی نیست و مشکل به نظر می‌رسد، که بتوان از کوهها، از راهی دور، آب کافی فراهم کرد.

همه جا نا آبادان و ساکت است. فقط زنگها درگوشهایم طنین انداخته است. به دهکدهٔ تجره، با کلبه‌های گلی سقف گنبدی و دیوارهای زردرنگ و باغهای انگور نزدیک می‌شویم. این ده آب انباری دارد که بامش به شکل پلکان است. در کنار نهری که روی آن دو تا اردک جست و خیز می‌کردند، دو نفر از ساکنین ده ایستاده بودند. آنها با تعجب آشکاری حرکت قطار کاروان را زیر نظر داشتند و شاید مبهوت بودند از این که ما در این دنیا به کجا می‌رویم و این فکر نامعقول اصلاً چطور به سرمان افتاده است. به جای استفاده از جادهٔ بزرگ و عالی مشهد یا راه کاروانروی یزد و کرمان، که آن هم به سیستان منتهی می‌شد، داریم خودمان را به کام کویر می‌اندازیم. می‌شد حدس زد که آنها در دلشان فکر می‌کنند که «خدا و علی صحرا ما را از خطر حفظ بکند.»

ما دوباره از آبادی خارج شده‌ایم و در بیابان هستیم. دهکده کوچک پشت سرمان گم می‌شود. راه خوب و تقریباً صاف است و زمین با شیب کمی به طرف جنوب شرقی سرازیر است، اما طوری که این سرازیری با چشم دیده نمی‌شود. اینجا در منطقه‌ای هستیم که آب را ـ برای جلوگیری از تبخیر ـ وسیله قنات هدایت می‌کنند. این قنات‌ها را می‌توان از یک ردیف تپه‌های کوچک خاکی، که نشانه چاهی عمودی به قنات است، بازشناخت. از این سوراخ‌ها می‌توان به قنات داخل شد و آن را لایروبی کرد. گاهی از قنات‌هایی می‌گذریم که به نظر متروک است. چون همه چاه‌ها فروریخته است.

شتر اول قطار، که دوتا از صندوق‌های تبت مرا حمل می‌کند، تنبل است و برای غلامحسین دردسر شده است. او مجبور است که همواره پای پیاده، طنابی را که به گردن شتر بسته شده است، محکم بکشد. به این خاطر او دنبال شتر راهنمای دیگری می‌گردد، که بدون این که احتیاج به کشیدن سفت و سخت طناب باشد، بی زحمت راه برود.

وقتی وارد قلعه‌نو شدیم، پنج ساعت و نیم بود که در راه بودیم و فاصله‌ای را که پشت سر گذاشته بودیم سه فرسخ بود. به طور کلی می‌گویند، که شتری که بار حمل می‌کند، هر فرسخ را در دو ساعت طی می‌کند. یک فرسخ یا یک پاراسنگ، به طور متوسط کمی بیشتر از شش کیلومتر است، اما در جاهای مختلف ایران این اندازه فرق می‌کند، حتی در جاهای مختلف این اختلاف قابل توجه است. معمولاً یک فرسخ در راهی صاف و هموار بیشتر از یک فرسخ راهی کوهستانی است. در راه کوهستانی یک فرسخ حداکثر به پنج کیلومتر می‌رسد. از ارتفاع ۹۲۱ متری که در ورامین داشتیم، در خلال روز ٦٧ متر کاسته شده بود. قلعه‌نو به طور مطلق ٨٥٤ متر از سطح دریا ارتفاع دارد.

در ساعت آخر سفر امروز باد تقریباً خنکی شروع به وزیدن کرده بود و وقتی که ما مشغول بر افراشتن چادرها بودیم، باد هر لحظه شدت می‌گرفت، طوری که مردها از من پرسیدند، آیا بهتر نیست که در سرایی، درکنار دهکده پناه بگیریم. اما این استراحتگاه ویران‌تر و زشت‌تر از آن بود که آنها بتوانند مرا وادار به صرف نظر کردن از چادر زیبایم بکنند.

بادی که برخاسته بود آن چنان از گرد و خاک اشباع بود، که مثل مهی همه چیز را در خود پوشانده بود. توده‌های گرد و خاک مانند ابر در سطح زمین در حرکت بود. گرد و غبار از دیوار چادر به داخل نفوذ می‌کرد و روی هر چیزی که در چادر بود می‌نشست و قطر خاک هر لحظه کلفت‌تر می‌شد. ظرف یک دقیقه شیشه عینکم تبدیل به شیشه‌ای مات شد و مجبور بودم لاینقطع آن را پاک بکنم. وقتی که ناهارم را آوردند، که عبارت بود از یک مرغ سرخ کرده و به تکه‌ای نان پیچیده شده بود، مجبور بودم پیش از این که غذا به وسیله گرد و خاک غیرقابل استفاده بشود، در خوردنش عجله بکنم. فنجان چای کافی بود که برای مدت کوتاهی بدون سرپوش بماند، تا مزه‌ای تند و شور پیدا بکند. تازه از خوردن فارغ شده بودم، که یکی از اهالی مهربان ده با دو تا پسر بچه وارد چادر شد. او برایم یک هندوانه تازه و پرآب آورده بود، که پس از تنفس این هوای خاک‌آلود، که تا اعماق گلو را خشکانده بود، بهترین دسر ممکن بود.

هوا گرگ و میش و بعد تاریک شد و امشب تاریکتر از معمول بود. در چادر مردها صدای گفتگو مدتی است که قطع شده است. در یک چنین هوایی واقعاً چیزی بهتر از خوابیدن نمی‌توان پیشه کرد. اما مدتی تنها می‌نشینم و به زمزمه قدیمی و آشنای ترانه‌های شکوه و صدای نفیری که بیرون از چادر در طنین است گوش می‌دهم، که خاطرات زیادی از سال‌هایی که تنها در بیابان‌های آسیا به سر برده بودم در من بیدار می‌کند. من می‌دانستم که در نیمه راه یک برنامه جدید بودم و می‌دانستم که حالا در دنیا هیچ چیز نمی‌توانست مرا وادار به بازگشت بکند. به هدف می‌شد فقط با گذشت و صرف نظر کردن از خیلی چیزها رسید. در این باره صدای نفیر این اولین باد به من هشدار می‌داد. در شب هولناک زمستانی این احساس را داشتم که من یهودی سرگردانی هستم، که سرنوشتش این است که بدون قرار و آرام روی زمین بگردد، و در خانه آرزوی بیابان‌ها را داشته باشد و در خارج از خانه همواره نگاه‌های مشتاقی به افق‌های میهنش بیندازد.

مهمان همه جا، و بیگانه‌ای که همه جا و هیچ جا در خانه نیست و در هیچ جا مکان ثابتی ندارد. زائری بی کس و غریب که جلوی آتشی که رو به خاکستر شدن بود، نشسته بود و به خاطرات مات حدود هزار شب سال‌های گذشته فکر می‌کرد و از شکیبایی‌اش در عجب بود، که با آن



همواره انتظار چیزهای نوی را می‌کشید و مشتاق رسیدن به آنها بود، چون چیزی که شبح وار بی صدا و آرام روی زمین در حرکت بود، همیشه به صورت یک تصویر خیالی برایش باقی می‌ماند. آری تعجب می‌کردم که از کویرلوپ جان سالم به در برده بودم و توانسته بودم همه توفان‌های تاکلاماکان را تحمل بکنم.

حتی راه طرابوزان که خاطراتش هنوز در ذهنم تازه بود، به نظرم سفری می‌آمد به حد غیرقابل تحمل کم سرعت و مشکل. با این وصف باز شوق دیدار کویر را داشتم. قدرت عرفانی بی صدا و توصیف ناپذیر کویر مرا با قدرتی، که سلب مقاومت می‌کرد، به سوی خود می‌کشید. فکر می‌کردم که صداهای اسرارآمیزی می‌شنوم، که از اعماق خود مرا می‌خوانند:

«برگرد خانه.»

آن طرف کویر بزرگ، کوه‌های بلند آبی و پوشیده از برف تبت را می‌دیدم، اما می‌بایست کویر را تسخیر می‌کردم. بیشتر از تبت مشتاق دیدار کویر بودم. چند روز دیگر افق بی‌انتها و هموار کویر را که به هر طرف امتداد می‌یابد می‌دیدم و بعد پس از قدم‌های زیاد پررنجی که برداشته می‌شد، نخل‌های طبس را مثل یک لکه سبز در زردی جاودانه. پس از سالیان درازی مشتاق دیدار طبس بودم. آن واحه عجیبی که حتی روی نقشه این قدر غریب و فراموش شده به نظر می‌آمد.

حتی در زمان مارکوپولو، بیشتر از ششصد سال پیش، قسمت شرقی ایران از کویر بزرگی تشکیل می‌شد، که آدم وقتی می‌توانست از آن عبور بکند، که آب همراه برمی‌داشت و راه‌های مستقیم بین واحه‌ها را انتخاب می‌کرد. این مسئله که در زمان ما جریان امر بهتر نشده است، چیزی است که به زودی آن را خواهیم دید. مسئله حتی مشکل‌تر شده است. چون آب و هوا حالا در دوره خشک شدن است و این خشکی توسعه کویرها را آسان‌تر می‌سازد. شهرها و اسم‌هایی را که مسافر ونیزی در سفرنامه خود می‌آورد، هنوز هم در دست است. هم کرمان و هم کوبنان و همچنین تون و قاین. منطقه‌ای که امروز تون و طبس خوانده می‌شود.

مرد دهاتی برایم تعریف کرد، که قلعه‌نو از ١٦ کلبه تشکیل می‌یابد و محصولش عبارت است از گندم، جو، هندوانه، انار، انگور، سیب، گلابی و توت. اما کره و پنیر و روغن هم تهیه می‌شود. بادی که الان از شمال غربی در جریان است، در این وقت از سال اغلب می‌وزد. مرد دهاتی گفت، چنانچه وزش باد تا فردا بعد از ظهر ادامه پیدا بکند، باد به توفان تبدیل خواهد شد، که سه روز دوام خواهد یافت، اما اگر قبل از این موقع قطع شود، چهار روز تمام بادی نخواهد وزید، او باد را تیفون (توفان) می‌نامید. عجیب است که این کلمه چینی حتی تا این جا نفوذ کرده است! او چهار جهت اصلی را این طور می‌نامید: برای جنوب، سرپایین. برای شمال، سربالا. برای مغرب، قبله یا مکه[؟] و برای مشرق، طرف امام رضا. چون قبر این امام در مشهد است، که در شرق قرار دارد. البته او به شرق و غرب، آفتاب زدن و آفتاب غروب هم می‌گفت.

بستر جاجرود تا این جا ادامه پیدا می‌کند. بیشتر آب رودخانه از کوه می‌آید و در نهرها تقسیم می‌شود. برای ۲۵ روز دیگر انتظار برف می‌رود. در این جا برف بایستی اغلب دو پا ارتفاع داشته باشد. پس از باران زمین گِل می‌شود و بعد در این منطقه رفت و آمد کاروان شتر تقریباً غیرممکن می‌گردد، در حالی که پوششی از برف تاثیری در حرکت کاروان ندارد.

آخرین دهکدهٔ حاشیهٔ کویر

ساعت ۷ صبح روز ششم ژانویه به طور کاملاً ناگهانی باد قطع شد و همین که مرا بیدار کردند، دیدم که داخل چادر منظرهٔ غم‌انگیزی دارد. هرچه در چادر بود، آن‌چنان زیر خاک مانده بود، که رنگ دیگری جز زرد تیره به چشم نمی‌خورد، قطب‌نما، ساعت، وسایل دیگر، نقشه و کتابها، پوتین و لباسها همه با هم همسطح شده و زیر این خاک نرم مخفی شده بود. خاکی که تمام شب لاینقطع از دیوار چادر به داخل راه یافته بود. وقتی که در جایم خودم را تکان دادم، پتوهای نمدی‌ام در ابری از غبار قرار گرفتند و کم مانده بود که خاک چشمهایم را به هم بچسباند. پیش از این که طبق معمول صبح‌ها بتوانم خودم را بشویم، لازم بود که نوکرم داخل چادر را گردگیری کرده و همه چیز را تکان بدهد. میرزا یکی یکی وسایل داخل را به بیرون از چادر می‌برد، اما شن آن چنان به جان اشیاء نشسته بود، که فقط می‌شد آنها را با هوادادن طولانی از خاک و شن نجات داد. تازه امروز پس از چهار سال شن نرمی در میان اوراق دفتر یادداشت قرار دارد. دفتری که من در حین توفان در آن می‌نوشتم.

قلهٔ آتشفشانی دماوند با شکوه و جلال در ۲۰O/۱۳۱ N سر به آسمان کشیده بود و تمامی خط‌الرأس کوه‌های البرز مشخص و روشن در افق به دید می‌آمد.

کوه‌های کوچکی در همسایگی قرار داشت، که با رنگ‌های مشخصی، با همهٔ جزئیات برهنه و با دره‌ها و آبرفتگی‌های خشک و قله‌های خشن، بدون کوچکترین نشانی از برف در پهنهٔ آسمان خودی نشان می‌دادند. در آن دورها، در جنوب غربی، خط‌الرأسی برف گرفته که هنوز پشت شهر قم قرار دارد، به زحمت دیده می‌شود.

در هوای صاف و پاک و آرام صبحگاهی صدای انعکاس تا دورها می‌پیچد.

صدای زنگوله‌های کاروانی از الاغ، پس از این که الاغها از چشم ما ناپدید شده بودند، هنوز به راحتی شنیده می‌شد. صدای این زنگ‌ها خیلی خوشایند بود، مثل این که خورشیدی که تازه طلوع کرده است قصد مداحی دارد. خورشید براق و خیره کننده و روشن در افق بالا آمد. تماشای تدارکات سفر و حرکت در این صبح عالی لذت‌آور بود. همهٔ رنگ‌ها خالص و صاف بود و همهٔ خطوط به وضوح پدیدار بود.

شترها بیشتر از همه سرحال بودند و نور براق در چشمهایشان تشعشع داشت و مثل این بود که چشمدان‌ها با چراغ الکتریکی از داخل روشن شده بودند. تصویر خورشید در چشم‌های قهوه‌ای آنها منعکس بود. فقط در اطراف پوزه‌شان موقع باز دم توده‌ای از بخار قرار می‌گرفت و موهای روی لبها، مثل شبنم یخ‌زده، سفید و براق بود.

من خودم در حال کشیدن سیگار برگ هستم و نگاهم را در دایرهٔ بی‌پایان افق و در میان کوه‌های کوچک و جدا از هم می‌گردانم. این کوه‌ها مثل صخره‌ها و جزیره‌های کوچکی که پیش از سواحل فنلاند و سوئد قرار دارد، سر راه کویر را گرفته است.

ما به طرف شرق جنوب شرقی در حرکتیم. یعنی به طرف سمت راست شاخه‌های سیاه کوه، که مثل دیواری به رنگ کبود، بی‌نقش و بی‌آن‌که بتوان رنگ‌ها را تشخیص داد، به چشم می‌نشیند. کاملاً در سمت چپ، در نزدیکیمان، انتهای سلسله جبالی که در جنوب راه تهران ـ سمنان قرار دارد، قد علم کرده است. دماوند به تمام منطقه مسلط است و مثل یک چراغ دیده‌بانی عظیم، کویر را زیر نظر گرفته است.

تیغه‌های البرز که در پایان دماوند و یا این طرف‌تر قرار دارد، کاملاً بی‌برف است، اما خود آتشفشان عظیم، در قسمت جنوبیش، به خاطر خط‌های سیاهی که در برف دارد، به شکل چنگال به نظر می‌آید. روزی، مثل امروز، تماشا از قلهٔ دماوند زیبایی باشکوه و ابهتی می‌توانسته است داشته باشد و با این که از روزی که من در آن بالا بودم پانزده‌سال گذشته است، هنوز افسوس می‌خورم که تصادفاً روز یازدهم جولای ۱۸۹۰ روز گرفته‌ای بود.

هنوز مسافت زیادی از قله دور نشده‌ایم که مزارع کوچک چهارگوش که با جویهای آبیاریش موج‌دار به نظر می‌آید، تمام می‌شود و حالا یک مرتبه تمام منطقه شکل کویر به خود می‌گیرد. زمین گاهی کاملاً برهنه است و طبقهٔ نازک و سفیدی از بلورهای نمک آن را پوشانیده است و گاهی چند بوته نازک و کوچک در مبارزهٔ هستی است.



کاوش

فلسفه نگاشت؛ دکتر محمود خاتمی

زیبایی
انسان و حقیقت

با این همه، معنی زیبایی در سرشت انسان مرتکز و به فطرت سلیم در افق نفس هر ناظری ظهور و بروز دارد، آن‌سان که چون از او دربارهٔ این ظهور و بروز و حال و کیفیت نفسانی نزد او پرسش شود، بی‌درنگ اصل حضور آن را در خویش تأیید می‌کند، گو اینکه نتواند شرح و وصف لازم را از آنچه در افق نفس او ظهور یافته و برایش حضور دارد، به سخن آرد. پس زیبایی به بداهت برای او حضور دارد و تنها از شرایط حضور آن می‌تواند سخن گفت.

بنابراین اتصال به حقیقت زیبایی نیز تنها با حضور در ساحت آن حاصل می‌آید و گرنه حقیقت آن نیز همچون تصور آن قابل تحلیل مفهومی نیست. هر چند که در مقام بحثهای فلسفی، زیبایی از جنس معقولات ثانیهٔ فلسفی تلقی می‌شود، ولی این از باب تحلیل فلسفی و جایگاه عقلانی و مفهوم زیبایی است تا معلوم باشد که عروض آن بر معروض در عقل و اتصاف معروض به آن در خارج است.

اما با این همه که مفهوم زیبایی بدیهی است، حقیقت زیبایی که در ساحت وجود است و نفس انسان با تقرب و تشبه به آن از آن حقیقت بهره‌مند می‌شود، بداهت ندارد؛ بلکه مراتب و مظاهر آن بر نفس انسان و هنرمند جلوه می‌کند و خود در پردهٔ خفا و سرادق عما وامی‌ماند و آنچه از این حقیقت نیز در مصادیق خارجی متصف به زیبایی ـ یعنی امور زیبا ـ ظهور می‌کند هرگز کاشف از تمامی حقیقت زیبایی نیست.

۲. حقیقت زیبایی نه کلی است و نه جزئی، اعم از مفهومی و سعی؛ چرا که زیبایی یک حقیقت نورانی است و از اوصاف ذاتی نور یا وجود به ماهو است و لذا مشمول این احکام منطقی نیست؛ و چنان که حکمای اشراقی و عرفای الهی تحلیل کرده‌اند، حقیقت آن نور است و در ساحت ربوبی تعیّن تام دارد و آنچه از آن در مراتب و عوالم وجودی ظهور دارد از باب ظهور صفت الهی است: زیرا «سبب زیبایی هر زیبا اوست و او زیبایی را به غیر افاضه می‌کند؛ چون منبع و معدن زیبایی اوست و هر چیز زیبا و نیکویی از او و با اوست.»

۳. حقیقت زیبایی بسیط است؛ هم در مقام ذات و هم در مقام عروض به اموری که متصف به آن‌اند. اما در مقام ذات چون زیبایی چنان که اشاره شد ماهیت ندارد و لذا جزء ندارد و از این رو مرکب نیست پس بسیط است؛ و در مقام عروض به اموری که متصف به زیبایی می‌شوند از این روست که زیبایی در مقام عروض با معروض خود ترکیب نمی‌شود بلکه حقیقت نورانی زیبایی در امور تجلی می‌نماید، و جلوهٔ آن در اموری که زیبا خوانده می‌شوند ظهور می‌یابد و در این حالت بساطت زیبایی همچنان محفوظ می‌ماند. به همین دلیل هم حقیقت نورانی زیبایی از سنخ امور مادی نیست و آنچه در افواه معمول است که از زیباییهای طبیعی و مادی یا جسمانی سخن می‌گویند و آن نام را به این مصادیق اطلاق می‌کنند، از باب مجاز است؛ و گرنه حقیقت زیبایی، بنا به قاعدهٔ بسیط‌الحقیقه در حد ذات خود بساطت دارد و نمی‌توان آن را از جملهٔ امور مرکب دانست؛ بلکه آنچه از زیبایی در اموری نظیر طبیعت جسمانی هست، صرفاً تجلی آن حقیقت بسیط است و از این روست که نزد قدما زیبایی مجرد دانسته شده است. حقیقت زیبایی در این تلقی نه به وجود می‌آید و نه از بین می‌رود، بلکه خارج از هر تعین است و در تتق ربوبی و ساحت وجود الهی است و همهٔ موجودات در شوق اتصاف بدان از آن حقیقت بهره‌مندند، آن هم به نحو ظهوری.

٤. زیبایی یک حقیقت واحد و لذا مشترک معنوی است و معنی آن در همهٔ مراتب واحد است؛ و هر چند شدت و ضعف و نقص و کمال در مراتب زیبایی مشاهده می‌شود، اما معنی آن در همه حال یکی است و به یک معنی بر مصادیق خود صدق می‌کند، و دلیل بر این، همانا مقسم قرار گرفتن زیبایی برای اقسام است و تقسیم هم دلیل بر سریان مقسم در اقسام خود است و این همه بر اشتراک معنوی مقسم دلالت دارند.

این وحدت معنی نه فقط به لحاظ کاربردهای لفظی و تقسیمهای منطقی بلکه نظر به حقیقت زیبایی نیز صادق و حاکم است. حقیقت خارجی زیبایی که در سرادق هستی است و به جلوه‌های مختلف مظاهری در سراسر عالم موجودات دارد، یک حقیقت نورانی بیش نیست که مشکک است و مراتب و درجات آن از فقر و غنی و شدت و ضعف و زیاد و کمی و کثرت و قلت و نقص و کمال داخل در حقیقت آن است. این حقیقت به ذات خود زیبایی ظاهر و مُظهِر زیبایی در اشیاء و موجودات است؛ و چون پرتو حسنِ آن در آینهٔ جام جهان افتد همهٔ مراتب وجود در طول و عرض، به میزان قابلیت خود، از حسن و زیبایی بهره‌مند می‌شوند. در این حال، زیبایی در تمام این مراتب طولی و عرضی به یک معنی واحد به کار می‌رود. از این رو زیبایی واحد در کثیر است

■ محمود خاتمی

و در عین وحدت از کثرت برخوردار است و این تعبیر دیگری است از تشکیک. چون زیبایی بسیط است، لذا مابه‌الامتیاز در هر مرتبه‌ای عیناً مابه‌الاختلاف است و شدت و ضعف و کمال و نقص هر مرتبه از مراتب زیبایی واجد این معیار است. در عین حال این کثرت که از ذات خود زیبایی بر می‌خیزد کثرت نوری است. و باز، زیبایی از آن حیث که عارض موجودات می‌شود به دلیل آن که زیبایی اضافه به اموری می‌شود که در حد ذات خود نه زیبایند و نه نازیبا (زشت)، از کثرت دیگری هم برخوردار است که وصف کثرت زیبایی است از حیث معروض خارجی آن و می‌توان آن را، به تقلید از تعبیر کثرت ظلمانی در حکمت اشراق، کثرت نا ـ زیبایی (زشتی) نامید.

کثرت زیبایی به وسعت کثرت ساحت وجود است و هر کجا این حضور دارد، زیبایی هم حضور دارد و به قدر و شأن وجود ظهور می‌کند. از این رو زیبایی در سلسلهٔ طولی و عرضی وجود گسترده است و به همان میزان که انوار زیبایی به ترتیب کمال و نقص و شدت و ضعف و تقدم و تأخر نظام طولی را شکل می‌دهند و در هر مرتبه از آن با عروض به موجودات تکثر کثرت عرضی می‌یابند، زیبایی نیز گسترده است. اشراق زیبایی و ظهور آن در سلسلهٔ طولی و سلسلهٔ عرضی، به همراه بازتاب تجلی و ظهور آن در مجالی و مظاهر در هر مرتبه از مراتب به صدور کثرت و انتشای زیبایی منجر می‌شود.

بر همین اساس است که زیبایی، که فی‌نفسه لنفسه و مطلق است، واجد مراتب و حضور در مراتب پایینتر می‌شود و صورت تجلی‌یافتهٔ آن نسبی می‌گردد، از آن رو که فی‌نفسه لغیره است. در این حال به لحاظ معروض خود و قابلیت آن ظهور می‌یابد و اگر محل ظهور آن واجد شرایط نباشد به همان میزان عدم ملکه زیبایی در آن محل نمایان عارض می‌شود، و بدیهی است که در این حال معیارهایی نظیر تناسب و تقارن و ظرافت و نظیر اینها که همگی معیارهایی بر حسب مقوله‌اند و لذا قائم به ماهیت‌اند، نمی‌توانند معیار زیبایی باشند که خود از بُن فرامقوله است

مناظره

سید ضیاء در دادگاه دکتر مصدق

موازنه ملکات عقلیه!



عذر وکلا پیشنهادات صلح‌طلبانه حکومت شوروی، عذرشان چه بود؟ عذرشان موازنه ملکات عقلیه. این عذرشان بود. سپهدار آمد، التماس کرد بیایید. بالاخره گفتند نمی‌شود با این کابینه باشد، با کابینه دیگر. کابینه دیگر تشکیل شد. مرکب از آقای حاج محتشم‌السلطنه، وزیر امور خارجه و مرحوم ممتازالدوله و ممتازالملک. این‌ها سه، چهار نفر بودند همه‌اش را فکر کردند که کی وزیر باشد، کی نباشد.

بعد از اینکه چندین ماه فکر کردند که چه باید بکنند، گفتند خوب حالا که وزیر شدیم چرا مجلس باز شود. اول باید یک مطالعاتی بکنیم و زمینه را حاضر کنیم، بعد مجلس شورای ملی باز شود. در همین حال بود، در همین احوال بود که مملکت بی تکلیف بود. در همان موقع بود آقای ضیاءالملک که در طهران چهار نقشه کودتا بود، کی‌ها در کار بودند، لازم نیست بنده به جنابعالی عرض کنم آن کسی که موفق شد، شما خودتان او را می‌شناسید و می‌بایستی همان موقع بشناسید و جلوگیری کنید نه اینکه بعد از ۲۳ سال از من بپرسید کی بوده است.

در همان موقع بود که کسی که واقف به جریان وضعیات بود، کسی که خون داشت و کسی که می‌دانست مملکت در چه پرتگاهی است و به کجا می‌رود، یک فداکاری باید بکند. آمدند به بنده گفتند که وضعیات قزاق این‌طور است. اگر این‌طور نشود، این طور می‌شود. چه می‌شود، چه می‌شود که این هم از اسرار خود بنده است که هیچ الزامی هم ندارم به کسی توضیح بدهم، الزامی ندارم.

آمدیم رفتیم پیش آقای سپهدار مذاکره کردم. گفت انگلیس‌ها به ما پول نمی‌دهند، چه کنم؟ گفتم ما می‌رویم مذاکره می‌کنیم بلکه به شما پول بدهند. رفتم پیش مستر نرمان از ایشان خواهش کردم و گفتم وضعیت این‌طور است، وضعیت خراب است. شما یک ماه دیگر، دو ماه دیگر هم به ما پول بدهید. ایشان گفتند می‌دهیم به شرط اینکه به دوایر دولتی داده شود، گفتم چطور؟ مگر به کی می‌دهند؟ گفت این مهاجرینی که آمده‌اند به طهران، پول‌ها به آن‌ها داده می‌شود و ما حاضر نیستیم. گفتم پس مهاجرین که مستأصل هستند، بیچاره هستند، چه بکنند؟ گفت خود دولت، خود مردم با اعانه به هموطنان خودشان چیزی بدهند و کمک کنند.

رفتیم با مرحوم سپهدار صحبت کردیم. گفت نمی‌شود، کسی به این‌ها اعانه نمی‌دهد. بالاخره با سپهدار مذاکره کردیم و بنده مرحوم سپهدار را راضی کردم به این ترتیب که اگر دولت انگلیس راجع به مراتوریوم چیزی دادند یک قسمت از آن را به قزاقخانه بدهید ایشان هم قبول کردند. ولی از چاه درآمد توی چاله افتاد. بالاخره بعد از مذاکرات زیاد حاضر شدند که ۵۰، ٦۰ هزار تومان به قزاقخانه بدهند. در این قسمت هم چیزهایی است که لازم نیست عرض کنم. (خدا بیامرزد اموات همه را) مرده‌اند، لازم نیست اسم ببرم این ۵۰ هزار تومان را هم که به قزاقخانه دادند، حالا سردار همایون می‌خواهد همه را صرف ۵۰۰ نفر قزاق طهران بکند و به قزوین چیزی ندهد. خلاصه ایشان را راضی کردم که دو ثلث برای طهران و یک ثلث برای قزوین داده شود. خلاصه ۲۰ یا ۳۰ هزار تومان بود که به قزوین رسید. قزاق‌ها فهمیدند که این کار را کی کرده است. فهمیدند، تشخیص دادند.

این تشخیص آن‌ها، سبب شد که در مراجعتشان در آتیه به بنده مراجعه کنند. این وضعیت همین‌طور ادامه پیدا کرد، ماه آینده بیشتر شد. ماه سوم که ماه کودتا بود. بنده گفتم که باید ۱۰۰ هزار تومان داده شود، آقای سپهدار اگر این مبلغ را به قزاقخانه ندهند، من قبول نمی‌کنم و باید از آن پولی که دولت انگلیس به مراتوریوم می‌دهد، ۱۰۰ هزار تومانش را به قزاقخانه بدهند و بالاخره این کار را هم کردند و در همان موقع هم بود که سردار همایون مجبور شد نظریه بنده را قبول کند، زیرا بین او و مرحوم سپهدار به هم خورد و اگر من به او مساعدت نمی‌کردم، در مقام خودش باقی نمی‌ماند.

حاشیه

از میراث علمی مرحوم سیمین دانشور

دیگر کتاب‌های هنری



مرحوم دانشور

۵) غزلیات حافظ با ۵ مینیاتور مهم، که دو تای آن‌ها امضای سلطان محمد را دارد. بخصوص «مجلس بزم با شرکت ملایک» که برای غزل «دوش دیدم که ملایک در میخانه زدند» به وسیلهٔ همین نقاش تصویر شده، جالب است.

۶) دیوان امیر علیشیرِ نوایی که گویا در هرات نوشته شده است و بعداً برای تکمیل به تبریز، به خدمت شاه طهماسب برده شده، سلطان محمد روی بعضی از تصاویر این دیوان کار کرده. این کتاب در کتاب خانه ملی پاریس است.

۷) یوسف و زلیخای جامی به خط میرعلی الحسینی در موزه مترو پولیتن.

۸) چند اثر پراکنده دیگر از کتب مختلف (که بعضی از آن‌ها امضای استاد محمدی را دارد) در موزه لوور و در کتاب خانه ملی پاریس و موزه هنرهای زیبای بوستون متعلق به اوایل دوره صفوی موجود است.

در دوره صفوی، علاوه بر مینیاتور، نقاشی معمولی هم به وسیله نقاشان معروف انجام شده است. یکه صورت‌سازی (پرتره) تقریباً از این زمان است که متداول می‌شود. صورت‌های شاهزادگان و بزرگان و درباریان صفوی غالباً موضوع مهم و سفارش عمده برای نقاشان معروف عهد صفوی بوده است. در موزه هنرهای زیبای بوستون پرتره‌ای است که امضای سلطان محمد را دارد. به اغلب احتمال، این تصویر شاه طهماسب را نشان می‌دهد.

علاوه بر پرتره و مینیاتور، نقاشی دیواری هم در زمان سلطنت صفویه، مخصوصاًاز زمان شاه عباس اول، مورد توجه قرار گرفت. عمارات و قصرهای عظیمی که در زمان پادشاهی شاه عباس کبیر در اصفهان ساخته شده است، غالباً مزین به نقش‌های دیواری است. در این نقش‌ها (مثلا در چهلستون) حتی تصویر هلندی‌ها و اروپایی‌ها نیز طرح شده است. نقاش معروف زمان شاه عباس، رضا عباسی است که صاحب سبک و مکتب خاصی است. هر چند رضا عباسی مینیاتورساز هم بوده است، اما شهرت خود را مدیون پرتره‌ها و نقاشی‌های بزرگ خویش است که در آن‌ها شباهت با طبیعت و مدل را حفظ کرده است. این نقاش در ترسیم خطوط منحنی و طرح قوی و عمیق، استاد است. استادی او، خاصه در نمایاندی موی سر و ریش، جلب نظر می‌کند، از آثار او پرتره‌های چندی، از درویشان و زایران و جوانان، مانده است. چند طرح نیز از او در موزه متروپولیتن موجود است که امضای او «رقم کمینه رضا عباسی» را دارد. یکی از طرح‌های او تصویر خیاطی است نشسته، و دوتای دیگر، یکی جوانی را نشان می‌دهد که صراحی به دست دارد و دیگری پیرمردی است که بر عصایی تکیه داده است. مشخصه نقاشی‌های رضای عباسی، علاوه بر مشاهده دقیق طبیعت (رئالیسم) مرجح داشتن رنگ‌های کم رنگ و سبک، و محدود کردن تزئین طرح‌ها به دو یا سه رنگ است.

به این ترتیب و به مناسبت قلمرو گسترده‌ای که نقاشان می‌یافتند (که بی شک ایجاد روابط با فرنگ در آن بی‌تأثیر نبوده) تصویر کتب خطی رونق خود را کم کم از دست می‌دهد.

گرچه در دوره دوم صفوی، مینیاتور کتاب، هنوز هم رواج داشت، چنان که دو نسخه شاهنامه (نوشته شده در ۹۹۶هجری و ۱۰۱۴ هجری) از این زمان بقای است. شاهنامه قدیمی‌تر، ۴۰ تصویر بزرگ دارد.

ادامه دارد

شرح

مورخان علم

شرحی بر شکوفایی علوم اسلامی

شهرام تقی زاده‌انصاری

از بین پزشکان معروفی که بعدها و در طی سدهٔ دوازدهم می‌زیسته‌اند، نام مهذّب الدین، ابوالحسن علی بن‌احمدبن علی بن هبل بغدادی (۱۱۱۷ تا ۵۱۱/۱۲۱۳ـ۶۱۰) قابل ذکر است که در بین آثارش «کتاب المختار فی الطلب» مشهور است. دانشمند دیگری که نام وی لازم به یادآوری است، ابوالفرج عبدالرحمن بن نصرالله بن عبدالله شیرازی است که در حدود سال ۵۶۶/۱۱۷۰ در حلب به اوج شهرت خود رسید. اما مشهورتر از همهٔ مُهذّب الدین ابومحمد عبدالرحیم بن علی دمشقی (۷۰ـ۱۱۶۹ تا ۵۶۵/۱۲۳۰ تا ۶۲۸) است که ریاست بیمارستان دمشق را برعهده داشت.

پیر واتیه در اثر خود به نام «علم تعبیر خواب در بین مسلمانان» یا نظریه عبدالرحمن بن نصر درباره تعبیر و تفسیر رویا که در سال ۱۶۶۴ در پاریس چاپ شد، ترجمه فرانسوی کتاب «خلاصةُ الکلام فی تأویل الاحلام» عبدالرحمن شیرازی را به چاپ رساند. وی کتابی نیز در مورد مسائل جنسی دارد.

از جمله نویسندگان عرب یهودی مذهب مصر که در اواخر سدهٔ دوازدهم می‌زیسته‌اند؛ نام ابوالبیان بن مدَوَر که به سال ۵ـ۵۸۲/۱۱۸۴ تا ۵۸۳ در قاهره درگذشت و ابتدا پزشک عاضد خلیفه فاطمی و سپس صلاح الدین بود، قابل ذکر است چشم پزشک این دوره، ابوالفضائل ابن ناقد ملقب به المهذّب مطلق متوفی به سال ۹ـ۵۸۴/۱۱۸۸ـ۵۸۵ می‌باشد. ضمناً ابوالمکارم هبةالله بن زین بن حسن بن جمیع (یا جُمَیْع) دانشمندی است که اشتهار خود را به سبب رسالهٔ عمومی خود در پزشکی به دست آورده است. این رساله توسط فرزندش ابوطاهر اسماعیل تکمیل شد.

مقارن همین عصر، پزشکی مسیحی به نام ابوالحسن هبةالله بن صاعد بن تلمیذ امین الدوله نیز می‌زیسته که پس از انجام سفرهایی به ایران در بغداد زندگی می‌کرده است و در آن جا به مقام پزشک مخصوص خلیفه المقتفی رسیده و در سال ۵۶۱/۱۱۶۵ در سن ۹۲ سالگی درگذشته است. این شخص رساله‌های فراوانی نوشته که جای رساله‌های قدما را گرفته است.

قبل از ذکر نام برخی از پزشکان متعلق به سدهٔ سیزدهم، باید چند کلمه‌ای دربارهٔ شخصیت دیگری صحبت کنیم که زندگی وی اسرارآمیز است و اگر با جرج سارتون همداستان شویم، باید او را مسوی سومّ بنامیم. این شخص جرّاح عربی است که در حدود همین زمان می‌زیسته است، لیکن نوشته‌ای به زبان عربی از او به دست نیامده است. با این همه، ترجمه‌ای به زبان عبری (با فرض بر این که نسخهٔ اصلی آن به عربی وجود داشته است) در دست است که توسط یعقوب بن یوسف اللاوی به سال ۶۹۷/۱۲۹۷ صورت پذیرفته و ترجمهٔ دیگری به زبان لاتین انجام یافته که مرهون زحمات شخصی به نام فراریوس است. این ترجمه نیز تقریباً مربوط به همان عصر است و عنوان آن جرّاحی یوحنای ماسوّیه می‌باشد.

چندین اثر در زمینه پزشکی، طی سدهٔ سیزدهم از سوی ابو زکریا یحیی بن محمد بن عبدان الصاحب نجم‌الدین بن اللبودی (۱ـ۶۰۷/۱۲۱۰ تا بعد از سال ۶۶۶/۱۲۶۷) نگاشته شده است، ضمن آن‌که او نوشته‌هایی نیز در زمینه ریاضیات دارد. اما با وجود آن که ابن اللبودی جز نظریه‌پردازی ساده نبوده است، در عوض اشخاصی چون ابوحامد محمدبن علی بن عمر، نجیب الدین سمرقندی (متوفی ۳ـ۶۱۹/۱۲۲۲) و ابو اسحاق ابراهیم بن محمد بن طرخان (ابن) سویدی انصاری دمشقی (۴ـ۶۰۰/۱۲۰۳ تا ۲ـ۶۹۰/۱۲۹۱) به علت آن که عملاً به کار طبابت می‌پرداختند، نفوذی را بر سایرین باقی گذاشته‌اند. مهم‌ترین اثر او رساله «تذکرة الهدایه» است که در آن در مورد ۴۰۰ نویسنده صحبت کرده است. در کنار همین دو پزشک می توانیم از چشم پزشکی مصری موسوم به قاضی فتح الدین ابوالعباس احمدبن عثمان قیسی نام ببریم که او را رئیس الاطبّا المصریه می‌نامیده‌اند و مؤلف کتابی در چشم پزشکی در پانزده فصل است.

دو چشم پزشک دیگری که در نیمهٔ دوم سدهٔ سیزدهم می‌زیسته‌اند عبارتند از: خلیفه ابی المحاسن حلبی که بین سالهای ۱۲۵۶ تا ۱۲۷۵ می‌زیسته و کتابی زیر عنوان کتاب‌الکافی فی الکحل نوشته است و صلاح الدین ایوبی بن یوسف کمال که در حدود سال ۶۹۷/۱۲۹۷ کتاب نورالعیون و جامع‌الفنون را نگاشته است. ضمناً رسالات پزشکی بیشماری به وسیلهٔ امین‌الدوله ابوالفرج یعقوب بن اسحاق بن القُف مسیحی کرکی، که فردی مسیحی است و در سال ۳ـ ۶۳۱/۱۲۳۲ متولد شد و در سال ۶۸۵/۱۲۸۶ در دمشق درگذشت، تدوین یافته است. در حالی که شخصی یهودی موسوم به ابوالمونا بن ابی نصر بن حفّاظ کوهن هارونی عطّار اسرائیلی به نوبهٔ خود به مواد دارویی می‌پرداخت و در حدود سال ۱۲۵۹ رساله‌ای با عنوان منهاج الدکان و دستور الاعیان تدوین کرد که تا امروز نیز مورد استفاده است.

در پایان باید به ویژه از شخصی به نام علاءالدین ابوالحزم بن نفیس قرشی مصری شافعی (بین سالهای ۱۲۱۰ تا ۶۰۷/۱۲۸۸ ـ ۶۸۷) یاد کرد. زیرا اخیراً محققان در نوشته‌های او توصیفی از گردش کوچک خون را کشف کرده‌اند که یادآور همان مطالبی است که در سدهٔ چهاردهم به وسیلهٔ میگوئل سرویتو در کتاب وی زیر عنوان بازسازی مسیحیت ارائه شده است. ماکس میرهوف متن اصلی و ترجمه ۷ قسمت پراکنده و مفصل شرح تشریح ابن سینا را در «ابن نفیس و نظریه وی درباره اعمال شش‌ها» را که مربوط به گردش خون است، آورده است.

بنابراین باید نتیجه گرفت که این پزشک عرب که نه می‌توانسته به تشریح جنازه انسان بپردازد و نه بدین کار مایل بوده است، تنها از طریق تعقل بر روی واقعیات پیشنهادی جالینوس به کشف این گردش کوچک خون نایل آمده است. گردشی که دانشمند یونانی خود موفق به ارائه آن نشده بود.

۱۳ـ قبل از یادآوری نام چند نفر مورخ باید مختصر فرصتی را به دانشمند مسیحی دائره‌المعارفی اختصاص دهیم که معمولاً به زبان سریانی می‌نوشته، اما از زبان عربی نیز استفاده می‌کرده است و ضمن اثر خود ترکیبی از آن دو فرهنگ را به مراتب بیش از پیش نشان می‌دهد. ابوالفرج یوحنا بن عبری ملطی که بارعبرایا نیز نامیده می‌شد و ما بیشتر او را به نام لاتینش یعنی بارهبرائوس می‌شناسیم. وی فرزند پزشکی یهودی به اسم هارون بوده که بعدها به مسیحیت گرویده است.

بارهبرائوس در سال ۶ ـ ۶۲۲/۱۲۲۵ در ملطیه به دنیا آمد و در سال ۶۴۴/۱۲۴۶ که اسقف گوبوس شده بود، نام گریگوریوس را بر خود نهاد. در سال ۶۶۱/۱۲۶۴ به رهبری مذهبی یعقوبیان مشرق زمین (مفریان) رسید و در سال ۶۸۵/۱۲۸۶ در مراغه درگذشت. او کتابی تاریخی به زبان سریانی در زمینه‌های علم الادیان و فلسفه نوشته است. او در آثار اخیرالذکر سعی کرده است تا به هم میهنان و همکیشان و همزبانان خود فلسفه ارسطویی را بشناساند. فلسفه‌ای که مسلماً به همان شکل متداول در کشورهای اسلامی با آن آشنا شده بود. این دانشمند به موضوعات مربوط به علم صرف و نحو نیز پرداخته و نجوم و پزشکی را هم از نظر دور نداشته است. در مورد علم نجوم در تماس با رصدخانه مراغه بوده و به مناسبت مقام دینی خویش مدت‌ها در آن شهر اقامت و با منجمان رصدخانه بنیاد شده توسط نصیرالدین معاشرت داشته است تا آنجا که کتابی نیز در مورد معنی عروج روح نوشت و در آن به طرح مسائل نجومی پرداخت.

مورخان عرب (یا ایرانی) در کتاب گریگوریوس، تنها از این لحاظ حائز اهمیت هستند که می توانند تذکراتی را در زمینه دانشمندان و یا تاریخ علوم در اختیار ما بگذارند. خوشبختانه چنین اطلاعاتی بسیار فراوان است و گذشته از آن در بین مورخانی که ذکر آنها خواهد آمد، افرادی وجود دارند که به عمد و حتی منحصراً به نگارش زندگینامه مردان مشهور و به‌ویژه دانشمندان دست یازیده‌اند. روشن است که این گونه افراد برای ما



منابع بی‌نهایت گرانبهایی شمرده می‌شوند؛ حتی اگر لازم باشد آثار آنها را نه تنها با روحیه‌ای انتقادی بلکه با گونه‌ای بی‌اعتمادی مطالعه کنیم.

بنابراین می‌بینیم که در بین مورخان ابوالفتح محمدبن عبدالکریم شهرستانی (۷ـ۱۰۷۶ تا ۱۱۵۳/ ۴۶۹ـ۵۴۸) به تدوین تاریخ ادیان و فلسفه پرداخته است. (مهم‌ترین کتاب او «الملل و النحل» است که در دهه ۱۸۴۰ به انگلیسی و آلمانی ترجمه و در اروپا به چاپ رسید. کتاب دیگر او «تاریخ الحکماء» است.)، در صورتی که ابوسعد عبدالکریم بن محمد بن منصور تمیمی سمعانی (۱۱۱۳ تا ۱۱۶۶ /۵۰۷ ـ ۵۶۲) به‌ویژه به سبب تحقیقی که در باب خانواده‌های عرب (انساب) دارد، قابل مطالعه است. زیرا در آن تحقیق در مورد نام شخصیت‌های مشهور بحث کرده است و اطلاعاتی را در مورد زندگینامه اشخاص در اختیار ما می گذارد که امروز در جای دیگر نمی توانیم بیابیم.

کتاب الملل و النحل شهرستانی توسط ویلیام کورتن در ۲ جلد در سال ۱۸۴۶ در لندن چاپ شد. ترجمه آلمانی آن هم توسط تئودور هاربروکر در سال ۱۸۵۰ منتشر گشت.

ظهیرالدین ابوالحسن علی بن الامام ابی القاسم زید بیهقی، (۱۱۰۶ تا ۵۰۰/۱۱۷۰ـ۵۶۶)، یکی از ایرانیانی بود که به پزشکی و ریاضیات و غیره سرگرم بود. اما گذشته از آنها به تدوین مجموعه‌ای از زندگینامه‌ها نیز دست زده است.



سفر

سفرنامه زنده‌یاد علی اصغر فقیهی - ۵

به سوی مدینه

جمعی از حجاج ترکیه که جلو اطاق ما آمده بودند، چون فهمیدند ایرانی هستیم خیلی ابراز صمیمیت کردند و می گفتند ما و ایران و پاکستان یکی هستیم، بعداز ظهر عده بسیاری فیلیپینی به مدینة‌الحجاج وارد شدند که ما ابتدا خیال کردیم ژاپونی هستند و چون پرسیدیم گفتند از فیلیپین آمده‌اند قیافه و هیکلشان به ژاپونی‌ها فرقی نداشت.

ملک فیصل در جده در مدینة‌الحجاج انتشار یافت که امروز عصر، ملک وارد جده می‌شوند تا به مکه مشرف گردند.

از ساعت چهار بعداز ظهر عموم ایرانیان در ایوان‌های طبقه دوم و سوم که مشرف به فرودگاه است اجتماع کردند، در فضای وصل به دیوار مدینة‌الحجاج آنجا که محاذی گمرک و در خروجی فرودگاه است. فرشهای نفیس انداخته و اطراف آن مبل گذاشته و رجال و رؤسای قبائل و افسران ارشد، نشسته بودند غیرنظامیان با پیراهن‌های بلند و عبا و دستارهای سفید بر سر و نظامیان با لباس نظامی و دستارهای قرمز بر سر مشخص می‌شدند. در جلو این فضا یک گروهبان جلو ایستاده و عده‌ای از سربازان به وی اقتدا کرده بودند و بخواندن نماز عصر اشتغال داشتند. گارد احترام با لباس و کلاه نظامی معمولی در جای خود به صف ایستاده و در میان جمعیتی که در ایوان‌های مدینة‌الحجاج صف کشیده بودند در فاصله‌های معین یک سرباز و یک کارآگاه ایستاده بودند؛ همچنین نظامیان تمام پشت بام‌ها و اطراف را زیر نظر داشتند. در حدود ۵ هواپیمای سلطنتی حامل ملک برروی باند نشست و به طرف محل استقبال پیش آمد تا جلو گارد احترام قرار گرفت، ملک از پلکان هواپیما که آن را قبلاً تزئین کرده بودند پائین آمدند و در پای پلکان با کمال متانت و وقار همان جلو ایستادند، موزیک سرود ملی سعودی را نواخت و گارد احترام ادای احترام کرد. ایرانیان شدیداً کف زدند و هورا کشیدند و ابراز احساسات کردند. شیوخ و رؤسای قبایل یک‌یک مقابل ملک می‌آمدند، بعضی پیشانی و بعضی دیگر دست او را می‌بوسیدند. بعضی دیگر فقط مصافحه می‌کردند. بعداز انجام این مراسم که مدتی طول کشید؛ اعلیحضرت ملک براتومبیل مخصوص سوار و از فرودگاه خارج شدند.

سعودی‌ها و ایران

مردم کشور سعودی تا آنجا که من احساس کردم نسبت به ایران علاقه‌مند هستند و مایلند از اوضاع ایران به خصوص از لحاظ کشاورزی اطلاعاتی داشته باشند. برای شاه ایران احترام زیادی قائلند. امروز هنگامی که عکس بزرگ شاه را از مقابل در بزرگ مدینة‌الحجاج گویا برای نصب در محل نمایندگی یکی از بانک‌های ایران جنب مدینة‌الحجاج می‌بردند، تمام رانندگان تاکسی و کسبه آن حدود و کسان دیگری که بودند به شدت کف می‌زدند و ابراز احساسات می‌کردند. در مدارس ابتدایی و متوسطه مختصری از اوضاع جغرافیایی ایران درس داده می‌شود، در مکه از یکی از فرزندان صاحب خانه‌ای که در آن بودیم و در کلاس پنجم ابتدایی تحصیل می‌کرد، پرسیدم چند شهر از ایران را می‌شناسی گفت: تهران ـ مشهد، تبریز، اصفهان اطلاعات دیگری نیز از این قبیل داشت. در مدینه راننده‌ای که ما را به کوه احد و مساجد اطراف می‌برد چون دانست ایرانی هستیم پرسید؛ در ایران چه محصولاتی به عمل می‌آید؟ و وقتی گفتم در ایران هر محصولی از جمله گندم، برنج، چایی؛ مرکبات، انار به حد وفور به عمل می‌آید، حالت تعجب آمیخته به تحسین به خود گرفت و گفت ماشاء‌الله. سپس پرسید آیا در ایران زعفران و پسته بدست می‌آید؟ جواب دادم زعفران و پسته فراوان بعمل می‌آید و گذشته از مصرف داخلهٔ ایران بخارج نیز صادر می‌شود. بعد، از محل کشت این دو محصول پرسید گفتم زعفران در خراسان در محلی بنام قائنات و پسته در دامغان و قزوین و کرمان. سپس مشتی پسته که همراه داشتیم به او تعارف کردیم. دو محصول زعفران و پسته مثل این که از نظر آنها؛ مهمترین محصولات کشاورزی است، اغلب از این دو سؤال می‌کردند و راجع به آنها توضیحاتی می‌خواستند تا آنجا که ما فهمیدیم کمتر کسی از کشور سعودی به ایران مسافرت کرده ولی عموماً ایران را می‌شناسند و نسبت به ایرانیان صمیمی هستند؛ ما کسی را ندیدیم که به زبان فارسی آشنایی زیادی داشته باشد و وقتی ما با آنان عربی حرف می‌زدیم و می گفتیم که زبان عربی در مدارس ما به شاگردان آموخته می‌شود خیلی خوشحال می‌شدند.

خانم فرانسوی در مدینة‌الحجاج

یک خانم جوان که بعداً معلوم شد فرانسوی است با همان هیئت و قیافه‌ای که در خیابانهای پاریس قدم می‌زند، بمدینة‌الحجاج آمده بود و از مناظر گوناگون عکس می‌گرفت جوانی هم مترجمی او را بعهده داشت.

در اطاق ما چند قالیچهٔ مرغوب بافت قم که همراهانمان با خود آورده بودند افتاده بود که نظر خانم فرانسوی را گرفت و راجع به آنها توضیحات بسیاری خواست و چند عکس از آنها برداشت.

دلالهای فرش جده برای خریدن قالیچه‌ها زیاد به اطاق ما مراجعه می‌کردند و بیشتر من با عربی دست و پاشکسته‌ای که میدانستم سمت مترجمی را بعهده داشتم یکی از دلالها خیلی اصرار داشت فرشها را به قیمتی که گفته بود بخرد؛ آهسته به من گفت اگر فرشها را به این قیمتی که می گویم برایم درست کنی بیست ریال (در حدود سی و هشت تومان) نزد من داری ولی با وعدهٔ رشوه هم معامله سر نگرفت و فرشها تا روزی که ما به ایران برگشتیم فروش نرفت و در نتیجه در همه‌جا، در مدینه، مکه، عرفات، منی؛ فرش زیر پای ما از بهترین نوع فرش ایران بود.

پیشنهادی به پتو بافان ایران

پتوی ایران در آنجا مشتری زیاد دارد و اغلب حجاج یکی دو پتو با خود می‌برند؛ عموم حجاج ترجیح می‌دهند پتوی خود را که با قیمت خوبی خریدار دارد؛ بفروشند و به جای آن یک پتوی ایتالیائی که از کرک خالص است و اطراف آن نیز دوخته نیست قیمت آن هم بالنسبه ارزان است، بخرند تا چنانچه پس از محرم شدن هوا سرد و احتیاج به بالا پوش احساس شد بتوانند از آن استفاده نمایند، اگر کارخانه‌های پتو بافی ایران نوعی پتو که اطراف آن دوخته نباشد تهیه کنند؛ مسافران حج مشتریان خوبی برای آن خواهند بود.

امروز قرار است با هواپیما به مدینه برویم ولی می گویند بلیت هواپیما تا آخر ذیقعده فروش رفته است بعضی از رفقا معتقدند که بهتر است از جحفه (در حدود بیست و پنج فرسنگی جده) محرم بشویم و به مکه برویم و بعد از مناسک حج به مدینه مشرف گردیم ولی من و عده‌ای دیگر اصرار داشتیم حتی‌الامکان به مدینه برویم تا از مسجد شجره محرم بشویم، مسجدی که پیغمبر (ص) از آنجا محرم می‌شد. بخصوص که فرصت هم داشتیم؛ از حاج حسین پهلوانی حمله‌دارمان خواستیم که هر طور هست بلیت هواپیما تهیه کند و او به تلاش افتاد.

پشت اطاق ما اطاقی است که یک کاروان آذربایجانی در اختیار دارد و از امروز صبح شروع به نوحه‌گری و گریه و زاری کرده‌اند و چنان با سوز و گداز می‌خوانند و می گریند که دل سنگ به رقت می‌آید و متأثر می‌شود آفریقائیها و ملل دیگری که آن حدود هستند با تعجب و حیرت نگاه می‌کنند.

برای دیدن عمه‌زاده‌ام حاج حسین آقای فقیهی به اطاق او که سمت دیگر مدینة‌الحجاج است رفتم در گوشهٔ اطاق، پیرمردی با محاسن



سفید و چهره‌ای نورانی نظرم را جلب کرد، بعد از کمی دقت متوجه شدم که ایشان روحانی عالیقدر حضرت آیت‌الله آقای حاج سید احمد زنجانی هستند که از علمای طراز اول ایران مقیم قم می‌باشند و سفر حج خود را مثل یک فرد عادی و در نهایت گمنامی انجام می‌دهند.

پیشاهنگان که در عربی کشافه نامیده می‌شوند در همه جا به مقامات دولتی کمک می‌کنند در گمرک در مدینة‌الحجاج و بعداً دیدیم که در عرفات و در منی مثل یک سرباز و یک پاسبان و یک مأمور به انجام وظیفه اشتغال داشتند. در منی پیشاهنگان ملل اسلامی دیگر نیز به پیشاهنگان سعودی کمک می‌کردند.

در ساختمان شرقی مدینة‌الحجاج؛ در طبقهٔ دوم دو اطاق در اختیار هیئت پزشکی ایران است که در یکی انواع دارو و وسائل طبی است و در دیگری پزشکان و پرستاران هستند، در جلو در بزرگ مدینة‌الحجاج دو آمبولانس ایرانی متوقف است.

سرانجام، حاج حسین پهلوانی با زبر دستی خاصی یکصد و چند بلیت هواپیما تهیه کرد و ما قبل از ظهر به سالن فرودگاه رفتیم اما ساعت حرکت معلوم نیست، سالن مملو از جمعیت است، هوا گرم و سالن بدون وسائل تهویه، حتی چند پنکهٔ سقفی هم در آن نصب نشده است.

هر کس تلاش می‌کند زودتر برود از هواپیما هم خبری نیست، می گویند یک هواپیما بیشتر به مدینه نمی‌رود؛ آن هم رفته است باید منتظر ماند تا برگردد، به مأموران هواپیمائی ایران که در آنجا دفتری دارند مراجعه می‌کنیم آنها از ما بی اطلاع‌ترند (کشورهایی که از راه هوایی آمد و رفت می‌کنند، در این سالن دفتری دارند) بعد از یکی دو ساعت معلوم شد همهٔ این شایعات بی‌اساس است، هواپیماهای متعدد، حجاج را به مدینه می‌برد و ما در فرودگاه مدینه دیدیم که هر نیم ساعت یا یک ساعت یک هواپیما حامل حجاج از جده به مدینه می‌آید.

ترتیب رفتن حجاج به فرودگاه برای سوار شدن به هواپیما این بود که مأموری بالای یک بلندی مثلا روی یک صندلی می‌رفت و یک بلیت را نشان می‌داد (بلیتهای هواپیما به رنگهای مختلف بود) و به این وسیله می‌فهمانید که هر مسافری که بلیت به آن رنگ در دست دارد می‌تواند برای سوار شدن به هواپیما وارد فرودگاه شود، به این کیفیت ما در حدود ظهر وارد فرودگاه شدیم و نیم بعدازظهر به وسیلهٔ یک هواپیمای دو موتورهٔ سعودی به طرف مدینه پرواز کردیم خلبان و مهماندار هر دو عرب و همسفرانمان بیشتر افریقایی و پاکستانی بودند.

مهماندار که جوان مؤدبی بود، ابتدا جعبه‌های محتوی غذای ظهر را که داخل آن یک ساندویچ با گوشت ماهی و مقداری شکلات بود تقسیم کرد سپس یک لیوان آب پرتقال آورد.

هواپیما از ارتفاع کم پرواز می‌کرد، نزدیک به نیمی از راه از روی حاشیهٔ ساحلی دریای احمر بود که در اینجا موج دریا و عبور اتومبیل‌ها از جادهٔ اسفالتهٔ جده، مدینه بخوبی دیده می‌شد، بعد از آن داخل منطقهٔ کوهستانی گردید؛ کوهها و دره‌ها و خارهای مغیلان کاملا مشخص بود.

در ساعت یک و نیم بعدازظهر بر روی باند فرودگاه مدینه نشست یک ساعت در راه بود، فاصلهٔ جده و مدینه از راه زمینی چهارصد و بیست و پنج کیلومتر است.

در فرودگاه مدینه

هوا گرم بود و احتیاج به استراحت، فرودگاه سالن کوچکی داشت و در گوشهٔ آن فروشگاهی بود که چایی و تنقلات و پاره‌ای مشروبات غیرالکلی در آن به فروش می‌رسید در این فروشگاه مانند اغلب دکانهای مدینه تابلویی که یکی از احادیث نبوی بر آن نوشته شده بود از دیوار آویخته بودند، ما چایی خواستیم، آوردند؛ یک استکان بزرگ لیوان مانند، پر از آب جوش و یک بستهٔ کوچک چایی خشک، باید آن بسته را در استکان انداخت تا چایی بدست آید، در یک گوشهٔ سالن پاسبانی سر زنجیری را که به مچ دست یک نفر قفل شده بود در دست داشت و هر جا می‌رفت او را مثل بره با خود می‌برد، گاهی هم می‌نشستند و دوستانه با هم سیگار می‌کشیدند.

ما مجبور بودیم مدتی در فرودگاه بمانیم، زیرا مقداری از اثاثه‌مان را با هواپیماهای بعدی می‌آوردند، پهلوانی و یکی دو نفر دیگر برای تهیهٔ منزل به شهر رفتند، از فرودگاه تا شهر هفت هشت کیلومتر است، گفته می‌شود که فرودگاه را در این فاصلهٔ دور قرار داده‌اند تا خارجیانی که احیاناً با هواپیما وارد فرودگاه می‌شوند نگاهشان به شهر مقدس مدینه نیفتد، در ابتدای جاده نیز تابلویی هست که خارجیان را از رفتن به طرف شهر برحذر داشته است.

در بیرون سالن آنجا که راه شهر شروع می‌شود، تاکسیها متوقف و منتظر مسافر بودند کرایه را آنقدر گران می گفتند که بیشتر مسافران ترجیح می‌دادند با اتوبوس بروند، اتوبوسهای اداره هواپیمائی، مسافران هوائی را مجانی به شهر می‌بردند یکی از رانندگان تاکسی که خیلی جوان به نظر می‌رسید از من پرسید اهل کجائی؟ گفتم ایرانی؛ پرسید تو امامی هستی؟ (در آنجا شیعه را امامی می‌نامند) جواب مثبت دادم؛ گفت تو مقلد کی هستی؟ فهمیدم که او نیز شیعه است، جواب دادم من مقلد مرحوم آیة‌الله بروجردی هستم؛ آیا آیة‌الله بروجردی را می‌شناسی؟.

گفت می‌شناسم. سپس در جواب این سؤال من که آیا تو شیعه‌ای گفت من شیعه و مقلد آیت‌الله حکیم هستم، پدرم به خدمت آیت‌الله رسیده خودم نیز قصد دارم به عراق مسافرت کنم و خدمتشان برسم. پرسیدم عدهٔ شیعه در مدینه چه اندازه است؟ پاسخ داد، قریب ده هزار نفر.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۲۱ آبان‌ماه ۱۳۵۳ (برابر با ۲۷ شوال ۱۳۹۴، ۱۲ نوامبر ۱۹۷۴) نقل شده است.

محل نصب دو کارخانه برق اتمی تعیین شد

محل نصب دو راکتور اتمی مولد برق ایران تعیین شد و کارشناسان دومین مرحله مطالعات را برای «تائید» محل آغاز کرده‌اند. گفته میشود اولین راکتور اتمی از کشور آلمان و دومین آن از آمریکا خریداری خواهد شد و قراردادهای مربوط به آن ظرف یکماه آینده بامضاء خواهد رسید. این راکتورها در سواحل آبهای جنوبی کشور نصب خواهد شد.

کارشناسان اظهارنظر میکنند که با فراهم شدن این مقدمات، اولین کارخانه‌های برق اتمی ایران ظرف ۷ تا ۸ سال آینده کار خود را آغاز خواهند کرد و برق آنها به شبکه سراسری برق کشور خواهد پیوست.

کمپانیهای نفتی قیمت ۱۰ دلار را مناسب میدانند

پاریس ـ خبرگزاری فرانسه ـ کارشناسان نفتی پاریس اظهارنظر کردند تغییراتی که در کنفرانس اخیر شش کشور تولیدکننده نفت منطقه خلیج فارس در شیوه محاسبه قیمت نفت خام صورت گرفته و خصوصاً تصمیمی که سه کشور عربستان سعودی ـ امارات متحده عرب و قطر اتخاذ کرده‌اند، باعث کاهش قیمت نفت در ممالک مصرف‌کننده و صنعتی باختری نخواهد شد.

برخی از کارشناسان اظهارنظر کرده‌اند که در حقیقت اگر قیمت بین‌المللی نفت بشکه‌ای ۱۰ دلار باشد برای شرکتهای نفتی آمریکائی بسیار مناسب است.

مجتمع عظیم آموزشی و درمانی در کرج ساخته میشود

با صرف هزینه‌ای بالغ بر سیصد میلیون ریال در سی هزار مترمربع از اراضی «عظیمیه» کرج بیمارستان بزرگ و مجهزی برای کودکان، بنیاد نیکوکاری و آموزشگاه بهیاری تاسیس میشود. بموجب گزارش خبرنگار ما در کرج زمین مورد نیاز این طرح از طرف آقای عظیمی تقدیم شده است.

بنا باظهار آقای دکتر علامه رئیس بیمارستان شیر و خورشید سرخ کرج اعتبار اجرای این طرح بالغ بر سی میلیون تومان خواهد بود. بیمارستان کودکان در مرحله بهره‌برداری دویست و پنجاه تختخواب خواهد داشت و آموزشگاه بهیاری این مجتمع نیز برای سال اول خود تعداد پنجاه دانشجو میپذیرد.

افزایش قیمت طلا در بازار آزاد

قیمت شمش طلا امروز در بازار آزاد ۷ تومان دیگر ترقی کرد و به مثقالی ۲۰۰ تومان رسید و باین ترتیب یک رکورد بی‌سابقه از لحاظ قیمت این فلز در بازار آزاد بجا ماند. جالب اینجاست ترقی قیمت طلا در بازار آزاد ایران در زمانی افزایش یافته که قیمت این فلز در بورس لندن در حال کاهش است.

۵۸ میلیون تومان بدهی شهرداری تبریز را دولت می‌پردازد

شهردار تبریز پیش از ظهر امروز در مقابل خانه حزب ایران نوین در این شهرستان از آقای هویدا نخست‌وزیر که در راس یک هیات حزبی به تبریز آمده است تقاضا کرد ترتیب بدهیهای شهرداری تبریز داده شود.

بموجب گزارش خبرنگار ما در تبریز آقای نخست‌وزیر به آقای مجیدی وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه دستور داد ۵۸ میلیون تومان بدهی شهرداری تبریز بدولت و بخش خصوصی از طرف دولت و بصورت بلاعوض پرداخت شود.

مذاکرات همه جانبه ایران و لهستان آغاز شد

نخست وزیر ایران و لهستان عصر دیروز در مذاکراتی که اندکی پس از آغاز دیدار رسمی پنج روزه نخست‌وزیر لهستان از ایران بعمل آوردند، پیرامون مسائل مورد علاقه دو کشور تبادل‌نظر کردند و امکانات توسعه مناسبات فیمابین را بررسی کردند.

یاروشویچ عصر دیروز در راس یک هیات عالیرتبه لهستانی وارد تهران شد. وی در فرودگاه مهرآباد گفت که مذاکرات ایران و لهستان نه تنها بسود دو کشور است بلکه به سود ملل جهان در جهت همزیستی بین‌المللی است.

حمله عراقی‌ها به پاسگاههای مرزی ایران

به موجب گزارش‌های خبرنگاران ما از قصر شیرین از ساعت نه صبح روز ۵۳/۸/۱۹ عوامل مسلح عراقی از ارتفاعات مرزی آق‌داق و ارتفاعات شمال شرقی شهرستان قصر شیرین بسوی آبادی کریم‌آباد و پاسگاههای دربند جوغ و یکه‌شان و هدایت، با توپخانه و مسلسل آتش گشودند که پاسداران مرزی ایران به آتش توپخانه و مسلسل عوامل بعثی عراق پاسخ دادند. مقارن ساعت پانزده همانروز موفق شدند آتش توپخانه متجاوزین را خاموش سازند.

مشکل بی‌حقوق ماندن بازنشستگان حل شد

براساس روش جدید، برای برقراری حقوق بازنشستگی احتیاج به مکاتبات سازمان امور اداری و استخدامی نیست و هر وزارتخانه یا سازمان دولتی در زمان بازنشستگی کارمندان خود محاسبات مربوط به حقوق بازنشستگی آنان را راسا انجام میدهد و ادارات حسابداری نیز براساس حکم صادر شده توسط کارگزینی‌های وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی حقوق بازنشستگی کارمندان را پرداخت می‌کند.

با مقررات جدید کارمند از همان ماه اول بازنشسته می‌تواند حقوق زمان بازنشستگی خود را دریافت کند.

قاب امروز

مزرعه کدو ـ انگلیس / منبع: تلگراف

داستانک

دلقک

آن شب هیچ کس نخندید. حتی لبخند زورکی هم نزد. از شادی کف نزد. به وجد نیامد. از حرکات موزون بندبازها روی طناب باریک فریاد نزد. تعجب نکرد. از شیرین کاری‌های ژانگولرها خوشش نیامد. از نعره شیری که از حلقه آتش پرید نترسید.

از وحشت سرجایش میخکوب نشد. هیچ کس قلبش از هیجان زیاد از جا کنده نشد. موقع ترک سالن همه تماشاچیان غمگین بودند، سرهای همه پایین بود. آن شب دلقک سیرک در پرده اول برای تماشاچیان یک دل سیر گریه کرده بود.

سرایه

روزی گفتی شبی کنم دلشادت
وز بند غمان خود کنم آزادت
دیدی که از آن روز چه شب ها بگذشت
وز گفته خود هیچ نیامد یادت؟

سعدی

پند بزرگان

● دلاور آن کسی است که ترس را می شناسد اما بر ترس چیره می شود.

فریدریش ویلهلم نیچه

امروز در تاریخ

توصیه اسکندر مقدونی

۱۲ نوامبر سال ۳۲٤ پیش از میلاد اسکندر مقدونی تصمیم گرفت که بر جهانگشایی خود نقطه پایان بگذارد و به همراهانش توصیه کرد که با دختران بزرگان ایران ازدواج کنند تا ایرانیان آنان را بیگانه ندانند و پس از او از منطقه بیرون نیاندازند.

اندکی پس از این اندرز، نود تن از افسران و مقامات ارشد اسکندر با دختران بزرگان ایران ازدواج کردند. اسکندر مقدونی، خود با رُکسانا دختر ساتراپ (استاندار) بلخ = بَکتریا (واقع در افغانستان و تاجیکستان امروز) ازدواج کرد.

اسکندر که سال بعد (۳۲۳ پیش از میلاد) در ۳۲ سالگی در شهر بابل (واقع در جنوب غربی عراق امروز) درگذشت حملات خود را در سال ۳۳۳ پیش از میلاد به قلمرو ایران آغاز کرده بود. وی در سال ۳۳۰ پیش از میلاد تخت جمشید ـ شاهکار معماری قرون قدیم و مظهر تمدن و عظمت ایران باستان را ویران ساخت.

روزی که اصفهان بار دیگر پایتخت ایران شد

۱۲ نوامبر سال ۱۵۹۸ (۲۱ آبان) شهر اصفهان یک بار دیگر پایتخت ایران شد. شاه عباس یکم تصمیم به انتقال پایتخت از قزوین گرفته بود و کار این انتقال هفت سال طول کشید.

پیش از دوران سلطنت شاه عباس، اصفهان در سال ۹۳۱ میلادی به تصمیم «مرداویز» قهرمان ملی ایرانیان که سودای احیاء امپراتوری ایران با همه مراسم و آیین های باستانی اش را در سر داشت، پایتخت اعلام شده بود. وی نخستین مراسم «سده» پس از ساسانیان را در همین شهر برگزار کرد و سخن گفتن و نوشتن، جز به فارسی را ممنوع کرد. طغرل سلجوقی که در جریان تعرّض مسلّحانه به ایران نهم آگوست ۱۰۵۲ (۱۸ اَمرداد ٤۳۱) اصفهان را تصرف کرده بود این شهر را پایتخت خود اعلام کرد و اصفهان این عنوان را چند سال حفظ کرد.

انصراف دکتر مصدق از نخست وزیر شدن

مجلس شورای ملی در جلسه ۲۱ آبان سال ۱۳۲۳ خود به نخست وزیر شدن دکتر مصدق ابراز تمایل کرد. وی دو روز بعد با شاه ملاقات و شرایط خود را با او در میان گذارد که شاه این شرایط را نپذیرفت و دکتر مصدق هم از نخست وزیر شدن انصراف داد.

شاه هفت سال بعد زیر فشار ملت مجبور شد که با نخست‌وزیری دکتر مصدق موافقت کند.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن ۳۷۱۷

غلامحسین باغبان

پایتخت اتیوپی
نگین فیروزه‌ای کشور
بزرگ و سرور
آب ویرانگر
آتشگیره
ا
نوعی فولاد!
جنبش رگ
ن
واقف به رسم معاشرت
مخالف
ماهی ریز دریای خزر
روند، سیر
کیف
کلام پذیرفتن فرمان
رود خوزستان
بلندترین آبشار جهان
س
رادار
نشانی
کلمه پرسشی
مولف لغت‌نامه
کشور آمستردام
از عناصر
پرسش از مکان
شهری در بوشهر
ناشنوا
گونه‌ای آچار
راز
آرایش و زینت
بسیار کوچک
میوه گرمسیری
از گل‌های زینتی
نظریه
هر لحظه

حل ۳۷۱۶

سودوکو ۱۲۰۴

۱				۴	۶	۸		
۸	۲				۵		۴	۶
			۸					
	۱			۹				۲
۴								۳
۶				۸			۱	
					۳			
۳	۸		۹				۶	۴
		۴	۲	۷				۱

۲	۸	۶	۴	۷	۹	۵	۳	۱
۵	۳	۱	۲	۸	۶	۴	۷	۹
۴	۷	۹	۵	۳	۱	۲	۸	۶
۶	۲	۸	۹	۱	۴	۷	۵	۳
۷	۴	۵	۶	۲	۳	۹	۱	۸
۹	۱	۳	۸	۵	۷	۶	۲	۴
۳	۶	۲	۷	۹	۸	۱	۴	۵
۸	۵	۴	۱	۶	۲	۳	۹	۷
۱	۹	۷	۳	۴	۵	۸	۶	۲

حل ۱۲۰۳